



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

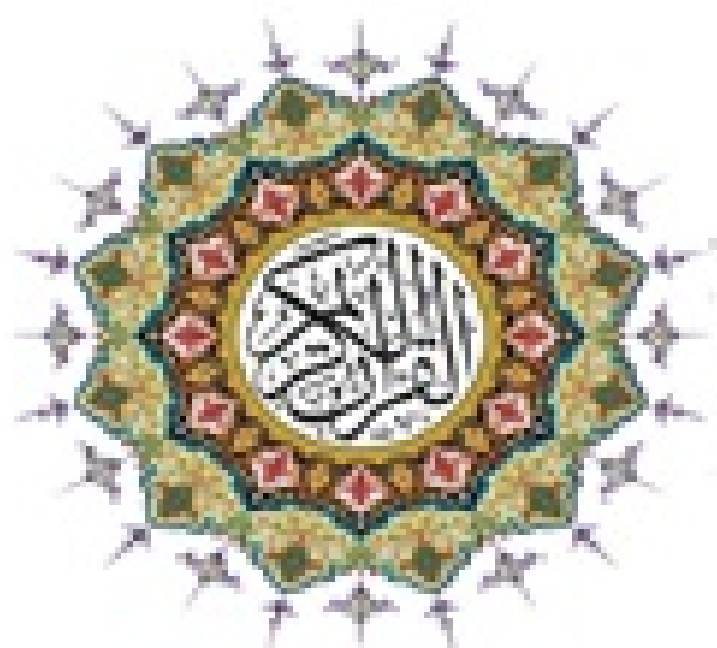
گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

علم مفاهیم شناسی در قرآن



جلد ۵۷

رسول ملکیان اصفهانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

علم مفاهيم شناسي در قرآن سري جديد جلد 57

نويسنده:

رسول ملكيان اصفهاني

ناشر چاپي:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۴۹	علم مفاهیم شناسی در قرآن سری جدید جلد ۵۷
۴۹	مشخصات کتاب
۴۹	۱- زیان
۴۹	۱- آثار زیان به مؤمنان
۴۹	۲- آثار زیان تجاوز
۴۹	۳- آثار زیان گناه
۵۰	۴- آرزوی زیان برای دشمنان دین
۵۱	۵- ابتلا به زیان جانی
۵۱	۶- ابتلا به زیان مالی
۵۱	۷- اعلان زیان بی دینی
۵۲	۸- امتحان با زیان جانی
۵۳	۹- امتحان با زیان مالی
۵۳	۱۰- اهمیت تشخیص زیان
۵۳	۱۱- اهمیت جبران زیان
۵۳	۱۲- اهمیت زیان اخروی
۵۵	۱۳- بدترین زیان
۵۵	۱۴- بزرگترین زیان
۵۵	۱۵- بشارت تجارت بی زیان
۵۷	۱۶- پیشگیری از زیان
۵۷	۱۷- ترس از زیان
۵۷	۱۸- جبران زیان
۵۷	۱۹- جبران زیان مالی مؤمنان
۵۸	۲۰- حرمت زیان به مؤمنان

- ۵۹ ۲۱- خدا و زیان
- ۵۹ ۲۲- دفع زیان
- ۵۹ ۲۳- دفع زیان از مشرکان
- ۶۰ ۲۴- دفع زیان در الوهیت
- ۶۱ ۲۵- دفع زیان معبود راستین
- ۶۱ ۲۶- دلایل زیان ناپذیری خدا
- ۶۲ ۲۷- روشنترین زیان
- ۶۳ ۲۸- زمینه زیان
- ۶۳ ۲۹- زمینه زیان به مؤمنان
- ۶۵ ۳۰- زمینه مصونیت از زیان
- ۶۵ ۳۱- زیان آخرت فروشی
- ۶۵ ۳۲- زیان اجتماعی زنا
- ۶۵ ۳۳- زیان اجتماعی کفر
- ۶۶ ۳۴- زیان احیای مردگان
- ۶۷ ۳۵- زیان اخروی
- ۶۷ ۳۶- زیان اخروی دوستی با بی تقوایان
- ۶۷ ۳۷- زیان اخروی مکذبان معاد
- ۶۹ ۳۸- زیان استمداد از معبودان باطل
- ۶۹ ۳۹- زیان اعراض از دین
- ۶۹ ۴۰- زیان اقتصادی دنیاطلبان
- ۷۰ ۴۱- زیان اقتصادی کافران
- ۷۱ ۴۲- زیان انسان ها
- ۷۱ ۴۳- زیان ایثار در غیر سبیل الله
- ۷۱ ۴۴- زیان با خدا
- ۷۱ ۴۵- زیان بت پرستی
- ۷۳ ۴۶- زیان بخل

- ۴۷- زیان بدعت ۷۳
- ۴۸- زیان بزرگ ۷۳
- ۴۹- زیان به خانواده ۷۴
- ۵۰- زیان به خدا ۷۵
- ۵۱- زیان به خود ۷۷
- ۵۲- زیان به خویش ۸۴
- ۵۳- زیان به خویشاوندان ۸۵
- ۵۴- زیان به دشمنان ۸۵
- ۵۵- زیان به دیگران ۸۵
- ۵۶- زیان به شتر صالح(ع) ۸۵
- ۵۷- زیان به گمراهان ۸۷
- ۵۸- زیان به گناهکاران ۸۷
- ۵۹- زیان به محصولات کشاورزی ۸۸
- ۶۰- زیان به محمد(صلی الله علیه و آله) ۸۹
- ۶۱- زیان به مسلمانان ۸۹
- ۶۲- زیان به مسلمانان ناشناخته مکه ۸۹
- ۶۳- زیان به مطلقه ۸۹
- ۶۴- زیان به معبود راستین ۹۱
- ۶۵- زیان به منافقان ۹۱
- ۶۶- زیان به والدین ۹۱
- ۶۷- زیان بی تقوایی ۹۱
- ۶۸- زیان ترک تبلیغ حق ۹۲
- ۶۹- زیان ترک تبلیغ صبر ۹۳
- ۷۰- زیان ترک جهاد ۹۳
- ۷۱- زیان ترک عمل صالح ۹۳
- ۷۲- زیان تعدد معبود ۹۵

- ۷۳- زیان تکبر - ۹۵
- ۷۴- زیان توطئه فرعون - ۹۵
- ۷۵- زیان جادو - ۹۵
- ۷۶- زیان جاودانگی در جهنم - ۹۷
- ۷۷- زیان جدایی از همسر - ۹۷
- ۷۸- زیان حق ناپذیری - ۹۷
- ۷۹- زیان حنث سوگند - ۹۷
- ۸۰- زیان خبر فاسق - ۹۸
- ۸۱- زیان خمر - ۹۹
- ۸۲- زیان خیانت - ۹۹
- ۸۳- زیان در بینش مکذبان معاد - ۹۹
- ۸۴- زیان دروغ - ۱۰۱
- ۸۵- زیان دزدی - ۱۰۱
- ۸۶- زیان دشمنان - ۱۰۱
- ۸۷- زیان دشمنان ادیان آسمانی - ۱۰۱
- ۸۸- زیان دشمنان اسلام - ۱۰۳
- ۸۹- زیان دنیاطلبی - ۱۰۳
- ۹۰- زیان دنیوی - ۱۰۳
- ۹۱- زیان دنیوی ظالمان - ۱۰۳
- ۹۲- زیان دنیوی منحرفان - ۱۰۵
- ۹۳- زیان دوستی با کافران - ۱۰۵
- ۹۴- زیان دین فروشی - ۱۰۵
- ۹۵- زیان رسانی بت ها - ۱۰۵
- ۹۶- زیان رسانی خدا - ۱۰۷
- ۹۷- زیان رسانی معبود راستین - ۱۰۷
- ۹۸- زیان رسانی معبودان باطل - ۱۰۷

- ۹۹- زیان رهبران کفر ۱۰۹
- ۱۰۰- زیان رهبران متکبر ۱۰۹
- ۱۰۱- زیان شرک ۱۰۹
- ۱۰۲- زیان عُجب ۱۱۱
- ۱۰۳- زیان عصیان از خدا ۱۱۱
- ۱۰۴- زیان عصیان از محمد(صلی الله علیه و آله) ۱۱۱
- ۱۰۵- زیان عصیانگران ۱۱۱
- ۱۰۶- زیان علوم غریبه ۱۱۳
- ۱۰۷- زیان عمل ۱۱۳
- ۱۰۸- زیان عمل ناپسند ۱۱۳
- ۱۰۹- زیان فردی زنا ۱۱۳
- ۱۱۰- زیان فرزند کشی ۱۱۴
- ۱۱۱- زیان قطع صله رحم ۱۱۵
- ۱۱۲- زیان کافران ۱۱۵
- ۱۱۳- زیان کشتزار قصه داود(ع) ۱۱۵
- ۱۱۴- زیان کشتزار قصه سلیمان(ع) ۱۱۷
- ۱۱۵- زیان کفر ۱۱۷
- ۱۱۶- زیان کفران نعمت ۱۱۹
- ۱۱۷- زیان کم فروشی ۱۲۱
- ۱۱۸- زیان گمراهی ۱۲۱
- ۱۱۹- زیان گناه ۱۲۳
- ۱۲۰- زیان گناهکاران ۱۲۵
- ۱۲۱- زیان مبارزه با رهبران دینی ۱۲۵
- ۱۲۲- زیان مجاهدان ۱۲۵
- ۱۲۳- زیان محرومیت از حمایت‌های خدا ۱۲۶
- ۱۲۴- زیان مکذبان آیات خدا ۱۲۷

۱۲۷	۱۲۵- زیان مکذبان انبیا
۱۲۷	۱۲۶- زیان مکذبان قیامت
۱۲۸	۱۲۷- زیان مکر
۱۲۹	۱۲۸- زیان منافقان
۱۲۹	۱۲۹- زیان ناپذیری خدا
۱۲۹	۱۳۰- زیان واقعی
۱۳۱	۱۳۱- شدت زیان اخروی
۱۳۱	۱۳۲- عالم به زیان
۱۳۱	۱۳۳- عوامل زیان
۱۴۴	۱۳۴- عوامل زیان اخروی
۱۴۷	۱۳۵- عوامل زیان به جامعه
۱۴۷	۱۳۶- عوامل زیان به عقل
۱۴۷	۱۳۷- عوامل زیان حق ناپذیران
۱۴۷	۱۳۸- عوامل زیان دنیوی
۱۴۹	۱۳۹- عوامل زیان ظالمان
۱۴۹	۱۴۰- عوامل زیان کافران
۱۴۹	۱۴۱- عوامل نجات از زیان
۱۵۰	۱۴۲- مراتب زیان
۱۵۱	۱۴۳- مصونیت از زیان اخروی
۱۵۳	۱۴۴- مصونیت از زیان دنیوی
۱۵۳	۱۴۵- معبود راستین و دفع زیان
۱۵۳	۱۴۶- معبودان باطل و تبدیل زیان
۱۵۳	۱۴۷- معبودان باطل و دفع زیان
۱۵۵	۱۴۸- ملاک تشخیص زیان
۱۵۵	۱۴۹- ملاک زیان
۱۵۷	۱۵۰- ملاکهای زیان

- ۱۵۱- منشأ زیان ----- ۱۵۷
- ۱۵۲- موارد زیان ----- ۱۶۱
- ۱۵۳- موانع تشخیص زیان ----- ۱۶۵
- ۱۵۴- موانع زیان ----- ۱۶۵
- ۱۵۵- موانع زیان به مسلمانان ----- ۱۶۷
- ۱۵۶- موجبات زیان ----- ۱۶۷
- ۱۵۷- موجبات زیان اخروی ----- ۱۶۸
- ۱۵۸- مؤمنان و زیان ----- ۱۶۹
- ۱۵۹- ناپسندی زیان رسانی به مردم ----- ۱۶۹
- ۱۶۰- نجات از زیان شرک ----- ۱۶۹
- ۱۶۱- نجات از زیان گناه ----- ۱۷۰
- ۱۶۲- نشانه های زیان ----- ۱۷۱
- ۱۶۳- نشانه های زیان اخروی ----- ۱۷۱
- ۱۶۴- نوح(ع) و نجات از زیان ----- ۱۷۱
- ۱۶۵- نهی از زیان به دیگران ----- ۱۷۲
- ۱۶۶- وضوح زیان شرک ----- ۱۷۳
- ۱۶۷- وضوح زیان کفر ----- ۱۷۳
- ۱۶۸- {زیانکاران} ----- ۱۷۳
- ۱۶۹- زیانکاران اخروی ----- ۱۸۱
- ۱۷۰- زیانکاران بنی اسرائیل ----- ۱۸۱
- ۱۷۱- زیانکاران در جهنم ----- ۱۸۲
- ۱۷۲- زیانکاران در قیامت ----- ۱۸۳
- ۱۷۳- فرجام زیانکاران ----- ۱۸۴
- ۱۷۴- کیفر اخروی زیانکاران ----- ۱۸۵
- ۱۷۵- محرومیت زیانکاران ----- ۱۸۵
- ۱۷۶- ملاک تشخیص زیانکاران ----- ۱۸۵

- ۱۷۷- زمينه زيانكاري قوم نوح ۱۸۵
- ۱۷۸- زيانكاري آدم(ع) ۱۸۷
- ۱۷۹- زيانكاري اخروي دنياطلبان ۱۸۷
- ۱۸۰- زيانكاري اخروي ظالمان ۱۸۷
- ۱۸۱- زيانكاري اخروي غافلان ۱۸۷
- ۱۸۲- زيانكاري اخروي كافران ۱۸۷
- ۱۸۳- زيانكاري اخروي گمراهان ۱۸۹
- ۱۸۴- زيانكاري اخروي گناهكاران ۱۹۰
- ۱۸۵- زيانكاري اخروي مانعان از سبيل الله ۱۹۱
- ۱۸۶- زيانكاري اخروي مرتدان ۱۹۱
- ۱۸۷- زيانكاري اخروي مشركان ۱۹۱
- ۱۸۸- زيانكاري اخروي مفتريان بر خدا ۱۹۱
- ۱۸۹- زيانكاري اخروي مكذبان آخرت ۱۹۳
- ۱۹۰- زيانكاري اخروي مكذبان معاد ۱۹۳
- ۱۹۱- زيانكاري انسان ۱۹۳
- ۱۹۲- زيانكاري اهل باطل ۱۹۵
- ۱۹۳- زيانكاري اهل عذاب ۱۹۵
- ۱۹۴- زيانكاري برادران يوسف ۱۹۵
- ۱۹۵- زيانكاري بني اسرائيل ۱۹۵
- ۱۹۶- زيانكاري ثروتمندان ۱۹۷
- ۱۹۷- زيانكاري ثروتمندان قوم نوح ۱۹۷
- ۱۹۸- زيانكاري جوامع عصيانگر ۱۹۷
- ۱۹۹- زيانكاري جهنميان ۱۹۷
- ۲۰۰- زيانكاري حزب شيطان ۱۹۹
- ۲۰۱- زيانكاري حق ناپذيران ۱۹۹
- ۲۰۲- زيانكاري حوا ۱۹۹

۱۹۹	۲۰۳- زیانکاری دنیوی کافران
۲۰۱	۲۰۴- زیانکاری فاسقان
۲۰۱	۲۰۵- زیانکاری قابیل
۲۰۱	۲۰۶- زیانکاری قدرتمندان قوم نوح
۲۰۱	۲۰۷- زیانکاری قوم ابراهیم
۲۰۳	۲۰۸- زیانکاری قوم ثمود
۲۰۳	۲۰۹- زیانکاری کافران
۲۰۷	۲۱۰- زیانکاری گمراهان
۲۰۷	۲۱۱- زیانکاری گناهکاران
۲۰۹	۲۱۲- زیانکاری مخالفان انبیا
۲۰۹	۲۱۳- زیانکاری مرتدان
۲۰۹	۲۱۴- زیانکاری مشرکان
۲۱۱	۲۱۵- زیانکاری مکذبان آیات خدا
۲۱۳	۲۱۶- زیانکاری مکذبان قرآن
۲۱۳	۲۱۷- زیانکاری مکذبان قیامت
۲۱۳	۲۱۸- زیانکاری مکذبان لقاءالله
۲۱۴	۲۱۹- زیانکاری مکذبان معاد
۲۱۵	۲۲۰- زیانکاری منافقان
۲۱۵	۲۲۱- زیانکاری مؤمنان به باطل
۲۱۶	۲۲۲- زیانکاری یهود
۲۱۷	۲۲۳- عوامل زیانکاری
۲۱۸	۲۲۴- عوامل زیانکاری خانواده ظالمان
۲۱۹	۲۲۵- عوامل زیانکاری ظالمان
۲۱۹	۲۲۶- عوامل زیانکاری مشرکان
۲۱۹	۲۲۷- موارد زیانکاری
۲۱۹	۲۲۸- موانع زیانکاری

- ۲۲۹- مؤمنان و زیانکاری ۲۲۱
- ۲۳۰- نشانه های زیانکاری کافران ۲۲۱
- ۲۳۱- نشانه های زیانکاری مشرکان ۲۲۱
- ۲- زیتون ۲۲۲
- ۱- آثار ذکر رویش درخت زیتون ۲۲۲
- ۲- ارزش زیتون ۲۲۲
- ۳- اهمیت زیتون ۲۲۲
- ۴- باغ زیتون ۲۲۴
- ۵- برکت درخت زیتون ۲۲۴
- ۶- پیدایش درخت زیتون ۲۲۴
- ۷- تعقل در درخت زیتون ۲۲۴
- ۸- خالق زیتون ۲۲۶
- ۹- خورشت زیتون ۲۲۶
- ۱۰- درختان زیتون ۲۲۷
- ۱۱- رویاننده درخت زیتون ۲۲۸
- ۱۲- رویش درخت زیتون ۲۲۸
- ۱۳- رویش درختان زیتون در کوه طور ۲۲۸
- ۱۴- زمینه رشد درخت زیتون ۲۲۸
- ۱۵- سوگند به زیتون ۲۳۰
- ۱۶- عوامل ثمردهی درخت زیتون ۲۳۰
- ۱۷- فلسفه سوگند به زیتون ۲۳۰
- ۱۸- فواید زیتون ۲۳۱
- ۱۹- مراد از زیتون ۲۳۲
- ۲۰- منشأ رویش درخت زیتون ۲۳۲
- ۲۱- نعمت زیتون ۲۳۲
- ۳- زیرکی ۲۳۴

- ۱- آثار زیرکی ۲۳۴
- ۲- اهمیت زیرکی ۲۳۴
- ۳- اهمیت زیرکی رهبری ۲۳۸
- ۴- اهمیت زیرکی قاضی ۲۳۸
- ۵- زیرکی جادوگران فرعون ۲۳۸
- ۶- زیرکی در جنگ ۲۴۰
- ۷- زیرکی رهبری ۲۴۰
- ۸- زیرکی زلیخا ۲۴۱
- ۹- زیرکی قاضی ۲۴۲
- ۱۰- زیرکی مؤمنان ۲۴۲
- ۱۱- زیرکی و تقوا ۲۴۲
- ۱۲- منافقان و زیرکی ۲۴۲
- ۴- زینت ۲۴۴
- ۱- آثار زینت ۲۴۴
- ۲- آثار زینت با طلا ۲۴۴
- ۳- آثار زینت طلبی ۲۴۴
- ۴- ابزار زینت ۲۴۵
- ۵- اجتناب از زینت ۲۴۵
- ۶- اجتناب از زینت طلبی ۲۴۵
- ۷- احکام زینت ۲۴۵
- ۸- احکام زینت زن ۲۴۶
- ۹- استخراج زینت های دریایی ۲۴۷
- ۱۰- استفاده از زینت ۲۴۷
- ۱۱- استفاده از زینت ها ۲۴۷
- ۱۲- استفاده از زینت های دریایی ۲۴۹
- ۱۳- اسراف در زینت ۲۴۹

- ۱۴- اهمیت زینت ۲۴۹
- ۱۵- بهترین زینت ۲۵۱
- ۱۶- بی رغبتی به زینت ۲۵۱
- ۱۷- پوشش زینت زن ۲۵۱
- ۱۸- پوشش محل زینت زن ۲۵۲
- ۱۹- تبیین احکام زینت ۲۵۳
- ۲۰- تحریم زینت ۲۵۳
- ۲۱- تحریم زینت دنیوی ۲۵۳
- ۲۲- حرمت اظهار زینت زن ۲۵۵
- ۲۳- حلیت زینت ۲۵۵
- ۲۴- زینت آسمان ۲۵۵
- ۲۵- زینت آسمان اول ۲۵۷
- ۲۶- زینت اخروی ۲۵۷
- ۲۷- زینت بودن اسب ۲۵۷
- ۲۸- زینت بودن استر ۲۵۷
- ۲۹- زینت بودن الاغ ۲۵۹
- ۳۰- زینت پیرزن ۲۵۹
- ۳۱- زینت خدمتکاران بهشت ۲۵۹
- ۳۲- زینت در برابر نامحرم ۲۶۰
- ۳۳- زینت در عبادت ۲۶۱
- ۳۴- زینت در مسجد ۲۶۱
- ۳۵- زینت در نماز ۲۶۱
- ۳۶- زینت دنیوی ۲۶۳
- ۳۷- زینت زن ۲۶۳
- ۳۸- زینت زندگی دنیوی ۲۶۳
- ۳۹- زینت طلبی در جوانی ۲۶۳

- ۴۰- زینت فرزند ۲۶۵
- ۴۱- زینت مال ۲۶۵
- ۴۲- زینت مرد ۲۶۵
- ۴۳- زینت مصریان باستان ۲۶۵
- ۴۴- زینت مطلقه ۲۶۷
- ۴۵- زینت های دریایی ۲۶۷
- ۴۶- زینت های دنیوی ۲۶۷
- ۴۷- زینت های زمین ۲۶۷
- ۴۸- علاقه به زینت ۲۶۹
- ۴۹- فلسفه خلقت زینت ها ۲۶۹
- ۵۰- مبدأ زینت ها ۲۶۹
- ۵۱- محرومیت از زینت اخروی ۲۶۹
- ۵۲- مراد از زینت ظاهری ۲۷۱
- ۵۳- موارد جواز اظهار زینت ۲۷۱
- ۵۴- موارد جواز اظهار زینت زن ۲۷۱
- ۵۵- ناپایداری زینت های دنیوی ۲۷۳
- ۵۶- نیاز به زینت ۲۷۳
- ۵۷- آثار زینت طلبی ۲۷۳
- ۵۸- اجتناب از زینت طلبی ۲۷۳
- ۵۹- زینت طلبی در جوانی ۲۷۵
- ۶۰- استفاده از زینت ها ۲۷۵
- ۶۱- فلسفه خلقت زینت ها ۲۷۶
- ۶۲- مبدأ زینت ها ۲۷۷
- ۶۳- زیورآلات ۲۷۷
- ۶۴- استفاده از زیورآلات دریایی ۲۷۷
- ۶۵- دوراندازی زیورآلات بنی اسرائیل ۲۷۸

۲۷۹	۶۶- دوران‌اندازی زیورآلات سامری
۲۸۰	۶۷- روش ساخت زیورآلات
۲۸۱	۶۸- زیورآلات بنی اسرائیل
۲۸۱	۶۹- زیورآلات دریایی
۲۸۲	۷۰- زیورآلات فرعونیان
۲۸۳	۷۱- زیورآلات مباح
۲۸۴	۷۲- علاقه به زیورآلات
۲۸۵	۷۳- گرایش به زیورآلات
۲۸۶	۵- زیبایی
۲۸۶	۱- آثار زیبایی
۲۸۶	۲- آثار زیبایی آفرینش
۲۸۶	۳- آثار زیبایی‌ها
۲۸۶	۴- آثار مطالعه زیبایی آسمان
۲۸۸	۵- ابزار زیبایی
۲۸۸	۶- ارزش زیبایی
۲۸۹	۷- ارزش زیبایی همسر
۲۹۰	۸- استفاده از زیبایی‌های آفرینش
۲۹۰	۹- امتحان با زیبایی
۲۹۰	۱۰- اهمیت ذکر زیبایی آفرینش
۲۹۲	۱۱- اهمیت زیبایی
۲۹۲	۱۲- اهمیت زیبایی طلبی
۲۹۲	۱۳- تحلیل زیبایی عمل
۲۹۲	۱۴- جایگاه درک زیبایی ایمان
۲۹۴	۱۵- زیبایی آسمان
۲۹۴	۱۶- زیبایی آفرینش
۲۹۷	۱۷- زیبایی انسان

- ۱۸- زیبایی بازگشت چهارپایان از چراگاه ۲۹۸
- ۱۹- زیبایی باغ ها ۳۰۰
- ۲۰- زیبایی بهشت ۳۰۰
- ۲۱- زیبایی پادشاهای خدا ۳۰۰
- ۲۲- زیبایی پستی های بهشت ۳۰۰
- ۲۳- زیبایی تاکستان ۳۰۲
- ۲۴- زیبایی تدبیر آفرینش ۳۰۲
- ۲۵- زیبایی جامه های بهشت ۳۰۲
- ۲۶- زیبایی جوشش چشمه های بهشت ۳۰۴
- ۲۷- زیبایی چشم زن ۳۰۴
- ۲۸- زیبایی حورالعین ۳۰۵
- ۲۹- زیبایی خدا ۳۰۸
- ۳۰- زیبایی خدمتکاران بهشت ۳۰۸
- ۳۱- زیبایی خلقت انسان ۳۱۰
- ۳۲- زیبایی درختان انار بهشت ۳۱۰
- ۳۳- زیبایی رفتن چهارپایان به چراگاه ۳۱۰
- ۳۴- زیبایی رنگ سبز ۳۱۱
- ۳۵- زیبایی زن ۳۱۲
- ۳۶- زیبایی زندگی کافران ۳۱۲
- ۳۷- زیبایی ستارگان ۳۱۳
- ۳۸- زیبایی صبح ۳۱۴
- ۳۹- زیبایی صورت ابرار ۳۱۴
- ۴۰- زیبایی طبیعت اقوام پیشین ۳۱۴
- ۴۱- زیبایی طلبی انسان ۳۱۴
- ۴۲- زیبایی طلبی در آخرت ۳۱۶
- ۴۳- زیبایی طلوع ستارگان ۳۱۶

- ۳۱۸ ----- ۴۴- زیبایی عجله اخروی مؤمنان
- ۳۱۸ ----- ۴۵- زیبایی غروب ستارگان
- ۳۱۸ ----- ۴۶- زیبایی فرشهای بهشت
- ۳۱۸ ----- ۴۷- زیبایی قرآن
- ۳۲۰ ----- ۴۸- زیبایی قصه یوسف(ع)
- ۳۲۰ ----- ۴۹- زیبایی کشتزار ها
- ۳۲۱ ----- ۵۰- زیبایی گیاهان
- ۳۲۲ ----- ۵۱- زیبایی لباس بهشتیان
- ۳۲۲ ----- ۵۲- زیبایی لباس حریر بهشتیان
- ۳۲۲ ----- ۵۳- زیبایی مرجان ها
- ۳۲۴ ----- ۵۴- زیبایی مروارید ها
- ۳۲۴ ----- ۵۵- زیبایی معجزه موسی(ع)
- ۳۲۴ ----- ۵۶- زیبایی ملائکه
- ۳۲۴ ----- ۵۷- زیبایی منافقان
- ۳۲۵ ----- ۵۸- زیبایی موجودات
- ۳۲۶ ----- ۵۹- زیبایی مؤمنان
- ۳۲۶ ----- ۶۰- زیبایی نخلستان
- ۳۲۶ ----- ۶۱- زیبایی نخلستانهای بهشت
- ۳۲۸ ----- ۶۲- زیبایی نعمت های اخروی
- ۳۲۸ ----- ۶۳- زیبایی نورانیت اخروی مؤمنان
- ۳۲۸ ----- ۶۴- زیبایی نهر های آب
- ۳۲۹ ----- ۶۵- زیبایی همسران بهشتی
- ۳۳۲ ----- ۶۶- زیبایی یوسف(ع)
- ۳۳۳ ----- ۶۷- علاقه به زیبایی
- ۳۳۴ ----- ۶۸- فلسفه زیبایی آسمان
- ۳۳۴ ----- ۶۹- گرایش به زیبایی

- ۳۳۸ ----- ۷۰- مطالعه زیبایی آسمان
- ۳۳۸ ----- ۷۱- منشأ زیبایی
- ۳۴۴ ----- ۷۲- منشأ زیبایی آسمان
- ۳۴۵ ----- ۷۳- منشأ زیبایی آفرینش
- ۳۴۶ ----- ۷۴- منشأ زیبایی انسان
- ۳۴۶ ----- ۷۵- منشأ زیبایی زمین
- ۳۴۶ ----- ۷۶- منشأ زیبایی گیاهان
- ۳۴۶ ----- ۷۷- نشانه های زیبایی آفرینش
- ۳۴۸ ----- ۷۸- نشانه های زیبایی زمین
- ۳۴۸ ----- ۷۹- نقش زیبایی ها
- ۳۴۸ ----- ۸۰- جاودانگی زیباطلبی انسان
- ۳۵۰ ----- ۸۱- زیباطلبی انسان
- ۳۵۴ ----- ۸۲- زیباطلبی جن
- ۳۵۴ ----- ۸۳- فطرت زیباطلبی
- ۳۵۴ ----- ۸۴- زیبارویان در قیامت
- ۳۵۴ ----- ۸۵- سرور اخروی زیبارویان
- ۳۵۶ ----- ۸۶- نشاط اخروی زیبارویان
- ۳۵۶ ----- ۸۷- اهمیت زیبایی طلبی
- ۳۵۶ ----- ۸۸- زیبایی طلبی انسان
- ۳۵۸ ----- ۸۹- زیبایی طلبی در آخرت
- ۳۵۸ ----- ۹۰- آثار زیبایی ها
- ۳۵۸ ----- ۹۱- نقش زیبایی ها
- ۳۶۰ ----- ۶- زینب بنت جحش
- ۳۶۰ ----- ۱- ازدواج زینب بنت جحش
- ۳۶۲ ----- ۲- زید بن حارثه و زینب بنت جحش
- ۳۶۲ ----- ۳- طلاق زینب بنت جحش

- ۴- محمد(صلی الله علیه و آله) و زینب بنت جحش ۳۶۳
- ۷- ساجدان ۳۶۵
- ۱- ساجدان ۳۶۵
- ۲- تنزیه ساجدان ۳۶۵
- ۳- ساجدان و تکبر ۳۶۵
- ۴- ساجدان و سرمستی ۳۶۶
- ۵- ساجدان و لہو ۳۶۶
- ۶- فضایل ساجدان ۳۶۶
- ۷- مراد از ساجدان ۳۶۶
- ۸- ساختمان سازی ۳۶۹
- ۱- ساختمان سازی جن ۳۶۹
- ۲- ساختمان سازی در دوران ذوالقرنین ۳۶۹
- ۳- ساختمان سازی در دوران سلیمان(ع) ۳۶۹
- ۹- ساره ۳۷۱
- ۱- اطمینان ساره ۳۷۱
- ۲- بارداری ساره ۳۷۱
- ۳- بشارت به ساره ۳۷۱
- ۴- پسر ساره ۳۷۳
- ۵- پیری ساره ۳۷۳
- ۶- تعجب ساره ۳۷۴
- ۷- حیض ساره ۳۷۵
- ۸- رفع ترس ساره ۳۷۵
- ۹- ساره در مجلس ملائکہ ۳۷۷
- ۱۰- ساره و تحقق مشیت خدا ۳۷۷
- ۱۱- ساره و ملائکہ ۳۷۷
- ۱۲- ساره و هلاکت قوم لوط ۳۷۹

- ۱۳- ساره هنگام بشارت ملائکه ۳۷۹
- ۱۴- ساره هنگام تولد یعقوب(ع) ۳۷۹
- ۱۵- سخاوت ساره ۳۷۹
- ۱۶- سیلی ساره ۳۸۱
- ۱۷- شک ساره ۳۸۱
- ۱۸- عقیمی ساره ۳۸۱
- ۱۹- عوامل سرور ساره ۳۸۱
- ۲۰- فریاد ساره ۳۸۳
- ۲۱- فضایل ساره ۳۸۳
- ۲۲- گفتگوی ساره با ملائکه ۳۸۴
- ۲۳- مدت عمر ساره ۳۸۵
- ۲۴- مکان سکونت ساره ۳۸۵
- ۲۵- ملائکه و ساره ۳۸۵
- ۲۶- منشأ فرزندی ساره ۳۸۷
- ۲۷- مهمان نوازی ساره ۳۸۷
- ۲۸- نوه ساره ۳۸۷
- ۱۰- سازش ۳۸۹
- ۱- آثار سازش با کافران ۳۸۹
- ۲- آثار سازش محمد(صلی الله علیه و آله) ۳۸۹
- ۳- اجتناب از سازش با کافران ۳۸۹
- ۴- درخواست سازش ۳۹۱
- ۵- زمینه ترک سازش ۳۹۱
- ۶- زمینه سازش ۳۹۱
- ۷- زمینه سازش با کافران ۳۹۲
- ۸- زمینه سازش با گناهکاران ۳۹۲
- ۹- زمینه سازش کافران ۳۹۲

- ۳۹۳ ۱۰- سازش با کافران
- ۳۹۵ ۱۱- سازش با هواپرستان
- ۳۹۵ ۱۲- سازش در عقیده
- ۳۹۵ ۱۳- سازش رهبران دینی
- ۳۹۵ ۱۴- سازش کافران
- ۳۹۷ ۱۵- سازش ممنوع
- ۳۹۷ ۱۶- سازش منافقان
- ۳۹۷ ۱۷- سازش ناپذیری رهبران دینی
- ۳۹۷ ۱۸- سازش ناپذیری رهبری دینی
- ۳۹۹ ۱۹- سازش ناپذیری محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۳۹۹ ۲۰- سرزنش سازش با کافران
- ۳۹۹ ۲۱- سرزنش سازش با متجاوزان
- ۳۹۹ ۲۲- ظلم سازش در دین
- ۴۰۱ ۲۳- علاقه به سازش محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۴۰۱ ۲۴- عوامل سازش
- ۴۰۱ ۲۵- ممنوعیت سازش با کافران
- ۴۰۲ ۲۶- ممنوعیت سازش در عقیده
- ۴۰۳ ۲۷- نهی از سازش
- ۴۰۴ ۱۱- سازماندهی
- ۴۰۴ ۱- سازماندهی
- ۴۰۴ ۲- اهمیت سازماندهی
- ۴۰۶ ۳- سازماندهی اطلاعات
- ۴۰۶ ۴- سازماندهی در جنگ
- ۴۰۶ ۵- سازماندهی عیسی(ع)
- ۴۰۷ ۶- سازماندهی مشرکان
- ۴۰۹ ۱۲- سال

- ۴۰۹ ۱- آثار تغییر فصل های سال
- ۴۰۹ ۲- اول ماه صفر سال دهم
- ۴۰۹ ۳- پیدایش سال شمسی
- ۴۱۱ ۴- پیدایش سال قمری
- ۴۱۱ ۵- تعداد امتحان در سال
- ۴۱۱ ۶- تعداد ماههای سال
- ۴۱۳ ۷- تغییر فصل های سال
- ۴۱۳ ۸- تغییر فصلهای سال
- ۴۱۳ ۹- مبدأ سال در دوران شعیب(ع)
- ۴۱۵ ۱۰- مسلمانان در سال نهم هجری
- ۴۱۵ ۱۱- منشأ پیدایش فصل های سال
- ۴۱۵ ۱۲- منشأ تغییر فصل های سال
- ۴۱۶ ۱۳- نقش سال و ماه
- ۴۱۷ ۱۴- وقایع سال نهم هجری
- ۴۱۷ ۱۵- تعداد ماههای سال
- ۴۱۷ ۱۶- تغییر فصلهای سال
- ۴۱۹ ۱۷- قدمت ماههای دوازده گانه
- ۴۱۹ ۱۸- نقش سال و ماه
- ۴۱۹ ۱۹- ابزار سالشماری
- ۴۲۱ ۱۳- سالکان
- ۴۲۱ ۱- استهزای سالکان
- ۴۲۱ ۲- اطاعت از سالکان راه خدا
- ۴۲۱ ۳- تقرب سالکان
- ۴۲۲ ۴- رستگاری سالکان
- ۴۲۲ ۵- سالکان صراط مستقیم
- ۴۲۴ ۶- کینه با سالکان

- ۴۲۴ ۷- ویژگیهای سالکان
- ۴۲۵ ۱۴- سامری
- ۴۲۵ ۱- آثار ارتداد سامری
- ۴۲۵ ۲- آثار پیروی از سامری
- ۴۲۵ ۳- آثار هواپرستی سامری
- ۴۲۶ ۴- ابزار اضلال سامری
- ۴۲۶ ۵- ادعاهای سامری
- ۴۲۶ ۶- اضلال سامری
- ۴۲۸ ۷- اعراض از سامری
- ۴۲۹ ۸- اقرار سامری
- ۴۳۰ ۹- القای گوساله سامری در دریا
- ۴۳۰ ۱۰- امتحان با گوساله سامری
- ۴۳۱ ۱۱- انگیزه مجسمه سازی سامری
- ۴۳۲ ۱۲- بینهش پیروان سامری
- ۴۳۲ ۱۳- بینهش سامری
- ۴۳۲ ۱۴- پیروان سامری
- ۴۳۳ ۱۵- تبعید سامری
- ۴۳۴ ۱۶- تهمتهای پیروان سامری
- ۴۳۴ ۱۷- تهمتهای سامری
- ۴۳۵ ۱۸- جنس گوساله سامری
- ۴۳۶ ۱۹- جنسیت گوساله سامری
- ۴۳۶ ۲۰- حتمیت کیفر اخروی سامری
- ۴۳۶ ۲۱- دروغگویی پیروان سامری
- ۴۳۸ ۲۲- دروغگویی سامری
- ۴۳۸ ۲۳- دوراندازی زیورآلات سامری
- ۴۳۸ ۲۴- روانشناسی سامری

- ۴۳۹ ۲۵- روش تبلیغ سامری
- ۴۴۰ ۲۶- روش نابودی گوساله سامری
- ۴۴۰ ۲۷- سوءاستفاده سامری
- ۴۴۰ ۲۸- سوزاندن گوساله سامری
- ۴۴۲ ۲۹- شخصیت سامری
- ۴۴۲ ۳۰- صدای گوساله سامری
- ۴۴۴ ۳۱- طرد سامری
- ۴۴۴ ۳۲- عجز گوساله سامری
- ۴۴۵ ۳۳- علم سامری
- ۴۴۶ ۳۴- غفلت سامری
- ۴۴۶ ۳۵- فضایل سامری
- ۴۴۶ ۳۶- فلسفه نابودی گوساله سامری
- ۴۴۸ ۳۷- قصه سامری
- ۴۵۰ ۳۸- قطع رابطه با سامری
- ۴۵۲ ۳۹- کفران سامری
- ۴۵۲ ۴۰- کیفر دنیوی سامری
- ۴۵۲ ۴۱- کیفر سامری
- ۴۵۲ ۴۲- گوساله پرستی سامری
- ۴۵۴ ۴۳- گوساله سامری
- ۴۵۴ ۴۴- مجسمه سازی سامری
- ۴۵۵ ۴۵- محافظت از گوساله سامری
- ۴۵۶ ۴۶- محاکمه سامری
- ۴۵۶ ۴۷- منشأ علم سامری
- ۴۵۶ ۴۸- مواخذه سامری
- ۴۵۸ ۴۹- موسی(ع) و گوساله سامری
- ۴۵۸ ۵۰- مهارت سامری

- ۴۶۰ ۵۱- نابودی گوساله سامری
- ۴۶۰ ۵۲- نفرین بر سامری
- ۴۶۰ ۵۳- نقش سامری
- ۴۶۲ ۵۴- نقش صدای گوساله سامری
- ۴۶۲ ۵۵- نقش گوساله سامری
- ۴۶۲ ۵۶- هزینه گوساله سامری
- ۴۶۳ ۱۵- سایه
- ۴۶۳ ۱- آثار انقیاد سایه ها
- ۴۶۳ ۲- آثار خضوع سایه ها
- ۴۶۳ ۳- ارزش سایه ها
- ۴۶۳ ۴- استراحت در سایه
- ۴۶۵ ۵- استراحت در سایه درختان سدر
- ۴۶۵ ۶- انقیاد سایه
- ۴۶۵ ۷- انقیاد سایه ها
- ۴۶۵ ۸- بی تأثیری سایه های جهنم
- ۴۶۷ ۹- تشبیه به سایه
- ۴۶۷ ۱۰- تعقل در سایه ها
- ۴۶۷ ۱۱- جاودانگی سایه های بهشت
- ۴۶۷ ۱۲- حرارت سایه های جهنم
- ۴۶۸ ۱۳- خضوع سایه در صبح
- ۴۶۹ ۱۴- خضوع سایه در عصر
- ۴۶۹ ۱۵- خضوع سایه ها
- ۴۶۹ ۱۶- خلقت سایه دار
- ۴۷۰ ۱۷- خلقت موجودات سایه دار
- ۴۷۱ ۱۸- دعوت به مطالعه گردش سایه ها
- ۴۷۱ ۱۹- سایه ابر

- ۴۷۱ ۲۰- سایه ابر بر بنی اسرائیل
- ۴۷۳ ۲۱- سایه بانهای اصحاب ایکه
- ۴۷۳ ۲۲- سایه بر بنی اسرائیل
- ۴۷۴ ۲۳- سایه در بهشت
- ۴۷۵ ۲۴- سایه های بهشت
- ۴۷۷ ۲۵- سایه های جهنم
- ۴۷۷ ۲۶- سجده سایه
- ۴۷۷ ۲۷- سجده سایه ها
- ۴۷۸ ۲۸- گردش سایه ها
- ۴۷۹ ۲۹- مراد از سایه
- ۴۷۹ ۳۰- منشأ امتداد سایه ها
- ۴۸۰ ۳۱- منشأ توقف سایه ها
- ۴۸۱ ۳۲- منشأ حرکت سایه ها
- ۴۸۱ ۳۳- منشأ کاهش سایه ها
- ۴۸۲ ۳۴- منشأ گردش سایه ها
- ۴۸۳ ۳۵- موجودات بی سایه
- ۴۸۳ ۳۶- نشانه امتداد سایه ها
- ۴۸۳ ۳۷- نشانه حرکت سایه ها
- ۴۸۳ ۳۸- نعمت امتداد سایه ها
- ۴۸۵ ۳۹- نعمت حرکت سایه ها
- ۴۸۵ ۴۰- نعمت سایه
- ۴۸۵ ۴۱- نعمت کاهش سایه ها
- ۴۸۵ ۴۲- نقش امتداد سایه ها
- ۴۸۷ ۴۳- ویژگیهای سایه های جهنم
- ۴۸۷ ۴۴- آثار انقیاد سایه ها
- ۴۸۷ ۴۵- آثار خضوع سایه ها

- ۴۶- ارزش سایه ها ۴۸۷
- ۴۷- انقیاد سایه ها ۴۸۹
- ۴۸- تعقل در سایه ها ۴۸۹
- ۴۹- خضوع سایه ها ۴۸۹
- ۵۰- دعوت به مطالعه گردش سایه ها ۴۸۹
- ۵۱- سجده سایه ها ۴۹۱
- ۵۲- گردش سایه ها ۴۹۱
- ۵۳- منشأ امتداد سایه ها ۴۹۱
- ۵۴- منشأ توقف سایه ها ۴۹۳
- ۵۵- منشأ حرکت سایه ها ۴۹۳
- ۵۶- منشأ کاهش سایه ها ۴۹۳
- ۵۷- منشأ گردش سایه ها ۴۹۵
- ۵۸- نشانه امتداد سایه ها ۴۹۵
- ۵۹- نشانه حرکت سایه ها ۴۹۵
- ۶۰- نعمت امتداد سایه ها ۴۹۵
- ۶۱- نعمت حرکت سایه ها ۴۹۶
- ۶۲- نعمت کاهش سایه ها ۴۹۷
- ۶۳- نقش امتداد سایه ها ۴۹۷
- ۱۶- سائبه ۴۹۸
- ۱- احکام سائبه ۴۹۸
- ۱۷- سائحان ۵۰۰
- ۱- مراد از سائحان ۵۰۰
- ۱۸- سائلان ۵۰۱
- ۱- اطعام به سائلان ۵۰۱
- ۲- تأمین سائلان ۵۰۱
- ۱۹- سبزیجات ۵۰۲

- ۱- آثار ذکر رویش سبزیجات ۵۰۲
- ۲- بنی اسرائیل و در خواست سبزیجات ۵۰۲
- ۳- خالق سبزیجات ۵۰۲
- ۴- منشأ رویش سبزیجات ۵۰۳
- ۵- نعمت رویش سبزیجات ۵۰۳
- ۶- نقش سبزیجات خوشبو ۵۰۳
- ۷- نیاز به تنوع سبزیجات ۵۰۴
- ۲۰- سبیل الله ۵۰۶
- ۱- سبیل الله ۵۰۶
- ۲- آثار اعراض از سبیل الله ۵۱۲
- ۳- آثار بدنمایی سبیل الله ۵۱۳
- ۴- آثار سلوک سبیل الله ۵۱۴
- ۵- آثار صدر از سبیل الله ۵۱۴
- ۶- آثار ممانعت از سبیل الله ۵۱۴
- ۷- ارزش سبیل الله ۵۱۶
- ۸- استهزای سبیل الله ۵۲۰
- ۹- اعتدال سبیل الله ۵۲۰
- ۱۰- اعراض از سبیل الله ۵۲۰
- ۱۱- افساد مانعان از سبیل الله ۵۲۱
- ۱۲- اهمیت تقویت سبیل الله ۵۲۲
- ۱۳- اهمیت سبیل الله ۵۲۲
- ۱۴- بد نمایاندن سبیل الله ۵۲۴
- ۱۵- بدنمایی سبیل الله ۵۲۴
- ۱۶- تحسین ممانعت از سبیل الله ۵۲۵
- ۱۷- ترک سبیل الله ۵۲۶
- ۱۸- تشویق به سلوک سبیل الله ۵۲۶

- ۱۹- تنزیه سبیل الله ۵۲۶
- ۲۰- حرکت در سبیل الله ۵۲۶
- ۲۱- حسن فرجام سبیل الله ۵۲۸
- ۲۲- حقانیت سبیل الله ۵۲۸
- ۲۳- دعوت به سبیل الله ۵۲۸
- ۲۴- رد عذر معرضان از سبیل الله ۵۳۰
- ۲۵- زمینه گرایش به سبیل الله ۵۳۰
- ۲۶- زمینه ممانعت از سبیل الله ۵۳۰
- ۲۷- زیان ایثار در غیر سبیل الله ۵۳۲
- ۲۸- زیانکاری اخروی مانعان از سبیل الله ۵۳۲
- ۲۹- سبیل الله و شیطان ۵۳۲
- ۳۰- سبیل الله و طاغوت ۵۳۴
- ۳۱- سختی سبیل الله ۵۳۴
- ۳۲- سدّ از سبیل الله ۵۳۴
- ۳۳- شرک و سبیل الله ۵۳۵
- ۳۴- شیطنت مانعان از سبیل الله ۵۳۶
- ۳۵- صدّ از سبیل الله ۵۳۶
- ۳۶- ظلم بدنمایی سبیل الله ۵۳۹
- ۳۷- ظلم صدّ از سبیل الله ۵۴۰
- ۳۸- ظلم مانعان از سبیل الله ۵۴۰
- ۳۹- ظلم معرضان از سبیل الله ۵۴۰
- ۴۰- عذاب اخروی ممانعت از سبیل الله ۵۴۱
- ۴۱- عذاب دنیوی مانعان از سبیل الله ۵۴۲
- ۴۲- عذاب دنیوی منحرف کنندگان سبیل الله ۵۴۲
- ۴۳- عذاب مانعان از سبیل الله ۵۴۲
- ۴۴- عذاب مضاعف مانعان از سبیل الله ۵۴۲

- ۴۵- عوامل دوری از سبیل الله ۵۴۴
- ۴۶- عوامل ممانعت از سبیل الله ۵۴۴
- ۴۷- فرصت سلوک سبیل الله ۵۴۴
- ۴۸- کیفر استهزاگران سبیل الله ۵۴۴
- ۴۹- کیفر صدّ از سبیل الله ۵۴۶
- ۵۰- گمراهی از سبیل الله ۵۴۶
- ۵۱- گمراهی مانعان سبیل الله ۵۴۶
- ۵۲- مانعان از سبیل الله ۵۴۶
- ۵۳- مراد از سبیل الله ۵۴۸
- ۵۴- معرضان از سبیل الله ۵۴۹
- ۵۵- ممانعت از سبیل الله ۵۵۰
- ۵۶- ممانعت قوم ثمود از سبیل الله ۵۵۴
- ۵۷- ممانعت قوم عاد از سبیل الله ۵۵۵
- ۵۸- موارد سبیل الله ۵۵۶
- ۵۹- موانع سبیل الله ۵۵۸
- ۶۰- موانع سلوک سبیل الله ۵۶۰
- ۶۱- موانع ممانعت از سبیل الله ۵۶۰
- ۶۲- نعمت سلوک سبیل الله ۵۶۰
- ۶۳- نقش سبیل الله ۵۶۰
- ۶۴- نورانیت سبیل الله ۵۶۱
- ۶۵- وحدت سبیل الله ۵۶۲
- ۶۶- وضوح سبیل الله ۵۶۳
- ۶۷- ویژگی سبیل الله ۵۶۴
- ۶۸- ویژگیهای سبیل الله ۵۶۴
- ۶۹- هدایت به سبیل الله ۵۶۴
- ۷۰- هماهنگی سبیل الله با عقل ۵۶۴

- ۷۱- هماهنگی سبیل الله با علم ۵۶۶
- ۲۱- سپاه ۵۶۷
- ۱- آمادگی نظامی سپاه سلیمان(ع) ۵۶۷
- ۲- آمادگی نظامی سپاه فرعون ۵۶۷
- ۳- اظهار محبت به سپاه ۵۶۷
- ۴- اغواگری سپاه ابلیس ۵۶۸
- ۵- اهمیت نظم در سپاه ۵۶۸
- ۶- بی شماری سپاه خدا ۵۶۸
- ۷- پیروزی سپاه خدا ۵۶۸
- ۸- پیروزی سپاه طالوت ۵۷۰
- ۹- تشبیه به سپاه آماده ۵۷۰
- ۱۰- تشویق سپاه ۵۷۰
- ۱۱- تعداد سپاه خدا ۵۷۰
- ۱۲- تعلیم سپاه سلیمان(ع) ۵۷۲
- ۱۳- تنوع سپاه ابلیس ۵۷۲
- ۱۴- حرکت سپاه سلیمان(ع) ۵۷۲
- ۱۵- حرکت سریع سپاه در شب ۵۷۲
- ۱۶- خطای سپاه فرعون ۵۷۴
- ۱۷- دعای سپاه طالوت ۵۷۴
- ۱۸- سان دیدن از سپاه ۵۷۴
- ۱۹- سپاه ابلیس ۵۷۵
- ۲۰- سپاه اسلام ۵۷۶
- ۲۱- سپاه جالوت ۵۷۶
- ۲۲- سپاه خدا ۵۷۶
- ۲۳- سپاه سلیمان(ع) ۵۷۸
- ۲۴- سپاه سلیمان(ع) در سرزمین مورچگان ۵۷۸

- ۵۷۹ ۲۵- سپاه شیطان
- ۵۸۰ ۲۶- سپاه طالوت
- ۵۸۲ ۲۷- سپاه غیبی
- ۵۸۳ ۲۸- سپاه فرعون
- ۵۸۴ ۲۹- سپاه فرعون در دریا
- ۵۸۶ ۳۰- سپاه مشرکان
- ۵۸۶ ۳۱- سپاه مشرکان قریش
- ۵۸۷ ۳۲- سلطه سپاه فرعون
- ۵۸۸ ۳۳- شکست سپاه جالوت
- ۵۸۸ ۳۴- عجز سپاه فرعون
- ۵۸۸ ۳۵- عظمت سپاه سلیمان(ع)
- ۵۸۹ ۳۶- فراوانی سپاه احزاب صدراسلام
- ۵۹۰ ۳۷- فرمانده سپاه فرعون
- ۵۹۰ ۳۸- قدرت سپاه احزاب صدراسلام
- ۵۹۱ ۳۹- قدرت سپاه سلیمان(ع)
- ۵۹۲ ۴۰- قدرت سپاه فرعون
- ۵۹۲ ۴۱- قتل سپاه دشمنان
- ۵۹۳ ۴۲- محمد(صلی الله علیه و آله) و سپاه احزاب صدراسلام
- ۵۹۴ ۴۳- مسلمانان مدینه و سپاه احزاب صدراسلام
- ۵۹۴ ۴۴- مسؤولیت سپاه
- ۵۹۵ ۴۵- مصونیت از پایمالی سپاه سلیمان(ع)
- ۵۹۶ ۴۶- نظم سپاه سلیمان(ع)
- ۵۹۶ ۴۷- نظم سپاه مسلمانان مدینه در غزوه احزاب
- ۵۹۶ ۴۸- وقت برخورد سپاه فرعون با بنی اسرائیل
- ۵۹۸ ۴۹- ویژگیهای سپاه ابلیس
- ۵۹۸ ۵۰- ویژگیهای سپاه سلیمان(ع)

۵۹۸	۵۱- ویژگیهای سپاه فرعون
۵۹۸	۵۲- هجوم به وسط سپاه
۶۰۰	۵۳- هلاکت سپاه فرعون
۶۰۰	۵۴- {سپاه اسلام}
۶۰۰	۵۵- سپاه اسلام
۶۰۰	۵۶- {سپاه غیبی}
۶۰۲	۵۷- سپاه غیبی
۶۰۳	۲۲- ستارگان
۶۰۳	۱- ابراهیم(ع) و ستارگان
۶۰۳	۲- ابزار شناخت ستاره طارق
۶۰۳	۳- اختفای ستارگان
۶۰۴	۴- استفاده از ستارگان
۶۰۴	۵- افول ستارگان
۶۰۵	۶- انقیاد ستارگان
۶۰۶	۷- انهدام ستارگان
۶۰۶	۸- اهمیت ستارگان
۶۰۷	۹- اهمیت ستاره شناسی
۶۰۸	۱۰- اهمیت نظم ستارگان
۶۰۸	۱۱- اهمیت وضوح ستارگان در شب
۶۰۸	۱۲- بازگشت ستارگان
۶۱۰	۱۳- پراکندگی ستارگان
۶۱۰	۱۴- تأثیرپذیری ستارگان
۶۱۰	۱۵- تاریخ ستاره شناسی
۶۱۱	۱۶- تاریکی ستارگان
۶۱۲	۱۷- تسخیر ستارگان
۶۱۳	۱۸- تشبیه ستارگان

- ۱۹- تشبیه طلوع ستارگان ۶۱۴
- ۲۰- تشبیه غروب ستارگان ۶۱۴
- ۲۱- تعبیر رؤیای سجده ستارگان ۶۱۴
- ۲۲- تعقل در ستارگان ۶۱۴
- ۲۳- تفکر در ستارگان ۶۱۶
- ۲۴- تکامل ستارگان ۶۱۶
- ۲۵- جایگاه ستارگان ۶۱۶
- ۲۶- حاکم ستارگان ۶۱۸
- ۲۷- حرکت ستارگان ۶۱۸
- ۲۸- خاموشی ستارگان ۶۱۸
- ۲۹- خلقت ستارگان ۶۲۰
- ۳۰- راهیابی با ستارگان ۶۲۱
- ۳۱- رد ربوبیت ستارگان ۶۲۲
- ۳۲- زمینه انهدام ستارگان ۶۲۲
- ۳۳- زوال درخشندگی ستارگان ۶۲۲
- ۳۴- زیبایی ستارگان ۶۲۳
- ۳۵- زیبایی طلوع ستارگان ۶۲۴
- ۳۶- زیبایی غروب ستارگان ۶۲۴
- ۳۷- ستارگان در جهنم ۶۲۵
- ۳۸- ستارگان در قیامت ۶۲۶
- ۳۹- ستارگان و نیازهای انسان ۶۲۸
- ۴۰- ستاره پروین ۶۲۸
- ۴۱- ستاره جدی ۶۲۸
- ۴۲- ستاره زحل ۶۲۸
- ۴۳- ستاره زهره ۶۳۰
- ۴۴- ستاره شناسی در صدراسلام ۶۳۰

- ۴۵- ستاره عطارد ۶۳۰
- ۴۶- ستاره مریخ ۶۳۰
- ۴۷- ستاره مشتری ۶۳۲
- ۴۸- سجده ستارگان ۶۳۲
- ۴۹- سجده ستارگان بر یوسف(ع) ۶۳۲
- ۵۰- سجده ستارگان در رؤیا ۶۳۳
- ۵۱- سقوط ستارگان ۶۳۴
- ۵۲- سوگند به ستارگان ۶۳۴
- ۵۳- سوگند به مغرب ستارگان ۶۳۸
- ۵۴- سوگند به مکان ستارگان ۶۳۸
- ۵۵- شعور ستارگان ۶۴۰
- ۵۶- شکافتن ستارگان ۶۴۰
- ۵۷- شگفتی وضوح ستارگان در شب ۶۴۰
- ۵۸- طلوع ستاره زحل ۶۴۰
- ۵۹- عظمت ستارگان ۶۴۲
- ۶۰- عظمت ستاره زحل ۶۴۲
- ۶۱- عظمت ستاره طارق ۶۴۲
- ۶۲- علم خدا به تابش ستارگان ۶۴۴
- ۶۳- غروب ستارگان ۶۴۴
- ۶۴- فلسفه خلقت ستارگان ۶۴۴
- ۶۵- فلک ستارگان ۶۴۵
- ۶۶- فواصل ستارگان ۶۴۶
- ۶۷- فواید ستارگان ۶۴۶
- ۶۸- گردش ستارگان ۶۴۸
- ۶۹- محمد(صلی الله علیه و آله) و ستارگان ۶۴۸
- ۷۰- مدارهای ستارگان ۶۴۸

- ۶۴۸ - ۷۱- مراد از ستاره زحل
- ۶۵۰ - ۷۲- مراد از نجم
- ۶۵۰ - ۷۳- مکان ستارگان
- ۶۵۲ - ۷۴- موجبات تسخیر ستارگان
- ۶۵۲ - ۷۵- نظم ستارگان
- ۶۵۳ - ۷۶- نعمت ستارگان
- ۶۵۴ - ۷۷- نقش ستارگان
- ۶۵۸ - ۷۸- نورانیت ستاره پروین
- ۶۵۸ - ۷۹- نورانیت ستاره زحل
- ۶۶۰ - ۸۰- نورانیت ستاره طارق
- ۶۶۰ - ۸۱- نورانیت ستاره کیوان
- ۶۶۰ - ۸۲- ویژگیهای ستارگان
- ۶۶۱ - ۸۳- ویژگیهای ستاره طارق
- ۶۶۳ - ۲۳- ستاره
- ۶۶۳ - ۱- آثار تعقل در مدار ستاره شعری
- ۶۶۳ - ۲- ابراهیم(ع) و ستاره پرستان
- ۶۶۳ - ۳- ابزار شناخت ستاره طارق
- ۶۶۴ - ۴- اهمیت ستاره شعری
- ۶۶۴ - ۵- اهمیت ستاره شناسی
- ۶۶۴ - ۶- تاریخ ستاره پرستی
- ۶۶۴ - ۷- تاریخ ستاره شناسی
- ۶۶۶ - ۸- تظاهر ابراهیم(ع) به ستاره پرستی
- ۶۶۶ - ۹- زیباترین ستاره
- ۶۶۶ - ۱۰- ستاره امام علی(ع)
- ۶۶۸ - ۱۱- ستاره اوصیا
- ۶۶۸ - ۱۲- ستاره پرستی در دوران ابراهیم(ع)

- ۱۳- ستاره پرستی قوم ابراهیم ۶۶۸
- ۱۴- ستاره پروین ۶۷۰
- ۱۵- ستاره جدی ۶۷۰
- ۱۶- ستاره زحل ۶۷۰
- ۱۷- ستاره زهره ۶۷۰
- ۱۸- ستاره شناسی ابراهیم(ع) ۶۷۲
- ۱۹- ستاره شناسی در دوران موسی(ع) ۶۷۲
- ۲۰- ستاره شناسی در صدراسلام ۶۷۲
- ۲۱- ستاره عطارد ۶۷۲
- ۲۲- ستاره مریخ ۶۷۴
- ۲۳- ستاره مشتری ۶۷۴
- ۲۴- سوگند به بلندترین ستاره ۶۷۴
- ۲۵- سوگند به ستاره ثریا ۶۷۴
- ۲۶- سوگند به ستاره زحل ۶۷۶
- ۲۷- سوگند به ستاره زهره ۶۷۶
- ۲۸- سوگند به ستاره طارق ۶۷۸
- ۲۹- سوگند به ستاره عطارد ۶۷۸
- ۳۰- سوگند به ستاره مریخ ۶۷۸
- ۳۱- سوگند به ستاره مشتری ۶۸۰
- ۳۲- طلوع ستاره زحل ۶۸۰
- ۳۳- عظمت ستاره زحل ۶۸۰
- ۳۴- عظمت ستاره طارق ۶۸۲
- ۳۵- غروب ستاره ثریا ۶۸۲
- ۳۶- مراد از ستاره زحل ۶۸۲
- ۳۷- نورانیت ستاره پروین ۶۸۲
- ۳۸- نورانیت ستاره زحل ۶۸۴

- ۶۸۴ - ۳۹- نورانیت ستاره طارق
- ۶۸۵ - ۴۰- نورانیت ستاره کیوان
- ۶۸۶ - ۴۱- ویژگیهای ستاره طارق
- ۶۸۶ - ۴۲- تاریخ ستاره پرستی
- ۶۸۷ - ۴۳- تظاهر ابراهیم(ع) به ستاره پرستی
- ۶۸۸ - ۴۴- ستاره پرستی در دوران ابراهیم(ع)
- ۶۸۸ - ۴۵- ستاره پرستی قوم ابراهیم
- ۶۸۸ - ۴۶- سوگند به ستاره ثریا
- ۶۹۰ - ۴۷- غروب ستاره ثریا
- ۶۹۰ - ۴۸- آثار تعقل در مدار ستاره شعری
- ۶۹۰ - ۴۹- اهمیت ستاره شعری
- ۶۹۲ - ۵۰- اهمیت ستاره شناسی
- ۶۹۲ - ۵۱- تاریخ ستاره شناسی
- ۶۹۲ - ۵۲- ستاره شناسی ابراهیم(ع)
- ۶۹۳ - ۵۳- ستاره شناسی در دوران موسی(ع)
- ۶۹۴ - ۵۴- ستاره شناسی در صدراسلام
- ۶۹۵ - ۲۴- ستایش
- ۶۹۵ - ۱- ستایش
- ۶۹۵ - ۲- ستایش ناپسند
- ۶۹۵ - ۳- ستایش نیکی
- ۶۹۷ - ۴- ستایش کنندگان خدا
- ۶۹۸ - ۲۵- ستر عورت
- ۶۹۸ - ۱- احکام ستر عورت
- ۶۹۸ - ۲- اهمیت ستر عورت
- ۶۹۸ - ۳- ستر عورت آدم(ع)
- ۷۰۰ - ۴- ستر عورت با برگ درختان

- ۵- ستر عورت حوا - ۷۰۰
- ۶- وجوب ستر عورت - ۷۰۲
- ۲۶- سجده - ۷۰۳
- ۱- آثار ترک سجده ابلیس - ۷۰۳
- ۲- آثار ترک سجده بر آدم(ع) - ۷۰۵
- ۳- آثار سجده - ۷۰۶
- ۴- آثار سجده بر خدا - ۷۰۹
- ۵- آثار سجده در نماز - ۷۰۹
- ۶- آثار سجده ملائکه بر آدم(ع) - ۷۱۰
- ۷- آداب سجده - ۷۱۱
- ۸- ابلیس و سجده بر آدم(ع) - ۷۱۱
- ۹- اجتناب از سجده بر خدا - ۷۱۲
- ۱۰- احکام سجده - ۷۱۳
- ۱۱- اذکار سجده - ۷۱۵
- ۱۲- ارزش سجده - ۷۱۶
- ۱۳- اعضای سجده - ۷۱۷
- ۱۴- انگیزه ترک سجده ابلیس - ۷۱۷
- ۱۵- اهمیت سجده - ۷۱۹
- ۱۶- اهمیت سجده بر آدم(ع) - ۷۲۱
- ۱۷- اهمیت سجده بر خدا - ۷۲۲
- ۱۸- اهمیت سجده در نماز - ۷۲۳
- ۱۹- پاداش سجده - ۷۲۵
- ۲۰- تاریخ سجده - ۷۲۵
- ۲۱- ترک سجده ابلیس - ۷۲۷
- ۲۲- ترک سجده بر آدم(ع) - ۷۲۷
- ۲۳- تشویق به سجده - ۷۳۱

- ۲۴- تعبیر رؤیای سجده خورشید - ۷۳۱
- ۲۵- تعبیر رؤیای سجده ستارگان - ۷۳۱
- ۲۶- تعبیر رؤیای سجده ماه - ۷۳۳
- ۲۷- جایز - ۷۳۳
- ۲۸- جواز سجده بر غیر خدا - ۷۳۳
- ۲۹- حرمت سجده بر غیر خدا - ۷۳۳
- ۳۰- حقیقت سجده - ۷۳۳
- ۳۱- درک سجده موجودات - ۷۳۷
- ۳۲- دعوت به سجده - ۷۳۷
- ۳۳- رکنیت سجده - ۷۳۷
- ۳۴- زمان سجده ملائکه بر آدم(ع) - ۷۳۸
- ۳۵- زمینه سجده بر آدم(ع) - ۷۳۹
- ۳۶- زمینه سجده بر خدا - ۷۳۹
- ۳۷- سجده آفرینش - ۷۳۹
- ۳۸- سجده آل یعقوب(ع) بر یوسف(ع) - ۷۳۹
- ۳۹- سجده ابراهیم(ع) - ۷۴۱
- ۴۰- سجده ادريس(ع) - ۷۴۱
- ۴۱- سجده اسحاق(ع) - ۷۴۲
- ۴۲- سجده اکراهی - ۷۴۳
- ۴۳- سجده انبیا - ۷۴۳
- ۴۴- سجده بر آدم(ع) - ۷۴۳
- ۴۵- سجده بر انسان - ۷۴۷
- ۴۶- سجده بر خدا - ۷۴۸
- ۴۷- سجده بر خورشید - ۷۵۴
- ۴۸- سجده بر غیر خدا - ۷۵۴
- ۴۹- سجده برگزیدگان خدا - ۷۵۶

- ۷۵۷ ۵۰- سجده به خدا
- ۷۵۷ ۵۱- سجده بیمار
- ۷۵۷ ۵۲- سجده جادوگران فرعون
- ۷۵۹ ۵۳- سجده جایز
- ۷۵۹ ۵۴- سجده جنبندگان
- ۷۶۱ ۵۵- سجده خورشید
- ۷۶۱ ۵۶- سجده خورشید بر یوسف(ع)
- ۷۶۲ ۵۷- سجده خورشید در رؤیا
- ۷۶۳ ۵۸- سجده داود(ع)
- ۷۶۳ ۵۹- سجده در ادیان
- ۷۶۵ ۶۰- سجده در برابر خدا
- ۷۶۵ ۶۱- سجده در برابر قرآن
- ۷۶۵ ۶۲- سجده در دین ابراهیم(ع)
- ۷۶۵ ۶۳- سجده در عبادت
- ۷۶۶ ۶۴- سجده در قیامت
- ۷۶۷ ۶۵- سجده در مسجد الحرام
- ۷۶۷ ۶۶- سجده در نماز
- ۷۶۹ ۶۷- سجده درختان
- ۷۶۹ ۶۸- سجده زکریا(ع)
- ۷۷۰ ۶۹- سجده سایه
- ۷۷۱ ۷۰- سجده سایه ها
- ۷۷۱ ۷۱- سجده ستارگان
- ۷۷۱ ۷۲- سجده ستارگان بر یوسف(ع)
- ۷۷۳ ۷۳- سجده ستارگان در رؤیا
- ۷۷۳ ۷۴- سجده صحابه
- ۷۷۳ ۷۵- سجده علمای اهل کتاب

- ۷۶- سجده عیسی(ع) ۷۷۳
- ۷۷- سجده کوه ها ۷۷۵
- ۷۸- سجده مادر یوسف بر یوسف(ع) ۷۷۵
- ۷۹- سجده ماه ۷۷۵
- ۸۰- سجده ماه بر یوسف(ع) ۷۷۶
- ۸۱- سجده ماه در رؤیا ۷۷۷
- ۸۲- سجده مجاهدان ۷۷۷
- ۸۳- سجده محمد(صلی الله علیه و آله) ۷۷۷
- ۸۴- سجده مریم(س) ۷۷۸
- ۸۵- سجده مشمولان نعمت ۷۷۹
- ۸۶- سجده مقربان ۷۷۹
- ۸۷- سجده ملائکه ۷۷۹
- ۸۸- سجده ملائکه بر آدم(ع) ۷۸۲
- ۸۹- سجده ملائکه بر انسان ۷۸۷
- ۹۰- سجده موجودات ۷۸۹
- ۹۱- سجده موجودات آسمان ها ۷۹۱
- ۹۲- سجده موسی(ع) ۷۹۱
- ۹۳- سجده مؤمنان ۷۹۱
- ۹۴- سجده مهتدین ۷۹۳
- ۹۵- سجده نماز ۷۹۳
- ۹۶- سجده هارون(ع) ۷۹۳
- ۹۷- سجده هنگام استماع آیات خدا ۷۹۵
- ۹۸- سجده هنگام استماع قرآن ۷۹۵
- ۹۹- سجده یحیی(ع) ۷۹۵
- ۱۰۰- سجده یعقوب(ع) ۷۹۵
- ۱۰۱- سجده یعقوب(ع) بر یوسف(ع) ۷۹۷

- ۱۰۲- عوامل ترک سجده ابلیس ۷۹۷
- ۱۰۳- عوامل سجده بر خدا ۷۹۷
- ۱۰۴- فضیلت سجده ۷۹۷
- ۱۰۵- فضیلت طول سجده ۷۹۹
- ۱۰۶- فضیلت گریه در سجده ۷۹۹
- ۱۰۷- فلسفه سجده برادران یوسف ۷۹۹
- ۱۰۸- فلسفه سجده یعقوب(ع) ۷۹۹
- ۱۰۹- کیفیت سجده ملائکه ۸۰۱
- ۱۱۰- گریه در سجده ۸۰۱
- ۱۱۱- مدت سجده ملائکه بر آدم(ع) ۸۰۱
- ۱۱۲- معروضان از سجده بر خدا ۸۰۱
- ۱۱۳- مکان سجده ۸۰۳
- ۱۱۴- موانع سجده بر خدا ۸۰۳
- ۱۱۵- ناهیان از سجده بر خدا ۸۰۳
- ۱۱۶- نقش سجده ۸۰۵
- ۲۷- سحرگاه ۸۰۶
- ۱- آثار استغفار در سحرگاه ۸۰۶
- ۲- ارزش سحرگاه ۸۰۶
- ۳- استغفار در سحرگاه ۸۰۶
- ۴- اهمیت سحرگاه ۸۰۸
- ۵- تسبیح در سحرگاه ۸۰۸
- ۶- حمد در سحرگاه ۸۰۸
- ۷- سوگند به سحرگاه ۸۰۹
- ۸- عظمت سحرگاه ۸۱۰
- ۹- نجات در سحرگاه ۸۱۰
- ۲۸- سخاوت ۸۱۱

- ۱- آثار سخاوت ۸۱۱
- ۲- آثار سخاوت خدا ۸۱۳
- ۳- آثار وسعت سخاوت خدا ۸۱۳
- ۴- تداوم سخاوت متقین ۸۱۳
- ۵- توصیه به سخاوت ۸۱۳
- ۶- سخاوت ابراهیم(ع) ۸۱۴
- ۷- سخاوت خدا ۸۱۵
- ۸- سخاوت ساره ۸۱۵
- ۹- سخاوت لوط(ع) ۸۱۵
- ۱۰- سخاوت محمد(صلی الله علیه و آله) ۸۱۷
- ۱۱- سخاوت یوسف(ع) ۸۱۷
- ۱۲- {سخاوتمندان} ۸۱۷
- ۱۳- پاداش سخاوتمندان ۸۱۸
- ۱۴- تزکیه سخاوتمندان ۸۱۹
- ۱۵- تقوای سخاوتمندان ۸۱۹
- ۱۶- زمینه عمل صالح سخاوتمندان ۸۱۹
- ۲۹- سختدلان ۸۲۲
- ۱- اغواپذیری سختدلان ۸۲۲
- ۲- زمینه گمراهی سختدلان ۸۲۲
- ۳- ظلم سختدلان ۸۲۴
- ۴- یأس از ایمان سختدلان ۸۲۴
- ۳۰- سختگیری ۸۲۵
- ۱- آثار اجتناب از سختگیری ۸۲۵
- ۲- اهمیت اجتناب از سختگیری در زندگی ۸۲۵
- ۳- اهمیت سختگیری بر کافران ۸۲۵
- ۴- پاداش اجتناب از سختگیری ۸۲۷

- ۸۲۷ ۵- سختگیری با مرتد
- ۸۲۷ ۶- سختگیری بر دشمنان
- ۸۲۷ ۷- سختگیری بر ظالمان
- ۸۲۹ ۸- سختگیری بر کافران
- ۸۳۰ ۹- سختگیری بر مشرکان صدر اسلام
- ۸۳۱ ۱۰- سختگیری بر مطلقه
- ۸۳۱ ۱۱- سختگیری بر منافقان
- ۸۳۲ ۱۲- سختگیری بر کافران
- ۸۳۳ ۱۳- سختگیری فرعون
- ۸۳۳ ۱۴- سختگیری نهبانان جهنم
- ۸۳۴ ۱۵- فلسفه سختگیری بر کافران
- ۸۳۵ درباره مرکز

علم مفاهیم شناسی در قرآن سری جدید جلد 57

مشخصات کتاب

نام کتاب: علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد 57

تحقیق و تالیف: رسول ملکیان اصفهانی - 1400 ش

ناشر دیجیتالی: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ص: 1

1- زیان

1- آثار زیان به مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 25 - 18

18- آسیب رساندن به مؤمنان ، حتی از روی ناآگاهی ، دارای مسؤلیت است .

و لولا رجال ... لم تعلموهم أن تطوهم فتصیبکم منهم معرّه بغیر علم

2- آثار زیان تجاوز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 23 - 9

9- زیان بیدادگری و خودکامگی ، گریبانگیر خودکامگان و بیدادگران در جهان پس از مرگ

إنما بغیکم علی أنفسکم ... ثم إلینا مرجعکم

3- آثار زیان گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 54 - 4

4- ضرر و زیان گناه و نافرمانی مردم از اطاعت خدا و رسول او ، به خود آنان بازمی گردد نه به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

قل أطيعوا الله و أطيعوا الرسول فإن تولّوا فإنّما عليه ما حمّل و عليكم ما حملتم

4- آرزوی زیان برای دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مسد - 111 - 1 - 7

7- آرزوی مرگ و زیان کاری برای دشمن دین و نفرین بر او، کاری پسندیده است .

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَ تَبَّتْ

ص: 1

5- ابتلا به زیان جانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 155 - 4

4 - مبتلا شدن به پیکار با دشمنان و پیامد های آن (ترس ، گرسنگی ، زیان های مالی و جانی و کم محصولی) از مشکلات راه ایمان است .

لا تقولوا لمن يقتل . . . و لنبلونکم بشیء من الخوف

بیان کردن آزمون با ترس، گرسنگی و . . . پس از مطرح کردن جهاد و کشته شدن در راه خدا، گویای این است که: مقصود از «الخوف و . . .» ترسها و گرسنگیهایی است که از مبتلا شدن به دشمنان دین به وجود می آید؛ یعنی، ایمان به رسالت مستلزم پیکار با دشمنان دین است و پیامد پیکار ترس، گرسنگی و . . . می باشد.

6- ابتلا به زیان مالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 155 - 4

4 - مبتلا شدن به پیکار با دشمنان و پیامد های آن (ترس ، گرسنگی ، زیان های مالی و جانی و کم محصولی) از مشکلات راه ایمان است .

لا تقولوا لمن يقتل . . . و لنبلونکم بشیء من الخوف

بیان کردن آزمون با ترس، گرسنگی و . . . پس از مطرح کردن جهاد و کشته شدن در راه خدا، گویای این است که: مقصود از «الخوف و . . .» ترسها و گرسنگیهایی است که از مبتلا شدن به دشمنان دین به وجود می آید؛ یعنی، ایمان به رسالت مستلزم پیکار با دشمنان دین است و پیامد پیکار ترس، گرسنگی و . . . می باشد.

7- اعلان زیان بی دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 66 - 5

5- آگاه کردن مردم به سودمندی دین داری و یا زیان بی دینی ، روشی پسندیده و مفید در تبلیغ دین و هدایت انسان ها

قال أفتعبدون من دون الله ما لا ينفعكم شيئاً و لا يضرکم

8- امتحان با زبان جانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 155 - 3

ص: 2

3 - خداوند با گرفتار ساختن مؤمنان به چیزهایی که زیان مالی و جانی و کمبود محصول را در پی داشته باشد، آنان را می آزماید .

و لنبلونکم بشیء من . . . نقص من الأموال و الأنفس و الثمرت

9- امتحان با زیان مالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 155 - 3

3 - خداوند با گرفتار ساختن مؤمنان به چیزهایی که زیان مالی و جانی و کمبود محصول را در پی داشته باشد، آنان را می آزماید .

و لنبلونکم بشیء من . . . نقص من الأموال و الأنفس و الثمرت

10- اهمیت تشخیص زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 103 - 1

1- پیامبر (صلی الله علیه و آله) مأمور توجه دادن مردم به ضرورت شناخت سود و زیان واقعی شان بود .

قل هل ننبئکم بالأخسرین أعملاً

11- اهمیت جبران زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 9 - 10

10 - گروهی باغی و متجاوز ، موظف به جبران خسارت های وارد شده بر گروه دیگر

فأصلحوا بینهما بالعدل

از این که پس از تسلیم شدن گروه باغی، دستور به صلح عادلانه میان آنان داده شده است؛ استفاده می شود که تنها تسلیم گروه باغی کافی نیست؛ بلکه باید خسارت های ناشی از تجاوزگرایش را نیز بپردازد تا صلح عادلانه تحقق یابد.

12- اهمیت زیان اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - تنها آنچه به خسران انسان در آخرت می انجامد ضرر و زیان واقعی است .

إِنَّ الْخُسْرَيْنَ الَّذِينَ خَسَرُوا أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

ص: 3

با توجه به این که الف و لام در «الخاسرین» دلالت بر کمال می کند، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 27 - 7

7- زیان های دنیوی ، امری ناچیز در قبال ضرر اخروی انسان

یومئذ یخسر المبطلون

تقدیم ظرف «یوم تقوم» بر «یخسر»، افاده حصر می کند و مفاد آیه این است که «هر زیانی در مقاسیه با زیان آخرت، گویی زیان نیست».

13- بدترین زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 70 - 6

6- بت پرستی و موضع گیری در مقابل حق و رهبران الهی ، از زیان بارترین کارها است .

و أرادوا به کیداً فجعلنهم الأخرین

14- بزرگترین زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 45 - 10

10 - از کف دادن سرمایه های وجودی ، بزرگ ترین زیان آدمی در زندگی است .

إنّ الخسرین الذین خسرو أنفسهم

15- بشارت تجارت بی زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 29 - 12

12 - بشارت به عالمان خداترس ، تلاوتگر قرآن ، برپادارنده نماز و انفاق کننده در نهان و آشکار ، مبنی بر تجارتی از بین رفتنی (بهشت

برین) از ناحیه خداوند

إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ . . . إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ

«بوار» (ریشه «لن تبور») به معنای شدت کسادی است و از آن جا که کسادی شدید موجب فساد و نابودی می شود، این واژه در معنای «هلاک» به کار می رود (برگرفته از مفردات راغب).

ص: 4

16- پیشگیری از زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 31 - 6

6- صرف ترس از وقوع ضرر و زیان ، مجوز گناه و خلاف کاری برای پیشگیری از آن نمی شود .

ولا تقتلوا أولدکم خشیه إملق

17- ترس از زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 31 - 6

6- صرف ترس از وقوع ضرر و زیان ، مجوز گناه و خلاف کاری برای پیشگیری از آن نمی شود .

ولا تقتلوا أولدکم خشیه إملق

18- جبران زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 39 - 4

4- تأمین خسارت های ناشی از دزدی ، شرط پذیرش توبه سارق *

فمن تاب من بعد ظلمه و اصلح فإنّ الله یتوب علیه

مصدق مورد نظر از اصلاح و درستکاری، به مناسبت مورد، تأمین خسارتهایی است که دزد به صاحبان کالا وارد ساخته است.

19- جبران زیان مالی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 11 - 6

6- جامعه اسلامی ، موظف به جبران خسارت های مالی وارد شده بر مؤمنان ، در طریق ایمان *

وإن فاتکم شیء من أزواجکم .. فأتوا الذین ذهبت

20- حرمت زیان به مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 108 - 2

2 - حرمت انجام هر گونه عملی که مایه تأیید کفر و نفاق و تقویت کافران و منافقان محارب و زمینه زیان و تفرقه مؤمنان باشد .

ص: 5

و الذین اتخذوا مسجداً .. لا تقم فیہ أبداً

21- خدا و زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 54 - 4

4- شرک ورزی و پرستش غیر خدا، ضرر و زیانی را متوجه خداوند نخواهد کرد .

إنکم ظلمتم أنفسکم باتخاذکم العجل

22- دفع زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 76 - 9

9- دفع زیان و جلب منفعت، انگیزه ای برای پرستش

اتعبدون من دون الله ما لایملک لکم ضراً و لانفعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- یونس - 10 - 106 - 3

3- جلب منفعت و دفع ضرر، از انگیزه های عبادت و پرستش است .

و لاتدع من دون الله ما لاینفعک و لایضرک

23- دفع زیان از مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 55 - 5

5- مشرکان به امید جلب منفعت و دفع ضرر از خویش، به بت پرستی روی آورده بودند .

و یعبدون من دون الله ما لاینفعهم و لایضرهم

یادآوری بی تأثیر بودن معبودها از سودرسانی و دفع ضرر از پرستندگانشان، می تواند گویای این حقیقت باشد که مشرکان، به همین انگیزه

به بت پرستی و شرک روی آورده بودند.

24- دفع زیان در الوهیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 99 - 2

ص: 6

2- قدرت و توانایی دفع هرگونه ضرر از خویش ، لازمه الوهیت است .

لو كان هؤلاء الهه ما وردوها

برداشت یاد شده به خاطر این است که خداوند برای عدم الوهیت معبودهای مشرکان، ناتوانی آنان از دفع آتش دوزخ از خویش را دلیل قرار داد.

25- دفع زیان معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 3 - 6

6 - مخلوق نبودن ، قدرت بر آفرینندگی ، جلب منفعت ، دفع ضرر ، میراندن ، حیات بخشیدن و احیای مردگان ، از نشانه های معبود واقعی و شایسته پرستش (الله)

و اتخذوا من دونه الهه لا یخلقون شیئا و هم یخلقون ... و لانشورا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 55 - 6

6 - توانایی بر رساندن سود و دور ساختن زیان ، از نشانه های معبود حقیقی و راستین

و یعبدون من دون الله ما لا ینفعهم و لا یضرهم

برداشت فوق، به خاطر دو نکته است: 1- آیه شریفه در مقام بیان ناتوانی معبودهایی جز خدا است. 2- این آیه به دنبال سلسله آیاتی آمده که بیانگر قدرت بی انتهای خدا است.

26- دلایل زیان ناپذیری خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 8 - 7

7- بی نیازی و ستودگی خداوند ، دلیل زیان ندیدن او از کفر مردم

إن تکفروا أنتم و من فی الأرض جمیعاً فإن الله لغنی حمید

«فإن الله لغنی حمید» در مقام تعلیل جزای شرط محذوف است . در این صورت، معنا چنین می شود: چون خداوند بی نیاز است، کفران

شما به او ضرری نمی رساند.

27- روشترین زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 11 - 10

10 - خسران اخروی همراه با تباهی دنیوی ، از بارزترین انواع خسران ها

خسر الدنيا و الآخره ذلك هو الخسران المبین

ص: 7

28- زمینه زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 178 - 9

9- دیادوستی و هواپرستی ، زمینه ساز گمراهی و زیانکاری است .

و لكنه أخلد إلى الأرض . . . و من يضلل فأولئك هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 188 - 12

12 - جهل ، زمینه ساز روی آوری زیان ها و مشکلات در زندگانی آدمی است .

لو كنت أعلم الغيب . . ما مسنى السوء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 65 - 3

3- انسان ، من های ایمان ، با خطر ها ، آسیب ها و دشواری های علاج ناپذیر روبه رو خواهد شد .

قل إنما أنا منذر

از این که خداوند پیامبر(صلی الله علیه و آله) را منذر و اخطارگر معرفی کرد، روشن می شود که بر سر راه انسان ها، خطرها و آسیب های بسیاری وجود دارد و اگر انسان ها از رهنمودهای آن حضرت بهره نگیرند و به ایشان ایمان نیاورند، گرفتار آنها خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 70 - 4

4- انسان ، من های ایمان ، با خطر ها ، آسیب ها و دشواری های علاج ناپذیر روبه رو خواهد شد .

إنما أنا نذير

از این که خداوند پیامبراسلام(صلی الله علیه و آله) را منذر و اخطارگر معرفی کرد، روشن می شود که بر سر راه انسان ها، خطرها و آسیب های بسیاری وجود دارد که اگر انسان ها از رهنمودهای آن حضرت بهره نگیرند و به ایشان ایمان نیاورند، گرفتار آنها خواهند شد.

29- زمینه زیان به مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 10 - 7

7 - شیطان بدون اذن خداوند ، نمی تواند کمترین آسیبی به مؤمنان برساند .

و ليس بضارهم شيئاً إلا بإذن الله

ص: 8

30- زمینه مصونیت از زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 32 - 11

11 - اندیشه و تعقل درباره دنیا و آخرت و ارزش و جایگاه هر یک، زمینه مصون ماندن از زیان و حسرت در قیامت

قد خسر الذین کذبوا... و ما الحیوه الدنیا إلا... أفلا تعقلون

31- زیان آخرت فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 102 - 47

47 - دستیابی به منافع دنیا در مقابل از دست دادن آخرت، سودایی زیانبار است.

لبس ماشروا به أنفسهم

32- زیان اجتماعی زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 32 - 7

7- عمل ناشایست زنا، دارای فرجامی بد و ناگوار برای فرد و جامعه

و ساء سبیلاً

از جمله «راههای بد» راهی است که منتهی الیه و فرجام آن، ناشایست باشد. بنابراین «ساء سبیلاً» می تواند مشعر به این معنا باشد که: زنا نه تنها خود فاحشه است؛ بلکه راهی است بد که فرجام و پیامد آن برای فرد و جامعه نیز، بد و ناپسند است.

33- زیان اجتماعی کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 39 - 9

9- کفر، موجب خسارت جامعه بشری بوده و حاصلی جز آن ندارد.

و لا يزيد الكفرين كفرهم إلا خسارًا

34- زیان احيای مردگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 12 - 2

2- منکران معاد ، حیات دوباره انسان ها را پس از مرگ ، حیاتی بی ثمر و سراسر زیان وانمود می کنند .

ص: 9

قالوا تلك إذا كره خاسره

«كُره»؛ یعنی، رجوع. نسبت دادن زیان کاری به رجوع - نه رجوع کنندگان - مبالغه در ترسیم زیان کاری است.

35- زیان اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 11 - 10

10 - خسران اخروی همراه با تباهی دنیوی، از بارزترین انواع خسران ها

خسر الدنيا و الآخره ذلك هو الخسران المبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 15 - 10

10 - قیامت، صحنه بروز و ظهور سعادت واقعی و سودبخشی و یا خسارت آفرینی عمر آدمی

إنّ الخسرین الذین خسرو أنفسهم و أهلیهم یوم القیمه ألا ذلك هو الخسران المبین

36- زیان اخروی دوستی با بی تقوایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 67 - 4

4 - آشکار شدن آثار زیانبار دوستی و موذت بی تقوایان در روز قیامت

الأخلاء یومئذ بعضهم لبعض عدو إلا المتّین

دوستانی که دوستی خویش را بر غیر تقوا بنا نهاده اند، در قیامت خواهند فهمید که چه اثرات شومی را به واسطه آن متحمل شده اند و در نتیجه با یکدیگر دشمن خواهند شد.

37- زیان اخروی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 45 - 6

6 - مردمی که بر انکار معاد پای فشردند و از این گمراهی دست برنداشتند ، در قیامت مردمی زیانکار و ورشکسته خواهند بود .

و یوم یحشرهم . . . قد خسر الذین کذبوا بقاء اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 12 - 3

3 - منکران معاد در قیامت ، زیان کاری خود را مشاهده کرده و به یکدیگر بازگو خواهند کرد .

ص: 10

قالوا تلك إذا كره خاسره

برداشت یاد شده، ناظر به احتمال صدور سخن منکران معاد در قیامت است.

38- زیان استمداد از معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 101 - 15

15- استمداد از خدایان دروغین نه تنها سودی برای استمداد کنندگان ندارد؛ بلکه بر خسارت و تباهی آنان نیز می افزاید.

و ما زادوهم غیر تتیب

در جمله «و ما زادوهم . . .» نسبت افزودن خسارت به بتها داده شده است؛ ولی از آن جا که بتها بر خسارت زدن ناتوانند، مراد از «ما زادوهم . . .» به قرینه «التي يدعون . . .» این است که: اعتقاد به بتها مایه خسارت است و خواندن آنها و استمداد از آنها به هنگام نزول عذاب الهی، موجب افزایش خسارت استمداد کنندگان خواهد شد.

39- زیان اعراض از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 57 - 9

9- اعراض مردم از دین و معارف الهی، هیچ ضرری متوجه خداوند نخواهد کرد.

فإن تولّوا . . . ولا تضرونا شيئاً

برداشت فوق، مبتنی بر این است که «لا تضرونه» نیز جواب شرط (فإن تولّوا) باشد. قابل ذکر است که مجزوم نشدن «تضرون» به خاطر عطف شدن آن بر فعل ماضی «قد أبلغتكم» می باشد.

40- زیان اقتصادی دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 66 - 2

2- واکنش کافران دنیاگرا در برابر فشارهای ناگهانی اقتصادی، واکنشی ذلیلانه و حسرت بار است.

لو نشاء . . . فظلمتم تفكّهون . إنا لمغرمون

41- زیان اقتصادی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 66 - 2

2 - واکنش کافران دنیاگرا در برابر فشار های ناگهانی اقتصادی ، واکنشی ذلیلانه و حسرت بار است .

ص: 11

لونشاء .. فظلتم تفكّهون . إنا لمغرمون

42- زیان انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 65 - 7

7 - شرک ، بی تردید به زیان انسان ها است .

لئن أشركت .. و لتكوننّ من الخسرین

«نون» در «لتكوننّ» برای تأکید و رفع تردید است.

43- زیان ایثار در غیر سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 111 - 7

7 - ایثار مال و جان در راه غیر خدا و در قبال بهایی جز بهشت ، زیان و خسران است .

إن الله اشترى .. بأن لهم الجنة

خداوند، با پیشنهاد بهای بزرگی چون بهشت در قبال جان و مال مؤمنان، در حقیقت بیان داشته است که فروختن جان و مال به چیزی جز بهشت، مایه خسران است.

44- زیان با خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 95 - 2

2- متاع دنیا ، هر چند به ظاهر بزرگ و بسیار باشد ، در قبال ضرر و زیان نقض عهد و پیمان الهی ، ناچیز و بی ارزش است .

و لا تشتروا بعهد الله ثمناً قليلاً

45- زیان بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- بت پرستی و موضع گیری در مقابل حق و رهبران الهی ، از زیان بارترین کارها است .

وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 12

2- بت پرستی ، پیش از آن که برای اهل شرک سودمند باشد ، برای آنان زیان آور است .

یدعوا لمن ضرّه أقرب من نفعه

46- زیان بخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- آل عمران - 3 - 180 - 13

13 - آویخته شدن دارایی های بخیلان در قیامت بر گردن آنان ، تبلور شرّ و زیان بخلورزی ایشان

بل هو شرّ لهم سیطوّقون ما بخلوا به یوم القیمه

جمله «سیطوّقون ما بخلوا .. .» ، تفسیر کلمه «شرّ» است: یعنی به دوش کشی تمام داراییها در قیامت شرّی است که دامنگیر بخیلان خواهد شد. برداشت فوق بر این اساس است که معنای ظاهری «سیطوّقون ...» مراد باشد.

47- زیان بدعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 117 - 1

1- سود به دست آمده از راه بدعت گذاری در دین ، در مقایسه با زیان های آن ، بسیار ناچیز است .

ولا تقولوا .. هذا حلال و هذا حرام لتفتروا علی الله الکذب ... لایفلحون . متع

آیه شریفه ممکن است پاسخ به سؤالی مقدر باشد بدین صورت که: چرا کافران و بدعت گذاران در دین، از متاعهای دنیوی برخوردارند و چرا دنیا از آنان ستانده نمی شود.

48- زیان بزرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عصر - 103 - 2 - 3

3- بی ایمانی و ترک عمل صالح و تبلیغ نکردن از حق و صبر ، زیان بزرگی است .

لفی خسر

نکره آمدن کلمه «خسر»، برای بیان عظمت آن است. استثنایی که در آیه بعد آمده، زیان را به غیر افراد مستثنی، اختصاص داده است.

49- زیان به خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 13

16 - ستمکاران ، عامل خسران و بدبختی خود و محرومیت از خانواده خویش

إِنَّ الْخُسْرَيْنِ الَّذِينَ خَسَرُوا أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «خسروا .. اهلیم» به معنای از دست دادن خانواده باشد.

50- زیان به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 131 - 13، 14، 15

13 - بی تقوایی و کافر شدن مردم ، هیچ ضرری را متوجه خداوند نخواهد کرد .

وإن تكفروا فإن لله ما فى السموت و ما فى الأرض و كان الله غنياً حميداً

14 - مالکیت انحصاری خداوند بر تمامی هستی و غنای وی ، دلیل مصونیت او از هرگونه خسارت و آسیب از کفر کافران

وإن تكفروا فإن لله .. و كان الله غنياً حميداً

15 - بازگشت زیان کفر و بی تقوایی ، به خود انسان نه به خداوند

وإن تكفروا فإن لله ما فى السموت و ما فى الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 78 - 11

11 - ناتوانی کافران از زیان رساندن به خدا و مقهور ساختن او با کفرورزی و حق ستیزی خویش

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ بِحُكْمِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ

طرح عزت و قاهریت شکست ناپذیر الهی ، تعریضی است به آنان که با حق ستیزی به مبارزه با خدا برخاستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 32 - 1

1- کافران ، با کفر و حق ستیزی و مخالفتشان با پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، ناتوان از رسانیدن کمترین زیان به خداوند

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا .. لَنْ يَصْرِفُوا اللَّهُ شَيْئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 23 - 6

6 - حریم پاک خداوندگار جهان ، ایمن از هرگونه تأثر و زیان پذیری

هو الله .. السلام

وصف «السلام»، می تواند نظر به امنیت ذات قدوس و پاک الهی، از هرگونه حادثه و آفت خارجی داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 6 - 7

7 - روی گردانان از شیوه برائت و عبادت ابراهیمی ، ناتوان از آسیب رسانی به خدای بی نیاز و ستوده

ص: 14

و من يتولّ فإنّ الله هو الغنيّ الحميد

51- زیان به خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 21 - 4، 1، 2

1- دروغ بستن به خدا و بازداری مردم از راه او، موجب خسارت و تباه کردن سرمایه عمر است.

و من أظلم ممن افترى على الله كذبًا .. أولئك الذين خسروا أنفسهم

2- تلاش برای منحرف نشان دادن راه خدا و انکار سرای آخرت، موجب خسارت و تباهی سرمایه عمر است.

الذين ... يبغونها عوجًا و هم بالأخره هم كفرون ... أولئك الذين خسروا أنفسهم

4- باور به معبودهایی غیر از خدای یکتا، باوری واهی و مایه خسران و تباهی است.

أولئك الذين خسروا أنفسهم و ضلّ عنهم ما كانوا يفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 8 - 5

5- فایده شکر نعمت و ضرر و زیان کفران آن به خود انسان باز می گردد.

لئن شكرتم لأزيدنكم و ... إن تكفروا أنتم و من فى الأرض جميعًا فإن الله لغنى حمى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 94 - 7

7- ضرر و زیان نقض سوگند و فریب دادن مردمان، دامنگیر خود نقض کنندگان سوگند و فریب دهندگان خواهد شد.

و لاتتخذوا أيمنكم دخلاً بينكم فتزلّ قدم بعد ثبوتها و تذوقوا السوء

از اینکه خداوند، ضرر و زیان حنث سوگند و فریب را به خود کسانی که سوگند خود نقض می کنند داده و آنان را مخاطب قرار داده است

(و تذوقوا السوء) مطلب فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 15 - 1

1- نفع هدايت و ضرر گمراهی هر کسی متوجه خود اوست .

من اهتدی فإنما يهتدى لنفسه و من ضلّ فإنما يضلّ عليها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 35 - 5

5- آسیب و زیان ناسپاسی توانگران در برابر نعمت های الهی ، دامنگیر خود ایشان است .

فقال .. أنا أكثر منك مالاً و أعزّ نفراً... و هو ظالم لنفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 15

15 - پیامد گناه هر کسی ، گریبان گیر خود او است .

لکلّ امری منهم ما اکتسب من الإثم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - ضرر و زیان گناه و نافرمانی مردم از اطاعت خدا و رسول او ، به خود آنان بازمی گردد نه به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

قل أطيعوا الله و أطيعوا الرسول فإن تولّوا فإنّما علیه ما حمّل و علیکم ما حملتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - کفر ، امری خسارت بار است و بازتاب خسارت آن ، برای خود کافر است .

من کفر فعليه کفره

«علیه» جار و مجرور و متعلق به «کفره» است. مقدم شدن آن، برای بیان این نکته است که پیامدهای ناگوار کفر، به خود کافران اختصاص دارد.

4 - بازتاب خسارت کفر ، از آن کافر ، و پیامد فواید ایمان و عمل صالح ، فراگیر است . *

من کفر فعليه کفره و من عمل صلحاً فلا لنفسهم یمهدون

احتمال دارد این که در جواب شرط جمله نخست، ضمیر مفرد آورده شده و در جواب شرط جمله دوم، به رغم مفرد بودن اسم شرط، ضمیر جمع آورده شده است، اشاره به نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - خسارت کفران نعمت الهی ، به خود کفران کننده بازمی گردد .

و من کفر فإنّ الله غنیّ

به قرینه مقابله، «و من یشکر..» جواب شرط «من کفر» حذف شده است و «إِنَّ اللَّهَ...» تعلیل برای جواب مقدر است؛ یعنی، هرکس کفران نعمت کند ضررش به خودش برمی گردد؛ چون خداوند نیازی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 50 - 3

3- گمراهی، دارای ضرر و خسارت برای خود گمراه است.

قل إن ضللت فإتّما أضلّ علی نفسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 39 - 5

5- پی آمد زیان بار کفر، متوجه خود انسان ها است.

فمن کفر فعليه کفره

ص: 16

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 43 - 4,5,6

4 - خسارت و پی آمد سوء مکر ها و حيله ها ، تنها دامنگير صاحبان آن خواهد شد .

و لا يحيق المكر السيِّئ إلا بأهله

5 - خسارت و پی آمد سوء مکر و حيله مخالفان دين اسلام ، دامنگير خود آنان خواهد گشت .

فلما جاءهم نذير ما زادهم إلا نفورًا. .. و مکر السيِّئ و لا يحيق المكر السيِّئ

6 - برگشت مکر مکاران مخالف با اديان الهی به خود آنان ، سنت الهی است .

فهل ينظرون إلا سنّت الأوّلين

جمله «فهل ينظرون..» هم می تواند ناظر به بازگشت مکر مکاران عليه خود آنان باشد و هم می تواند اشاره به كيفر الهی درباره مکاران گذشته داشته باشد. برداشت یاد شده براساس احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 41 - 11

11 - ضرر و زیان گمراهی ، تنها متوجه خود گمراهان است .

و من ضلّ فإتّما يضلّ عليها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 53 - 6

6 - ضرر و زیان گناه و اسراف ، متوجه خود انسان است .

الذين أسرفوا على أنفسهم

برداشت یاد شده از آمدن لفظ «على» به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 63 - 5

5 - کفر و انکار آیات الهی، بی تردید به زیان انسان ها است .

و الذین کفروا بآیت الله أولئک هم الخسرون

«خسارت» - ضد ریح (سود) - به معنای ضرر و زیان است و آمدن ضمیر فصل (هم)، دلالت بر حصر و تأکید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 28 - 16

16 - زیان دروغ، بیشتر از همه، به خود دروغ گوباز می گردد .

وإن یک کذباً فعلیه کذبہ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 37 - 14

14 - توطئه ها و نیرنگ های فرعون علیه موسی (ع)، سرانجام به زیان و نابودی او انجامید .

و ما کید فرعون إلا فی تباب

ص: 17

«تباب» به معنای خسارت و هلاکت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 45 - 16

16 - ستمکاران ، عامل خسران و بدبختی خود و محرومیت از خانواده خویش

إِنَّ الْخَسِرِينَ الَّذِينَ خَسَرُوا أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «خسروا.. أهلیهم» به معنای از دست دادن خانواده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 38 - 7

7- بخل از انفاق در راه خدا ، مایه خسارت خود انسان

و من يبخل فإنّما يبخل عن نفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 10 - 8

8 - نتایج ناگوار پیمان شکنی با پیامبر (صلی الله علیه و آله) و رهبری الهی ، تنها متوجه خود انسان است .

فمن نكث فإنّما ينكث على نفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 24 - 8

8 - کسانی که از انفاق کردن روی برمی گردانند ، به خود ضرر وارد می کنند ؛ نه به خداوند .

و من يتولّ فإنّ الله هو الغنيّ الحميد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 1 - 17

17 - ضرر و زیان عمل نکردن به احکام الهی و شکستن مرز های دینی ، به خود متجاوزان بازمی گردد .

و من يتعدّ حدود الله فقد ظلم نفسه

52- زیان به خویش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 87 - 14

14 - محروم نمودن خویش از مواهب پاکیزه و حلال الهی ، زیان رسانی به خود آدمی است .

و لاتحرموا طیبات ما احل الله لکم ولاتعتدوا

چنانچه تحریم طیبات به معنای محروم ساختن خویش از مواهب الهی گرفته شود جمله «لاتعتدوا» می تواند بیانگر فلسفه ای برای جمله «لاتحرموا ..» باشد یعنی مبادا طیبات را از خود دریغ دارید چرا که این کار تعدی به خود و پایمال کردن

ص: 18

حقوق خویش است.

53- زیان به خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 135 - 8

8 - لزوم ادای شهادت به حق، گر چه به ضرر خود یا پدر و مادر و نزدیکان باشد.

کونوا قومین بالقسط شهداء لله و لو علی أنفسکم او الولدین و الاقربین

«شهداء»، خبر دوم برای «کونوا» است. بنابراین شهادت به حق تکلیفی لازم الاجرا است. گفتنی است که متعلق شهادت در برداشت فوق - به قرینه «و لو علی أنفسکم» - کلمه «بالحق» گرفته شده است.

54- زیان به دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 25 - 17

17 - وارد گشتن خسارت سنگین (مانند قتل، جرح و...) به دشمن از ره آورد های جهاد

فیه بأس شدید

«بأس» عبارت از عذاب و آسیب های جدی است که در میدان نبرد، بر طرف وارد می شود.

55- زیان به دیگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 79 - 11

11- زیان رساندن به مال غیر، به منظور دفع زیان حتمی و بزرگ تر، جایز است.

فأردت أن أعيبها و كان وراءهم ملك يأخذ كل سفينة غصبا

56- زیان به شتر صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- قطعی شدن عذاب بر ثمودیان ، پس از آسیب رساندن به ناقه صالح

وفی ثمود إذ قیل لهم تمتعوا حتی حین

ص: 19

57- زیان به گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 11 - 14، 15

14- بازگشتی برای تقدیر الهی بر آسیب دیدن گمراهان و تبه کاران نیست .

و إذا أراد الله بقوم سوءاً فلا مردّ له

مراد از «قوم» در آیه شریفه به مناسبت حکم و موضوع ، قوم گنه کار می باشد. «مردّ» مصدر میمی و به معنای بازگرداندن است.

15- هیچ کس و هیچ چیز حتی فرشتگان محافظ نمی تواند گمراهان و گنه کاران را در برابر گزندگی که خداوند برای آنان تقدیر کرده ، یاری رساند و آنان را مصون دارد .

و ما لهم من دونه من وال

جمله «فلامردّ له» می رساند که تقدیر الهی بر گذرندسانی بازگشتی نیست و جمله «و ما لهم ..» بیانگر آن است که پس از آمدن ، هیچ کس نمی تواند مشمولان آن را یاری دهد و ایشان را نجات بخشد.

58- زیان به گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 11 - 14، 15

14- بازگشتی برای تقدیر الهی بر آسیب دیدن گمراهان و تبه کاران نیست .

و إذا أراد الله بقوم سوءاً فلا مردّ له

مراد از «قوم» در آیه شریفه به مناسبت حکم و موضوع ، قوم گنه کار می باشد. «مردّ» مصدر میمی و به معنای بازگرداندن است.

15- هیچ کس و هیچ چیز حتی فرشتگان محافظ نمی تواند گمراهان و گنه کاران را در برابر گزندگی که خداوند برای آنان تقدیر کرده ، یاری رساند و آنان را مصون دارد .

و ما لهم من دونه من وال

جمله «فلامردّ له» می رساند که تقدیر الهی بر گذرندسانی بازگشتی نیست و جمله «و ما لهم ..» بیانگر آن است که پس از آمدن ، هیچ کس نمی تواند مشمولان آن را یاری دهد و ایشان را نجات بخشد.

59- زیان به محصولات کشاورزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 67 - 1

1 - آسیب دیدن محصولات کشاورزی ، یأس آور برای انسان ها و باعث احساس حرمان برای آنان

لونشاء .. فظلتم تفکھون ... بل نحن محرومون

ص: 20

60- زیان به محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فلق - 113 - 5 - 7

7 - تلاش شدید فردی حسود ، برای رساندن شرّ به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و من شرّ حاسد إذا حسد

چنانچه آمدن «حاسد»، برای بیان شدت حسدی باشد که از فرد حسود سر زده بود، ناشناخته بودن او از آیه استفاده نمی شود؛ مؤید این احتمال شأن نزول آیه شریفه است که در آن آمده: آن فرد «لَبِيد بن أَعْصَم» نام داشته است.

61- زیان به مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 2 - 6

6 - استفاده جبهه کفر از تمامی روش های عملی و تبلیغی ، برای زیان رساندن به مسلمانان

إن یتفقوکم یكونوا لکم اعداء و یسطوا إلیکم ایدیههم و ألسنتهم بالسوء

تعبیر «ایدیهم و ألسنتهم...»، بیانگر به کارگیری تمامی امکانات از سوی کافران است.

62- زیان به مسلمانان ناشناخته مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 25 - 14

14- آسیب دیدن مؤمنان ناشناخته شهر مکه ، در صورت وقوع جنگ میان مسلمانان و مکیان در حدیبیه

و لولا رجال مؤمنون ... أن تطوهم

63- زیان به مطلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 6 - 17

17 - « عن أبي عبد الله (ع) قال : لا يضارّ الرجل امرأته إذا طلقها فيضيّق عليها حتّى تنتقل قبل أن تنقضى عدّتها ، فإنّ الله عزّ وجلّ قد نهى عن ذلك فقال : « ولا تضارّوهنّ لتضيّقوا عليهنّ » ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: مرد نباید به همسر مطلقه خود ضرر برساند و او را [از نظر مسکن و نفقه] در مضیقه قرار دهد تا [مجبور شود] قبل از تمام شدن عدّه، از خانه شوهر به جای دیگر انتقال یابد؛ زیرا خداوند از این کار نهی کرده و فرموده است: و لا تضارّوهنّ لتضيّقوا عليهنّ».

ص: 21

64- زیان به معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 23 - 8

8 - تنها موجود ایمن از زیان پذیری و زیان رسانی ، شایسته مقام خداوندی است .

هو الله الذی .. السلم

وصف «السلام»، اشعار به علیت برای انحصار الوهیت در «الله» دارد.

65- زیان به منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 4 - 9

9 - منافقان ، هر فریادی را علیه خود و هر حرکتی را به ضرر خویش می پندارند .

یحسبون کلّ صیحه علیهم

66- زیان به والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 135 - 8

8 - لزوم ادای شهادت به حق ، گر چه به ضرر خود یا پدر و مادر و نزدیکان باشد .

کونوا قومین بالقسط شهداء لله و لو علی أنفسکم او الولدین و الاقربین

«شهداء»، خبر دوم برای «کونوا» است. بنابراین شهادت به حق تکلیفی لازم الاجرا است. گفتنی است که متعلق شهادت در برداشت فوق

- به قرینه «و لو علی أنفسکم» - کلمه «بالحق» گرفته شده است.

67- زیان بی تقوایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 131 - 15

15 - بازگشت زیان کفر و بی تقوایی ، به خود انسان نه به خداوند

وإن تكفروا فإن لله ما فى السموت و ما فى الأرض

68- زیان ترک تبلیغ حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عصر - 103 - 2 - 3

ص: 22

3- بی ایمانی و ترک عمل صالح و تبلیغ نکردن از حق و صبر، زیان بزرگی است.

لفی خسر

نکره آمدن کلمه «خسر»، برای بیان عظمت آن است. استثنایی که در آیه بعد آمده، زیان را به غیر افراد مستثنی، اختصاص داده است.

69- زیان ترک تبلیغ صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عصر - 103 - 2 - 3

3- بی ایمانی و ترک عمل صالح و تبلیغ نکردن از حق و صبر، زیان بزرگی است.

لفی خسر

نکره آمدن کلمه «خسر»، برای بیان عظمت آن است. استثنایی که در آیه بعد آمده، زیان را به غیر افراد مستثنی، اختصاص داده است.

70- زیان ترک جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 39 - 4

4- فرمان جهاد و شرکت همگان در آن، در جهت منافع مؤمنان و زیان تخلف از جهاد، تنها متوجه خود آنان است؛ نه خداوند.

إلا تتفروا يعذبكم عذاباً أليماً.. ولا تضروه شيئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 49 - 8

8- زیان ناشی از شرکت نکردن در جهاد، بسی افزون تر از خطرات شرکت در آن است.

و منهم من يقول ائذن لي ولا تفتني ألا في الفتنة سقطوا

71- زیان ترک عمل صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عصر - 103 - 2 - 3

3- بی ایمانی و ترک عمل صالح و تبلیغ نکردن از حق و صبر، زیان بزرگی است.

لفی خسر

نکره آمدن کلمه «خسر»، برای بیان عظمت آن است. استثنایی که در آیه بعد آمده، زیان را به غیر افراد مستثنی، اختصاص داده است.

ص: 23

72- زیان تعدد معبود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 42 - 4

4- وجود خدایان متعدد ، مستلزم رقابت و درگیری حتمی برای تصاحب قدرت و حاکمیت جهان

قل لو كان .. إذا لآبتغوا إلى ذی العرش سییلاً

خدایی، مظهر قدرت و حاکمیت بر جهان است و وجود چند خدا، به معنای وجود چند قدرت و حاکمیت می باشد و این مستلزم رقابت و برخورد بر سر تصاحب قدرت و حاکمیت بر جهان (عرش) است.

73- زیان تکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 104 - 8

8- عجب و غرور و فریفتگی در برابر اعمال خویش ، امری نکوهیده و زیانبار است .

الأخسرین أعمالاً.. و هم یحسبون أنهم یحسنون صنعا

74- زیان توطئه فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 37 - 14

14 - توطئه ها و نیرنگ های فرعون علیه موسی (ع) ، سرانجام به زیان و نابودی او انجامید .

و ما کید فرعون إلا فی تباب

«تباب» به معنای خسارت و هلاکت است.

75- زیان جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 102 - 26

26 - تأثیر سحر و زیان رسانی آن ، به اذن خدا و خواست اوست .

و ما هم بضارین به من أحد إلا بإذن الله

ص: 24

76- زیان جاودانگی در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 45 - 24

24 - گرفتار شدن به آتش و عذاب ابدی ، خسران واقعی است .

إِنَّ الْخٰسِرِينَ الَّذِينَ ... فِي عَذَابٍ مُّقِيمٍ

77- زیان جدایی از همسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 102 - 30

30 - جدایی زن و شوهر در بر دارنده زیان برای ایشان است .

مَا يَفْرُقُونَ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَمَا هُمْ بِضٰرِرِينَ ... اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ

78- زیان حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 70 - 6

6- بت پرستی و موضع گیری در مقابل حق و رهبران الهی ، از زیان بارترین کارها است .

وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْآخِسِرِينَ

79- زیان حنث سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 94 - 7

7- ضرر و زیان نقض سوگند و فریب دادن مردمان ، دامنگیر خود نقض کنندگان سوگند و فریب دهندگان خواهد شد .

وَلَا تَتَّخِذُوا اٰیْمٰنَكُمْ دَخٰلًا بَيْنَكُمْ فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوْتِهَا وَتَذُوْقُوا السُّوْءَ

از اینکه خداوند، ضرر و زیان حنث سوگند و فریب را به خود کسانی که سوگند خود نقض می کنند داده و آنان را مخاطب قرار داده است

(و تذوقوا السوء) مطلب فوق استفاده می شود.

80- زیان خبر فاسق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 6 - 8،10

8 - نقش ویرانگر منابع خبری فاسد ، در مناسبات و امنیت جوامع

ص: 25

إن جاءكم فاسق بنبأ .. أن تصيبوا قومًا بجهله

از تعلیل «أن تصیبوا قومًا بجهاله» و متفرع شدن آن بر فسق مخبر، مطلب بالا نتیجه گیری می شود.

10 - جامعه صدر اسلام در معرض خطر، از ناحیه گزارش های برخی از افراد فاسق

إن جاءكم فاسق .. أن تصیبوا قومًا بجهله

با توجه به شأن نزول هایی که مفسران ذکر کرده اند، هشدار خداوند در آیه شریفه، هنگامی صورت گرفت که نشانه های خطر یاد شده در جامعه به نوعی رخ نموده بود.

81- زیان خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 47 - 3

3 - شراب، مایه ضرر و زیان و آسیب رسان به عقل و هوش آدمی

لا فیها غول و لا هم عنها ینزفون

برداشت یاد شده از مفهوم آیه شریفه به دست می آید.

82- زیان خیانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 111 - 3

3 - آثار زیانبار خیانت به دیگران، دامنگیر خود خیانتکار خواهد شد.

إنّ الله لا یحب من كان خواناً .. و من یکسب اثماً فانما یکسبه علی نفسه

به مقتضای آیات گذشته، مصداق مورد نظر از «اثماً»، همان خیانتکاری است.

83- زیان در بینش مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 6 - 3

3 - مصرف ثروت برای رفع نیازمندی های مردم، در دیدگاه منکران معاد، خسارتی سنگین و جبران ناپذیر است .

أهلكت مالاً لَبِداً

انتخاب تعبیر «أهلكت» و پرهیز از گفتن «أنفقت» و نظایر آن، بیانگر این است که گوینده، مال های مصرف شده را «هلاک شده» می پندارد. این بینش ممکن است برخاسته از انکار پاداش انفاق، بر اثر انکار معاد باشد.

ص: 26

84- زیان دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 28 - 16، 14

14 - اطمینان دادن مؤمن آل فرعون به فرعونیان، از آسیب دیدن موسی (ع) در صورت دروغ گو بودن ایشان در ادعاهای خود

و این یک کذباً فعلیه کذب

16 - زیان دروغ، بیشتر از همه، به خود دروغ گو باز می گردد.

و این یک کذباً فعلیه کذب

85- زیان دزدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 39 - 4

4 - تأمین خسارت های ناشی از دزدی، شرط پذیرش توبه سارق *

فمن تاب من بعد ظلمه و اصلح فإنّ الله يتوب عليه

مصدق مورد نظر از اصلاح و درستکاری، به مناسبت مورد، تأمین خسارتهایی است که دزد به صاحبان کالا وارد ساخته است.

86- زیان دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 104 - 5

5 - بیان خسارت های دشمن در جنگ، زمینه ای برای تقویت روحیه مجاهدان در رویارویی با آنان

ان تكونوا تالمون فانهم يالمون كما تالمون

87- زیان دشمنان ادیان آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 43 - 6

6- برگشت مکر مکاران مخالف با ادیان الهی به خود آنان ، سنت الهی است .

فهل ينظرون إلا سنّت الأولین

جمله «فهل ينظرون...» هم می تواند ناظر به بازگشت مکر مکاران علیه خود آنان باشد و هم می تواند اشاره به کیفر الهی درباره مکاران گذشته داشته باشد. برداشت یاد شده براساس احتمال نخست است.

ص: 27

88- زیان دشمنان اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 43 - 5

5 - خسارت و پی آمد سوء مکر و حيله مخالفان دين اسلام ، دامنگير خود آنان خواهد گشت .

فلما جاءهم نذير ما زادهم إلا نفورا.. و مكر السيي و لا يحيق المكر السيي

89- زیان دنیاطلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 102 - 47

47 - دستیابی به منافع دنیا در مقابل از دست دادن آخرت ، سودایی زیانبار است .

لبس ماشروا به أنفسهم

90- زیان دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 11 - 10

10 - خسران اخروی همراه با تباهی دنیوی ، از بارزترین انواع خسران ها

خسر الدنيا و الآخره ذلك هو الخسران المبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جاثیه - 45 - 27 - 7

7 - زیان های دنیوی ، امری ناچیز در قبال ضرر اخروی انسان

يومئذ يخسر المبطلون

تقديم ظرف «يوم تقوم» بر «يخسر»، افاده حصر می کند و مفاد آیه این است که «هر زیانی در مقاسیه با زیان آخرت، گویی زیان نیست».

91- زیان دنیوی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 15 - 5

5- هر جَبَّار منحرفی دچار خسارت دنیوی است .

و خاب کَلِّ جَبَّار عنید

«خاب» در لغت به معنای «خسر» و «عنید» به معنای عدول کننده از درستی آمده است.

ص: 28

92- زیان دنیوی منحرفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 15 - 5

5- هر جبار منحرفی دچار خسارت دنیوی است .

و خاب کلّ جبار عنید

«خاب» در لغت به معنای «خسر» و «عنید» به معنای عدول کننده از درستی آمده است.

93- زیان دوستی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 53 - 17

17 - ناکامی و زیانکاری ، فرجام شوم و پذیرش محبت و ولایت کافران

حبطت اعمالهم فاصبحوا خسرين

94- زیان دین فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 199 - 13

13 - هر بهایی که در قبال سوداگری با آیات الهی قرار گیرد ، اندک و ناچیز است .

لا یشترون بایات الله ثمناً قليلاً

معمولاً افرادی که بر سر آیات الهی سوداگری می کنند به قصد رسیدن به بهره های فراوان دنیوی است، ولی خداوند آنها را در مقابل از دست دادن دین و محرومیت از مواهب اخروی اندک می شمارد.

95- زیان رسانی بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 73 - 1

1 - یادآوری ابراهیم (ع) به قوم خویش ، مبنی بر ناتوانی بت ها در رساندن سود یا زیان به انسان ها

أَوْ يَنْفَعُونَكُمْ أَوْ يَضُرُّونَ

ص: 29

96- زیان رسانی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 38 - 7

7- قدرت گسترده و اراده مطلق خداوند ، در رساندن سود و زیان و رحمت و نعمت به انسان ها

قل أفرءیتم . . . إن أرادنی اللّٰه بضرّ هل هنّ کشفتم ضرّه أو أرادنی برحمه هل هنّ م

97- زیان رسانی معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 89 - 4

4- قدرت بر پاسخ گویی و اجابت خواسته ها و توان نفع و ضرر رسانی ، از جمله ویژگی های لازم برای معبود حقیقی است .

أفلا یرون الّا یرجع الیهم قولاً و لایملک لهم ضرراً و لانفعاً

«برگرداندن قول»، مفهومی است که شامل اجابت دعا نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 73 - 3

3- لازمه معبود راستین ، در دست داشتن عوامل و اسباب سود و زیان انسان

أو ینفعونکم أو یضرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 23 - 8

8- تنها موجود ایمن از زیان پذیری و زیان رسانی ، شایسته مقام خداوندی است .

هو اللّٰه الذی . . . السلم

وصف «السلام»، اشعار به علیت برای انحصار الوهیت در «اللّه» دارد.

98- زیان رسانی معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 55 - 4، 1

1 - مشرکان ، در عصر بعثت ، موجوداتی را می پرستیدند که از رساندن نفع و یا دفع ضرر ، ناتوان بودند .

و يعبدون من دون الله ما لا ينفعهم ولا يضرهم

4 - معبود های مشرکان ، ناتوان از سودرساندن و یا دور کردن زیان از عبادت کنندگان خویش

و يعبدون من دون الله ما لا ينفعهم ولا يضرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 42 - 1

ص: 30

1 - در روز قیامت معبود های مشرکان ، نمی توانند هیچ سود و زیانی را برای کسی عهده دار شوند .

فالیوم لایملک بعضکم لبعض نفعاً و لا ضرراً

99- زیان رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 27 - 9

9 - خطرساز بودن رهبران متکبر و منکر قیامت و روز حساب برای جامعه

کلّ متکبر لا یؤمن بیوم الحساب

پناه بردن موسی(ع) از شر متکبران منکر قیامت (چون فرعونیان)، گویای مطلب یاد شده است.

100- زیان رهبران متکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 27 - 9

9 - خطرساز بودن رهبران متکبر و منکر قیامت و روز حساب برای جامعه

کلّ متکبر لا یؤمن بیوم الحساب

پناه بردن موسی(ع) از شر متکبران منکر قیامت (چون فرعونیان)، گویای مطلب یاد شده است.

101- زیان شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 54 - 4

4 - شرک ورزی و پرستش غیر خدا ، ضرر و زیانی را متوجه خداوند نخواهد کرد .

إنکم ظلمتم أنفسکم باتخاذکم العجل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 29 - 17

17 - ناآگاهی بیشتر مردم از شایستگی انحصاری خداوند به عبادت و پرستش و ضرر و زیان شرک

ضرب الله مثلاً رجلاً... بل اکثرهم لا يعلمون

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که متعلق جهل، مسأله برابر نبودن دو مثل مربوط به مؤمن و مشرک و سرنوشت ایمان و شرک باشد؛ یعنی، «بل اکثرهم لا يعلمون أنهما لا یستویان»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 65 - 7

ص: 31

7- شرک ، بی تردید به زیان انسان ها است .

لئن أشركت .. و لتكوننَّ من الخسرین

«نون» در «لتكوننَّ» برای تأکید و رفع تردید است.

102- زیان عجب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 104 - 8

8- عجب و غرور و فریفتگی در برابر اعمال خویش ، امری نکوهیده و زیانبار است .

الأخسرین أعمالاً.. و هم يحسبون أنهم يحسنون صنعا

103- زیان عصیان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 54 - 4

4- ضرر و زیان گناه و نافرمانی مردم از اطاعت خدا و رسول او ، به خود آنان بازمی گردد نه به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

قل أطيعوا الله و أطيعوا الرسول فإن تولّوا فإنّما علیه ما حمّل و علیکم ما حملتم

104- زیان عصیان از محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 54 - 4

4- ضرر و زیان گناه و نافرمانی مردم از اطاعت خدا و رسول او ، به خود آنان بازمی گردد نه به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

قل أطيعوا الله و أطيعوا الرسول فإن تولّوا فإنّما علیه ما حمّل و علیکم ما حملتم

105- زیان عصیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 10 - 5

5 - « عن أبي جعفر وعن أبي عبد الله (ع) . . . في قوله : « وقد خاب من دسّاهها » قال : قد خاب من عصي ؛

از امام باقر و امام صادق (ع) . . . درباره سخن خداوند «وقد خاب من دسّاهها» روایت شده که فرمود: [یعنی] به تحقیق زیان دید کسی که نافرمانی کرد».

ص: 32

106- زیان علوم غریبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 102 - 21

21- تعلیم دهندگان علوم غریبه ، باید ضرر های آن علوم را به متعلمان گوشزد کرده و آنان را از سوء استفاده بر حذر دارند .

و ما یعلمان من أحد حتی یقولاً إنما نحن فتنه فلا تکفر

107- زیان عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 55 - 8

8- سود و زیان عمل هر کس ، تنها به خود وی بازمی گردد .

لنا أعمالنا و لکم أعمالکم

108- زیان عمل ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 32 - 10

10- تبیین پیامد های سوء اعمال ناپسند ، و جدایی نهی از آنها از روش های هدایتی - تبلیغی قرآن

و لا تقربوا الزنی إنه کان فحشه و ساء سبیلاً

109- زیان فردی زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 32 - 7

7- عمل ناشایست زنا ، دارای فرجامی بد و ناگوار برای فرد و جامعه

و ساء سبیلاً

از جمله «راههای بد» راهی است که منتهی الیه و فرجام آن، ناشایست باشد. بنابراین «ساء سبیلاً» می تواند مشعر به این معنا باشد که: زنا

نه تنها خود فاحشه است؛ بلکه راهی است بد که فرجام و پیامد آن برای فرد و جامعه نیز، بد و ناپسند است.

110- زیان فرزند کشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 140 - 3

3 - کشتن فرزند (به عنوان قربانی) و تحریم روزیهای الهی، نشانه بارز زیانکاری است.

ص: 33

قد خسر الذين . . . و حرموا ما رزقهم الله

111- زیان قطع صله رحم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 27 - 12

12 - از امام باقر (ع) روایت شده که فرمود: «قال لی ابي علی بن الحسین . . . إياک و مصاحبه القاطع لرحمه . . . قال الله عز و جل »
الذين . . . یقطعون ما امر الله به أن یوصل . . . أولئک هم الخاسرون » ;

پدرم، امام سجاد (ع)، به من فرمود: . . . از همنشینی با کسی که قطع رحم می کند بپرهیز . . . خدای عز و جل فرمود: «آنان که . . . قطع می کنند آنچه را که خدا امر به وصل آن نموده . . . اینانند زیانکاران».

112- زیان کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 104 - 3

3 - آسیب ها و صدمات متقابل مجاهدان و کافران در نبرد احد

ان تکنونوا تألمون فانهم یألمون

بنابر آنچه در شأن نزول آیه آمده، مراد از آسیبهای متقابل، مسائلی است که در جنگ احد پیش آمد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 9 - 7

7 - خطر و زیان منافقان برای جامعه اسلامی ، همانند خطر و زیان کافران است .

جهد الکفار و المنفقین و اغلظ علیهم

113- زیان کشتزار قصه داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 78 - 5

5- داوود و سلیمان (ع) ، در تطبیق و چگونگی پیاده کردن حکم خدا در باره خسارت مزرعه تلف شده به وسیله گوسفندان ، اختلاف

نظر داشتند .

و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث إذ نفثت فیہ غنم القوم و کنا لحکمهم شهدین

نوع مفسران برآند که «ففهمناها» می رساند که خداوند نظر سلیمان را تأیید کرد. از سوی دیگر، جمله های «کنا لحکمهم شاهدین» و «و کلاً آتینا حکماً و علماً» می فهماند که نظر هر دو براساس نظارت، حکم و علم الهی بوده است. جمع میان این دو سخن، به این است که بگوییم: اختلاف آن دو در حکم الهی نبود؛ بلکه در تطبیق و چگونگی پیاده کردن آن بود.

ص: 34

114- زیان کشتزار قصه سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 78 - 5

5- داوود و سلیمان (ع) ، در تطبیق و چگونگی پیاده کردن حکم خدا در باره خسارت مزرعه تلف شده به وسیله گوسفندان ، اختلاف نظر داشتند .

و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث إذ نفثت فیہ غنم القوم و کتآ لحکمهم شہدین

نوع مفسران برآند که «فہمناھا» می رساند که خداوند نظر سلیمان را تأیید کرد. از سوی دیگر، جمله های «کتآ لحکمهم شہدین» و «و کلاً آتینا حکماً و علماً» می فهماند که نظر هر دو براساس نظارت، حکم و علم الهی بوده است. جمع میان این دو سخن، به این است که بگوییم: اختلاف آن دو در حکم الهی نبود؛ بلکه در تطبیق و چگونگی پیاده کردن آن بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 79 - 1

1- حکم و داوری سلیمان (ع) در باره خسارت مزرعه تلف شده به وسیله گوسفندان ، با الهام خداوند بود .

فہمناھا سلیمان

«فا» در «فہمنا» برای تعقیب است و ضمیر «ها» به حکومت (قضاوت) باز می گردد؛ یعنی، در مشاوره و داوری داوود و سلیمان(ع) حکم واقعی را به سلیمان فهمانندیم.

115- زیان کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 131 - 15

15 - بازگشت زیان کفر و بی تقوایی ، به خود انسان نه به خداوند

وإن تکفروا فان لله ما فی السموت و ما فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 170 - 9

9- بازگشت سود و زیان ایمان به خود انسان نه خداوند

فامنوا خيراً لكم وإن تكفروا فإن لله ما فى السموت و الارض

جواب شرط «ان تكفروا» به قرینه «خيراً لكم» و نیز جمله «فان لله . . .» می تواند به این گونه باشد «يكن شراً لكم ولا يضر الله شيئاً».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 39 - 5

5- پی آمد زیان بار کفر ، متوجه خود انسان ها است .

فمن كفر فعليه كفره

ص: 35

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 7 - 7

7- نفع و ضرر «ایمان و کفر» و «شکر و ناسپاسی»، دامنگیر خود انسان ها است؛ نه خداوند.

إِن تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ .. . وَإِن تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 18 - 11

11- هدر دادن امکانات زندگی در مسیر کفر و گمراهی، زیان و زمینه ساز عذاب الهی است.

أُولَئِكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ .. . إِنَّهُمْ كَانُوا خَسِرِينَ

تعبیر «إِنَّ» در صورتی که علیت را برساند، نشان می دهد که نفس همین خسران، باعث شده تا عده ای گرفتار عذاب حتمی شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عصر - 103 - 2 - 3

3- بی ایمانی و ترک عمل صالح و تبلیغ نکردن از حق و صبر، زیان بزرگی است.

لَفِي خَسِرٍ

نکره آمدن کلمه «خسر»، برای بیان عظمت آن است. استثنایی که در آیه بعد آمده، زیان را به غیر افراد مستثنی، اختصاص داده است.

116- زیان کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 8 - 5

5- فایده شکر نعمت و ضرر و زیان کفران آن به خود انسان باز می گردد.

لئن شكرتم لأزيدنكم و .. . إن تكفروا أنتم و من فى الأرض جميعاً فإن الله لغنى حمى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 35 - 5

5- آسیب و زیان ناسپاسی توانگران در برابر نعمت های الهی ، دامنگیر خود ایشان است .

فقال .. أنا أكثر منك مالاً و أعزّ نفراً... و هو ظالم لنفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 12 - 14

14 - خسارت کفران نعمت الهی ، به خود کفران کننده بازمی گردد .

و من كفر فإنّ الله غنيّ

ص: 36

به قرینه مقابله، «و من یشکر..» جواب شرط «من کفر» حذف شده است و «إِنَّ اللَّهَ...» تعلیل برای جواب مقدر است؛ یعنی، هرکس کفران نعمت کند ضررش به خودش برمی گردد؛ چون خداوند نیازی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 7 - 7

7- نفع و ضرر «ایمان و کفر» و «شکر و ناسپاسی»، دامنگیر خود انسان ها است؛ نه خداوند.

إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ .. وَإِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ

117- زیان کم فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 35 - 5

5- کم فروشی و خیانت اقتصادی، به گمان جلب منافع بیشتر، بد فرجام و عملی زیان آور و نامیمون است.

وَأَوْفُوا الْكَيْلَ .. وَزِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا

118- زیان گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 16 - 6

6- زیان واقعی انسان، در ضلالت و از دست دادن هدایت است.

اشْتَرُوا الضَّلِيلَةَ بِالْهَدْيِ فَمَا رِبْحَتْ تَجْرَتَهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 108 - 9

9- ضرر و زیان گمراهی، تنها متوجه خود گمراهان است.

و من ضل فإنما یضل علیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- نفع هدايت و ضرر گمراهي هر كسي متوجه خود اوست .

من اهتدى فإنما يهتدى لنفسه و من ضلّ فإنما يضلّ عليها

2- هدايت ، دربردارنده سود و منافع و گمراهي در پي دارنده زيان و ضرر

من اهتدى فإنما يهتدى لنفسه و من ضلّ فإنما يضلّ عليها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

15 - سبأ - 34 - 50 - 3

ص: 37

3- گمراهی، دارای ضرر و خسارت برای خود گمراه است.

قل إن ضللت فإتّما أضلّ علی نفسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 41 - 11

11- ضرر و زیان گمراهی، تنها متوجه خود گمراهان است.

و من ضلّ فإتّما یضلّ علیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 18 - 11

11- هدر دادن امکانات زندگی در مسیر کفر و گمراهی، زیان و زمینه ساز عذاب الهی است.

أولئك الذین حقّ علیهم القول .. إثمهم كانوا خسرين

تعبیر «انّ» در صورتی که علیت را برساند، نشان می دهد که نفس همین خسران، باعث شده تا عده ای گرفتار عذاب حتمی شوند.

119- زیان گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 57 - 18

18 - بازگشت زیان معصیت به گنهکار است نه متوجه ساحت قدس خداوند

و ما ظلمونا و لکن كانوا أنفسهم یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 111 - 5,6,4,2,1

1 - آثار زیانبار گناه، دامنگیر خود انسان

و من یکسب اثمًا فانما یکسبه علی نفسه

2- توجه آدمی به بازگشت آثار زیانبار گناه به خود، زمینه گرایش به توبه و استغفار

ثم يستغفر الله يجد الله . . . و من يكسب اثمًا فانما يكسبه على نفسه

خداوند پس از ارائه راه آموزش، این حقیقت را بیان کرده که آثار گناه و خیانت، دامنگیر خود گناهکار خواهد شد، تا او را از خیانت و گناه باز دارد و در صورت ارتکاب، به توبه و استغفار روی آورد.

4 - خداوند بازگرداننده آثار زیانبار گناه به گناهکاران

فانما يكسبه على نفسه و كان الله عليماً حكيماً

جمله «كان الله عليماً حكيماً» می‌رساند که تحمیل آثار سوء آدمی به دست خداوند است.

5 - خداوند، آثار سوء گناه آدمی را بر اساس علم خویش و بدور از هرگونه خطا به وی باز می‌گرداند .

و من يكسب اثمًا فانما يكسبه على نفسه و كان الله عليماً حكيماً

توصیف خداوند به «علیماً» برای رساندن این معناست که در بازگرداندن آثار سوء گناه، هیچ خطایی رخ نخواهد داد.

6 - بازگرداندن آثار زیانبار گناه به گنهکاران ، کاری حکیمانه

فانما یکسبه علی نفسه و کان الله علیماً حکیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 23 - 10

10 - مغفرت و رحمت الهی تنها امید و وسیله رهایی گنهکاران از خسران گناه است.

و إن لم تغفر لنا و ترحمنا لنکونن من الخسرین

120- زیان گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 111 - 4

4 - خداوند بازگرداننده آثار زیانبار گناه به گنهکاران

فانما یکسبه علی نفسه و کان الله علیماً حکیماً

جمله «کان الله علیماً حکیماً» می رساند که تحمیل آثار سوء آدمی به دست خداوند است.

121- زیان مبارزه با رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 70 - 6

6- بت پرستی و موضع گیری در مقابل حق و رهبران الهی ، از زیان بارترین کارها است .

و أرادوا به کیداً فجعلنهم الأخرین

122- زیان مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 104 - 3

3 - آسیب ها و صدمات متقابل مجاهدان و کافران در نبرد احد

ان تکونوا تالمون فانهم يالمون

بنابر آنچه در شأن نزول آیه آمده، مراد از آسیبهای متقابل، مسائلی است که در جنگ احد پیش آمد.

123- زیان محرومیت از حمایتهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 39

17 - از دست دادن پشتیبانی و حمایت خدا، خسران واقعی برای انسان است .

و من یضلل الله فما له من ولی من بعده .. . إنّ الخسرین الذین خسروا أنفسهم و أه

124- زیان مکذبان آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 9 - 1

1 - قیامت روز ظهور و بروز خسارت و زیانکاری تکذیب کنندگان آیات خداوند است.

و من خفت موزینه فأولئك الذین خسروا أنفسهم بما كانوا بآیتنا یظلمون

125- زیان مکذبان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 99 - 4,5

4 - کسانی که علی رغم تکذیب انبیا، خویشان را از عذاب الهی مصون می پندراند، زیانکار هستند .

و لكن کذبوا .. . فلا یأمن مکر الله إلا القوم الخسرون

5 - تکذیب کنندگان انبیا، زیانکار هستند .

و لكن کذبوا .. . فلا یأمن مکر الله إلا القوم الخسرون

126- زیان مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 27 - 9

9 - خطر ساز بودن رهبران متکبر و منکر قیامت و روز حساب برای جامعه

کلّ متکبر لا یؤمن بیوم الحساب

پناه بردن موسی(ع) از شر متکبران منکر قیامت (چون فرعونیان)، گویای مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 43 - 4

4 - خسارت و پی آمد سوء مکرها و حیلها، تنها دامنگیر صاحبان آن خواهد شد .

ولا یحیق المکر السیی إلا بأهله

ص: 40

128- زیان منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 16 - 4

4 - منافقان ، به سود و زیان واقعی خویش آگاهی ندارند .

و ما کانوا مهتدین

متعلق «مهتدین» به دلیل جمله های قبل، سود و زیان واقعی است؛ یعنی: و ما کانوا مهتدین الی منافعهم و مضارهم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 9 - 7

7 - خطر و زیان منافقان برای جامعه اسلامی ، همانند خطر و زیان کافران است .

جهد الکفار و المنفقین و اغلظ علیهم

129- زیان ناپذیری خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 8 - 3، 1

1- موسی (ع) در راستای رسالت خویش به بنی اسرائیل اعلام کرد که کفر آنان و تمامی ساکنان زمین زبانی به خداوند نمی رساند .

وقال موسی إن تکفروا أنتم و من فی الأرض جمیعاً فإن الله لغنی حمید

«این» در «این تکفروا» شرطیه است و جواب آن «لم يتضرر هو» می باشد که محذوف است و «فإن الله لغنی» تعلیل جزای شرط محذوف می باشد.

3- کفران نعمت های خداوند هیچگونه زبانی به او نمی رساند .

إن تکفروا أنتم و من فی الأرض جمیعاً

مراد از «این تکفروا» به قرینه «و لئن کفرتم» که به معنای کفران بود، می تواند ناسپاسی در برابر نعمتهای خدا باشد.

130- زیان واقعی

17 - از دست دادن پشتیبانی و حمایت خدا، خسران واقعی برای انسان است .

و من یضلل الله فما له من ولی من بعده .. . إنّ الخسرین الذین خسروا أنفسهم و أه

18 - تنها آنچه به خسران انسان در آخرت می انجامد ضرر و زیان واقعی است .

إنّ الخسرین الذین خسروا أنفسهم و أهلیهم یوم القیمه

با توجه به این که الف و لام در «الخاسرین» دلالت بر کمال می کند، مطلب بالا استفاده می شود.

24 - گرفتار شدن به آتش و عذاب ابدی ، خسران واقعی است .

إِنَّ الْخٰسِرِيْنَ الَّذِيْنَ . . . فِيْ عَذٰبٍ مُّقِيْمٍ

131- شدت زیان اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 22 - 2

2- تباهی و زیان کاری کفرپیشگان در سرای آخرت ، افزونتر از خسارت و تباهی آنان در دنیاست .

لَا جَرْمَ اَنْهُمْ فِي الْاٰخِرَةِ هُمُ الْاٰخِسِرُوْنَ

«أَخْسَرُ» (زیانکارتر) اسم تفضیل است و می طلبد که زیان کاری کافران در آخرت، با خسارت دیگری سنجیده شده باشد. می توان گفت: آن خسارت، خسارت کافران در دنیاست. براین اساس جمله «لَا جَرْمَ اَنْهُمْ...» دلالت می کند که کافران در دنیا و نیز در آخرت، زیانکارند و خسارت اخروی آنان در مقایسه با خسارت دنیوی، زیادتر و سنگین تر است.

132- عالم به زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 103 - 3

3- خداوند به دلیل حاکمیت بر رستاخیز و نظام کیفری انسان ها ، تنها منبع آگاه از سود و زیان واقعی آنان است .

إِنَّا اَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ . . . هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْاٰخِسِرِيْنَ اَعْمَالًا

خداوند پس از این که موضع قیامت و کیفر کافران را در آیات قبل یادآور شده، در مقام اخبار از سود و زیان واقعی انسان ها برآمده است. این نکته نشانه آن است که در شناخت سود و زیان، تنها، گفته های او ملاک است؛ چرا که فرجام انسان ها را، او رقم می زند.

133- عوامل زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 16 - 6

6- زیان واقعی انسان ، در ضلالت و از دست دادن هدایت است .

اشتروا الضلله بالهدى فما ربحت تجرتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 27 - 11

11 - شکستن پیمان های الهی ، گسستن روابطی که خداوند به برقراری آنها فرمان داده و فسادگری در زمین ، زیان واقعی انسان را در پی دارد .

ص: 42

الذين ينقضون عهد الله... أولئك هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 64 - 6,8,9

6 - بنی اسرائیل بر اثر شکستن پیمان الهی، در آستانه زیانکاری و تباه کردن هستی خویش، قرار گرفتند.

فلولا فضل الله عليكم و رحمته لکنتم من الخسرین

8 - شکستن پیمان های الهی، مایه زیانکار شدن آدمی و تباه کردن هستی خویش است.

ثم تولیتم من بعد ذلك فلولا فضل الله... لکنتم من الخسرین

«ذلک» اشاره به پیمان و التزام به پذیرش کتاب آسمانی و تنظیم کردن عقاید و معارف بر اساس آن است.

9 - اعراض از معارف و احکام کتاب های آسمانی، مایه خسارت و تباه کردن هستی خویش

خذوا ما آتینکم بقوه... ثم تولیتم من بعد ذلك فلولا... لکنتم من الخسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 121 - 12

12 - ترک دستورات قرآن و پیامبر (صلی الله علیه و آله)، موجب تباهی و خسران است.

و من یکفر به فأولئك هم الخسرون

چنانچه مراد از تلاوت در جمله «یتلونه» پیروی کردن باشد، می توان گفت: مراد از کفر در «و من یکفر»، به قرینه مقابله، ترک دستورات قرآن - که از آن به «کفر عملی» تعبیر می کنیم - باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 111 - 1

1 - آثار زیانبار گناه، دامنگیر خود انسان

و من یکسب اثمًا فانما یکسبه علی نفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - پذیرندگان ولایت شیطان ، مردمی زیانکار با خسارتی آشکار

و من يتخذ الشيطان ولياً من دون الله فقد خسر خسراناً مبيناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - دلخوشی به وعده ها و آرزوهای شیطانی ، زیانی آشکار

فقد خسر خسراناً مبيناً. يعدهم و يمنيهم و ما يعدهم الشيطان الا غروراً

جمله «يعدهم و يمنيهم» دليل برای جمله «فقد خسر خسراناً مبيناً» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - زیانکاری قابیل ، پیامد کشتن برادرش هابیل

فقتله فاصیح من الخسرین

14 - آدمکشی ، در پی دارنده زیان و تباهی

فقتله فاصیح من الخسرین

15 - پیروان هوای نفس ، در معرض خسارت و زیان

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله فاصیح من الخسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 53 - 14

14 - محرومان از هدایت الهی ، در خطر تباهی اعمال نیک و زیان دیدن از کردار خویش

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ... حبطت اعمالهم فاصبحوا خسرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 101 - 3

3 - شناخت برخی مجهولات آثار ناخوشایند و زیانباری دارد .

لا تسئلوا عن اشیاء ان تبدلکم تسؤکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 140 - 4,5

4 - جهل و سفاهت، عامل انحراف و زیانکاری است.

قد خسر الذین قتلوا اولدهم سفها بغیر علم

5 - قوانین و مقررات غیر متکی بر علم، زیان آور خواهد بود.

قد خسر الذین قتلوا اولدهم سفها بغیر علم

وصف «بغیر» بیان ریشه و سبب اصلی کارهای جاهلانه مشرکان است و به همین جهت که سبب بیان گردید، قابل تعمیم است. یعنی هر

قانون و رسمی که مبتنی بر علم نباشد، زیان در پی خواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 9 - 4

4 - استمرار انکار و تکذیب آیات الهی عامل خسارت و از دست دادن سرمایه جان

و من خفت موزینه . . . بما كانوا بآیتنا یظلمون

«بایاتنا» متعلق به «یظلمون» است و چون «یظلمون» به وسیله حرف «باء» متعدی شده، متضمن معنای تکذیب است یعنی: یکذبون بایاتنا حالکونهم ظالمین.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 23 - 7

7 - آدم و حوا خویشتن را به سبب خطا و لغزش از زیانکاران شمردند.

إن لم تغفر لنا و ترحمنا لنكونن من الخسرین

ص: 44

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 90 - 3,4,7

3 - اشراف کفرپیشه مدین با یاد کردن سوگند ، پذیرش رسالت شعیب و پیروی از دستورات او را ، امری زیان آور معرفی می کردند .

لئن اتبعتم شعيباً إنكم إذا لخسرون

4 - گرایش به توحید و رعایت عدل در خرید و فروش و امور اقتصادی ، مایه خسارت در دیدگاه اشراف کفرپیشه قوم مدین

لئن اتبعتم شعيباً إنكم إذا لخسرون

برداشت فوق با توجه به آیه 85، که بیانگر پیامهای شعیب است، به دست می آید.

7 - اشراف کفرپیشه مدین با تأکید بر خسارتبار بودن همراهی شعیب (ع) ، در تلاش برای بازداشتن مؤمنان از متابعت او و خارج شدن از شهر مدین

وقال الملائكة... لئن اتبعتم شعيباً إنكم إذا لخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 92 - 4

4 - هلاکت به عذاب های الهی موجب خسارت انسان

كأن لم يغنوا فيها... كأنوا هم لخسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 95 - 5,6

5 - تکذیب آیات الهی ، در پی دارنده خسران و بر باد رفتن سرمایه سعادت انسان است .

ولا تكونن من الذين كذبوا بآيت الله فتكون من الخسرین

6 - تکذیب قرآن ، مایه خسران و از دست دادن سرمایه سعادت است .

ولا تكونن من الذين كذبوا بآيت الله فتكون من الخسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- دروغ بستن به خدا و بازداري مردم از راه او، موجب خسارت و تباه کردن سرمايه عمر است .

و من أظلم ممن افترى على الله كذبًا .. أولئك الذين خسروا أنفسهم

2- تلاش برای منحرف نشان دادن راه خدا و انکار سرای آخرت، موجب خسارت و تباهی سرمايه عمر است .

الذين ... يبغونها عوجًا و هم بالأخره هم كفرون ... أولئك الذين خسروا أنفسهم

4- باور به معبودهایی غیر از خدای یکتا، باوری واهی و مایه خسران و تباهی است .

أولئك الذين خسروا أنفسهم و ضلّ عنهم ما كانوا يفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15- صالح (ع)، توجه کردن به درخواست کافران قومش (ترک ابلاغ توحید) را، مایه خسارت و تباهی خویش دانست .

فما تزدوننی غیر تخسیر

«تخسیر» به معنای خسارت زدن می باشد و فاعل آن قوم ثمود است.

16- ترک وظایف الهی به خاطر خوشایند کافران، مایه خسارت و تباهی است.

فما تزدوننی غیر تخسیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 35 - 5

5- کم فروشی و خیانت اقتصادی، به گمان جلب منافع بیشتر، بد فرجام و عملی زیان آور و نامیمون است.

و أوفوا الكيل . . . وزنوا بالقسطاس المستقیم ذلک خیر و أحسن تأویلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 103 - 4

4- کفرپیشگی، عامل زیان آدمی به رغم کار و تلاش بسیار است.

للكفرین نزلأ . قل هل ننبئکم بالأخسرین أعملاً

«أعمالاً» تمیز برای «أخسرین» است. به گفته اهل ادب، اصل در تمیز، مفرد بودن است، ولی در این آیه، جمع آمده است. جمع آمدن «أعمالاً» می تواند برای اشاره به تنوع اعمال کافران باشد؛ یعنی، کافران، اگر چه عمل های متنوع و بسیار داشته باشند، ولی - برخلاف تصوّرشان - سودی نخواهند برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 70 - 2

2- توطئه و نیرنگ بت پرستان علیه ابراهیم (ع)، عامل خسران و زیان کاری کامل آنان شد.

و أردادوا به کیداً فجعلنهم الأخسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 103 - 2

2 - عقاید باطل و کردار های بد ، مایه وارد شدن زیان به سرمایه های وجودی انسان

و من خفت موزینه فأولئك الذين خسروا أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 52 - 10

10 - ایمان به باطل و کفر به خدا ، خسارتبار است .

و الذين ءامنوا بالباطل .. أولئك هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 44 - 1

1 - کفر ، امری خسارت بار است و بازتاب خسارت آن ، برای خود کافر است .

من كفر فعليه كفره

ص: 46

«علیه» جار و مجرور و متعلق به «کفره» است. مقدم شدن آن، برای بیان این نکته است که پیامدهای ناگوار کفر، به خود کافران اختصاص دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 18 - 21

21 - گوش نسپردن به سخنان و پیروی نکردن از بهترین آنها، موجب خسران و تباهی عمر و خانواده است.

إِنَّ الْخَسِرِينَ الَّذِينَ خَسَرُوا أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ... الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ

آیات گذشته در توصیف خاسران بود و آیه مورد بحث، درباره کسانی است که در قطب مخالف زیان کنندگان قرار داشته و در سایه گوش فرا دادن به سخنان و گزینش بهترین آنها، به سعادت نایل شده اند. بنابراین از ارتباط میان آیات یاد شده، به دست می آید که استماع سخنان و گزینش بهترین آنها موجب سعادت و ترک آن سبب خسران و بدبختی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 63 - 5

5 - کفر و انکار آیات الهی، بی تردید به زیان انسان ها است.

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَسِرُونَ

«خسارت» - ضد ربح (سود) - به معنای ضرر و زیان است و آمدن ضمیر فصل (هم)، دلالت بر حصر و تأکید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 85 - 5

5 - کفر و شرک به خدا، مایه خسارت و از کف دادن سرمایه ها، توانمندی ها و تمدن ها است.

كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ قُوَّةً وَءِثَارًا فِي الْأَرْضِ... كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ... وَخَسِرْنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 23 - 6,7

6 - گمان های بی جا و ناروا نسبت به خداوند، عامل هلاکت و خسران آدمی

ذَلِكُمْ ظَنُّكُمُ... بِرَبِّكُمْ أَرَدِيكُمْ فَأَصْبَحْتُم مِّنَ الْخَسِرِينَ

7- تکیه بر گمان و پندار، در زمینه مسائل اعتقادی، مایه زیان و خسران آدمی

و ذلكم ظنکم . . . فأصبحتم من الخسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 27 - 10

10 - انکار معاد، عامل خسران و زیان انسان

قالوا اتوا بآبائنا إن كنتم صدقین . . . یومئذ یخسر المبطلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 38 - 7

7- بخل از انفاق در راه خدا، مایه خسارت خود انسان

ص: 47

و من يبخل فإنما يبخل عن نفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 7 - 7

7- تحمیل آرا و تمایلات سطحی مردم، به رهبری الهی (پیامبر (صلی الله علیه و آله))، مایه مشقت و زیان حتمی خود آنان

لو يطيعكم في كثير من الأمر لعنتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 19 - 8

8- غفلت از یاد خدا و بیگانگی با آن در زندگی، از عوامل خسران انسان ها

فأنسهم ذكر الله... إن حزب الشيطان هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 9 - 7

7- دل بستگی به مال و اولاد و غفلت از یاد خدا، موجب خسران برای انسان

و من يفعل ذلك فأولئك هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 9 - 4

4- دوری از تعالیم دین و سرپیچی از فرمان های خدا و پیامبران، پیامدار سرنوشتی شوم و خسارت بار

عتت عن أمر ربها... فذاقت وبال أمرها و كان عقبه أمرها خسراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 21 - 10

10- ثروت و قدرت بدون ایمان، سعادت بخش و سودمند به حال بشر نیست؛ بلکه موجب خسارت و بدبختی است.

و اتبعوا من لم يزدده ماله و ولده إلا خساراً

134- عوامل زیان اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 9 - 5

5 - نقش اعمال خود انسان در زیانکاری و سعادت‌مندی اخروی وی

الذین خسروا أنفسهم بما كانوا بآئتنا يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 109 - 2,4,5

ص: 48

2- ورشکستگی و زیان اخروی انسان ، نتیجه قهری و اجتناب ناپذیر دنیاگرایی و غفلت زدگی اوست .

استحبوا الحیوه الدنیا .. القوم الکفرین ... وأولئک هم الغفلون . لاجرم أنه

4- بهره نگرفتن از ابزار شناخت در جهت فهم حقایق معنوی ، مایه زیان واقعی انسان در آخرت است .

طبع الله علی قلوبهم و سمعهم و أبصرهم .. لاجرم أنهم فی الآخره هم الخسرون

5- ترجیح زندگی دنیا بر آخرت ، موجب زیان و ورشکستگی واقعی انسان در آخرت است .

ذلک بأنهم استحبوا الحیوه الدنیا علی الآخره .. لاجرم أنهم فی الآخره هم الخسرو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 111 - 8

8 - ظلم ، موجب زیان کاری و محرومیت انسان ، در قیامت خواهد شد .

وقد خاب من حمل ظلماً

«خبیبه»؛ یعنی، از کف دادن مطلوب (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 11 - 9

9- پایبندی به دین به خاطر سود مادی و رها کردن آن (ارتداد) به وقت دشواری ها و محرومیت ها ، مایه خسران و تباهی دنیا و آخرت

وإن أصابته فتنه انقلب علی وجهه خسر الدنیا و الآخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 5 - 4

4- بی اعتقادی به آخرت ، مایه از دست رفتن گران بهاترین سرمایه ها و زیان شدید انسان در روز جزا

و هم فی الآخره هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 15 - 4

4 - آیین شرک و عبادت غیر خدا ، مایه خسارت و از کف دادن سرمایه عمر آدمی و محرومیت از بهره های بایسته از خانواده در عرصه قیامت

فاعبدوا ما شئتم من دونه قل إنَّ الخسرین الذین خسروا أنفسهم و أهلیهم یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 45 - 13

13 - فراهم کردن زمینه های گمراهی خود و خانواده خویش ، مایه خسران و سرزنش در صحنه قیامت

و قال الذین ءامنوا إنَّ الخسرین الذین خسروا أنفسهم و أهلیهم

ص: 49

135- عوامل زیان به جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 2 - 1

1 - برخورد دوگانه تاجران ، هنگام فروش کالا و خرید آن و به کار بردن سنجش دقیق با پیمانانه کامل تنها به هنگام خرید ، مایه زیان جامعه و زمینه ساز عذاب الهی است .

ویل للمطففین . الذین إذا اکتالوا علی الناس یتوفون

«اكتالوا»؛ یعنی، با پیمانانه کالا را دریافت کردند. حرف «علی» در آیه شریفه جایگزین حرف «من» شده است تا نشانگر متضرر شدن مردم از این گونه تجارت باشد.

136- عوامل زیان به عقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 47 - 3

3 - شراب ، مایه ضرر و زیان و آسیب رسان به عقل و هوش آدمی

لا فیها غول و لا هم عنها ینزفون

برداشت یاد شده از مفهوم آیه شریفه به دست می آید.

137- عوامل زیان حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 82 - 11

11- کافران حق ناپذیر ، ظالمند و از موهبت رحمت و شفاعت قرآن ، تنها خسارت و زیان به ارمغان می برند .

شفاء و رحمه للمؤمنین و لایزید الظلمین إلا خسارًا

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از «ظالمین» - به قرینه مقابله با «مؤمنین» - کافران باشند.

138- عوامل زیان دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- پایبندی به دین به خاطر سود مادی و رها کردن آن (ارتداد) به وقت دشواری ها و محرومیت ها ، مایه خسران و تباهی دنیا و آخرت

وإن أصابته فتنة انقلب على وجهه خسر الدنيا والأخرة

ص: 50

139- عوامل زیان ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 82 - 10

10- ظالمان نه تنها از رحمت و شفای قرآن بهره ای نمی گیرند؛ بلکه تنها، مایه خسران و زیان آنان می شود.

و لایزید الظلمین إلا خسارًا

140- عوامل زیان کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 82 - 11

11- کافران حق ناپذیر، ظالمند و از موهبت رحمت و شفابخشی قرآن، تنها خسارت و زیان به ارمغان می برند.

شفاء و رحمه للمؤمنین و لایزید الظلمین إلا خسارًا

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از «ظالمین» - به قرینه مقابله با «مؤمنین» - کافران باشند.

141- عوامل نجات از زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 23 - 9, 10

9- آدم و حوا آموزش خدا و رحمت وی را تنها عامل نجات خویش از زیانکاری دانستند.

وإن لم تغفر لنا و ترحمنا لنكونن من الخسرین

10 - مغفرت و رحمت الهی تنها امید و وسیله رهایی گنهکاران از خسران گناه است.

وإن لم تغفر لنا و ترحمنا لنكونن من الخسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 47 - 8

8- نوح (ع)، رهایی خویش از زیان کاری را در گرو مغفرت و رحمت الهی می دانست.

إلا تغفر لي و ترحمني أكن من الخسرين

142- مراتب زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 22 - 2

2- تباهی و زیان کاری کفرپیشگان در سرای آخرت ، افزونتر از خسارت و تباهی آنان در دنیا است .

لاجرم أنهم فی الآخره هم الأخسرون

«أخسر» (زیانکارتر) اسم تفضیل است و می طلبد که زیان کاری کافران در آخرت، با خسارت دیگری سنجیده شده باشد.

ص: 51

می توان گفت: آن خسارت، خسارت کافران در دنیاست. براین اساس جمله «لاجرم أنهم...» دلالت می کند که کافران در دنیا و نیز در آخرت، زیانکارند و خسارت اخروی آنان در مقایسه با خسارت دنیوی، زیادتیر و سنگین تر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 70 - 6

6- بت پرستی و موضع گیری در مقابل حق و رهبران الهی ، از زیان بارترین کارها است .

و أرادوا به كيداً فجعلنهم الأخرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 5 - 6

6 - تفاوت میزان زیان کاری خطاکاران در قیامت

و هم فی الآخره هم الأخسرون

تعبیر «الأخسرون» (زیانکارترین ها) می رساند که گناه کاران به طور یکسان در آخرت زیان نمی بینند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 45 - 24، 18

18 - تنها آنچه به خسران انسان در آخرت می انجامد ضرر و زیان واقعی است .

إنّ الخسرین الذین خسروا أنفسهم و أهلیهم یوم القیمه

با توجه به این که الف و لام در «الخاسرین» دلالت بر کمال می کند، مطلب بالا استفاده می شود.

24 - گرفتار شدن به آتش و عذاب ابدی ، خسران واقعی است .

إنّ الخسرین الذین .. فی عذاب مقیم

143- مصونیت از زیان اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 32 - 11

11 - اندیشه و تعقل درباره دنیا و آخرت و ارزش و جایگاه هر یک، زمینه مصون ماندن از زیان و حسرت در قیامت

قد خسر الذین کذبوا... و ما الحیوه الدنیا إلا... أفلا تعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 23 - 6

6- مؤمنان دارای اعمال شایسته، تنها انسانهایی که سرمایه عمر خویش را تباه نساخته و از زیان کاری در دنیا و آخرت مصونند.

أولئك الذین خسروا أنفسهم... إن الذین ءامنوا... أولئك أصحاب الجنة

ص: 52

144- مصونیت از زیان دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 23 - 6

6- مؤمنان دارای اعمال شایسته ، تنها انسانهایی که سرمایه عمر خویش را تباه نساخته و از زیان کاری در دنیا و آخرت مصونند .

أولئك الذين خسروا أنفسهم .. إن الذين ءامنوا ... أولئك أصحاب الجنة

145- معبود راستین و دفع زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 38 - 11

11 - موجود ناتوان از رساندن سود به انسان ها و برطرف کردن گزند از وی ، شایسته پرستش نیست .

قل أفرءیتم ما تدعون من دون الله .. هل هنّ کشف ضرّه ... برحمه هل هنّ ممسکت

146- معبودان باطل و تبدیل زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 56 - 9

9- خدایان و معبود های مشرکان ، از دفع ضرر و نیز متوجه ساختن آن از فردی به فرد دیگر و یا تبدیل وضعیت محنت زا به حالت دیگر ، ناتوانند .

قل ادعوا الذین زعمتم من دونه فلا یملکون کشف الضر عنکم و لا تحویلاً

مراد از «تحویلاً» می تواند رفع گرفتاری از کسی و متوجه ساختن آن به دیگری و یا تبدیل وضعیت ناگوار به وضعیت خوب باشد.

147- معبودان باطل و دفع زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 56 - 9

9- خدایان و معبود های مشرکان ، از دفع ضرر و نیز متوجه ساختن آن از فردی به فرد دیگر و یا تبدیل وضعیت محنت زا به حالت دیگر ، ناتوانند .

قل ادعوا الذين زعمتم من دونه فلا يملكون كشف الضر عنكم ولا تحويلاً

مراد از «تحویلاً» می تواند رفع گرفتاری از کسی و متوجه ساختن آن به دیگری و یا تبدیل وضعیت ناگوار به وضعیت خوب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 53

4 - معبود های مشرکان ، ناتوان از جلب هرگونه سود و نفعی برای خویش و دفع ضرر و زیان از خود

ءالهه. .. لا یملکون لأنفسهم ضرراً ولا نفعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 38 - 9، 4، 6

4 - معبود های مورد پرستش مشرکان ، ناتوان از برطرف کردن هرگونه گزند از انسان

قل أفرءیتم ما تدعون من دون الله إن أرادنی الله بضرّ هل هنّ کشفّت ضرّه أو أراد

6 - ناتوانی معبود های ادعایی مشرکان ، از رساندن سود به انسان ها و یا دفع گزند از آنان و نیز مقهور بودنشان در برابر اراده و قدرت خداوند ، با اندک تأمل و دقت نظر روشن می شود .

قل أفرءیتم ما تدعون من دون الله إن أرادنی الله .. برحمه هل هنّ ممسکت رحمته

طرح مسأله ناتوانی معبودها در قالب استفهام و سؤال، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

9 - مشرکان ، معتقد به حاجت دادن معبودهایشان و رساندن سود به انسان ها و برطرف کردن گزند از آنان

أفرءیتم ما تدعون من دون الله إن أرادنی الله بضرّ .. برحمه هل هنّ ممسکت رحمت

مقصود از «دعاء» در «ماتدعون»، حاجت بردن و استعانت جستن است.

148- ملاک تشخیص زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 92 - 5

5 - فرجام هر قوم و ملتی تعیین کننده زیانکاری و یا رستگاری آنان است .

كأن لم یغنوا فیها الذین کذبوا شعبیاً كانوا هم لخرسین

خداوند، زیانکار بودن کفرپیشگان قوم شعیب را پس از تبیین فرجام شومشان بیان داشت تا به این نکته اشاره کند که فرجام هر قوم و ملتی تعیین کننده زیانکاری و یا رستگاری آن است.

149- ملاک زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 34 - 2

2 - پیروی از پیامبر ، کاری زیانبار در بینش اشراف و عناصر رفاه زده

و لئن أطعتم .. إنکم إذا لخرسون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 50 - 3

3 - اعتقاد ساحران مؤمن به زیان نکردن انسان از تحمل دشواری ها در راه خدا

قالوا لاضیر انا االی ربنا منقلبون

ص: 54

جمله «إِنَّا إِلَى رَبِّنَا..» تعلیل برای «لاضیر» و بیانگر مطلب یاد شده است.

150- ملاکهای زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 52 - 15

15 - خداوند حضور مسلمانان فقیر و ضعیف را در اطراف پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اسلام زیانبار نمی داند.

ما علیک من حسابهم من شیء

مرجع ضمیر در «حسابهم» می تواند معنوی باشد؛ یعنی کسانی که خواهان طرد مؤمنان فقیر از اطراف پیامبر (صلی الله علیه و آله) بودند. و مقصود از «ما علیک» یعنی چیزی به ضرر تو از ناحیه محاسبات کافران اتفاق نخواهد افتاد.

151- منشأ زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 76 - 4,5,6,8,11,13

4 - کسی جز خداوند قادر بر نفع و زیان رسانی نیست .

اتعبدون من دون الله ما لایملک لکم ضراً و لانفعاً

5 - مسیح (ع) و مادرش مریم، مالک هیچ سود و زیانی برای مردم نیستند .

اتعبدون من دون الله ما لایملک لکم ضراً و لانفعاً

6 - تنها کسی شایسته پرستش است که زمام زیان و نفع مردم به دست اوست .

اتعبدون من دون الله ما لایملک لکم ضراً و لانفعاً

8 - شرک و پرستش غیر خدا، برخاسته از ناآگاهی به مالک حقیقی سود و زیان و سرچشمه قدرت در هستی

اتعبدون من دون الله ما لایملک لکم ضراً و لانفعاً

11 - تنها خداوند، شنوای درخواست ها و آگاه به سود و زیان انسانهاست .

ما لایملک لکم ضراً و لانفعاً و الله هو السميع العليم

13 - شنوایی و دانایی مطلق ، شرط توانایی بر سود و زیان رسانی به مردم

ما لایملک لکم ضراً ولا نفعاً واللّٰه هو السميع العليم

به نظر می رسد جمله «و الله...» برهانی است بر دو حقیقتی که در فراز قبل بیان شد، یکی توان خداوند به ضرر و نفع رسانی و دیگر، ناتوانی غیر خدا بر آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 71 - 5

5 - خداوند یگانه، توانا بر رساندن نفع و ضرر به آدمیان، شایسته پرستش است.

قل أئذعوا من دون الله ما لا یفنعنا ولا یضرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 55

7 - یونس - 10 - 18 - 6

6 - سود و زیان آدمیان ، تنها در دست خداوند است .

و یعبدون من دون الله ما لا یضرهم و لا ینفعهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 106 - 2,4

2 - هیچ معبودی به جز خداوند ، قادر بر رساندن سود و زیان به آدمیان نیست .

و لاتدع من دون الله ما لا ینفعک و لا یضرک

4 - سود و زیان آدمیان ، تنها به دست خداوند است .

و لاتدع من دون الله ما لا ینفعک و لا یضرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 66 - 3

3 - نفع و ضرر آدمی ، در انحصار خداوند است .

أفتعبدون من دون الله ما لا ینفعکم شیئاً و لا یضرکم

بیان این حقیقت که معبودها هیچ سود و زبانی به حال انسان ها ندارند، می تواند اشاره و تعریض به این نکته باشد که سود و زیان تنها در دست خدا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 12 - 2

2 - سود و زیان آدمیان ، تنها در دست خداوند است .

یدعوا من دون الله ما لا یضره و ما لا ینفعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 38 - 7,10

7 - قدرت گسترده و اراده مطلق خداوند ، در رساندن سود و زیان و رحمت و نعمت به انسان ها

قل أفرءيتم . . . إن أرادني الله بضرّ هل هنّ كشفتم ضرّه أو أرادني برحمه هل هنّ م

10 - تنها حقیقتی که نفع و زیان انسان ها به دست او است ، شایسته حاجت خواهی و یاری جستن از او است .

ولئن سألتهم من خلق السموت والأرض ليقولنّ الله . . . أو أرادني برحمه هل هنّ مم

ذکر خالقیت خدا، پیش از طرح مسأله ناتوانی معبودها از سود رسانی و یا بر طرف کردن گزند از انسان ها، می تواند گویای این حقیقت باشد که توانایی بر انجام چنین کاری، تنها از عهده خدا برمی آید و هر کس چنین باشد، شایسته حاجت بردن به درگاه او است؛ نه معبودهای ناتوان مشرکان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 11 - 10

10 - تحقّق حتمی اراده الهی ، در صورت تعلّق اراده او به سود و زیان آدمی

قل فمن يملك لكم من الله شيئاً إن أراد بكم ضرّاً أو أراد بكم نفعاً

ص: 56

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 21 - 3,4

3 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مالک نفع و ضرر و سود و زیان مردمان نیست .

قل إني لا أملك لكم ضرراً ولا رشداً

4 - سود و زیان و هدایت شدن و یا گمراه گشتن انسان ها ، تنها به دست خداوند است .

قل إني لا أملك لكم ضرراً ولا رشداً

آیه بعد - که در آن از ناتوانی پیامبر (صلی الله علیه و آله) در برابر خداوند مطرح شده است - قرینه است بر این که اعلام مالک نبودن پیامبر (صلی الله علیه و آله) نسبت به سود و زیان و هدایت شدن و گمراه گشتن انسان ها، بیانگر انحصار این مالکیت برای خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عصر - 103 - 3 - 4

4 - کفرورزی ، ترک عمل صالح و بی اعتنایی به ترویج حق و صبر ، زیان کاری است .

لفی خسر . إلا الذين ءامنوا و عملوا الصلحت و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر

152- موارد زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 119 - 15,19

15 - وانهادن ولایت خداوند و پذیرش ولایت شیطان ، زیان آشکار

و من يتخذ الشيطان ولياً من دون الله فقد خسر خسراناً مبيناً

19 - پذیرندگان ولایت شیطان ، مردمی زیانکار با خسارتی آشکار

و من يتخذ الشيطان ولياً من دون الله فقد خسر خسراناً مبيناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 121 - 3

3- ورود به جهنم، زبانی آشکار است.

فقد خسر خسراً مبیناً .. اولئك ماويهم جهنم

جمله «اولئك ..» می تواند بیان خسارتی باشد که در جمله «فقد خسر ...» به آن تصریح شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 21 - 10

10 - هشدار موسی (ع) به زیانکاری قوم خویش در صورت فرار و عقب نشینی به هنگام رویارویی با جباران سرزمین مقدس

ولا تردوا علی اذبارکم فتقلبوا خسرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 57

4 - مائده - 5 - 53 - 15

15 - تباهی کردار نیک آدمی ، خسران و زیانکاری است .

حبطت اعمالهم فاصبحوا خسرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 20 - 11

11 - آنان که سرمایه جان به خسارت از کف داده اند، رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را انکار می کنند.

الذین خسروا أنفسهم فهم لا يؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 31 - 14

14 - زندگی منهای دین و اعتقاد به قیامت زیانبار و تباهگر سرمایه عمر آدمی است.

قد خسر الذین کذبوا بقاء الله... یحسرتنا علی ما فرطنا فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 37 - 8

8 - زیان حقیقی انسان به دوزخی شدن اوست .

فیجعله فی جهنم أولئک هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 111 - 7

7 - ایشار مال و جان در راه غیر خدا و در قبال بهایی جز بهشت ، زیان و خسران است .

إن الله اشتری... بأن لهم الجنة

خداوند، با پیشنهاد بهای بزرگی چون بهشت در قبال جان و مال مؤمنان، در حقیقت بیان داشته است که فروختن جان و مال به چیزی جز بهشت، مایه خسران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 47 - 10

10- زیان کاری و خسارت واقعی انسان ، در عدم آرمزش گناهان و شامل نشدن رحمت خداوند بر اوست .

وإلا تغفر لي و ترحمني أكن من الخسرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 55 - 3

3 - کاری که نه سودآور باشد و نه دور کننده زیان ، عملی ناپسند و ناشایست است .

و يعبدون من دون الله ما لا ينفعهم ولا يضرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 58

7 - شرک ، بی تردید به زیان انسان ها است .

لئن أشركت .. و لتكوننّ من الخسرین

«نون» در «لتكوننّ» برای تأکید و رفع تردید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 45 - 10

10 - از کف دادن سرمایه های وجودی ، بزرگ ترین زیان آدمی در زندگی است .

إنّ الخسرین الذین خسروا أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 66 - 1

1 - از بین رفتن محصولات کشاورزی ، خسارتی سنگین و تکان دهنده برای انسان ها

لو نشاء .. فظلمتم تفكّهون . إنا لمغرمون

153- موانع تشخیص زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 11 - 6

6- شتابزدگی انسان ، عامل اشتباه وی در شناخت سود و زیان واقعی خود

و يدع الإنسان بالشرّ دعاءه بالخیر و كان الإنسان عجولاً

جمله «و كان الإنسان عجولاً» در مقام تعلیل برای «و يدع الإنسان ..» است؛ یعنی، چون انسان عجول است، شر و خیر و سود و زیان خویش را یکسان می بیند و به دنبال هر دو می شتابد.

154- موانع زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- زیانکار نبودن انسان ، منوط به انجام اعمالی ماندگار و ثمربخش تا ابدیت هستی است .

الأخسرین أعمالاً الذین ضلّ سعیمهم فی الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 52 - 13

13 - پیروی از دستورات وحی و رهنمود های پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، هیچگاه به خسران و گمراهی انسان نخواهد انجامید .

وإنک لتهدی إلى صراط مستقیم

از تأکید خداوند بر نقش هدایت گری پیامبر(صلی الله علیه و آله)، این نکته استفاده می شود که تعالیم وحی هیچ گاه به خسران و گمراهی

ص: 59

انسان منتهی نخواهد شد.

155- موانع زیان به مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 20 - 12

12 - نقش بارز صلح حدیبیه ، در کوتاه شدن دست دشمنان از ضربه زدن به مسلمانان

فَعَجَّلَ لَكُمْ هَذِهِ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ

ممکن است «هذه» اشاره به صلح حدیبیه داشته باشد و «كفّ..» مترتب بر آن بوده و نتیجه آن به شمار آید.

156- موجبات زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 21 - 11

11 - فرار از جنگ و جهاد ، ممنوع و زیانبار است .

و لا ترتدوا علی اذارکم فتقلبوا خسرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 23 - 8

8 - عصیان پروردگار، موجب زیان و خسران آدمی است.

ظلمنا انفسنا .. لنكونن من الخسرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 178 - 7

7 - تکذیب آیات الهی موجب زیان و ضایع کردن سرمایه عمر است .

من یضلل فأولئک هم الخسرون

از مصادیق مورد نظر برای گمراهان، به قرینه آیه قبل، تکذیب کنندگان آیات الهی هستند.

157- موجبات زیان اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 5 - 30,33,37

30 - کفر به احکام الهی ، موجب حبط عمل و زیان اخروی است .

و من یکفر بالایمن فقد حبط عمله و هو فی الآخره من الخسرین

منظور از «ایمان» می تواند به معنای مصدری آن (باورها) باشد و نیز می تواند معارف و مسائلی باشد که ایمان به آنها لازم

ص: 60

است، مراد از آن معارف، به قرینه فرازهای پیشین آیه، احکام دینی است.

33 - ارتداد، موجب حبط عمل و زیان اخروی است.

و من یکفر بالایمن فقد حبط عمله و هو فی الآخره من الخسرین

ظاهر جمله «من یکفر بالایمن» این است که ایمان تحقق یابد و آنگاه به آن کفر ورزیده شود و مورد انکار قرار گیرد، چنین کفری را ارتداد می گویند.

37 - حبط اعمال، موجب زیان در آخرت خواهد شد.

فقد حبط عمله و هو فی الآخره من الخسرین

158- مؤمنان و زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عصر - 103 - 3 - 1

1 - تنها مؤمنانی که کارهای شایسته انجام داده و یکدیگر را به پذیرش حق و شکیبایی توصیه می کنند، گرفتار خسارت نخواهند شد.

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خَسْرٍ . إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا

159- ناپسندی زیان رسانی به مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 71 - 9

9- آسیب رساندن به جان مردم، امری بس نکوهیده و ناروا است.

أَخْرَقْتَهَا لِتُغْرَقَ أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا إِمْرًا

160- نجات از زیان شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 149 - 10

10 - شمول رحمت خدا و آمرزش او تنها راه نجات از زیان گناه و گرایش های شرک آلود است.

لئن لم يرحمنا ربنا و يغفر لنا لنكونن من الخسرين

161- نجات از زيان گناه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

6 - اعراف - 7 - 149 - 10

ص: 61

10 - شمول رحمت خدا و آموزش او تنها راه نجات از زیان گناه و گرایش های شرک آلود است .

لئن لم یرحمنا ربنا و یغفر لنا لنکونن من الخسرین

162- نشانه های زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 140 - 3

3 - کشتن فرزند (به عنوان قربانی) و تحریم روزیهای الهی، نشانه بارز زیانکاری است.

قد خسر الذین . . . و حرموا ما رزقهم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 9 - 2

2 - سبکی و بیوزنی اعمال آدمی در قیامت نشانه زیانکاری است.

و من خفت موزینه فأولئک الذین خسروا أنفسهم

163- نشانه های زیان اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 103 - 1

1 - سبکی کفه ترازوی عمل ، نشان خسران و زیان کاری واقعی انسان در قیامت

و من خفت موزینه فأولئک الذین خسروا أنفسهم

164- نوح(ع) و نجات از زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 47 - 8

8- نوح (ع) ، رهایی خویش از زیان کاری را در گرو مغفرت و رحمت الهی می دانست .

إلا تغفر لی و ترحمنی أکن من الخسرین

165- نهی از زیان به دیگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 181 - 4

4 - ممنوعیت ضرر زدن به دیگران ، در بینش ادیان آسمانی

ص: 62

و لا تكونوا من المخسرین

166- وضوح زیان شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 113 - 6

6 - ضرر و زیان کفر و شرک ، امری روشن و شناخته شده

و ظالم لنفسه مبین

167- وضوح زیان کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 113 - 6

6 - ضرر و زیان کفر و شرک ، امری روشن و شناخته شده

و ظالم لنفسه مبین

زیانکاران

168- {زیانکاران}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 27 - 10,12

10 - فاسقان ، مردمی زیانکارند .

أولئك هم الخسرون

12 - از امام باقر (ع) روایت شده که فرمود: «قال لی ابي علی بن الحسین . . . إياک و مصاحبه القاطع لرحمه . . . قال الله عز و جل »
الذین . . . یقطعون ما امر الله به أن یوصل . . . أولئك هم الخاسرون » ؛

پدرم، امام سجاد (ع)، به من فرمود: . . . از همنشینی با کسی که قطع رحم می کند بپرهیز . . . خدای عز و جل فرمود: «آنان که . . . قطع می کنند آنچه را که خدا امر به وصل آن نموده . . . اینانند زیانکاران».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - بوزینه شدگان بنی اسرائیل از زمره خاسران و زیانکاران

لکنتم من الخسرین. ولقد علمتم الذین اعتدوا منکم فی السبت

آیه مورد بحث اشاره به نوع خسارت و زیانی دارد که در ذیل آیه قبل مطرح شد؛ یعنی، خسارتی که آدمی بر اثر گناه و تجاوز در خطر آن است، از قبیل خسارت اصحاب سبت می باشد.

ص: 63

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 121 - 10

10 - کافران به قرآن و پیامبر (صلی الله علیه و آله) خسارت دیدگان واقعی و تباه کنندگان خویش هستند .

و من یکفر به فأولئک هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 85 - 7

7 - توجه به بهره مندی مسلمانان در آخرت و زیان دیگران ، انگیزه ای برای پذیرش اسلام

و من یتبع . . . و هو فی الاخره من الخاسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 30 - 12

12 - قایل ، از زمره زیانکاران

فاصبح من الخسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 12 - 19

19 - کافران به معاد و رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، زیانکار ، تباه کننده خویش و محروم از رحمت الهی

و لقد استهزیء برسول . . . کتب علی نفسه الرحمه . . . الذین خسروا أنفسهم فهم لا یؤمنون

با توجه به اینکه رحمت الهی فراگیر است ، ممکن است زیان کافران به جهت محروم ساختن خود از دریافت رحمت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 31 - 1,5

1 - تکذیب کنندگان معاد و حضور در پیشگاه خداوند بی تردید زیانکارند.

قد خسر الذین کذبوا بقاء الله

5- کسانی که تا قبل از مرگ منکر ملاقات خدا و معاد هستند، بدون تردید زیانکارند.

قد خسر الذین کذبوا بقاء الله حتی إذا جاءتهم الساعه بغته

مراد از «الساعه» می تواند مرگ و یا قیامت باشد. در برداشت فوق «الساعه» به معنی مرگ گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 23 - 7

7- آدم و حوا خویشتن را به سبب خطا و لغزش از زیانکاران شمردند.

إن لم تغفر لنا و ترحمنا لنکونن من الخسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 99 - 4,5

4- کسانی که علی رغم تکذیب انبیا، خویشتن را از عذاب الهی مصون می پندرانند، زیانکار هستند.

ص: 64

ولكن كذبوا .. فلا يأمن مكر الله إلا القوم الخسرون

5- تكذيب کنندگان انبیا، زیانکار هستند .

ولكن كذبوا .. فلا يأمن مكر الله إلا القوم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- انفال - 8 - 37 - 4،7

4- آنانکه دارایی های خویش را برای مبارزه علیه اسلام هزینه کنند، از ناپاکان و زیانکاران هستند .

فسيففونها .. و الذين كفروا إلى جهنم يحشرون. ليميز الله الخبيث من الطيب

7- کافران حق ستیز، زیانکاران واقعی هستند .

أولئك هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 69 - 14

14 - منافقان و کافران، زیانکاران واقعی تاریخند .

وعد الله المنافقين .. أولئك هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- هود - 11 - 22 - 3،2،1

1- کفرپیشگان، مردمی تباه شده و زیانکار، در عرصه دنیا و صحنه آخرت

لاجرم أنهم في الآخرة هم الأخسرون

2- تباهی و زیان کاری کفرپیشگان در سرای آخرت، افزونتر از خسارت و تباهی آنان در دنیاست .

لاجرم أنهم في الآخرة هم الأخسرون

«أخسر» (زیانکارتر) اسم تفضیل است و می طلبد که زیان کاری کافران در آخرت، با خسارت دیگری سنجیده شده باشد. می توان گفت: آن خسارت، خسارت کافران در دنیاست. براین اساس جمله «لاجرم أنهم ...» دلالت می کند که کافران در دنیا و نیز در آخرت، زیانکارند

و خسارت اخروی آنان در مقایسه با خسارت دنیوی، زیادتر و سنگین تر است.

3- کفرپیشگانی که بر خدا دروغ می بندند و مردم را از راه خدا باز می دارند و قیامت را انکار می کنند، در سرای آخرت از دیگر کافران و گنهکاران، تباه تر و زیانکارترند.

و من أظلم .. الذین یصدون ... لاجرم آنهم فی الآخره هم الأخسرون

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که مقیاس سنجش و تعیین زیانکار و زیانکارتر مراتب کفر باشد. براین مبنا آیه شریفه دلالت دارد براینکه: همه کافران در آخرت زیانکارند؛ ولی آنان که بر خدا دروغ بستند و ... از دیگر کافران و گنهکاران، زیانکارتر می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 63 - 17

17- افزایش اطمینان صالح (ع) به زیان کاری کافران نمود، تنها دستاورد اصرار آنان بر انصراف او از دعوت به توحید

فما تزیدوننی غیر تخسیر

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که «تخسیر» به معنای نسبت دادن خسارت و تباهی باشد، همانند تکفیر و تفسیق

ص: 65

که به معنای نسبت دادن کفر و فسق می باشد. بر این مبنا، فاعل «تخسیر» حضرت صالح (ع) است و مفاد جمله «فما تزدوننی ...» چنین خواهد شد: آنچه اصرار شما بر ترک دعوت به توحید، بر من می افزاید این است که شما را در خسارت و تباهی ببینم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 101 - 14

14- پرستش کنندگانِ خدایان دروغین ، مردمانی تباه شده و خسارت دیده اند .

و ما زادوهم غیر تتیب

«تتیب» در لغت به معنای خسارت دیدن ، خسارت زدن ، هلاکت ساختن و نیز نفرین و درخواست هلاکت و خسارت ، آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 15 - 5

5- هر جبار منحرفی دچار خسارت دنیوی است .

و خاب کلّ جبار عنید

«خاب» در لغت به معنای «خسر» و «عنید» به معنای عدول کننده از درستی آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 52 - 9

9- باطل باوران و کافران به خدا ، قطعاً ، زیان کارند .

و الذین ءامنوا بالبطل و کفروا باللّٰه أولئک هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 63 - 4

4- کافران و منکران آیات الهی ، مردمی زیانکار و خسارت دیده اند .

و الذین کفروا بآیت اللّٰه أولئک هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 65 - 6

6 - مشرکان ، از زیانکاران و خسارت دیدگان اند .

لئن أشركت . . . ولتكوننّ من الخسرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 25 - 15

15 - مخالفان پیامبران ، مردمانی زیان کاراند .

إنّهم كانوا خسرين

ص: 66

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 9 - 8

8 - دل‌بستگان به مال و اولاد، غافل از یاد خدا و دارای فرجامی خسارت بار

و من يفعل ذلك فأولئك هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 10 - 1

1 - کسانی که نفس خود را در گناه مدفون ساخته، آن را به سقوط و تباهی می کشانند، محروم و زیانکارانند .

وقد خاب من دسّیها

«خاب»؛ یعنی، محروم شد، خسارت دید و به آنچه خواست، نرسید (قاموس). «دسّاهها»؛ یعنی، آن را ساقط کرد و از بهره آن کاست. «دسّیتُ»؛ یعنی، گمراه و فاسد کردم (لسان العرب). این فعل که «دَسَسَ» بوده و حرف «سین» در آن به «یاء» تبدیل شده است، مبالغه در «دَسَّ» (دفن کرد) است. مراد از «دسّاهها» - به قرینه «ألهمها فجورها» - مدفون ساختن نفس در معصیت ها و کشاندن آن به سقوط و گمراهی و فساد است.

169- زیانکاران اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 109 - 3,1

1- کافران دنیاگرای غافل (مرتدان) ، بی تردید در آخرت ورشکسته و زیانکارند .

استحبّوا الحیوه الدنیا .. القوم الکفرین ... هم الغفلون . لاجرم أنهم فی الآخر

3- محرومان از هدایت الهی در دنیا ، زیانکاران و سرمایه باختگان واقعی در آخرتند .

و أن الله لایهدی القوم الکفرین .. لاجرم أنهم فی الآخره هم الخسرون

170- زیانکاران بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 65 - 6

6 - بوزینه شدگان بنی اسرائیل از زمره خاسران و زیانکاران

لكنتم من الخسرین. ولقد علمتم الذین اعتدوا منكم فی السبیت

آیه مورد بحث اشاره به نوع خسارت و زیانی دارد که در ذیل آیه قبل مطرح شد؛ یعنی، خسارتی که آدمی بر اثر گناه و تجاوز در خطر آن است، از قبیل خسارت اصحاب سبت می باشد.

171- زیانکاران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 67

1 - صورت زیان کاران دوزخی ، مواجه با هجوم مداوم شعله های آتش دوزخ

تلفح وجوههم النار

«لَفَح» (مصدر «تلفح») به معنای سوزاندن است؛ یعنی، «آتش، چهره های آنها را می سوزاند». گفتنی است که به کارگیری فعل مضارع (تلفح)، بیانگر هجوم پی در پی شعله های آتش دوزخ می باشد.

172- زیانکاران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 31 - 6

6 - قیامت، هنگامه ظهور زیانکاری منکران معاد و ملاقات پروردگار است.

حتى إذا جاءتهم الساعة بغتة قالوا يحسرتنا على ما فرطنا فيها

منادا قرار گرفتن حسرت، گویای مشهود و عیان بودن آن در صحنه قیامت است. به گونه ای که مورد «نداء» قرار می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 9 - 1

1 - قیامت روز ظهور و بروز خسارت و زیانکاری تکذیب کنندگان آیات خداوند است.

و من خفت موزینه فأولئك الذين خسروا أنفسهم بما كانوا بآيتنا يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 45 - 6

6 - مردمی که بر انکار معاد پای فشردند و از این گمراهی دست برنداشتند ، در قیامت مردمی زیانکار و ورشکسته خواهند بود .

و یوم يحشرهم .. . قد خسر الذين كذبوا بقاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جاثیه - 45 - 27 - 5

5- روز قیامت ، هنگامه خسران و زیان دیدن باطل گرایان و منکران معاد

و یوم تقوم الساعه یومئذ یخسر المبتلون

«مبتلون»، به معنای واردشوندگان در باطل است.

173- فرجام زیانکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 103 - 4

4 - جاودانگی در عذاب دوزخ ، فرجام زیان کاران فاقد عمل صالح و گران وزن

ص: 68

و من خفت موزینه . . . فی جهنم خلدون

174- کیفر اخروی زیانکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 16 - 5

5- آتش ، وسیله اصلی عذاب و کیفر زیانکاران در قیامت

لهم من فوقهم ظلل من النار و من تحتهم ظلل

175- محرومیت زیانکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 96 - 4

4- زیانکاران ، محرومان از ایمان به آیات الهی

الخصرین. إن الذین حقت علیهم کلمت ربک لا یؤمنون

176- ملاک تشخیص زیانکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 92 - 6

6- بیان فرجام شوم کفرپیشگان و تکذیب کنندگان رسولان الهی ، روشی برای مبلغان دین برای شناساندن زیانکاران واقعی

الذین کذبوا شعبیاً کانوا هم لخصرین

خداوند با بیان فرجام شوم کفرپیشگان، زیانکاران واقعی را به مردم معرفی کرد. بنابراین از راههای معرفی کردن زیانکاران واقعی بیان فرجام شوم آنان است.

زیانکاری

177- زمینه زیانکاری قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قدرت اقتصادی و سیاسی صاحبان زر و زور در عصر نوح (ع)، نتیجه ای جز خسارت و بدبختی برای آنان در برنداشت.

من لم یزده ماله و ولده إلاّ خسارًا

ص: 69

178- زیانکاری آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 23 - 7

7 - آدم و حوا خویشتن را به سبب خطا و لغزش از زیانکاران شمردند.

إن لم تغفر لنا و ترحمنا لنكونن من الخسرین

179- زیانکاری اخروی دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 109 - 1

1- کافران دنیاگرای غافل (مرتدان) ، بی تردید در آخرت ورشکسته و زیانکارند .

استحبّوا الحیوه الدنیا .. القوم الکفرین ... هم الغفلون . لاجرم أنهم فی الآخر

180- زیانکاری اخروی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 45 - 12

12 - قیامت ، روز ظهور خسران و زیان کاری عمیق ستم پیشگان و گمراهان

إنّ الخسرین الذین خسروا أنفسهم و أهلیهم یوم القیمه

181- زیانکاری اخروی غافلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 109 - 1

1- کافران دنیاگرای غافل (مرتدان) ، بی تردید در آخرت ورشکسته و زیانکارند .

استحبّوا الحیوه الدنیا .. القوم الکفرین ... هم الغفلون . لاجرم أنهم فی الآخر

182- زیانکاری اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 22 - 3, 2, 1

1- کفرپیشگان ، مردمی تباہ شده و زیانکار ، در عرصه دنیا و صحنه آخرت

ص: 70

لاجرم أنهم في الآخرة هم الأخسرون

2- تباهی و زیان کاری کفرپیشگان در سرای آخرت ، افزونتر از خسارت و تباهی آنان در دنیاست .

لاجرم أنهم في الآخرة هم الأخسرون

«أخسر» (زیانکارتر) اسم تفضیل است و می طلبد که زیان کاری کافران در آخرت، با خسارت دیگری سنجیده شده باشد. می توان گفت: آن خسارت، خسارت کافران در دنیاست. براین اساس جمله «لاجرم أنهم ...» دلالت می کند که کافران در دنیا و نیز در آخرت، زیانکارند و خسارت اخروی آنان در مقایسه با خسارت دنیوی، زیادتر و سنگین تر است.

3- کفرپیشگانی که بر خدا دروغ می بندند و مردم را از راه خدا باز می دارند و قیامت را انکار می کنند ، در سرای آخرت از دیگر کافران و گنهکاران ، تباه تر و زیانکارترند .

و من أظلم ... الذین یصدون ... لاجرم أنهم في الآخرة هم الأخسرون

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که مقیاس سنجش و تعیین زیانکار و زیانکارتر مراتب کفر باشد. براین مبنا آیه شریفه دلالت دارد براینکه: همه کافران در آخرت زیانکارند؛ ولی آنان که بر خدا دروغ بستند و ... از دیگر کافران و گنهکاران، زیانکارتر می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 109 - 1

1- کافران دنیاگرای غافل (مرتدان) ، بی تردید در آخرت ورشکسته و زیانکارند .

استحبوا الحیوه الدنیا .. القوم الکفرین ... هم الغفلون . لاجرم أنهم في الآخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 9 - 5

5- قیامت ، روز ظهور و بروز غبن و خسارت کافران

ذلک یوم التغابن

183- زیانکاری اخروی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 45 - 12

12 - قیامت ، روز ظهور خسران و زیان کاری عمیق ستم پیشگان و گمراهان

إنّ الخسرین الذین خسروا أنفسهم و أهلیهم یوم القیمه

184- زیانکاری اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 5 - 6

6 - تفاوت میزان زیان کاری خطاکاران در قیامت

و هم فی الآخره هم الأخسرون

ص: 71

تعبیر «الأخسرون» (زیانکارترین ها) می رساند که گناه کاران به طور یکسان در آخرت زیان نمی بینند.

185- زیانکاری اخروی مانعان از سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 22 - 3

3- کفرپیشگانی که بر خدا دروغ می بندند و مردم را از راه خدا باز می دارند و قیامت را انکار می کنند ، در سرای آخرت از دیگر کافران و گنهکاران ، تباه تر و زیانکارترند .

و من أظلم .. الذین یصدون ... لاجرم أنهم فی الآخره هم الأخسرون

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که مقیاس سنجش و تعیین زیانکار و زیانکارتر مراتب کفر باشد. براین مبنا آیه شریفه دلالت دارد براینکه: همه کافران در آخرت زیانکارند؛ ولی آنان که بر خدا دروغ بستند و ... از دیگر کافران و گنهکاران، زیانکارتر می باشند.

186- زیانکاری اخروی مرتدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 109 - 1

1- کافران دنیاگرای غافل (مرتدان) ، بی تردید در آخرت ورشکسته و زیانکارند .

استحبوا الحیوه الدنیا .. القوم الکفرین ... هم الغفلون . لاجرم أنهم فی الآخر

187- زیانکاری اخروی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 5 - 7

7- مشرکان و منکران قیامت ، زیان کارترین مردم در قیامت

و هم فی الآخره هم الأخسرون

188- زیانکاری اخروی مفتریان بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 22 - 3

3- کفرپیشگانی که بر خدا دروغ می بندند و مردم را از راه خدا باز می دارند و قیامت را انکار می کنند ، در سرای آخرت از دیگر کافران و گنهکاران ، تباه تر و زیانکارترند .

و من أظلم .. الذين يصدون ... لاجرم أنّهم في الآخرة هم الأخسرون

ص: 72

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که مقیاس سنجش و تعیین زیانکار و زیانکارتر مراتب کفر باشد. براین مبنا آیه شریفه دلالت دارد براینکه: همه کافران در آخرت زیانکارند؛ ولی آنان که بر خدا دروغ بستند و ... از دیگر کافران و گنهکاران، زیانکارتر می باشند.

189- زیانکاری اخروی مکذبان آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 22 - 3

3- کفرپیشگانی که بر خدا دروغ می بندند و مردم را از راه خدا باز می دارند و قیامت را انکار می کنند ، در سرای آخرت از دیگر کافران و گنهکاران ، تباه تر و زیانکارترند .

و من أظلم .. الذین یصدون ... لاجرم آنهم فی الآخره هم الأخسرون

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که مقیاس سنجش و تعیین زیانکار و زیانکارتر مراتب کفر باشد. براین مبنا آیه شریفه دلالت دارد براینکه: همه کافران در آخرت زیانکارند؛ ولی آنان که بر خدا دروغ بستند و ... از دیگر کافران و گنهکاران، زیانکارتر می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 5 - 27 - 7

7- مشرکان و منکران قیامت ، زیان کارترین مردم در قیامت

و هم فی الآخره هم الأخسرون

190- زیانکاری اخروی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جاثیه - 45 - 27 - 5

5- روز قیامت ، هنگامه خسران و زیان دیدن باطل گرایان و منکران معاد

و یوم تقوم الساعه یومئذ یخسر المبطلون

«مبطلون»، به معنای واردشوندگان در باطل است.

191- زیانکاری انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - عموم انسان ها، سرمایه خویش را از کف داده، در زیان بزرگی فرورفته اند.

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خَسِرٍ

«انسان» اسم جنس و حرف «ال» در آن، برای استغراق افراد است. تعمیم خسارت بر تمامی انسان ها و آنگاه استثنای

ص: 73

مؤمنان (در آیه بعد)، بیانگر آن است که اکثریت چشمگیری از انسان ها، دچار خسارت اند.

2- خداوند ، در تأکید بر خسارت بار بودن وضع انسان ها ، به عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) سوگند یاد کرده است .

و العصر . إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خَسِرٍ

192- زیانکاری اهل باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 78 - 12، 13

12 - قیامت ، روز کشف زیان کاری اهل باطل

و خسرها لک المبتطلون

13 - خسارت و زیان باری اهل باطل ، به هنگام نزول عذاب استیصال

و خسرها لک المبتطلون

193- زیانکاری اهل عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 18 - 8

8- امت های محکوم به کیفر حتمی الهی ، مردمی سرمایه باخته و زیانکار

حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ . . . إِنَّهُمْ كَانُوا خَسِرِينَ

194- زیانکاری برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 14 - 5

5- برادران یوسف در حضور پدر نابودی یوسف (ع) را برای خود ، امری خسارت بار و تباه کننده قلمداد کردند .

إِنَّا إِذَا لَخَسِرُونَ

195- زیانکاری بنی اسرائیل

6 - بنی اسرائیل بر اثر شکستن پیمان الهی ، در آستانه زیانکاری و تباه کردن هستی خویش ، قرار گرفتند .

فلولا فضل الله عليكم و رحمته لکنتم من الخسرین

7 - فضل و رحمت الهی بر بنی اسرائیل ، نجات دهنده آنان از زیان و خسران شد .

فلولا فضل الله عليكم ورحمته لكنتم من الخسرين

196- زیانکاری ثروتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 35 - 5

5- آسیب و زیان ناسپاسی توانگران در برابر نعمت های الهی ، دامنگیر خود ایشان است .

فقال .. أنا أكثر منك مالاً و أعزّ نَفراً ... و هو ظالم لنفسه

197- زیانکاری ثروتمندان قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 21 - 13

13 - قدرت اقتصادی و سیاسی صاحبان زر و زور در عصر نوح (ع) ، نتیجه ای جز خسارت و بدبختی برای آنان در بر نداشت .

من لم یزده ماله و ولده إلاّ خساراً

198- زیانکاری جوامع عصیانگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 9 - 2,3

2- جوامعی که از فرمان های خدا و پیامبران سرباز زدند ، به فرجامی خسارت بار گرفتار شدند .

و کان عقبه أمرها خسراً

3 - جوامع عصیانگر و متمرّد از فرمان های خدا و پیامبران ، در معرض روبه رو شدن با پیامد های سنگین کردار خویش و دچار شدن به

فرجامی خسارت بار

فذاقت و بال أمرها و کان عقبه أمرها خسراً

199- زیانکاری جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - زیان حقیقی انسان به دوزخی شدن اوست .

فيجعلہ فی جہنم أولئک ہم الخسرون

ص: 75

200- زیانکاری حزب شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 19 - 6

6 - حزب و دار و دسته شیطان ، فرجامی جز خسران و زیان ندارند .

ألا إنَّ حزبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخٰسِرُونَ

201- زیانکاری حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 85 - 4

4 - آشکار شدن خسارت و زیان کاری مشرکان و کافران قدرتمند و حق ناپذیر ، به وقت نزول عذاب الهی بر ایشان در دنیا

لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا .. وَ خَسِرَ هُنَالِكَ الْكٰفِرُونَ

202- زیانکاری حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 23 - 7

7 - آدم و حوا خویشان را به سبب خطا و لغزش از زیانکاران شمردند.

إِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَ تَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخٰسِرِينَ

203- زیانکاری دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 22 - 1,2

1- کفرپیشگان ، مردمی تباه شده و زیانکار ، در عرصه دنیا و صحنه آخرت

لَا جَرِمَ أَنَّهُمْ فِی الْآخِرَةِ هُمُ الْآخِسِرُونَ

2- تباهی و زیان کاری کفرپیشگان در سرای آخرت ، افزونتر از خسارت و تباهی آنان در دنیا است .

«أخسر» (زیانکارتر) اسم تفضیل است و می طلبد که زیان کاری کافران در آخرت، با خسارت دیگری سنجیده شده باشد. می توان گفت: آن خسارت، خسارت کافران در دنیا است. برای این اساس جمله «لاجرم أنهم...» دلالت می کند که کافران در دنیا و نیز در آخرت، زیانکارند و خسارت اخروی آنان در مقایسه با خسارت دنیوی، زیادتر و سنگین تر است.

204- زیانکاری فاسقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 27 - 10

10 - فاسقان ، مردمی زیانکارند .

أولئك هم الخسرون

205- زیانکاری قایل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 30 - 12،13

12 - قایل ، از زمره زیانکاران

فاصبح من الخسرین

13 - زیانکاری قایل ، پیامد کشتن برادرش هابیل

فقتله فاصبح من الخسرین

206- زیانکاری قدرتمندان قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 21 - 13

13 - قدرت اقتصادی و سیاسی صاحبان زر و زور در عصر نوح (ع) ، نتیجه ای جز خسارت و بدبختی برای آنان در برداشت .

من لم یزده ماله وولده إلاّ خسارًا

207- زیانکاری قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 70 - 2،4

2- توطئه و نیرنگ بت پرستان علیه ابراهیم (ع) ، عامل خسران و زیان کاری کامل آنان شد .

وَأرادوا به كيداً فجعلنهم الأخرين

4- قوم بت پرست ابراهيم ، از زيان كارترين مردم جهان بودند .

فجعلنهم الأخرين

ص: 77

208- زیانکاری قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 63 - 17

17- افزایش اطمینان صالح (ع) به زیان کاری کافران ثمود، تنها دستاورد اصرار آنان بر انصراف او از دعوت به توحید

فما تزدوننی غیر تخسیر

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که «تخسیر» به معنای نسبت دادن خسارت و تباهی باشد، همانند تکفیر و تفسیق که به معنای نسبت دادن کفر و فسق می باشد. بر این مبنا، فاعل «تخسیر» حضرت صالح(ع) است و مفاد جمله «فما تزدوننی...» چنین خواهد شد: آنچه اصرار شما بر ترک دعوت به توحید، بر من می افزاید این است که شما را در خسارت و تباهی ببینم.

209- زیانکاری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 121 - 10

10 - کافران به قرآن و پیامبر (صلی الله علیه و آله) خسارت دیدگان واقعی و تباه کنندگان خویش هستند .

و من یکفر به فأولئک هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 12 - 19

19 - کافران به معاد و رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، زیانکار، تباه کننده خویش و محروم از رحمت الهی

و لقد استهزیء برسول... کتب علی نفسه الرحمه... الذین خسروا أنفسهم فهم لا يؤمنون

با توجه به اینکه رحمت الهی فراگیر است، ممکن است زیان کافران به جهت محروم ساختن خود از دریافت رحمت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 37 - 7

7 - کافران حق ستیز، زیانکاران واقعی هستند .

أولئک هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 69 - 14

14 - منافقان و کافران ، زیانکاران واقعی تاریخند .

وعد الله المنفقين . . أولئك هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 106 - 2

2- واقعیت زندگی کافران ، چیزی جز پوچی و بی فرجامی و زیانکاری نیست .

ص: 78

«ذکر» ممکن است که خبر مبتدای محذوف و تأکید بر محتوای آیات قبل باشد؛ یعنی، واقعیت این است و جز این نیست. (الأمر ذکر و لا غیر) و می تواند مبتدا باشد و «جزاؤهم» خبر آن و «جهنم» عطف بیان برای مبتدا یا خبر. برداشت یاد شده براساس احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 52 - 10، 9

9 - باطل باوران و کافران به خدا، قطعاً، زیان کارند .

و الذین ءامنوا بالبطل و کفروا باللّٰه اولئک هم الخسرون

10 - ایمان به باطل و کفر به خدا، خسارتبار است .

و الذین ءامنوا بالبطل .. اولئک هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 44 - 1، 4

1 - کفر، امری خسارت بار است و بازتاب خسارت آن، برای خود کافر است .

من کفر فعلیه کفره

«علیه» جار و مجرور و متعلق به «کفره» است. مقدم شدن آن، برای بیان این نکته است که پیامدهای ناگوار کفر، به خود کافران اختصاص دارد.

4 - بازتاب خسارت کفر، از آن کافر، و پیامد فواید ایمان و عمل صالح، فراگیر است . *

من کفر فعلیه کفره و من عمل صلحاً فلا لنفسهم یمهدون

احتمال دارد این که در جواب شرط جمله نخست، ضمیر مفرد آورده شده و در جواب شرط جمله دوم، به رغم مفرد بودن اسم شرط، ضمیر جمع آورده شده است، اشاره به نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 63 - 4

4 - کافران و منکران آیات الهی ، مردمی زیانکار و خسارت دیده اند .

و الذین کفروا بآیت الله أولئک هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 85 - 4

4 - آشکار شدن خسارت و زیان کاری مشرکان و کافران قدرتمند و حق ناپذیر ، به وقت نزول عذاب الهی بر ایشان در دنیا

لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا . . . و خسر هنالک الکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 50 - 3

3 - احساس خسارت و زیانباری کافران در قیامت ، به سبب بهره نگرفتن از تعالیم قرآن در زندگی

وإنه لحسره علی الکفرین

ص: 79

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که «حسرت» به معنای اندوه برای آنچه از دست رفته است، می باشد (لسان العرب). این در جایی است که انسان از آن چیز، بهره لازم نبرده و نسبت به آن احساس خسارت کرده باشد.

210- زیانکاری گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 178 - 5

5 - گمراه شدگان به دست خدا، زیانکار و تباه کننده سرمایه عمر خویشند .

من یضلل فأولئک هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 108 - 9

9 - ضرر و زیان گمراهی، تنها متوجه خود گمراهان است .

و من ضل فإنما یضل علیها

211- زیانکاری گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 160 - 32

32 - بازگشت زیان گناه به گنهکار است، نه متوجه ساحت قدس خداوند

و ما ظلمونا و لکن کانوا أنفسمهم یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 10 - 1،4

1 - کسانی که نفس خود را در گناه مدفون ساخته، آن را به سقوط و تباهی می کشانند، محروم و زیانکاراند .

و قد خاب من دسیها

«خاب»؛ یعنی، محروم شد، خسارت دید و به آنچه خواست، نرسید (قاموس). «دسّاهّا»؛ یعنی، آن را ساقط کرد و از بهره آن کاست. «دسیّت»؛ یعنی، گمراه و فاسد کردم (لسان العرب). این فعل که «دَسَسَ» بوده و حرف «سین» در آن به «یاء» تبدیل شده است، مبالغه در

«دَسَّ» (دفن کرد) است. مراد از «دَسَّها» - به قرینه «ألهمها فجورها» - مدفون ساختن نفس در معصیت ها و کشاندن آن به سقوط و گمراهی و فساد است.

4 - خداوند، در تأکید بر زیان کاری و تباهی گناه کاران، به «خورشید و نور آن»، «ماه» «روز و شب»، «آسمان و زمین»، «نفس انسان» و «ذات خویش» سوگند یاد کرده است.

والشَّمْسُ . . . وقد خاب من دَسَّيها

تکرار «قد»، نشانگر آن است که جمله «قد خاب. . .»، جوابی مستقل برای قسم های پیشین است.

ص: 80

212- زیانکاری مخالفان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 25 - 15

15 - مخالفان پیامبران ، مردمانی زیان کاراند .

إِثْمَ كَانُوا خَسِرِينَ

213- زیانکاری مرتدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 149 - 7

7 - زیانکاری ، فرجام حتمی مشرکان و مرتدان

لنكونن من الخسرین

214- زیانکاری مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 149 - 7

7 - زیانکاری ، فرجام حتمی مشرکان و مرتدان

لنكونن من الخسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 101 - 14

14- پرستش کنندگانِ خدایان دروغین ، مردمانی تباه شده و خسارت دیده اند .

و ما زادوهم غیر تتیب

«تتیب» در لغت به معانی خسارت دیدن ، خسارت زدن ، هلاکت ساختن و نیز نفرین و درخواست هلاکت و خسارت ، آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- معبود های اهل شرک ، ارمغانی جز خسارت و تباهی برای پرستشگران خویش ندارند .

فلاتک فی مریه مما یعبدهؤلاء ما یعبدون إلا کما یعبدهاباؤهم

چنان چه «کما» در آیه شریفه برای تشبیه باشد، جمله «فلاتک . . .» به ضمیمه «إنا لموفقوهم ...» می رساند که: روا نبودن شک و تردید به این جهت است که همان طور که معبودهای مشرکان پیشین، دستاوردی جز خسارت و تباهی برای پرستش کنندگان خود نداشتند (و ما زادوهم غیر تیبیب، آیه 101) معبودهای اهل شرک در زمان تو نیز این چنینند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 81

2- بت پرستی ، پیش از آن که برای اهل شرک سودمند باشد ، برای آنان زیان آور است .

یدعوا لمن ضرّه أقرب من نفعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 65 - 6

6 - مشرکان ، از زیانکاران و خسارت دیدگان اند .

لئن أشركت . . . ولتكوننّ من الخسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 85 - 4

4- آشکار شدن خسارت و زیان کاری مشرکان و کافران قدرتمند و حق ناپذیر ، به وقت نزول عذاب الهی بر ایشان در دنیا

لما رأوا بأسنا . . . و خسرها لک الکفرون

215- زیانکاری مکذبان آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 179 - 9

9- گرفتار شدن به دوزخ نمود زیانکاری تکذیب کنندگان آیات الهی است .

فأولئك هم الخسرون. و لقد ذرأنا لجهنم كثيراً من الجن و الإنس

آیه مورد بحث می تواند توضیح زیانی باشد که در ذیل آیه قبل برای گمراهان بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 105 - 1

1- کافران به آیات پروردگار و منکران قیامت ، زیانکارترین مردم اند .

الأخسرین أعمالاً . . . أولئك الذین كفروا بآیت ربّهم و لقاءه

کفر به لقای پروردگار، تعبیری دیگر از کفر به قیامت است، از آن جهت که ملاقات با پروردگار (با حساب و جزا و پاداش او) در قیامت صورت می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 63 - 4

4 - کافران و منکران آیات الهی ، مردمی زیانکار و خسارت دیده اند .

والذین کفروا بآیت الله أولئک هم الخسرون

ص: 82

216- زیانکاری مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 53 - 12

12 - منکران قرآن، در قیامت، با پی بردن به زیانکاری خویش و واهی بودن افکار و عقاید خود، از اعمال و رفتار گذشته خویش پشیمان خواهند شد.

نرد فنعمل غیر الذی کنا نعمل قد خسروا أنفسهم و ضل عنهم ما کانوا یفترون

جمله «قد خسروا ..» و «ضل عنهم ...» به منزله تعلیلی است برای «نرد فنعمل ...» یعنی آرزوی بازگشت به دنیا و تدارک گذشته ها بدان علت است که کفرپیشگان خود را زیانکار می بینند و باورهای خویش را بر باد رفته می یابند.

217- زیانکاری مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 105 - 1

1- کافران به آیات پروردگار و منکران قیامت، زیانکارترین مردم اند.

الأخسرین أعملاً.. أولئك الذین کفروا بأیت ربهم و لقائه

کفر به لقای پروردگار، تعبیری دیگر از کفر به قیامت است، از آن جهت که ملاقات با پروردگار (با حساب و جزا و پاداش او) در قیامت صورت می گیرد.

218- زیانکاری مکذبان لقاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 31 - 5، 1

1 - تکذیب کنندگان معاد و حضور در پیشگاه خداوند بی تردید زیانکارند.

قد خسر الذین کذبوا بلقاء الله

5 - کسانی که تا قبل از مرگ منکر ملاقات خدا و معاد هستند، بدون تردید زیانکارند.

قد خسر الذین کذبوا بلقاء الله حتی إذا جاءتهم الساعه بغته

مراد از «الساعه» می تواند مرگ و یا قیامت باشد. در برداشت فوق «الساعه» به معنی مرگ گرفته شده است.

219- زیانکاری مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 31 - 1,5

1 - تکذیب کنندگان معاد و حضور در پیشگاه خداوند بی تردید زیانکارند.

قد خسر الذین کذبوا بقاء الله

5 - کسانی که تا قبل از مرگ منکر ملاقات خدا و معاد هستند، بدون تردید زیانکارند.

ص: 83

قد خسر الذين كذبوا بلقاء الله حتى إذا جاءتهم الساعة بغته

مراد از «الساعة» می تواند مرگ و یا قیامت باشد. در برداشت فوق «الساعة» به معنی مرگ گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 18 - 10

10- زندگی منکران معاد ، سراسر زیان کاری است .

إنهم كانوا خسرين

تعبیر «كانوا خاسرين»، دال بر استمرار و فراگیری خسران نسبت به سراسر زندگی منکران معاد است.

220- زیانکاری منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 69 - 14

14 - منافقان و کافران ، زیانکاران واقعی تاریخند .

وعد الله المنافقين . . . أولئك هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 19 - 7

7 - منافقان ، محکوم به فرجامی شوم و عاقبتی خسارت بار

أولئك حزب الشيطان ألا إن حزب الشيطان هم الخسرون

221- زیانکاری مؤمنان به باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 52 - 10، 9

9 - باطل باوران و کافران به خدا ، قطعاً ، زیان کارند .

و الذين ءامنوا بالباطل و كفروا بالله أولئك هم الخسرون

10 - ایمان به باطل و کفر به خدا، خسارتبار است .

والذین ءامنوا بالباطل .. أولئک هم الخسرون

222- زیانکاری یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 102 - 46

46 - یهودیان ، ناآگاه به سودای زیانبار خویش (از دست دادن آخرت و دستیابی به منافع سحر)

ص: 84

لبس ماشروا به أنفسهم لو كانوا يعلمون

مفعول «يعلمون» - به دلیل قبل - زیانباری فروختن مواهب آخرت در مقابل منافع دنیوی است؛ یعنی، ای کاش! می دانستند که این داد و ستد برای آنان زیانبار است.

223- عوامل زیانکاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 85 - 10، 9

9- پذیرش آیینی غیر از اسلام، موجب زیان و خسران در آخرت

و من یتبع غیر الاسلام دیناً .. و هو فی الاخره من الخاسرین

10- تسلیم نبودن در برابر خداوند، موجب زیان و خسران در آخرت

و من یتبع غیر الاسلام دیناً .. و هو فی الاخره من الخاسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 97 - 14

14- زیان ترک حجّ، متوجه خود انسان

و من کفر فانّ الله غنی عن العالمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- آل عمران - 3 - 122 - 7

7- نبرد احد، نمونه ای از بی صبری و بی تقوایی دو گروه از مسلمانان و زیان دیدن از توطئه های دشمنان

و ان تصبروا و تتقوا لا یضرکم کیدهم شیئاً .. اذ همّت طائفتان منکم ان تفشلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- آل عمران - 3 - 149 - 7

7- ارتداد و واپسگرایی جامعه ایمانی و پیروی آنان از کفرپیشگان، حرکتی زیانبار و خسارت آفرین

ان تطيعوا الذين كفروا يردوكم على ائقابكم فتقلبوا خاسرين

224- عوامل زیانکاری خانواده ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 45 - 16

16 - ستمکاران ، عامل خسران و بدبختی خود و محرومیت از خانواده خویش

إنّ الخسرین الذین خسروا أنفسهم و أهلیهم یوم القیمه

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «خسروا.. أهلیهم» به معنای از دست دادن خانواده باشد.

ص: 85

225- عوامل زیانکاری ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 45 - 16

16 - ستمکاران ، عامل خسران و بدبختی خود و محرومیت از خانواده خویش

إِنَّ الْخَسْرِينَ الَّذِينَ خَسَرُوا أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «خسروا .. أهلیهم» به معنای از دست دادن خانواده باشد.

226- عوامل زیانکاری مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 23 - 5

5 - خسارت و زیان کاری مشرکان ، نتیجه پندار های ناروای آنان درباره خداوند

ذَلِكُمْ ظَنُّكُمُ . . . فَأَصْبَحْتُمْ مِنَ الْخَسْرِينَ

227- موارد زیانکاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 15 - 6

6- شخصیت آرابی با دروغ و نادرستی زیانکاری است .

خَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ

راغب می نویسد: کاربرد صفت «جَبَّار» در انسان، درباره کسی است که دارای تقیصه ای می باشد و می خواهد با ادعا، منزلت و جایگاهی را که شایسته آن نیست به دست آورد. این صفت درباره انسان فقط برای مذمت به کار می رود.

228- موانع زیانکاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 150 - 9

9- پذیرش ولایت خداوند و اعتقاد به یاری حتمی او، مانع واپسگرایی و زیانکاری جامعه ایمانی و باعث رشد و سعادت

یردوکم علی اعقابکم فتتقلبوا خاسرین. بل الله مولیکم و هو خیر التاصرین

پیامد پذیرش ولایت کافران، واپسگرایی و خسارت است. بنابراین پذیرش ولایت خداوند - به قرینه مقابله آن با پذیرش ولایت کافران - باعث رشد و سعادت خواهد بود.

ص: 86

229- مؤمنان و زیانکاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 23 - 6

6- مؤمنان دارای اعمال شایسته ، تنها انسانهایی که سرمایه عمر خویش را تباه نساخته و از زیان کاری در دنیا و آخرت مصونند .

أولئك الذين خسروا أنفسهم .. إن الذين ءامنوا ... أولئك أصحاب الجنة

230- نشانه های زیانکاری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 104 - 9

9- انجام تلاش های بی فرجام و دل خوش بودن به آنها ، نشانی از زیانکاری عمیق کافران است .

الأخسرین أعملاً . الذين ضلّ سعيهم في الحيوه الدنيا و هم يحسبون أنهم يحسنون صنع

جمله حالیه «و هم یحسبون ..» بیانِ علّت «أخسرین» بودن کافران است؛ زیرا، این گمان که انسان، آنچه را انجام داده، از نوع بهترین ها است، سبب می شود که هرگز به فکر جبران خسارت خویش بر نیاید.

231- نشانه های زیانکاری مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 25 - 16

16 - هلاکت و نابودی جوامع شرک پیشه ، نمودی از زیانباری و خسران آنان

و حقّ علیهم القول .. إنهم كانوا خسرين

ص: 87

2- زیتون

1- آثار ذکر رویش درخت زیتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 29 - 3

3 - توجه به رویدن درختان زیتون و خرما و تأثیر آنها در تغذیه انسان ، زمینه ساز شناخت خدا و مانع کفر به او است .

ما أكفروه... و زیتوناً و نخلاً

2- ارزش زیتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 11 - 5

5- زیتون ، خرما و انگور دارای ارزشی ویژه

ینبت... و الزیتون و النخیل و الأعنب و من کل الثمرت

نامبردن از این سه میوه در بین انبوه میوه ها، می تواند به جهت ارزش ویژه این میوه ها از نظر خواص نسبت به میوه های دیگر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 95 - 1 - 2

2- انجیر و زیتون ، دو نعمت شایسته برای انسان و دارای ارزشی در خور سوگند خداوند

و التین و الزیتون

3- اهمیت زیتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 20 - 4

4 - خرما ، انگور و زیتون ، اهمیت ویژه ای در تغذیه انسان دارند .

فأنشأنا لكم... من نخیل و أعنب... و شجره... صیغ للأکلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 95 - 1 - 4

4 - اهمیت غذایی انجیر ، بیش از زیتون است . *

والتین و الزیتون

تقدم ذکری، ممکن است نشانگر تقدم رتبی باشد.

4- باغ زیتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 99 - 8

8 - خداوند با آب باران تاکستانهای انگور و باغهای زیتون و انار را پدیدار می سازد.

و جنت من أعناب و الزیتون و الرمان

5- برکت درخت زیتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 35 - 9

9 - زیتون ، از درختان پر برکت است .

شجره مبرکه زیتونه

6- پیدایش درخت زیتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 141 - 6

6 - خداوند، پدید آورنده درختان همگون و ناهمگون زیتون و انار است.

و هو الذی أنشأ .. و الزیتون و الرمان متشبهها و غیر متشبهه

7- تعقل در درخت زیتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 99 - 13

13 - دوران ثمردهی تارسیدن میوه اصله نخل و تاک انگور و درخت زیتون و انار، شایان مطالعه و تأمل و راهی برای خداشناسی است.

ص: 89

و من النخل .. من أعناب و الزيتون و الرمان ... أنظروا إلى ثمره إذا أثمر و ينعه

مرجع ضمیر «ثمره» می تواند «الرمان» باشد و نیز می تواند «النخل» «اعناب» «الزیتون» به صورت بدل باشد. برداشت فوق بر این مبنا صورت گرفته است. لذا فرمان «انظروا» شامل تمامی موارد مذکور در آیه است.

8- خالق زیتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 29 - 1

1 - خداوند ، آفریننده زیتون و درخت خرما و رویاننده آن از زمین است .

فأنبثنا فيها .. زيتوناً و نخلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 32 - 1

1 - آب ، زمین ، دانه ها ، انگور ، سبزیجات ، زیتون ، نخل ، بوستان ، میوه و چراگاه ، آفریده های خداوند و در خدمت منافع انسان و دام های آنان است .

متعاً لكم و لأنعمكم

«متاعاً» اسم مصدر و جایگزین مصدر حقیقی «تمتعاً» (بهره رساندن) است (لسان العرب). این کلمه، مفعول له و بیانگر علت پیدایش نعمت هایی است که در آیات پیشین ذکر شد.

9- خورشت زیتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 20 - 3

3 - درختان زیتون ، با میوه های روغنی و نان خورش سفره آدمیان ، نمودی دیگر از تدبیر الهی

تثبت بالدهن و صبغ للأکلین

«صبغ» به معنای خورشت عطف بر «الدهن» و تنوین آن برای تنويع است یعنی «درختی که میوه آمیخته به روغن و نوعی خورشت برای خورندگان می رویاند»

10- درختان زیتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 20 - 3

3 - درختان زیتون ، با میوه های روغنی و نان خورش سفره آدمیان ، نمودی دیگر از تدبیر الهی

تثبت بالدهن و صبغ للأکلین

«صبغ» به معنای خورش عطف بر «الدهن» و تنوین آن برای تنويع است یعنی «درختی که میوه آمیخته به روغن و نوعی

ص: 90

خورشت برای خورندگان می رویند»

11- رویاننده درخت زیتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 11 - 1

1- خداوند، رویاننده کشتزارها و درختان زیتون، خرما و انگور و تمامی محصولات کشاورزی است.

ینبت لكم به الزرع و الزيتون و النخيل و الأعناب و من كل الثمرات

12- رویش درخت زیتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 11 - 7

7- رویش گیاهان و درختان زیتون، نخل و تاک به وسیله آب، زمینه ای برای اندیشیدن و راهی برای خداشناسی است.

ینبت لكم به... إن فی ذلک لآیه لقوم یتفکرون

13- رویش درختان زیتون در کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 20 - 2، 1

1 - رویش درختان زیتون در ارتفاعات کوه سینا به وسیله باران، کاری خدایی است.

و شجره تخرج من طور سیناء

«شجره» عطف بر «جَنَات» است. «طور» به معنای کوه و «سیناء» شبه جزیره ای در مصر است. اضافه «طور» به «سیناء» اضافه ظرفیه و به

تقدیر «طور فی سیناء» می باشد؛ یعنی: [با آن آب باران] درختی که از طور سینا بر می آید [پدید آوردیم].

2 - طور سینا، مرکز رویش درختان زیتون

و شجره تخرج من طور سیناء

14- زمینه رشد درخت زیتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 29 - 4

4- باران و زمین مناسب ، دو عنصر اصلی در رشد و باروری درختان زیتون و خرما است .

صبینا الماء . . . ثم شققنا . . . وزیتوناً ونخلاً

ص: 91

15- سوگند به زیتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 95 - 1 - 2

1 - سوگند خداوند ، به انجیر و زیتون

والتین و الزیتون

2- انجیر و زیتون ، دو نعمت شایسته برای انسان و دارای ارزشی درخور سوگند خداوند

والتین و الزیتون

16- عوامل نمردهی درخت زیتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 35 - 10

10 - درخت زیتون ، در صورت تابش مستقیم نور خورشید بر آن در طول روز ، پربارتر و مرغوب تر خواهد شد .

من شجرة مبركة زيتونه لاشرقية ولاغربية يكاد زيتها يضيء و لو لم تمسه نار

برداشت یاد شده بر این اساس است که عبارت «لا شرقية ولا غربية» این گونه تفسیر شود که: درخت زیتون نه فقط در ناحیه شرق است - که تنها به وقت عصر از شعاع خورشید بهره گیرد - و نه فقط در ناحیه غرب است - که تنها در صبح از شعاع خورشید بهره مند باشد؛ بلکه از مزایای هر دو جهت و از تابش نور مستقیم خورشید از صبح تا به غروب استفاده می کند و روشن است که چنین درختی، از ثمره ای فراوان تر و مرغوب تر برخوردار خواهد بود.

17- فلسفه سوگند به زیتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 95 - 4 - 4

4 - برخوردارى انسان از خلقت برتر ، حقیقتی است که خداوند آن را با سوگند به انجیر ، زیتون ، طور سینا و شهر مکه ، بیان داشته و بر آن تأکید کرده است .

والتین .. لقد خلقنا الإنسان فى أحسن تقويم

18- فواید زیتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 20 - 3

3 - درختان زیتون ، با میوه های روغنی و نان خورش سفره آدمیان ، نمودی دیگر از تدبیر الهی

ص: 92

تثبت بالدهن و صبغ للأكلين

«صبغ» به معنای خورشت عطف بر «الدهن» و تنوین آن برای تنويع است یعنی «درختی که میوه آمیخته به روغن و نوعی خورشت برای خورندگان می رویاند»

19- مراد از زیتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 95 - 1 - 5

5 - « عن أبي الحسن الأوّل قال : قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) : إنّ الله تبارك و تعالی . . . اختار من البلدان أربعة فقال عزّوجلّ : « و التین و الزیتون . و طور سینین . و هذا البلد الأمین » فالتین المدینه ، و الزیتون بیت المقدّس ، و طور سینین الکوفه و هذا البلد الأمین مکّه ؛

از امام موسی بن جعفر (ع) روایت شده است که فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: خداوند تبارک و تعالی . . . از بین شهرها، چهار شهر را انتخاب کرد. او - که عزیز و جلیل است - فرمود: « والتین و الزیتون . و طور سینین . و هذا البلد الأمین ». پس «تین» مدینه و «زیتون» بیت المقدس و «طور سینین» کوفه و «هذا البلد الأمین» مکه است.»

20- منشأ رویش درخت زیتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 29 - 1

1 - خداوند ، آفریننده زیتون و درخت خرما و رویاننده آن از زمین است .

فأنبتتا فیها . . . زیتوناً و نخلاً

21- نعمت زیتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 29 - 2

2 - بهره مندی انسان از زیتون و از منافع گوناگون درخت خرما ، نعمتی الهی و سزاوار سپاس گذاری است .

ما أكفروه . . . و زیتوناً و نخلاً

«زیتون»، میوه ای معروف (مصباح) و درختی معروف است و می تواند جمع «زیتونه» باشد که گاه بر درخت و گاه بر میوه آن اطلاق می

گرد (لسان العرب). تعبیر «نخل» - به جای نام میوه آن - ممکن است ناظر به این باشد که انسان علاوه بر خرما، از اجزای دیگر نخل (از قبیل شاخ، برگ، تنه و لیف آن) نیز بهره می برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 95 - 1 - 2

2 - انجیر و زیتون ، دو نعمت شایسته برای انسان و دارای ارزشی درخور سوگند خداوند

والتین و الزیتون

ص: 93

3- زیرکی

1- آثار زیرکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 102 - 25

25 - شکست زبونانه کافران، در گرو کوشش مجاهدان برای فراهم سازی تجهیزات و هوشیاری آنان در برابر هجوم غافلگیرانه دشمن

و ليأخذوا حذرهم .. و خذوا حذرکم إن الله اعد للكفرین عذاباً مهيناً

جمله «ان الله ..» می تواند تعلیل برای فرمان خداوند به گرفتن اسلحه و حفظ هوشیاری باشد، بر این مبنا مراد از عذاب مهین، شکست زبونانه دشمنان خواهد بود.

2- اهمیت زیرکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 185 - 18

18 - لزوم هشیاری در قبال زندگانی دنیا

و ما الحیوه الدنیا آلاً متاع الغرور

خداوند حیات دنیا را به فریبندگی توصیف کرد تا به انسانها بفهماند که مبدا ظاهر فریبنده حیات دنیا، شما را از بهشت که فوز و سعادت است، غافل سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 44 - 12

12 - لزوم هشیاری جامعه ایمانی در مقابل تلاش برای گمراه ساختن مسلمانان

الم تر الی الذین .. ان تضلوا السبیل

هدف از بیان تصمیم عالمان یهود، هشیار ساختن مسلمانان نسبت به تلاش پیگیر آن عالمان برای گمراه ساختن جامعه ایمانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 63 - 12

12 - لزوم هشیاری پیامبر و رهبران الهی ، در برخورد با شگرد های منافقان

ان اردنا الا احساناً و توفيقاً. اولئك الذين يعلم الله ما في قلوبهم فاعرض عنهم

خداوند قبل از دستور به گذشت و موعظه، به پیامبر (صلی الله علیه و آله) می آموزد که عذر منافقان دروغ و بی پایه است تا به این وسیله وی را متوجه شگردهای آنان سازد و موعظه را بر این اساس، پایه ریزی نماید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 91 - 4

4 - لزوم هشیاری در برابر ادعا های صلحجویانه بیگانگان

ستجدون اخرين يريدون ان يامنوكم و يامنوا قومهم كلما ردوا الى الفتنه اركسوا في

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 101 - 8

8 - لزوم هوشیاری مسلمانان در برابر فتنه های دشمنان

ان خفتم ان يفتنكم الذين كفروا ان الكافرين كانوا لكم عدواً مبيناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 102 - 11, 12

11 - لزوم بستن راه بهره برداری دشمن از فرصت ها ، با هوشیاری و احتیاط بیشتر

و ليأخذوا اسلحتهم ... و ليأخذوا حذرهم و اسلحتهم

12 - برابری نقش هوشیاری و آمادگی های لازم نظامی در جنگ ، با سلاح و تجهیزات

و ليأخذوا حذرهم و اسلحتهم

مراد از «حذر» احتراز از دشمن است که از آن به هوشیاری نظامی تعبیر شده است. و چون هوشیاری در برابر دشمن را در کنار آمادگی تسلیحاتی آورده و هر دورا با کلمه «اخذ» (گرفتن) تعبیر کرده، دلالت بر کارسازی یکسان آنها دارد؛ بلکه تقدم «حذر» می تواند حاکی از اهمیت بیشتر آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- لزوم هشیاری مسلمان در قبال ترفند ها و شگرد های منافقان

الذین یتربصون بکم فإن کان لکم فتح من الله . . . و نمنعکم من المؤمنین

از اهداف افشای منافقان و بر شمردن ویژگیهای آنان، آگاه کردن مؤمنان به حيله ها و مکرهای آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 61 - 6

6 - ضرورت هشیاری مؤمنان در برابر اهل کتاب به هنگام تظاهر آنان به اسلام

و إذا جاءوكم قالوا ءامنا . . . و الله اعلم بما كانوا یکتُمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 95

10 - جامعه ایمانی وظیفه دار هشیاری در برابر موضعگیری های گمراه کننده کافران

یا ایها الذین ءامنوا علیکم انفسکم لایضرکم من ضل اذا اهتدیتم

«لا» در لایضرکم می تواند نافیه باشد بر این مبنا مراد از جمله «لایضرکم...» این است که چنانچه از ایمان خود مراقبت کنید از دام گمراهان می رهید و می تواند «لا» ناهیه باشد، یعنی ای مؤمنان مبادا گمراهان شما را از راه بدر برده و ایمان شما را بر بایند برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است. گفتنی است که مراد از «من ضل» به قرینه «ءامنوا» کفرپیشگان می باشد.

3- اهمیت زیرکی رهبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 49 - 9,29

9 - ضرورت هشیاری حاکمان و قاضیان نسبت به تزویر دسیسه گران، برای منحرف ساختن آنان از حکم و داوری بر پایه تعالیم قرآن

و احذرهم ان یفتنوک عن بعض ما أنزل الله الیک

29 - ضرورت هشیاری، آمادگی و پایداری رهبران الهی در برابر انبوه فاسقان و شکنندگان حریم دین

و ان احکم بینهم بما أنزل الله و لاتتبع اهواءهم... و ان کثیراً من الناس لفسقون

یادآوری فسق بسیاری از مردم در پی نهی از پیروی هواپرستان، می تواند به منظور هشدار به قاضیان و رهبران الهی ایراد شده باشد؛ یعنی باید متوجه باشند که فاسقان بسیاری برای بازداشتن آنان از اجرای احکام الهی در تلاش هستند.

4- اهمیت زیرکی قاضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 49 - 9

9 - ضرورت هشیاری حاکمان و قاضیان نسبت به تزویر دسیسه گران، برای منحرف ساختن آنان از حکم و داوری بر پایه تعالیم قرآن

و احذرهم ان یفتنوک عن بعض ما أنزل الله الیک

5- زیرکی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - ساحران مؤمن به موسی (ع)، مردمی هوشیار و به ترفند ها و سیاست بازی های فرعون و اشرافیان دربار وی آگاه بودند .

رب موسی و هرون

ص: 96

به نظر می‌رسد از اهداف ساحران در تفسیر «رب العلمین» به «رب موسی و هرون» این باشد که مبادا فرعونیان پس از خاتمه ماجرا چنین وانمود کنند که ساحران به فرعون سجده کردند و او را «رب العلمین» خواندند. و این معنا حکایت از هوشیاری ساحران و آگاهی آنان به ترفندهای فرعون دارد.

6- زیرگی در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 102 - 9، 10، 12، 24

9 - وجوب همراه داشتن سلاح و حفظ هوشیاری و احتیاط، به هنگام ادای نماز خوف

و لیأخذوا اسلحتهم... و لیأخذوا حذرهم و اسلحتهم

ظاهراً مراد از ضمیر در «لیأخذوا» همان کسانی هستند که به نماز ایستاده اند، نه آن گروهی که مشغول پاسداری هستند.

10 - لزوم احتیاط و هوشیاری بیشتر مجاهدان، به هنگام تعویض و جابجایی در نماز خوف*

و لیأخذوا حذرهم و اسلحتهم

تصریح به لزوم هوشیاری در مورد دسته دوم (و لیأخذوا حذرهم)، بیانگر ضرورت احتیاط بیشتر در تعویض و جابجایی دارد.

12 - برابری نقش هوشیاری و آمادگی‌های لازم نظامی در جنگ، با سلاح و تجهیزات

و لیأخذوا حذرهم و اسلحتهم

مراد از «حذر» احتراز از دشمن است که از آن به هوشیاری نظامی تعبیر شده است. و چون هوشیاری در برابر دشمن را در کنار آمادگی تسلیحاتی آورده و هر دو را با کلمه «اخذ» (گرفتن) تعبیر کرده، دلالت بر کارسازی یکسان آنها دارد؛ بلکه تقدم «حذر» می‌تواند حاکی از اهمیت بیشتر آن باشد.

24 - کسانی که در نماز خوف مجاز به زمین گذاشتن سلاح خویش هستند، باید همچنان هوشیار و مراقب باشند.

و لاجناح علیکم... ان تضعوا اسلحتکم و خذوا حذرکم

7- زیرگی رهبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 63 - 12

12 - لزوم هشیاری پیامبر و رهبران الهی ، در برخورد با شگرد های منافقان

ان اردنا الا احساناً و توفيقاً. اولئك الذين يعلم الله ما في قلوبهم فاعرض عنهم

خداوند قبل از دستور به گذشت و موعظه، به پیامبر (صلی الله علیه و آله) می آموزد که عذر منافقان دروغ و بی پایه است تا به این وسیله وی را متوجه شگردهای آنان سازد و موعظه را بر این اساس، پایه ریزی نماید.

8- زیرکی زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 18

ص: 97

18- زلیخا، زنی زیرک، طراح و هوشیار بود .

فلما سمعت بمكرهنّ أرسلت إليهنّ . . . وءاتت كل وحده منهنّ سكّيناً . . . فلما رأينه

9- زیرکی قاضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 107 - 6

6- ضرورت هوشیاری قاضی در برابر نیرنگ ها و صحنه سازیها

لتحكم بين الناس . . . ولاتجدل عن الذين يختانون انفسهم

10- زیرکی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 61 - 6

6- ضرورت هشیاری مؤمنان در برابر اهل کتاب به هنگام تظاهر آنان به اسلام

و إذا جاءوكم قالوا ءامنا . . . و الله اعلم بما كانوا يكتمون

11- زیرکی و تقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 100 - 13

13 - تقوا و پرهیزگاری همسو و هماهنگ با تیزهوشی و خردمندی

فاتقوا الله يا اولی الالب

12- منافقان و زیرکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 50 - 6

6 - کنار کشیدن از مسؤولیت و مشکلات جامعه در بینش منافقان ، تیزهوشی و کیاست است .

وإن تصبک مصیبہ یقولوا قد أخذنا أمرنا من قبل ویتولوا وهم فرحون

ص: 98

4- زینت

1- آثار زینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 84 - 8

8 - خوبی هرکار ، علاوه بر صدور آن به نیت خیر ، در گرو هماهنگی آن با سایر خواسته ها و دستورات خداوند است .

و ما أعجلک . . . و عجلت إلیک ربّ لترضی

با وجود آن که موسی (ع) در تعجیل خود، نیت خیر داشته است؛ ولی بازخواست شدن او دال بر این مطلب است که صرف داشتن نیت خیر، برای برتری یافتن عمل کافی نیست؛ بلکه باید با ادله دیگر آن عمل را سنجید. اگر در تعارض نبود، آن گاه بدان اقدام کرد.

2- آثار زینت با طلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 53 - 3

3 - زینت و تجمل مردان به طلا ، ارزشی فرعونی *

قال . . . فلولا ألقى علیه أسوره من ذهب

3- آثار زینت طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 20 - 23

23 - بازی ، سرگرمی ، آرایش ، فخرفروشی و فزون خواهی ، از مظاهر و جلوه های فریبندگی دنیا

أتما الحیوه الدنیا لعب . . . و تکاثر . . . و ما الحیوه الدنیا إلا متع الغرور

معرفی دنیا به متاع فریبنده، در پایان آیه شریفه - پس از آن که در آغاز آن با پنج ویژگی شناسانده شده است - می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

4- ابزار زینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 12 - 6

6 - ستارگان ، زینت بخش آسمان دنیا (نزدیک ترین آسمان به زمین)

و زینا السماء الدنيا بمصباح

5- اجتناب از زینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 60 - 2

2 - اجتناب از آرایش و خودآرایی ، شرط جواز حجاب نداشتن زنان سالخورده و نا امید از زناشویی است .

و القواعد من النساء الّتی لایرجون نکاحًا فلیس علیهنّ جناح أن یضعن ثیابهنّ غیر مت

6- اجتناب از زینت طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 21 - 4

4 - دنیا ، عرصه مسابقه و تلاش برای کسب سعادت اخروی (بهشت پهناور) است ؛ نه میدان بازی ، آرایش ، فخرفروشی و فزون خواهی

سابقوا إلى مغفرة من ربکم و جنّه

7- احکام زینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 31 - 27، 13

13 - زینت کردن برای زنان ، کاری مشروع و جایز است .

و لایبدین زینتهنّ إلاّ ما ظهر منها

27 - هر گونه حرکت و رفتاری که موجب آگاهی نامحرمان از زینت های زنان مؤمن شود ، بر آنان حرام است .

و لایضربن بأرجلهنّ لیعلم ما یخفین من زینتهنّ

8- احکام زینت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 60 - 3

ص: 100

3- آرایش و خودآرایی زنان - حتی سالخوردهگان نا امید از زناشویی - در برابر نامحرمان ممنوع است .

و القواعد من النساء الّتی لایرجون نکاحًا . . غیر متبرجت بزینة

9- استخراج زینت های دریایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 14 - 5

5- جواز غواصی و استخراج اشیای قیمتی و زینتی دریا

و تستخرجوا منه حلیه

10- استفاده از زینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 14 - 4

4- استفاده از مظاهر طبیعت ، برای خوراک ، پوشاک و زیورآلات مباح است .

لتأكلوا منه لحمًا طریًّا و تستخرجوا منه حلیه تلبسونها

11- استفاده از زینت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- اعراف - 7 - 32 - 9، 10، 12

3- هدف از آفرینش زینتها و روزیها، استفاده بندگان خداوند از آنهاست.

زینة الله الّتی أخرج لعباده

9- جواز استفاده مؤمن و کافر از زیباییها و روزیهای پاکیزه خدا در دنیا

قل هی للذین ءامنوا فی الحیوة الدنیا خالصه یوم القیمه

کلمه «خالصه» حال است برای «هی» و «یوم القیامه» متعلق به آن می باشد. ذکر نشدن این کلمه در مورد «الحیاه الدنیا» حاکی از انحصاری نبودن مواهب دنیا برای مؤمنان است. یعنی: قل هی للذین آمنوا و لغير هم فی الحیاه الدنیا و لهم خالصه یوم القیامه.

10 - استفاده مؤمنان از زینتها و نعمتها، مقصود اصلی از آفرینش آنهاست.

قل هی للذین ءامنوا فی الحیوه الدنیا

ذکر نکردن «لغیرهم» پس از «للذین ءامنوا»، علی رغم مقصود بودن آن، برای رساندن این معناست که زینتها و طیبات بالإصالة برای مؤمنان آفریده شده است.

12 - استفاده از زینتها و روزیها در دنیا، همواره آمیخته با رنجها و کدورتهاست.

قل هی للذین . . خالصه یوم القیمه

برخی برآنند که «خالصه» در آیه مورد بحث به معنای خلوص از نامالیمات و کدورتها است. بر این مبنا چون این قید برای

ص: 101

قیامت ذکر نشده، مفهومی این است که در دنیا مواهب خدادادی آمیخته با رنجها و ناملایمات است.

12- استفاده از زینت های دریایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 14 - 3

3- تغذیه با گوشت های تازه ، استفاده از زیور های دریایی و کشتیرانی ، از فواید دریاست .

سخّر البحر لتأكلوا منه لحمًا طريًا و تستخرجوا منه حليه تلبسونها و تری الفلک

«طری» به معنای جدید و تازه و «حلیه» به معنای زیور است.

13- اسراف در زینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 31 - 6,8

6 - حرمت اسراف در بهره گیری از زینتها

خذوا زینتکم . . . و لاتسرفوا

برداشت فوق مبتنی بر این است که «و لاتسرفوا»، علاوه بر «کلوا و اشربوا»، ناظر به جمله «خذوا زینتکم» نیز باشد. ذیل آیه (إنه . . .) این احتمال را تأیید می کند.

8 - زیاده روی در زینت دادن خویش، و اسراف در خوردن و آشامیدن، موجب محرومیت از محبت خداوند است.

خذوا زینتکم . . . و لاتسرفوا إنه لایحب المسرفین

14- اهمیت زینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 26 - 5

5 - آراسته ساختن خویش با پوشاکهای زیبا، مطلوب و محبوب خداوند است.

قد أنزلنا علیکم . . . و ریشا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 6 - 7

7 - زینت و زیبایی ، امری مطلوب و پسندیده در نگاه دین

إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ

ص: 102

15- بهترین زینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 138 - 5

5 - یکتاپرستی ، بهترین و زیباترین زینت و صبغه برای انسانهاست .

و من أحسن من الله صبغه و نحن له عبدون

16- بی رغبتی به زینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 18 - 6

6 - بی رغبتی به زیورآلات ، توان مندی و فرادستی در میدان بحث و درگیری ، خصلت های دیرینه مردان

أو من ينشؤا في الحلية

با توجه به قرینه مقابله، استفاده می شود که مردان نوعاً دارای ویژگی های ذکر شده در آیه نیستند.

17- پوشی زینت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 31 - 9,12

9 - زنان مؤمن ، موظف به پوشاندن زینت های خویش و محل آنها (بدن) از دید نامحرمان اند ؛ جز آنچه که خود به خود آشکار است (مثل سرمه ، انگشتر ، حنا و ...) .

وقل للمؤمنات .. ولا يبدين زينتهن إلا ما ظهر منها

درباره مقصود از «زینتهن» (زینت زنان) دو دیدگاه وجود دارد: 1- مقصود محل زینت آلات است؛ زیرا آشکار کردن خود زینت آلات به تنهایی معنی ندارد. 2- مراد خود زینت آلات است، در حالی که بر روی بدن قرار دارد. در این صورت به طریق اولی آشکار کردن محل زیورآلات (بدن)، حرام خواهد بود. گفتنی است مقصود از استثنا در «إلا ما ظهر منها»، زیورآلاتی است که، به طور متعارف آشکارا استفاده می شود؛ مثل: انگشتر، سرمه، حنا و

12 - پوشاندن زینت هایی که به طور متعارف و خودبه خود آشکار است (مانند انگشتر ، سرمه ، حنا و ...) بر زنان ، واجب نیست .

و لا یبدین زینتهنّ إلاّ ما ظهر منها

18- پوشش محل زینت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 31 - 9.39

9- زنان مؤمن ، موظف به پوشاندن زینت های خویش و محل آنها (بدن) از دید نامحرمان اند ؛ جز آنچه که خود به خود آشکاراست (مثل سرمه ، انگشتر ، حنا و . . .) .

ص: 103

وقل للمؤمنت . . . ولا يبدين زينتهن إلا ما ظهر منها

درباره مقصود از «زینتهن» (زینت زنان) دو دیدگاه وجود دارد: 1- مقصود محل زینت آلات است؛ زیرا آشکار کردن خود زینت آلات به تنهایی معنی ندارد. 2- مراد خود زینت آلات است، در حالی که بر روی بدن قرار دارد. در این صورت به طریق اولی آشکار کردن محل زیورآلات (بدن)، حرام خواهد بود. گفتنی است مقصود از استثنا در «إلا ما ظهر منها»، زیورآلاتی است که، به طور متعارف آشکارا استفاده می شود؛ مثل: انگشتر، سرمه، حنا و... .

39 - « عن فضیل بن یسار قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن الذراعین من المرأة أهما من الزینة التي قال الله تبارک و تعالی « و لا یبیدین زینتهن إلا لبعولتهن » قال : نعم و مادون الخمار من الزینة و ما دون السوارین ;

فضیل بن یسار گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم: آیا زراعین زن از (آرنج تا مچ دستهای او) جزء زینتی است که خداوند فرموده است: «و لا یبیدین زینتهن إلا لبعولتهن»؟ فرمود: آری و نیز آنچه [از سروگردن] زیر پوشش مقنعه و [از مچ دست] زیر دست بند قرار دارد، از همان زینت است».

19- تبیین احکام زینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 32 - 16

16 - بیان احکام خوراکیها، نوشیدنیها، زینتها و تعیین حد و مرز حلیت آنها، نمونه ای از تبیین احکام و آیات الهی از سوی خداوند است.

خذوا زینتکم عند کل مسجد و کلوا و اشربوا و لاتسرفوا . . . کذلک نفصل الأیت

20- تحریم زینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 32 - 2

2 - تحریم کنندگان زیباییها و زینتهای خدادادی و روزیهای پاکیزه، مورد نکوهش و توبیخ خداوند هستند.

قل من حرم . . . والطیبت من الرزق

استفهام در جمله «من حرم . . .» استفهام انکار توییخی است. یعنی خداوند علاوه بر این که تحریم طبیات را صحیح نمی داند، تحریم کننده را نیز سرزنش می کند.

21- تحریم زینت دنیوی

17 - حرام شمردن زینتها و روزیهای حلال و پاکیزه، افترا بر خداوند است.

قل من حرم زینه الله . . . أن تقولوا علی الله ما لا تعلمون

از مصادیق مورد نظر برای افترا، به قرینه آیه قبل، تحریم زینتها و روزیهای پاکیزه است.

22- حرمت اظهار زینت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 31 - 10,27

10 - حرمت آشکار ساختن زینت ها و محل های آنها (بدن) بر زنان ، جز آنچه که نخود به خود آشکار است (مانند انگشتر ، سرمه ، حنا و ...) .

لا یبدین زینتهنّ إلاّ ما ظهر منها

27 - هر گونه حرکت و رفتاری که موجب آگاهی نامحرمان از زینت های زنان مؤمن شود ، بر آنان حرام است .

و لایضربن بأرجلهنّ لیعلم ما یخفین من زینتهنّ

23- حلیت زینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 32 - 6

6 - حلیت، قانون اولی و اصل کلی در بهره گیری از زینتها، خوراکیها و نوشیدنیهاست.

قل من حرم زینه الله التی أخرج لعباده

استفهام انکاری در «من حرم ..» دلالت می کند بر این که اگر دلیلی برای حرمت اشیای ذکر شده یافت نشد، باید آنها را حلال دانست و منتظر دلیل خاص نبود، و این معنای اصل کلی و قانون اولی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 33 - 11

11 - زینتها و روزیهای پاکیزه بیرون از دایره محرومات الهی (کردار زشت و ..)

قل من حرم زینه الله .. قل إنما حرم ربی الفوحش

24- زینت آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 6 - 4

4 - ستارگان ، زینت بخش آسمان

إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

19 - ملک - 67 - 5 - 4

4 - ستارگان ، زینت بخش آسمان

ص: 105

إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصْبِيحٍ

25- زینت آسمان اول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 5 - 7

7- از میان مجموعه آسمان ها ، تنها نزدیک ترین آسمان ها به اهل زمین ، مزین به ستارگان است . *

إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصْبِيحٍ

«الدنيا»، صفت برای «السماء» است. این وصف می تواند قید احترازی و گویای این حقیقت باشد که نزدیک ترین آسمان - نه همه آسمان ها - به زیور ستارگان آراسته شده است.

26- زینت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 32 - 13

13 - استفاده از زینتها و روزیهای پاکیزه در حیات آخرت در انحصار اهل ایمان خواهد بود.

قل هي للذين ءامنوا .. خالصه يوم القيمة

27- زینت بودن اسب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 8 - 2

2- اسب ، استر و الاغ به منظور سوار شدن ، زینت بودن و تجمل آفریده شده است .

و الخيل و البغال و الحمير لتركبوها و زينه

28- زینت بودن استر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 8 - 2

2- اسب، استر و الاغ به منظور سوار شدن، زینت بودن و تجمل آفریده شده است.

و الخیل و البغال و الحمیر لتركبوه‌ها و زینه

ص: 106

29- زینت بودن الاغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 8 - 2

2- اسب ، استر و الاغ به منظور سوار شدن ، زینت بودن و تجمل آفریده شده است .

و الخیل و البغال و الحمیر لتركبوها و زینه

30- زینت پیرزن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 60 - 3

3- آرایش و خودآرایی زنان - حتی سالخوردگان نا امید از زناشویی - در برابر نامحرمان ممنوع است .

و القواعد من النساء الّتی لایرجون نکاحًا . . غیر متبرّجت بزینه

31- زینت خدمتکاران بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 17 - 3

3- خدمت گزاران پیشتازان راه خدا (سابقون) ، در بهشت جوانانی آراسته و گوشواره بر گوش

یطوف علیهم ولدن مخلّدون

برخی احتمال داده اند که «مخلّدون» مشتق از «خُلّد» به معنای گوشواره باشد. بنابراین عبارت «ولدان مخلّدون»؛ یعنی، جوانانی که بر گوش آنها، گوشواره آویخته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 19 - 4

4- خدمت گزاران ابرار در بهشت ، جوانانی آراسته و گوشواره بر گوش

و یطوف علیهم ولدن مخلّدون

برخی احتمال داده اند که «مخلّدون»، مشتق از «خُلد» به معنای گوشواره باشد. بنابراین «ولدان مخلّدون»؛ یعنی، جوانانی که گوشواره، بر گوششان آویخته شده است.

32- زینت در برابر نامحرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 60 - 5

5- آرایش و خودآرایی زنان در برابر نامحرمان ، امری مهم و غیر قابل اغماض در نظام اسلامی

و القواعد من النساء الّتی لایرجون نکاحًا . . غیر متبرّجت بزینة

ص: 107

ممنوعیت زنان سالخورده و بی میل به امور جنسی از خودآرایی، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

33- زینت در عبادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 31 - 10، 2

2 - جمال و آراستگی ظاهر به هنگام نماز و عبادت، محبوب خداوند است.

خدوا زینتکم عند کل مسجد

برداشت فوق بر این اساس است که کلمه «مسجد» اسم زمان و یا اسم مکان، و نه خصوص مساجد رسمی، باشد. در این صورت مراد از سجده، پرستش خدا و خضوع در برابر اوست که نماز و پیشانی بر خاک ساییدن مصداق تام و جلوه کامل آن است.

10 - عن خیمه قال: کان الحسن بن علی (ع) إذا قام إلى الصلوه لبس اجود ثیابه فقیل له: یابن رسول الله لم تلبس اجود ثیابک؟ قال: ان الله تعالی جمیل یحب الجمال فاتجمل لربی و هو یقول: « خدوا زینتکم عند کل مسجد» . . .

از خیمه نقل شده که امام مجتبی (ع) به هنگام نماز، بهترین لباس خود را می پوشید. پرسیدند چرا بهترین لباس را می پوشی؟ فرمود: خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد، من برای خدا خود را به زیبایی آراسته می کنم، زیرا او فرمود: «زینت خود را هنگام هر عبادتی بر گیرید...».

34- زینت در مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 31 - 1

1 - ضرورت آراسته ساختن خویش با زینتها، هنگام حضور در مساجد

یبنی ءادم خدوا زینتکم عند کل مسجد

35- زینت در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 31 - 2

2 - جمال و آراستگی ظاهر به هنگام نماز و عبادت، محبوب خداوند است.

برداشت فوق بر این اساس است که کلمه «مسجد» اسم زمان و یا اسم مکان، و نه خصوص مساجد رسمی، باشد. در این صورت مراد از سجده، پرستش خدا و خضوع در برابر اوست که نماز و پیشانی بر خاک ساییدن مصداق تام و جلوه کامل آن است.

36- زینت دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 212 - 1, 2

1 - آراستگی زندگانی دنیا ، در دیدگاه کافران

زین للذین کفروا الحیوه الدنیا

2 - زینت زندگانی دنیا در نظر کافران ، واقعیت آن را پوشانده است .

زین للذین کفروا الحیوه الدنیا

37- زینت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 31 - 13

13 - زینت کردن برای زنان ، کاری مشروع و جایز است .

و لایبیدن زینتهنّ إلاّ ما ظهر منها

38- زینت زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 20 - 3

3 - حقیقت حیات دنیوی ، پنج چیز بیش نیست : بازی ، لهو و سرگرمی ، زینت و آرایش ، تفاخر و فخرفروشی ، و فزون طلبی .

أئما الحیوه الدنیا . . و تکاثر فی الأموال و الأولاد

واژه «أئما» (به فتح همزه) نظیر «إئما» (به کسر همزه) برای افاده حصر است. بنابراین «أئما الحیوه الدنیا...» معادل «ما الحیاه الدنیا إلاّ لهو و لعب...» است؛ یعنی، حقیقت زندگی دنیایی، به غیر از «لعب»، «لهو»، «زینت»، «تفاخر» و «تکاثر» نمی باشد.

39- زینت طلبی در جوانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- انسان در دوران جوانی ، طالب زینت و آرایش دادن خویش است .

أَتَمَّا الْحَيَوَه الدنیا . . . وزینه

ص: 109

40- زینت فرزند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 46 - 1

1- مال و فرزند ، جلوه ها و زینت های زندگی ناپایدار دنیایند .

المال و البنون زینه الحیوه الدنیا

«بنون» گرچه جمع «ابن» است، ولی تغلیباً می تواند شامل هر دو جنس مذکر و مؤنث شود، همانگونه که در «بنی آدم» و امثال آن، مقصود، تنها فرزندانِ ذکور آدم نیست، بلکه مطلق فرزند است.

41- زینت مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 46 - 1

1- مال و فرزند ، جلوه ها و زینت های زندگی ناپایدار دنیایند .

المال و البنون زینه الحیوه الدنیا

«بنون» گرچه جمع «ابن» است، ولی تغلیباً می تواند شامل هر دو جنس مذکر و مؤنث شود، همانگونه که در «بنی آدم» و امثال آن، مقصود، تنها فرزندانِ ذکور آدم نیست، بلکه مطلق فرزند است.

42- زینت مرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 53 - 3

3 - زینت و تجمل مردان به طلا ، ارزشی فرعونی *

قال . . . فلولا ألقى عليه أسوره من ذهب

43- زینت مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 59 - 1

1 - مردم مصر در عصر فرعون دارای سنت تزئین و تجمل در روزی مخصوص (عید) و اجتماع در مکانی معین

موعدکم یوم الزینه و أن یحشرالناس ضحی

فرعون در سخن خود با موسی (ع) دو درخواست را مطرح کرد: 1- تعیین زمان مقابله، 2- تعیین مکان مقابله. آن حضرت نیز «یوم الزینه» را به عنوان زمان موعود مطرح کرد. به نظر می رسد به خاطر معین بودن مکان اجتماع روز عید، دیگر نیازی به ذکر خصوص مکان نبوده است.

ص: 110

44- زینت مطلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 1 - 28

28 - « عن أبي عبد الله (ع) قال : المطلقة تكتحل و تختضب و تطيب و تلبس ما شاءت من الثياب لأن الله عزوجل يقول : « لعل الله يحدث بعد ذلك أمراً » لعلها أن تقع في نفسه فيراجعها ;

از امام صادق(ع) روایت شده: زن مطلقه [رجعی] خوب است سر مه کشد و خضاب کند و خود را خوشبو نماید و آنچه دوست دارد، از لباس ها بپوشد؛ چون خدای عزوجل فرمود است: «لعل الله يحدث بعد ذلك أمراً». شاید آن زن در دل شوهرش [محبوب] واقع شود و شوهر به او رجوع کند».

45- زینت های دریایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 14 - 8

8- گوشت های تازه دریایی و اشیای تزئینی آن و سهولت کشتیرانی ، از نعمت های خداوند است .

و هو الذی سخّر البحر لتأکلوا منه لحمًا طریماً و تستخرجوا منه حلیه تلبسونها و تر

46- زینت های دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 15 - 1

1- تلاش برای رسیدن به موهبت های دنیا و زینت های آن ، در همین دنیا نتیجه بخش بوده و ثمره آن بدون هیچ کاستی ، نصیب انسان می شود .

من کان یرید الحیوه الدنیا و زینتها نوفّ إلیهم أعمالهم فیها و هم فیها لایبخسون

توفیه (مصدر نوفّ) به معنای به تمام و کمال پرداختن و ادا کردن است. مراد از «اعمال» نتیجه و ثمره اعمال می باشد. «بخس» به معنای نقص است و «لایبخسون»؛ یعنی ، در ادای حقشان ، کمی و کاستی رخ نخواهد داد.

47- زینت های زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - يونس - 10 - 24 - 8

8 - گياهان ، زينت بخش زمينند .

فاختلط به نبات الأرض . . . حتى إذا أخذت الأرض زخرفها وازينت

ص: 111

48- علاقه به زینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 18 - 2

2 - شیفتگی به تجمل و زینت ، علاقه طبیعی زنان

أَوْ مِنْ يَنْشَأُ فِي الْحَلِيهِ

تعبیر «ینشأ فی الحلیه» که به معنای پرورش یافتن در زینت است، اشاره به علاقه طبیعی و وابستگی زنان به آرایش و زیور دارد.

49- فلسفه خلقت زینت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 32 - 10، 3

3 - هدف از آفرینش زینتها و روزیها، استفاده بندگان خداوند از آنهاست.

زینة الله التي أخرج لعباده

10 - استفاده مؤمنان از زینتها و نعمتها، مقصود اصلی از آفرینش آنهاست.

قل هي للذين ءامنوا في الحيوه الدنيا

ذکر نکردن «لغيرهم» پس از «للذين ءامنوا»، علی رغم مقصود بودن آن، برای رساندن این معناست که زینتها و طیبات بالإصاله برای مؤمنان آفریده شده است.

50- مبدأ زینت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 32 - 1

1 - خداوند، پدیدآورنده زینتها و روزیهای پاکیزه

زینة الله التي أخرج لعباده

51- محرومیت از زینت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 32 - 14

14 - کافران در قیامت از زینتهای خدادادی و روزیهای پاکیزه محروم خواهند بود.

قل هی للذین ءامنوا .. خالصه یوم القیمه

ص: 112

52- مراد از زینت ظاهری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 31 - 36

36 - « عن أبي جعفر (ع) في قوله: « ولا يبدین زینتھنَّ إلا ما ظهر منها » فہی الثیاب و الکحل و الخاتم و خضاب الکف و السوار ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خدا «و لایبیدین زینتھنَّ إلا ما ظهر منها» روایت شده است که فرمود: [زینت ظاہر] جامه، سرمه [چشم]، انگشتر، خضاب دست و دستبند است».

53- موارد جواز اظهار زینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 31 - 22

22 - پوشاندن زینت ها و مواضع آنها (بدن) از خدمت کاران بی نیاز به زن و بی رغبت به زناشویی و کودکان بی خبر از مسائل جنسی ، بر زنان مؤمن لازم نیست .

و لایبیدین زینتھنَّ إلا .. أو التبعین غیر اُولی الإربہ من الرجال أو الطفل الذی

واژه «الإربہ» به معنای حاجت است و در آیه شریفه - به مناسبت این که در بیان مسائل محرم و نامحرم است - مقصود، نیاز به زن و تمایل جنسی به زنان است.

54- موارد جواز اظهار زینت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 31 - 24، 20، 19، 18

18 - زنان مؤمن ، مجاز به آشکار ساختن زینت های خویش (گوشواره ، نگو گردنبند و . . .) و مواضع آنها (بدن) بر شوهر ، پدر ، پدر شوهر و پسران خود هستند .

و لایبیدین زینتھنَّ إلا لبعولتھنَّ أو ءابائھنَّ أو ءاباء بعولتھنَّ أو ابنائھنَّ

19 - زنان مؤمن ، مجاز به آشکار ساختن زینت های خویش و مواضع آنها (بدن) بر پسران شوهر ، برادران ، پسران برادر و پسران خواهر خود هستند .

و لایبیدین زینتھنَّ إلا .. وؤابناء بعولتھنَّ أو اخونھنَّ أو بنی إخوانھنَّ أو بنی أخ

20 - بر زنان مؤمن، پوشاندن زینت های خویش و مواضع آنها (بدن)، بر دیگر زنان مؤمن و بردگان خود لازم نیست .

و لا یبدین زینتهنَّ إلاَّ .. أو نسائهنَّ أو ما ملکت أیمانهنَّ

24 - پوشاندن زینت و مواضع آنها (بدن) از خدمت کارانی که ساده لوح اند و از بصیرت و عقل کامل برخوردار نیستند، بر زنان مؤمن واجب نیست .

و لا یبدین زینتهنَّ إلاَّ .. أو التبعین غیر أُولی الإربه

یکی از معانی و موارد کاربرد واژه «إربه» بصیرت در امور و عقل است (لسان العرب و قاموس المحيط). بنابراین «غیر أُولی الإربه»؛ یعنی، کسانی که ساده لوح اند و از عقل و بصیرت کافی، از جمله در امور جنسی، برخوردار نیستند و از چنین اموری کاملاً بی خبراند.

ص: 113

55- ناپایداری زینت های دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 60 - 2

2 - متاع دنیا و زینت های آن ، چونان خود دنیا ناپایدار و زوال پذیر است .

و ما أوتيتم من شيء فمتع الحيوه الدنيا وزينتها

56- نیاز به زینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 32 - 5

5 - زینت و زیبایی ، همچون غذای پاکیزه ، بخشی از نیازهای آدمیان می باشد.

قل من حرم زينه الله التي أخرج لعباده والطيبات من الرزق

ذکر کردن خوراکیها و زینتها در یک جمله و برخورد مساوی در بیان حلیت آنها ، حاکی از نیاز همسان آدمی به آنهاست.

زینت طلبی

57- آثار زینت طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 20 - 23

23 - بازی ، سرگرمی ، آرایش ، فخرفروشی و فزون خواهی ، از مظاهر و جلوه های فریبندگی دنیا

أئما الحيوه الدنيا لعب . . . و تكاثر . . . و ما الحيوه الدنيا إلا متع الغرور

معرفی دنیا به متاع فریبنده ، در پایان آیه شریفه - پس از آن که در آغاز آن با پنج ویژگی شناسانده شده است - می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

58- اجتناب از زینت طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - دنیا، عرصه مسابقه و تلاش برای کسب سعادت اخروی (بهشت پهناور) است؛ نه میدان بازی، آرایش، فخرفروشی و فزون خواهی

سابقوا إلى مغفره من ربکم و جنّه

ص: 114

59- زینت طلبی در جوانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 20 - 7

7 - انسان در دوران جوانی ، طالب زینت و آرایش دادن خویش است .

أثما الحيوه الدنيا .. و زينه

زینت ها

60- استفاده از زینت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 32 - 9، 10، 3

3 - هدف از آفرینش زینتها و روزیها، استفاده بندگان خداوند از آنهاست.

زينه الله التي أخرج لعباده

9 - جواز استفاده مؤمن و کافر از زیبایيها و روزیهای پاکیزه خدا در دنیا

قل هي للذين ءامنوا في الحيوه الدنيا خالصه يوم القيمه

کلمه «خالصه» حال است برای «هی» و «یوم القیامه» متعلق به آن می باشد. ذکر نشدن این کلمه در مورد «الحياه الدنيا» حاکی از انحصاری نبودن مواهب دنیا برای مؤمنان است. یعنی: قل هي للذين آمنوا و لغير هم في الحياه الدنيا و لهم خالصه يوم القيامه.

10 - استفاده مؤمنان از زینتها و نعمتها، مقصود اصلی از آفرینش آنهاست.

قل هي للذين ءامنوا في الحيوه الدنيا

ذکر نکردن «لغيرهم» پس از «للذين ءامنوا»، علی رغم مقصود بودن آن، برای رساندن این معناست که زینتها و طیبات بالإصاله برای مؤمنان آفریده شده است.

12 - استفاده از زینتها و روزیها در دنیا، همواره آمیخته با رنجها و کدورتهاست.

قل هي للذين .. خالصه يوم القيمه

برخی برآنند که «خالصه» در آیه مورد بحث به معنای خلوص از ناملايمات و کدورتها است. بر این مبنا چون این قید برای قیامت ذکر

نشده، مفهومش این است که در دنیا مواهب خدادادی آمیخته با رنجها و ناملايمات است.

61- فلسفه خلقت زینت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- اعراف - 7 - 32 - 10، 3

3- هدف از آفرینش زینتها و روزیها، استفاده بندگان خداوند از آنهاست.

زینة الله التي أخرج لعباده

10- استفاده مؤمنان از زینتها و نعمتها، مقصود اصلی از آفرینش آنهاست.

ص: 115

قل هي للذين ءامنوا في الحيوه الدنيا

ذکر نکردن «لغيرهم» پس از «للذين ءامنوا»، علی رغم مقصود بودن آن، برای رساندن این معناست که زینتها و طیبات بالإصالة برای مؤمنان آفریده شده است.

62- مبدأ زینت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 32 - 1

1 - خداوند، پدیدآورنده زینتها و روزیهای پاکیزه

زینة الله التي أخرج لعباده

63- زیورآلات

استخراج زیورآلات دریایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 12 - 5,6

5 - وجود جواهر و زیورآلات قابل استخراج در دریاها

و تستخرجون حلیه تلبسونها

«حلیه» به معنای زیور است.

6 - جواز غواصی و استخراج اشیای قیمتی و زینتی دریاها

و تستخرجون حلیه تلبسونها

64- استفاده از زیورآلات دریایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 12 - 10

10 - تغذیه با گوشت های تازه و استفاده از زیور های دریایی و کشتیرانی ، از فواید دریا ها است .

و من کلّ تأکلون لحمًا طریّاً . . و تری الفلک فیہ مواخر

65- دوراندازی زیورآلات بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 87 - 7,8,9,10

7- بنی اسرائیل ، در زمان غیبت موسی (ع) و رفتن او به میقات ، زیورآلات غنیمتی خود را دور انداختند .

ص: 116

حَمَلْنَا أَوْزَارًا مِنْ زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَذَفْنَاهَا

«قذف» به معنای پرتاب کردن و دور انداختن است. با توجه به جمله «حَمَلْنَا أَوْزَارًا» به نظر می رسد، بنی اسرائیل زیورآلات به غنیمت گرفته شده را به این خاطر که گناه و آلودگی است، به دور انداختند. و یا به جهت بی قدر و قیمت شدن آنها در شرایط صحرا و زندگی بیابانی، تصمیم به دور انداختن آنها گرفتند.

8 - سامری ، سردمدار جریان به دورافکندن زیورآلات به وسیله بنی اسرائیل

فَقَذَفْنَاهَا فَكَذَلِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ

مشخص کردن سامری در بین مجموعه ای که زیورآلات را به دور افکندند، نشان دهنده جلودار بودن او در این قضیه است.

9 - بنی اسرائیل ، شاهد دست زدن سامری به اقدامی مشابه با حرکت عمومی بنی اسرائیل در به دور افکندن غنیمت های به جا مانده از فرعونیان

فَقَذَفْنَاهَا فَكَذَلِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ

«کذلک»؛ یعنی، مانند آنچه ما انجام دادیم. این توصیف گویای آن است که سامری در حضور بنی اسرائیل و همانند آنان، عمل کرده و چیزهایی را دور انداخته بود.

10 - اقدام سامری در دور افکندن اشیای خویش ، پس از آن بود که بنی اسرائیل غنیمت های همراه خویش را دور ریخته بودند .

فَكَذَلِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ

66- دوراندازی زیورآلات سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 87 - 10، 9

9 - بنی اسرائیل ، شاهد دست زدن سامری به اقدامی مشابه با حرکت عمومی بنی اسرائیل در به دور افکندن غنیمت های به جا مانده از فرعونیان

فَقَذَفْنَاهَا فَكَذَلِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ

«کذلک»؛ یعنی، مانند آنچه ما انجام دادیم. این توصیف گویای آن است که سامری در حضور بنی اسرائیل و همانند آنان، عمل کرده و چیزهایی را دور انداخته بود.

10 - اقدام سامری در دور افکندن اشیای خویش ، پس از آن بود که بنی اسرائیل غنیمت های همراه خویش را دور ریخته بودند .

67- روش ساخت زیورآلات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 17 - 5

5- تهیه زیورآلات و وسایل زندگی از اهداف گداختن فلزات در کوره های آتش است .

و مما یوقدون علیه فی النار ابتغاء حلیه أو متع

«ابتغاء» به معنای طلب کردن است و این کلمه مفعول له برای «یوقدون» می باشد. «حلیه» چیزی است که وسیله زینت

ص: 117

قرار می گیرد و «متاع» به چیزی گفته می شود که در زندگی مورد بهره برداری است.

68- زیورآلات بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 87 - 4,5,6

4 - بنی اسرائیل بخش قابل توجهی از زیورآلات فرعونیان را با خود به همراه آورده بودند .

و لکنّا حمّلنا أوزارًا من زینه القوم

مراد از «القوم» بر حسب ظاهر فرعونیان هستند. و «وزر» به معنای «ثقل» است. از همین رو به گناه نیز «وزر و ثقل» اطلاق می گردد؛ چرا که بر دوش گنه کار سنگینی می کند. استعمال این واژه احتمالاً اشاره به آن است که بنی اسرائیل، همراه داشتن زیورآلات فرعونیان را بر خود جایز نمی شمردند.

5 - بنی اسرائیل در به همراه آوردن زینت آلات فرعونیان نیز خود را بی اختیار قلمداد می کردند .

و لکنّا حمّلنا أوزارًا من زینه القوم

آمدن «حُمّلنا» به صیغه مجهول، در ادامه توجیه بنی اسرائیل از عملکرد خویش است؛ یعنی، ما در حمل زینت های فرعونیان نیز ناخواسته آن را انجام دادیم و به ما تحمیل شد.

6 - اقدام بنی اسرائیل در به همراه آوردن زینت آلات فرعونیان و مصادره آنها، بدون صدور دستوری از جانب موسی (ع) صورت گرفته بود .

و لکنّا حمّلنا أوزارًا من زینه القوم

تعبیر «حُمّلنا» و کلمه «وزر»، حکایت از آن دارد که موسی (ع) در این زمینه دستوری صادر نکرده بوده، و بنی اسرائیل، خودسرانه این کار را انجام داده بودند.

69- زیورآلات دریایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 12 - 11

11 - گوشت های تازه دریایی و اشیای تزئینی آن و سهولت کشتیرانی، از نعمت های الهی برای بشر

من کلّ تآکلون لحمًا طریًّا و تستخرجون حلیه تلبسونها و تری الفلک فیه مواخر

70- زیورآلات فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 87 - 11، 9، 6، 4، 5

4- بنی اسرائیل بخشِ قابل توجهی از زیورآلات فرعونیان را با خود به همراه آورده بودند .

و لکنّا حملنا أوزارًا من زينة القوم

مراد از «القوم» بر حسب ظاهر فرعونیان هستند. و «وزر» به معنای «ثقل» است. از همین رو به گناه نیز «وزر و ثقل»

ص: 118

اطلاق می گردد؛ چرا که بر دوش گنه کار سنگینی می کند. استعمال این واژه احتمالاً اشاره به آن است که بنی اسرائیل، همراه داشتن زیور آلات فرعونیان را بر خود جایز نمی شمردند.

5 - بنی اسرائیل در به همراه آوردن زینت آلات فرعونیان نیز خود را بی اختیار قلمداد می کردند .

و لکنّا حَمَلْنَا أَوْزَارًا مِنْ زِينَةِ الْقَوْمِ

آمدن «حَمَلْنَا» به صیغه مجهول، در ادامه توجیه بنی اسرائیل از عملکرد خویش است؛ یعنی، ما در حمل زینت های فرعونیان نیز ناخواسته آن را انجام دادیم و به ما تحمیل شد.

6 - اقدام بنی اسرائیل در به همراه آوردن زینت آلات فرعونیان و مصادره آنها ، بدون صدور دستوری از جانب موسی (ع) صورت گرفته بود .

و لکنّا حَمَلْنَا أَوْزَارًا مِنْ زِينَةِ الْقَوْمِ

تعبیر «حَمَلْنَا» و کلمه «وزر»، حکایت از آن دارد که موسی(ع) در این زمینه دستوری صادر نکرده بوده، و بنی اسرائیل، خودسرانه این کار را انجام داده بودند.

9 - بنی اسرائیل ، شاهد دست زدن سامری به اقدامی مشابه با حرکت عمومی بنی اسرائیل در به دور افکندن غنیمت های به جا مانده از فرعونیان

فَقَذَفْنَاهَا فَكَذَلِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ

«کذک»؛ یعنی، مانند آنچه ما انجام دادیم. این توصیف گویای آن است که سامری در حضور بنی اسرائیل و همانند آنان، عمل کرده و چیزهایی را دور انداخته بود.

11 - بنی اسرائیل ، غنیمت های به جا مانده از فرعونیان را ، تأمین کننده هزینه ساخت گوساله خوانده و خود را از هرگونه کمک مالی به آن تبرئه کردند .

ما أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلَكِنَا وَ لَكِنَّا حَمَلْنَا أَوْزَارًا

یکی از معانی ذکر شده برای «ملک»، «مملوک» است (قاموس). مفاد آیه با توجه به این معنا چنین می شود: ما به وسیله اموال خودمان، خود را در این انحراف سهیم نساختم؛ بلکه سامری از اموالی که ما به دور ریخته بودیم، این فتنه را به بار آورد.

71- زیورآلات مباح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- استفاده از مظاهر طبیعت، برای خوراک، پوشاک و زیورآلات، مجاز و روا است.

و من كلِّ تأكلون لحمًا طريًّا و تستخرجون حليه تلبسونها

72- علاقه به زیورآلات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 23 - 8

8- علاقه و تمایل طبیعی همه انسان ها، به زیورآلات و پوشیدن لباس های ابریشمین

يحلّون فيها من اساور من ذهب و لؤلؤًا و لباسهم فيها حرير

ص: 119

73- گرایش به زیورآلات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 14 - 6

6- گرایش انسان ها به زیبایی و تزئین با زیورآلات

تستخرجوا منه حلیه تلبسونها

فعل مضارع «تلبسونها» حکایت از واقعیت خارجی می کند و آن استفاده از زیورآلات است. از طرفی، تزئین جزء نیازهای ضروری انسان نیست و در عین حال در کنار آن نیازها ذکر شده است و این حکایت از حقیقت یاد شده دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 12 - 7

7- گرایش انسان ها به زیبایی و تزئین با زیورآلات

و تستخرجون حلیه تلبسونها

آیه شریفه در صدد گزارش از یک واقعیت خارجی است و آن استفاده مدام انسان ها از زیورآلات دریایی است. این کار حکایت از تمایل و گرایشی است که در درون انسان ها وجود دارد.

ص: 120

5- زیبایی

1- آثار زیبایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 4 - 5

5 - تأثیر شگرف قیافه زیبا و کلام شیوا، در جذب و جلب افراد

و إذا رأيتهم تعجبك أجسامهم وإن يقولوا تسمع لقولهم

2- آثار زیبایی آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 7 - 7

7- هدایت گری مظاهر هستی به سوی خداوند، آمیخته با زیبایی و سرورآفرینی

بنینها و زینّـها . . . من کلّ زوج بهیج

خداوند در این آیه ها، نموده‌های علم، قدرت و نشانه های وجود خویش را گاه به زینت و زیبایی توصیف کرده و گاه به بهجت و سرورآفرینی. این می نمایاند که کار هدایت، باید با جاذبه و شور و شوق انجام گیرد؛ نه تحمیل و خشونت.

3- آثار زیبایی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 37 - 10

10 - خوب و زیبا دیدن، از عوامل برانگیزنده انسان به اقدام هر کاری

و كذلك زینّ لفرعون سوء عمله

برداشت یاد شده از آن جا است که فرعون، پس از زیبا جلوه گر شدن عمل زشتش، به آن اقدام کرده بود.

4- آثار مطالعه زیبایی آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- تأمل و اندیشه در کیفیت آفرینش، زیبایی و اتقان بنای آسمان، زمینه ره جویی به حق

بل کذبوا بالحقّ .. أفلم ينظروا إلى السماء ... و ما لها من فوج

واژه «ینظر»، به معنای تأمل و نگاه از روی دقت و تحقیق است.

5- ابزار زیبایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 12 - 7

7 - ستارگان، چراغ های آسمان اول و زیبایی بخش آن

و زینا السماء الدنيا بمصباح

«مصباح» (مفرد «مصباح») به معنای چراغ است و مراد از آن ستاره می باشد.

6- ارزش زیبایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 221 - 12، 5

5- برتری ارزش ایمان، نسبت به ظواهر دنیوی (زیبایی، ثروت و ...)

و لامة مؤمنة خیر من مشرکه و لو اعجبتکم

12 - لزوم مقدم داشتن ارزش های الهی، در برابر جاذبه های مادی و ظواهر دنیوی (زیبایی، ثروت و ...)

و لا تنکحوا المشرکات حتی یؤمننّ و لامة مؤمنة خیر من مشرکه و لو اعجبتکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 16 - 4

4- زیبایی و آراستگی، امری مطلوب و پسندیده

و زینها للنظرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 5 - 6

6- زینت و زیبایی ، امری مطلوب و پسندیده در نگاه دین

إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصْبِيحٍ

7- ارزش زیبایی همسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 122

3- ارزش زیبایی و جذابیت همسر، در پرتو عفت و پاکدامنی او است.*

لم يطمثهنَّ اِنْسٌ قبلهم ولا جانٌ .. كانهنَّ الياقوت والمرجان

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند نخستین وصف حوریان را مصونیت آنان از بیگانگان بیان داشته و پس از آن به زیبایی و جذابیت آنان اشاره کرده است.

8- استفاده از زیبایی های آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 6 - 5

5- جواز بهره بردن انسان از زیبایی های طبیعت و ارضای غریزه زیبایی خواهی خویش

ولکم فیها جمال حین تریحون و حین تسرحون

9- امتحان با زیبایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 71 - 14

14 - خوردن، آشامیدن، تجمل، زیبایی، داشتن همدم و همراهانی موافق، از مهم ترین جاذبه و دلبستگی های انسان و وسیله آزمون او

یطاف علیهم بصحاف .. و فیها ما تشتهیه الأنفس

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: الف) موارد بالا در این آیات بیان شده و تخصیص به ذکر یافته است. ب) خداوند به اهل تقوا

نوید داده است که اگر در این زمینه ها کنترل و تقوا داشته باشند و از حدود الهی نگذرند، در بهشت به همه آنها دست خواهند یافت.

10- اهمیت ذکر زیبایی آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 23 - 3

3 - خداوند، خواهان توجه جن و انس به مظاهر جمال و زیبایی در هستی و آموختن درس توحید از آن

یخرج منهما اللؤلؤ والمرجان . فبأیء آلاء ربکمما تکذبان

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیات شریفه، در مقام توجه دادن جن و انس به مبدأ ربوبی است. تثنیه آمدن «کما» و «تکذبان»، ممکن است به خاطر توجه خطاب به جن و انس یا مرد و زن باشد.

ص: 123

11- اهمیت زیبایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 31 - 10

10 - عن خثیمه قال: كان الحسن بن علی (ع) إذا قام إلى الصلوه لبس اجود ثیابه فقیل له: یا بن رسول الله لم تلبس اجود ثیابک؟ قال: ان الله تعالی جمیل یحب الجمال فاتجمل لربی و هو یقول: «خذوا زینتکم عند کل مسجد» . . .

از خثیمه نقل شده که امام مجتبی (ع) به هنگام نماز، بهترین لباس خود را می پوشید. پرسیدند چرا بهترین لباس را می پوشی؟ فرمود: خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد، من برای خدا خود را به زیبایی آراسته می کنم، زیرا او فرمود: «زینت خود را هنگام هر عبادتی بر گیرید...».

12- اهمیت زیبایی طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 6 - 4

4- غذا و پوشاک، نیازی مقدم بر زیبایی خواص و جمال طلبی است. *

لکم فیها دفء و منفع و منها تأکلون . و لکم فیها جمال حین تریحون و حین تسرحون

با توجه به اینکه حیوانات هم باعث جمال و هم تأمین کننده غذا و پوشاکند، تقدّم ذکری لباس و غذا در مقام امتنان، ممکن است اشاره به مطلب فوق داشته باشد.

13- تحلیل زیبایی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 137 - 4

4 - نقش جهانبینی در توجیه و تعیین زشتی و زیبایی عمل *

و کذلک زین لکثیر من المشرکین قتل أولدهم شرکاؤهم

14- جایگاه درک زیبایی ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلب ، جایگاه ادراک و اساس زیبایی ایمان و زشتی کفر

و زینہ فی قلوبکم و کرہ إلیکم الکفر

ص: 124

15- زیبای آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 6 - 1

1 - جلوه زیبای آسمان ، نشان دیگری از ربوبیت یگانه خدا

إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ . رَبِّ السَّمَوَاتِ ... إِيَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله «إينا زیننا السماء..» به منزله تعلیل برای جملات پیشین است که در آنها از معبود واحد و توحید ربوبی خداوند، سخن به میان آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 12 - 12

12 - زیبای و ایمنی آسمان ، نشانی از عزت و علم الهی است .

و زَيَّنَّا السَّمَاءَ ... وَ حَفِظْنَا ذَلِكَ تَقْدِيرَ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 6 - 3

3- آفرینش شگفت ، زیبا و متقن آسمان ، نشانی از قدرت خداوند بر احیای مجدد مردگان

ذَلِكَ رَجْعٌ بَعِيدٌ .. أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 5 - 2

2 - جلوه زیبای آسمان ، نشان دیگری از ربوبیت یگانه خداوند

تَبْرَكَ الَّذِي يَبْدَأُ الْمَلِكَ .. وَ لَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصْبِيحٍ

برداشت یاد شده، از آن جا است که این آیه، در توضیح و تبیین آیات گذشته است. گفتنی است که در آن آیات درباره فرمان روایی و قدرت بی همتای خداوند سخن به میان آمده است.

16- زیبای آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - حمد - 1 - 2 - 6

6 - جهان هستی سراسر زیبا و تدبیر آن تدبیری نیکو و جمیل است .

الحمد لله رب العلمین

«رب العالمین» به منزله دلیل برای «الحمد لله» است؛ یعنی، چون خداوند مدبر هستی است همه ستایشها از آن اوست و از آنجا که حمد و ستایش، همواره برای کمال و زیباییهاست، نتیجه می گیریم که: همه هستی زیبا و برخوردار از تدبیری نیکوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 125

6 - جهان هستی، سراسر زیبا و تدبیر آن تدبیری نیکو و زیبا است.

الحمد لله رب العالمين

«رب العالمين» به منزله دلیل برای «الحمد لله» است؛ یعنی، چون خداوند مدبر هستی است، همه ستایش ها از آن او است و از آن جا که حمد و ستایش همواره برای کمال و زیبایی ها است، نتیجه می گیریم که همه هستی، زیبا و برخوردار از تدبیری نیکو است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 75 - 17

17 - جهان هستی، سراسر زیبا و تدبیر آن تدبیری نیکو و جمیل است.

وقالوا الحمد لله .. وقيل الحمد لله رب العالمين

«رب العالمين» به منزله دلیل برای «الحمد لله» است؛ یعنی، چون خداوند مدبر و مالک هستی است، پس همه ستایش ها از آن او است و از آن جا که حمد و ستایش، همواره برای کمال و زیبایی ها است، نتیجه می گیریم که همه هستی، زیبا و برخوردار از تدبیری نیکو است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 65 - 15

15 - جهان هستی، سراسر زیبا و تدبیر آن تدبیری نیکو و جمیل است.

الحمد لله رب العالمين

«رب العالمين» به منزله دلیل برای «الحمد لله» است؛ یعنی، از آن جایی که خداوند مدبر و مالک هستی است، همه ستایش ها از آن او است و از آن جا که حمد و ستایش، همواره برای کمال و زیبایی ها است، نتیجه می گیریم که: همه هستی زیبا و برخوردار از تدبیری نیکو است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 11 - 3

3- زیبایی، شگفتی و ثمربخشی، آمیخته به هم در مظاهر طبیعت و آفریده های خدا *

زوج بهیج . تبصره و ذکری ... ماء مبرگا ... والنخل باسقت لها طلع نضید . رزقال

خداوند در این آیات، با یادآوری هر یک از نعمت ها و مظاهر طبیعت وصفی حاکی از زیبایی و شگفتی علمی نیز برای آن آورده است و در پایان به ثمر بخشی عینی آنها - که تغذیه خلق باشد - اشاره کرده است؛ یعنی، رزق های آفریده خداوند یک بُعدی نیست و خداوند به وسیله آنها تنها تغذیه نمی کند؛ بلکه این روزی را با هنر و اسرار در می آمیزد.

17- زیبایی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 64 - 8، 6

6 - انسان ، برخوردار از بهترین شکل و شمایل و اندامی موزون

ص: 126

و صَوَّرَكُم فَأَحْسَنَ صُورَكُم

8- آفرینش انسان خوش اندام و سرشار از استعداد ها و کمالات ، جلوه ای از قدرت و ربوبیت بی همتای خداوند .

و صَوَّرَكُم فَأَحْسَنَ صُورَكُم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 3 - 6,8

6- انسان ، در مقایسه با دیگر موجودات ، موجودی زیباتر ، برتر و کامل تر است .

خلق السموت و الأرض بالحقّ و صَوَّرَكُم فَأَحْسَنَ صُورَكُم

اختصاص به ذکر یافتن انسان با وصف «فأحسن صوركم» - پس از یادآوری آفرینش آسمان ها و زمین - می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

8- زیبایی و کمال ، از ویژگی های انسان و از نعمت های الهی برای او است .

خلق السموت . . . فأحسن صوركم

برداشت یاد شده از آنجا که آیه شریفه در مقام امتنان و برشمردن نعمت های اعطایی به انسان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 95 - 4 - 2

2- ساختار وجودی انسان ، استوارترین و زیباترین ساختار و در اوج اعتدال است .

لقد خلقنا الإنسان في أحسن تقويم

«قَوَام» (به فتح قاف); یعنی ، «عدل» و به کسر قاف; یعنی ، نظام و رکن و آنچه مایه قیام چیزی باشد (صحاح). «تقویم»، یا از اوّلی گرفته شده و به معنای تعدیل است و یا از دوّمی مشتق شده و به معنای «قوام دادن» و «عنصرهای چیزی را سامان بخشیدن» است. در این صورت مفاد آیه این می شود که نظام خلقت انسان، در اوج حُسن و نیکویی است. حُسن هر چیز در عرف مردم، به زیبایی حسی آن است؛ ولی بیشتر موارد آن در قرآن، ناظر به نوعی از زیبایی است که با بصیرت درک می شود.

18- زیبایی بازگشت چهارپایان از چراگاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- بردن دام‌ها در صبحگاهان به چرا و بازگرداندن آنان در پایان روز، دارای منظره‌ای زیبا و بهجت‌انگیز

و لکم فیها جمال حین تریحون و حین تسرحون

3- زیبایی و جمال دام‌ها (شتر، گاو و گوسفند) در شبانگاه به هنگام بازگشت از چراگاه، بیشتر از صبحگاهان به هنگام رفتن به آن جاست.

و لکم فیها جمال حین تریحون و حین تسرحون

روشن است که حیوانات، صبحگاهان خارج می‌شوند و شامگاهان برمی‌گردند و ترتیب ذکری معمولاً مناسب با ترتیب خارجی است؛ ولی در این جا ترتیب ذکری برخلاف ترتیب خارجی است و شاید نکته اش همان برداشت فوق باشد؛ خصوصاً که کلمه «حین» تکرار شده و آهنگ لفظ «تریحون» و «تسرحون» با آیات قبل و بعد سازگار است.

ص: 127

19- زیبایی باغ ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 33 - 2

2- جریان نهر آب از میان باغ و کشتزار ها ، صحنه ای دل انگیز و تماشایی است .

كلتا الجنتين ءاتت أكلها ولم تظلم منه شيئاً وفجرنا خللهما نهرًا

20- زیبایی بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 17 - 8

8 - اهمیت نقش نهر های بهشت ، در زیبایی و جذابیت آن

جنّات تجري من تحتها الأنهر

از این که خداوند، تنها وصفی را که برای باغ های بهشت یاد کرده وصف «تجری..» است؛ مطلب یاد شده استفاده می شود.

21- زیبایی پادشاهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 9 - 2

2- پادشاه های موعود الهی ، نیکو و تکذیب آن ناروا است .

و كذب بالحسنى

معنای کلمه «الحسنی» (زیباتر)، در خود تمجید و مطلوبیت را گنجانده است. بنابراین وصفی است که خود بیانگر نامطلوب بودن تکذیب آن است و تهدید به فرجام دشوار (در آیه بعد) نیز بر ناروا بودن آن تأکید کرده است.

22- زیبایی پستی های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 76 - 1

1 - بهشتیان ، در بزم با شکوه خویش ، تکیه زده بر پستی های سبز و فرش های بی نظیر در جنس و زیبایی

متکین علی رفرف خضر و عبقری حسان

ص: 128

23- زیبایی ناکستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 32 - 3

3- در اختیار داشتن باغ هایی از انواع انگور ، محصور شده در میان نخل ها و کشت زارهایی در پیرامون آن ، از دلرباترین صحنه ها برای آدمی است .

24- زیبایی تدبیر آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 182 - 6

6 - جهان هستی ، سراسر زیبا و تدبیر آن تدبیری نیکو و زیبا است .

الحمد لله رب العالمين

«رب العالمين» به منزله دلیل برای «الحمد لله» است؛ یعنی، چون خداوند مدبر هستی است، همه ستایش ها از آن او است و از آن جا که حمد و ستایش همواره برای کمال و زیبایی ها است، نتیجه می گیریم که همه هستی، زیبا و برخوردار از تدبیری نیکو است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 65 - 15

15 - جهان هستی ، سراسر زیبا و تدبیر آن تدبیری نیکو و جمیل است .

الحمد لله رب العالمين

«رب العالمين» به منزله دلیل برای «الحمد لله» است؛ یعنی، از آن جایی که خداوند مدبر و مالک هستی است، همه ستایش ها از آن او است و از آن جا که حمد و ستایش، همواره برای کمال و زیبایی ها است، نتیجه می گیریم که: همه هستی زیبا و برخوردار از تدبیری نیکو است.

25- زیبایی جامهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 16 - 2

2- قدح ها و کوزه های بهشتیان (ابرار و . . .) ، در صفا و شفافیت ، مانند شیشه و بلور و در سفیدی و زیبایی ، همچون نقره است .

کانت قواریرا . قواریرا من فضّه

برخی از مفسران، این آیه را از باب تشبیه بلیغ دانسته اند؛ نه این که ظرف های مورد استفاده بهشتیان، حقیقتاً از جنس شیشه و در عین حال نقره است.

ص: 129

26- زیبایی جوشی چشمه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 66 - 2

2- زیبایی فزاینده مناظر بهشت ، با فوران آب چشمه ها

فیهما عینان نضّاختان

27- زیبایی چشم زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 48 - 6

6- علاقه به همسر و برگرفتن چشم از غیر او و زیبایی چشم ، از کمالات و اوصاف پسندیده زنان

و عندهم قصرت الطرف عین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن کمالات و اوصاف خوب زنان بهشتی و تشویق انسان ها به دستیابی به آنان در سایه کردار خداپسندانه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 52 - 5

5- علاقه به همسر و برگرفتن چشم از غیر او و زیبایی چشم ، از کمالات و اوصاف پسندیده زنان

و عندهم قصرت الطرف

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن کمالات و اوصاف خوب زنان بهشتی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 72 - 4

4- زیبایی و جذابیت چشم ، از کمالات زن

حور مقصورت فی الخیام

28- زیبای حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 57 - 1

1 - حوریان زیبا ، جذاب و پاکدامن بهشت ، نعمتی غیرقابل انکار و تکذیب ناپذیر

فیهنّ قصرت الطرف . . . فبأیّ آلاء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 58 - 1

1 - حوریان بهشتی ، موجوداتی زیبا و جذاب همچون یاقوت و مرجان

ص: 130

كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتَ وَالْمَرْجَانَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 59 - 1

1 - زیبایی و جذابیت حوریان ، نعمتی انکارناپذیر و غیر قابل تکذیب

كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتَ وَالْمَرْجَانَ . فَبَأَىءَ الْآءِ رَبِّكَمَا تَكْذَبْنَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 70 - 1,5

1 - حوریان بهشتی ، علاوه بر صورت زیبا ، برخوردار از اخلاق و سیرتی بس نیک

فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حَسَنَاتٌ

«خیرات» وصف حوریان بهشتی و بیانگر ارزش های اخلاقی و معنوی است. «حسان» نیز وصف دیگر و بیانگر ارزش های صوری و ظاهری است.

5 - « قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) : ... « فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حَسَنَاتٌ » يعنى خيرات الأَخلاق حسان الوجوه ... » ;

از رسول خدا(صلى الله عليه وآله) روایت شده که فرمود: ... «...خیرات حسان»؛ یعنی، نیک خویان و زیباصورتان...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 71 - 1,2

1 - حوریان نیک سیرت و زیباصورت بهشت ، از نعمت های انکارناپذیر و غیرقابل تکذیب

فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حَسَنَاتٌ . فَبَأَىءَ الْآءِ رَبِّكَمَا تَكْذَبْنَ

2 - خلق حوریان نیک سیرت و زیباصورت بهشتی ، جلوه ای از ربوبیت پروردگار نسبت به جن و انس

فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حَسَنَاتٌ . فَبَأَىءَ الْآءِ رَبِّكَمَا تَكْذَبْنَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 72 - 1

1 - حوریان بهشتی ، دارای چشمانی سیاه و بسیار جذاب

حور مقصورت فی الخیام

«حوراء» (جمع «حور») در وصف چشم آورده می شود؛ چشمی که سفیدی آن در نهایت سفیدی و سیاهی آن در نهایت سیاهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 35 - 1

1 - حوران بهشتی ، در اوج زیبایی و کمال

إِنَّا أَنشَأْنَهُنَّ إِنشَاءً

نسبت دادن «إنشاء» به ضمیر متکلم مع الغیر - که برای بیان عظمت است - و نیز نکره آوردن «إنشاء» - که آن نیز دلالت بر عظمت دارد - حاکی از آن است که خداوند، با قدرت بی مانند خود در زیبایی و کمال حوران بهشتی از چیزی فروگذاری نکرده است.

ص: 131

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبا - 78 - 33 - 2

2 - حوریان بهشتی ، در زیبایی بر یکدیگر برتری ندارند .

أترابًا

«أتراب»، جمع «ترب» بر وزن «مصر» است. کسانی که تولد هم زمان داشته باشند، «ترب» یکدیگرند و چون حوریان بهشتی تولد ندارند، مراد از «ترب» در مورد آنان، همسانی در شمایل و صفات جذاب است. (اقتباس از لسان العرب)

29- زیبایی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 63 - 11

11 - خداوند ، دارنده کمال ها و زیبایی است .

الحمد لله

حمد، در برابر کمال و زیبایی صورت می گیرد. جمله «الحمد لله» دلالت می کند که خداوند، واجد صفات یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 15 - 7

7 - خداوند ، واجد کمال ها و زیبایی ها است .

بحمد ربهم

حمد در برابر کمال و زیبایی است و این نشان دهنده این است که خداوند کمال و زیبایی دارد.

30- زیبایی خدمتکاران بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 24 - 1,4

1 - خدمت کاران جوان و زیبارو ، در طواف متقین بهشتی برای پذیرایی از آنان

و يطوف عليهم غلمان لهم

«غلام» (مفرد «غلمان») به نوجوانی گفته می شود که تازه پشت لبش سبز شده باشد.

4- خدمت نوجوانان زیباروی بهشتی ، برای تقواییشانگان از سرشوق و پروانهوار

و يطوف عليهم غلمان لهم

تعبیر «یطوف»، حرکت پروانهوار و مشتقانه را افاده می کند.

ص: 132

31- زیبایی خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 3 - 5

5- انسان ها ، از نظر ظاهر و باطن و صورت و سیرت ، زیبا و نیکو آفریده شده اند .

فأحسن صورکم

«صورت» عبارت است از هیئت هر شیئی که با آن، از دیگر اشیا جدا و ممتاز می گردد و شامل شکل ظاهری و هویت باطنی آن می شود (اقتباس از مفردات راغب).

32- زیبایی درختان انار بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 68 - 3

3- زیبایی ویژه منظره درختان نخل و انار در میان دیگر درختان بهشت

فیهما فککه و نخل و رمان

اختصاص به ذکر یافتن نخل و انار، می تواند به منظور نکته یاد شده باشد.

33- زیبایی رفتن چهارپایان به چراگاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 6 - 3، 1

1- بردن دام ها در صبحگاهان به چرا و باز گرداندن آنان در پایان روز ، دارای منظره ای زیبا و بهجت انگیز

و لکم فیها جمال حین تریحون و حین تسرحون

3- زیبایی و جمال دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) در شبانگاه به هنگام بازگشت از چراگاه ، بیشتر از صبحگاهان به هنگام رفتن به آن جاست .

و لکم فیها جمال حین تریحون و حین تسرحون

روشن است که حیوانات، صبحگاهان خارج می شوند و شامگاهان برمی گردند و ترتیب ذکری معمولاً مناسب با ترتیب خارجی است؛

ولی در این جا ترتیب ذکری برخلاف ترتیب خارجی است و شاید نکته اش همان برداشت فوق باشد؛ خصوصاً که کلمه «حین» تکرار شده و آهنگ لفظ «تریحون» و «تسرحون» با آیات قبل و بعد سازگار است.

34- زیبایی رنگ سبز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 76 - 3

3 - رنگ سبز ، از رنگ های زینت بخش امکانات تجملی بهشت

متکین علی رفف خضر

ص: 133

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 21 - 3

3 - تأثیر رنگ سبز، در زیبایی و نشاط آوری

علیهم ثیاب سندس خضر و استبرق

این آیه، درصدد بیان لباس هایی است که مطلوب انسان ها و فاخر و زیبا است؛ از این رو می تواند به عنوان پاداش آدمیان و مشوق آنان به دینداری به شمار آید. بر این اساس تصریح به رنگ سبز، می تواند بیانگر برآشت یاد شده باشد.

35- زیبایی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 58 - 2

2 - زیبایی و جذابیت، از کمالات زن

كأنهنّ الياقوت والمرجان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 70 - 3

3 - نیک سیرتی و نیک رویی، از اوصاف پسندیده و کمالات زن

فیهنّ خیرت حسان

36- زیبایی زندگی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 75 - 14

14- ثروت، مکنّت، خوش نمایی و آراستگی زندگی کافران، استدراج است.

هم أحسن أثناً و رعياً... فليمدد له الرحمن مداً حتّى إذا رأوا ما يوعدون

«استدراج»؛ یعنی، کسی را آهسته آهسته و به آرامی نزدیک چیزی بردن (لسان العرب) در این آیه «مداً» - که مفعول مطلق است - بیان نوعی خاصی از امهال است که مقصود از آن به قرینه «حتّى إذا..»، نزدیک ساختن کافران به عذاب موعود الهی است.

37- زیبایی ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 5 - 8

8 - ستارگان پرفروغ و زیبا ، از نعمت های الهی برای بشر

ص: 134

38- زیبایی صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 18 - 3

3 - هنگام دمیدن صبح ، لحظه ای جالب و رضایت بخش

و الصبح إذا تنفس

سوگند خداوند، حاکی از عظمت چیزی است که به آن یاد می شود. عظمت صبحدم در رابطه با انسان ها، فرحناک و به کام بودن آن است.

39- زیبایی صورت ابرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطفین - 83 - 24 - 2

2 - تالو نور و زیبایی در رخسار نیکوکاران بر اثر نعمت های آخرت ، بر هر بیننده ای آشکار و مشهود است .

تعرف فی وجوههم نضرة النعیم

«تعرف»، خطاب به نوع است و هر مخاطبی را شامل می شود.

40- زیبایی طبیعت اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 74 - 14

14- « عن أبي جعفر (ع) قال : الأثاث المتاع و أمّا رثياً فالجمال والمنظر الحسن ؛

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: «أثاث» به معنای متاع و «رثياً» به معنای نیکویی و منظره زیبا است».

41- زیبایی طلبی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 108 - 14

14 - انسان فطرتاً به زیباییها گرایش دارد.

كذلك زينا لكل أمه عملهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 135

9 - نحل - 16 - 14 - 6

6- گرایش انسان ها به زیبایی و تزئین با زیورآلات

تستخرجوا منه حلیه تلبسونها

فعل مضارع «تلبسونها» حکایت از واقعیت خارجی می کند و آن استفاده از زیورآلات است. از طرفی، تزئین جزء نیازهای ضروری انسان نیست و در عین حال در کنار آن نیازها ذکر شده است و این حکایت از حقیقت یاد شده دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 63 - 5

5- گرایش و تمایل انسان به زیبایی و گریز از زشتی

فزیّن لهم الشیطن أعمالهم

از اینکه شیطان اعمال زشت مردم را تزئین کرد و آنان را به وسیله همان عمل گمراه ساخت، نشان دهنده نکته فوق است.

42- زیبایی طلبی در آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 5 - 6

6- لذت جویی ها و زیبایی طلبی های انسان ، همراه با وی در جهان آخرت

لیدخل ... جنّات تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها

نوید بودن «جنّات تجری...»، متوقف بر وجود حسّ زیبایی پسندی و لذت جویی در انسان اخروی است.

43- زیبایی طلوع ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 5 - 9

9- جلوه زیبای طلوع پیوسته ستارگان در شب ، نشان ربوبیت یگانه خداوند است .

ربّ المشرق

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که مقصود از «مشارق» طلوع خورشید و نیز طلوع ستارگان در شب باشد؛ نه خصوص طلوع خورشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 40 - 6

6 - جلوه زیبای طلوع ستارگان در شب و غروب آنها ، نشانه ربوبیت یگانه خداوند

بربّ المشرق و المغرب

برداشت یاد شده، مبتنی بر این دیدگاه است که مقصود از «مشارق» و «مغارب»، اعم از طلوع و غروب خورشید و همه ستارگان باشد؛ نه خصوص خورشید.

ص: 136

44- زیبایی عجله اخروی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 12 - 6

6 - منظره حرکت شتابان زنان و مردان مؤمن در قیامت ، به سوی بهشت با چهره هایی چونان چراغ فروزان ، بس زیبا و چشم نواز برای بینندگان

یوم تری المؤمنین و المؤمنت یسعی نورهم بین ایدیهم و بایمنهم

در صورتی که مراد «تری» هر فرد بیننده باشد، به نظر می رسد آیه شریفه در مقام تصویر صحنه ای است که نظر هر بیننده ای را در آن روز به خود جلب می کند.

45- زیبایی غروب ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 40 - 6

6 - جلوه زیبای طلوع ستارگان در شب و غروب آنها ، نشانه ربوبیت یگانه خداوند

ربّ المشرق و المغرب

برداشت یاد شده، مبتنی بر این دیدگاه است که مقصود از «مشارق» و «مغارب»، اعم از طلوع و غروب خورشید و همه ستارگان باشد؛ نه خصوص خورشید.

46- زیبایی فرشهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 76 - 1

1 - بهشتیان ، در بزم با شکوه خویش ، تکیه زده بر پشتی های سبز و فرش های بی نظیر در جنس و زیبایی

متکین علی رفرف خضر و عبقری حسان

47- زیبایی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- قرآن، كتابی با عظمت و در اوج زیبایی و کمال است .

الحمد لله الذي أنزل على عبده الكتب

«ال» در «الكتاب» برای استغراق صفات است؛ یعنی، تمام اوصافی که یک کتاب، در حد کامل می تواند داشته باشد، در این کتاب متبلور است و این، حاکی از عظمت قرآن است. و چون حمد در برابر زیبایی و کمال است و در آیه بالا خداوند، به سبب

ص: 137

نزول قرآن، تمام حمدها و ستایش ها را از آن خویش دانسته، استفاده می شود که قرآن، در نهایت کمال و زیبایی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 5 - 5

5- زیبایی و گیرایی قرآن، پذیرفته شده و مسلم در نظر مشرکان مکه

بل هو شاعر

از آن جایی که شعر از زیبایی و گیرایی خاصی برخوردار است؛ بدین سبب مشرکان، پیامبر (صلی الله علیه و آله) را شاعر می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 13 - 4

4- قرآن، حتی در دیدگاه کافران، ظاهری زیبا و آراسته دارد.

أسطیر الأولین

در صورتی نوشته افسانه ای را «اسطوره» می گویند که زیبا باشد.

48- زیبایی قصه یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 3 - 4,5

4- داستان یوسف (ع) بهترین و زیباترین داستان

نحن نقصّ علیک أحسن القصص

5- خداوند، داستان یوسف را با بهترین و زیباترین بیان نقل کرده و گزارش داده است.

نحن نقصّ علیک أحسن القصص

49- زیبایی کشتزارها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 33 - 2

2- جریان نهر آب از میان باغ و کشتزارها ، صحنه ای دل انگیز و تماشایی است .

كلتا الجنة اءات اكلها ولم تظلم منه شيئاً و فجرنا خللهم نهرًا

50- زیبایی گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 8 - 1

1- رویش گیاهان و تنوع و زیبایی آنها ، نشانی از قدرت خدا برای ایجاد رستاخیز و احیای مجدد مردگان .

ص: 138

أولم يروا إلى الأرض كم أنبتنا .. إن في ذلك لآية

واژه «ذلک» اشاره به رویش گیاهان و انواع متنوع آن دارد. چنان که در آیه پیش گفته شد، این آیات درصدد ارائه نشانه های امکان معاد و برطرف کردن استبعاد کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 9 - 2

2- رویش گیاهان و تنوع و زیبایی آنها ، نشانی از عزّت و شکست ناپذیری خداوند

أولم يروا كم أنبتنا .. إن في ذلك لآية... وإن ربك لهو العزيز

51- زیبایی لباس بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 31 - 7

7- بهشتیان ، به هنگام تکیه زدن بر تخت های خود ، لباس های فاخر دیبا بر تن دارند .

و یلبسون ثياباً خضراً من سندس و إستبرق متکئين فیها علی الأرائک

52- زیبایی لباس حریر بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 31 - 4

4- پوشاک هایی به رنگ سبز ، فراهم آمده از حریر و در کمال ظرافت و لطافت ، لباس رسمی بهشتیان است .

یلبسون ثياباً خضراً من سندس

«سندس» به «پارچه دیبای نازک» گفته می شود نکره بودن واژه های «ثیاباً» و «خضراً» و «سندس» دال بر تفخیم است، از همین رو، در برداشت، قید «کمال ظرافت و لطافت» آمده است. و نیز بدان جهت که اهل بهشت، هرگونه لباس که بخواهند، فراهم است، از این لباس، به عنوان لباس ویژه و رسمی یاد گردیده است.

53- زیبایی مرجان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - جلوه های زیبایی در موجودات دریایی (چون مروارید و مرجان) ، نعمت انکارناپذیر الهی برای آدمیان و غیر قابل تکذیب

يُخْرِجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤَ وَالْمَرْجَانَ . فَبِأَيِّ آءِ الرَّبِّ كَمَا تَكْذِبَانِ

ص: 139

54- زیبایی مروارید ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 23 - 1

1 - جلوه های زیبایی در موجودات دریایی (چون مروارید و مرجان) ، نعمت انکارناپذیر الهی برای آدمیان و غیر قابل تکذیب

یخرج منهما اللؤلؤ والمرجان . فبأیء آلاء ربکما تکذبان

55- زیبایی معجزه موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 12 - 3

3 - تجهیز موسی (ع) از سوی خدا به معجزه ای بیم آفرین و معجزه ای زیبا و پرجاذبه

و ألق عصاک .. ولی مدبرًا ... و أدخل یدک... بیضاء من غیر سوء

56- زیبایی ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 27

27- مصریان عصر یوسف (ع) ، معتقد به وجود فرشتگان و زیبایی آنها

إن هذا إلا ملک کریم

57- زیبایی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 4 - 6، 1

1 - منافقان ، دارای ظاهری فریبنده و قیافه ای زیبا

و إذا رأیتهم تعجبک أجسامهم

6 - منافقان ، به رغم ظاهر فریبنده و سخنان زیبایشان ، چونان چوب های تکیه شده بر دیوار ، خشک و بی روح اند .

58- زیبایی موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 125 - 6

6 - آفریده های خداوند ، زیباترین و نیکوترین آفریده های ممکن

ص: 140

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که وقتی خداوند نیکوترین خالق باشد، قهراً مخلوقات او نیز نیکوترین مخلوق خواهند بود و چون خالقی جز او در جهان هستی وجود ندارد، طبیعتاً آنچه آفریده است، نیکوترین مخلوقاتی است که ممکن بود در عالم هستی پدید آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 95 - 4 - 5

5 - تمام آفریده های الهی ، نیکو و دارای ساختاری منظم اند . *

أحسن تقویم

«أحسن»، اسم تفضیل است و اثبات برترین قوام برای انسان، نیکو بودن قوام دیگر موجودات را در مفهوم خود گنجانیده است.

59- زیبایی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 22 - 1

1 - مؤمنان ، دارای چهره هایی شاداب و زیبا در عرصه قیامت

وجوه یومئذ ناضره

«ناضره» در معانی زیبایی و نعمت به کار می رود (قاموس المحيط). «ناضره» (مؤنث «ناضر») به معنای زیبا و برخوردار از نعمت است و مقصود از آن - به قرینه مقام - شادابی و درخشندگی چهره های مؤمنان در عرصه قیامت است.

60- زیبایی نخلستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 32 - 3

3- در اختیار داشتن باغ هایی از انواع انگور ، محصور شده در میان نخل ها و کشت زارهایی در پیرامون آن ، از دلرباترین صحنه ها برای آدمی است .

61- زیبایی نخلستانهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- زیبایی ویژه منظره درختان نخل و انار در میان دیگر درختان بهشت

فیهما فکھه و نخل و رمان

اختصاص به ذکر یافتن نخل و انار، می تواند به منظور نکته یاد شده باشد.

ص: 141

62- زیبایی نعمت های اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 23 - 2,3

2 - چشم نیکوکاران در آخرت ، بی نیاز از خواب است و حتی به هنگام آرمیدن بر تختخواب ، نظاره گر زیبایی نعمت ها است . *

علی الأرائک ينظرون

«أرائک» (تخت خواب ها)، به معنای محل خوابیدن است که در آیه شریفه محل نظاره گری معرفی شده است. شاید این تعبیر، به نبود خواب در بهشت اشاره داشته باشد.

3 - نعمت های آخرت ، زیبا و تماشایی است .

لفی نعیم . . . ينظرون

63- زیبایی نورانیت اخروی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 12 - 6

6 - منظره حرکت شتابان زنان و مردان مؤمن در قیامت ، به سوی بهشت با چهره هایی چونان چراغ فروزان ، بس زیبا و چشم نواز برای بینندگان

یوم تری المؤمنین و المؤمنت یسعی نورهم بین أیدیهم و بایمنهم

در صورتی که مراد «تری» هر فرد بیننده باشد، به نظر می رسد آیه شریفه در مقام تصویر صحنه ای است که نظر هر بیننده ای را در آن روز به خود جلب می کند.

64- زیبایی نهر های آب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 33 - 2

2- جریان نهر آب از میان باغ و کشتزار ها ، صحنه ای دل انگیز و تماشایی است .

کلنا الجنة ءاتت اکلها ولم تظلم منه شیئا و فجرنا خللها نهرًا

65- زیبای همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 48 - 2,4

ص: 142

2- بندگان مخلص خدا، برخوردار از زنان چشم فروهشته

و عندهم قصرت الطرف

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که مراد از «قاصرات الطرف» کوتاه کردن از نگاه و فروهستن اندک چشم از نظر ظاهری باشد. گفتنی است که این نوع نگاه کردن و فروهستن چشم، خود بر زیبایی و جذابیت زنان می افزاید.

4- زنان بهشتی، زنانی بس زیبا و جذاب اند.

و عندهم قصرت الطرف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 52 - 2،4

2- تقوایندگان در بهشت، برخوردار از زنان چشم فروهشته

و عندهم قصرت الطرف

برداشت یاد شده مبتنی بر این فرض است که مراد از «قاصرات الطرف»، کوتاه کردن از نگاه و فروهستن اندک چشم از نظر ظاهری باشد. گفتنی است که این نوع نگاه کردن و فروهستن چشم، خود بر زیبایی و جذابیت زنان می افزاید.

4- زنان بهشتی، زنانی بس زیبا و جذاب اند.

و عندهم قصرت الطرف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 20 - 2،3

2- بهشتیان، دارای همسرانی نیکو، با چشمانی سیاه و زیبا

و زوّجنهم بحور عین

«حور» (جمع «حوراء») به معنای سیاه چشمان و «عین» جمع «عیناء») و به معنای زیبا چشمان است.

3- همسران زیبا، نمود لطف الهی به بهشتیان

و زوّجنهم بحور عین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 70 - 6

6 - « قال الصادق (ع) الخيرات الحسان من نساء أهل الدنيا وهن أجمل من الحورالعین »؛

امام صادق (ع) فرمود: «خیرات حسان» (زنان نیک خو و زیبا صورت بهشت) از زنان اهل دنیا هستند و آنان از «حورالعین» زیباتراند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 22 - 2

2 - پیشتازان در بهشت ، دارای همسرانی با چشم های سیاه و زیبا

و حورعین

«حور» جمع «حوراء» است و «حوراء» به چشمی گفته می شود که سیاهی آن بسیار سیاه و سفیدی آن بسیار سفید باشد. «عین» جمع «عیناء» است و «عیناء» در وصف چشم زیبا آورده می شود.

ص: 143

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 34 - 3

3 - همخوابگان اصحاب الیمین در بهشت ، زنانی در اوج شکوه و جلال مادی و معنوی (عقل ، کمال و جمال)

و فرش مرفوعه

برخی از مفسران بر آنند که مراد از «فرش» در آیه شریفه - به قرینه آیه بعد (إِنَّا أَنشَأْنَاهُنَّ إِنِشَاءً) - همسران و همخوابگان می باشد. بر این اساس وصف «مرفوعه» اشاره به مطلبی دارد که در برداشت بالا آمده است.

66- زیبایی یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 15,16,17,19,20,22

15- زنان اشراف مصر با مشاهده یوسف (ع) ، حیرت زده و مدهوش شدند .

فلما رأينه أكبرنه وقطعن أیدیهنّ

«إکبار» (مصدر اکبرن) به معنای بزرگ دیدن و با عظمت شمردن است.

16- زنان اشراف با دیدن یوسف (ع) ، از خود بی خود شده و از ادراک هر چیز جز جمال او ناتوان گشتند .

فلما رأينه أكبرنه وقطعن أیدیهنّ

17- زنان اشراف با دیدن جمال حیرت انگیز یوسف (ع) ، به جای خوردنیها ، کارد بر دست های خویش نهاده ، آن را چاک چاک کردند .

فلما رأينه أكبرنه وقطعن أیدیهنّ

استفاده از ماده «قطع» - که به معنای بریدن و جدا ساختن است - در مورد مجروح کردن، دلالت بر شدت بریدگی و جراحت دارد. بردن آن ماده به باب تفعیل (قطّعن) برای رساندن این نکته است که زنان اشراف، مواضع متعددی از دستهای خویش را بریدند؛ زیرا تقطیع به معنای قطعه قطعه کردن است.

19- اعتراف یک پارچه زنان اشراف به زیبایی پرجاذبه یوسف (ع) و عظمت جمال او

فلما رأينه .. و قلن حش لله ما هذا بشرًا

20- جمال یوسف (ع)، جمالی بی نظیر، دلربا و در اوج زیبایی و ملاحظت بود.

فلما رأینہ اکبرنہ و قطعن أیدیہنّ و قلن حش لله ما هذا بشرًا

نقل این قسمت از داستان یوسف (فلما رأینہ ..) برای بیان اوج زیبایی و دلربایی یوسف (ع) است. علاوه بر این، محتمل است اشاره به معذور بودن زلیخا در عشقش به یوسف (ع) باشد. مؤید این احتمال، این است که قرآن از او مذمت نکرده و یوسف (ع) نیز او را در مراحل مراوده، به عذابهای الهی هشدار نداده است.

22- جمال بی مانند یوسف (ع)، موجب اظهار تردید زنان مصر در بشر بودن او شد.

حش لله ما هذا بشرًا

67- علاقه به زیبایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 71 - 14

ص: 144

14 - خوردن، آشامیدن، تجمل، زیبایی، داشتن همدم و همراهانی موافق، از مهم ترین جاذبه و دل‌بستگی های انسان و وسیله آزمون او

یطاف علیهم بصحاف... و فیها ما تشتهیه الأَنْفَس

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: الف) موارد بالا در این آیات بیان شده و تخصیص به ذکر یافته است. ب) خداوند به اهل تقوا نوید داده است که اگر در این زمینه ها کنترل و تقوا داشته باشند و از حدود الهی نگذرند، در بهشت به همه آنها دست خواهند یافت.

68- فلسفه زیبایی آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 6 - 4

4- زینت و زیبایی آسمان، به تدبیر الهی و در جهت ره یابی انسان به حق

أفلم یَنْظُرُوا... وَزینّ-ها

69- گرایش به زیبایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 43 - 9

9 - انسان دارای گرایش فطری به سوی نیکیها و زیباییهاست.

وزین لهم الشیطن ما كانوا یعملون

حرکت انسان به دنبال شیطان، پس از زینت و زیبا جلوه دادن اعمال، بیانگر این نکته است که آدمی زیباییها را می طلبد و خواهان حرکت به دنبال آن است. از این روست که شیطان همان زشتیها را زیبا جلوه می دهد و آدمی را می فریبد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 122 - 10

10 - زیبا پنداشتن اعمال و افکار از مهمترین عوامل انگیزش آدمی است.

کذلک زین للکفرین ما كانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 89 - 5

5- بهره گیری از گرایش انسان به زیبایی و جاودانگی ، در جهت هدایت وی به ایمان و جهاد ، امری است شایسته و بایسته .

جهدوا بأموالهم .. أعد الله لهم جنت تجري من تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 33 - 13

13- گرایش انسان به زیباییها

ص: 145

بل زین للذین کفروا مکرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 39 - 8

8- گرایش به زیبایی ها ، از جمله گرایش های انسانهاست .

لأزیننّ لهم

از اینکه ابلیس، از طریق تزئین اعمال به گمراهی انسانها می پردازد، به دست می آید که انسانها به زیبایی و زینت علاقه مند هستند و این علاقه مندی باعث و انگیزه آنها در رفتارشان می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 6 - 2

2- انسان ، موجودی زیباپسند است .

و لکم فیها جمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 14 - 6

6- گرایش انسان ها به زیبایی و تزئین با زیورآلات

تستخرجوا منه حلیه تلبسونها

فعل مضارع «تلبسونها» حکایت از واقعیت خارجی می کند و آن استفاده از زیورآلات است. از طرفی، تزئین جزء نیازهای ضروری انسان نیست و در عین حال در کنار آن نیازها ذکر شده است و این حکایت از حقیقت یاد شده دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 63 - 5

5- گرایش و تمایل انسان به زیبایی و گریز از زشتی

فزینّ لهم الشیطن عملهم

از اینکه شیطان اعمال زشت مردم را تزئین کرد و آنان را به وسیله همان عمل گمراه ساخت، نشان دهنده نکته فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 7 - 13

13- گرایش به زیبایی ها ، در سرشت انسان نهفته است .

جعلنا ما على الأرض زينة لها لنبلوهم

آفرینش زیبایی ها به منظور آزمایش انسان، در صورتی معنا خواهد داشت که گرایش به زیبایی در وجود انسان نهفته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 38 - 12

12 - انسان ها ، طبعاً ، به زیبایی و خوبی گرایش دارند .

وزين لهم الشيطان أعمالهم

ص: 146

این که شیطان، کارهای ناروا را خوب جلوه می دهد، تا مردم را از راه خدا باز دارد، حکایت از این حقیقت می کند که مردم، به زیبایی و خوبی گرایش دارند و شیطان از این گرایش، استفاده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 25 - 6

6 - گرایش درونی انسان به زیبایی ها

فزیّنوا لهم ... و حقّ علیهم القول

از این که اعمال ناشایست انسان ها را برایشان خوب و نیک جلوه می دادند، می توان استفاده کرد که طبیعت انسان از بدی گریزان است و به خوبی تمایل دارد.

70- مطالعه زیبایی آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 6 - 1

1- نکوهش کافران از سوی خداوند، به خاطر نیندیشیدن در عظمت، زیبایی و اتقان نظام آسمان

أفلم ينظروا إلى السماء فوقهم ... و ما لها من فروع

71- منشأ زیبایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - حمد - 1 - 2 - 2

2- خداوند، سرچشمه و منشأ همه کمال ها و زیباییهاست.

الحمد لله

حمد در برابر زیباییها و کمالهاست و به مقتضای جمله «الحمد لله»، هر ستایشی از آن خداست. بنابراین هر کمال و زیبایی از او نشأت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 45 - 12

12 - خداوند سرچشمه همه کمالها و زیباییهاست.

و الحمد لله رب العلمین

چون تمامی ستایشها مخصوص خداوند است و ستایش همواره در برابر کمال و زیبایی است، پس همه کمالها و زیباییها از آن خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 75 - 15

15- هر ارزش و زیبایی در نظام هستی، نشأت یافته از جانب خداوند است .

ص: 147

الحمد لله

انحصار ستایش به خداوند از آن جهت است که زیبایی و منشأ هر ستایش در انحصار اوست و مؤید این مطلب جمله «ضرب الله مثلاً عبداً..» است که در صدد مقایسه میان خدا و مخلوقات می باشد؛ یعنی، تمامی آنچه که مخلوقات دارند از خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 1 - 2

2- خداوند، سرچشمه و منشأ همه کمال ها و زیبایی ها است.

الحمد لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 28 - 9

9- خدا، سرچشمه همه کمال ها و زیبایی ها است.

فقل الحمد لله

ستایش در برابر کمال ها و زیبایی ها انجام می گیرد و به مقتضای «الحمد لله» (همه ستایش ها از آن خدا است)، نتیجه می گیریم که خدا، منشأ همه کمالات و زیبایی ها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 15 - 5

5- خدا، سرچشمه همه خوبی ها و زیبایی ها است.

وقالا الحمد لله

ستایش، همواره در برابر کمال ها و زیبایی ها واقع می شود و به مقتضای «الحمد لله» که هر ستایشی را مخصوص خدا قرار داده، استفاده می شود که هر خوبی و حسن از آن او و او سرچشمه همه آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 59 - 4

4- خدا، سرچشمه کمالات و زیبایی ها است.

ستایش در برابر کمال و زیبایی انجام می شود و به مقتضای «الحمد لله» هر ستایشی در حقیقت، ستایش خدا است. بنابراین تمام کمال ها و زیبایی ها از او نشأت گرفته و او منشأ و سرچشمه آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 60 - 5

5 - زیبایی ، طراوت و نشاط آفرینی گیاهان برای انسان ، امری مهم و براساس تقدیر و برنامه الهی

فأنبتنا به حدائق ذات بهجه

تذکر خداوند به بهجت آفرینی بوستان ها برای آدمیان، نشانگر اهمیت آن و تدبیر و تقدیر الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 148

2 - خدا، سرچشمه هر کمال و زیبایی است .

وقل الحمد لله

ستایش، در برابر کمال و زیبایی است و مقتضای «الحمد لله» - که در آن هر ستایشی از آن خداوند شمرده شده - این است که هر کمال و زیبایی از او نشأت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 70 - 4

4 - خداوند، سرچشمه همه کمال ها و زیبایی ها است .

له الحمد

حمد و ستایش همواره در برابر کمال و زیبایی صورت می گیرد و به مقتضای جمله «له الحمد» - که همه ستایش ها از آن خداوند شمرده شده است - به دست می آید که همه کمال ها و زیبایی ها از آن ذات مقدس سرچشمه می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 1 - 2

2 - خداوند، سرچشمه و منشأ همه کمال ها و زیبایی ها است .

الحمد لله

حمد در برابر زیبایی ها و کمال ها است و به مقتضای جمله «الحمد لله» هر ستایشی از آن خدا است. بنابراین هر کمالی و زیبایی، از او نشأت می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 34 - 6

6 - خداوند، سرچشمه و منشأ همه کمال ها و زیبایی ها است .

الحمد لله

حمد در برابر زیبایی ها و کمال ها است و به مقتضای جمله «الحمد لله» هر ستایشی از آن خدا است. بنابراین هر کمال و زیبایی، از او

نشأت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 182 - 2

2 - خداوند ، سرچشمه و منشأ همه کمال ها و زیبایی ها است .

الحمد لله

«حمد» در برابر زیبایی ها و کمال ها است و به مقتضای جمله «الحمد لله»، هر ستایشی از آن خداوند است. بنابراین هر کمال و زیبایی، از او نشأت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 29 - 14

14 - خداوند ، سرچشمه و منشأ همه کمال ها و زیبایی ها است .

ص: 149

حمد، در برابر زیبایی ها و کمال ها است و به مقتضای جمله «الحمد لله»، هرستایشی از آن خداوند است. بنابراین هر کمال و زیبایی از او نشأت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 75 - 13

13 - خداوند ، سرچشمه و منشأ همه کمال ها و زیبایی ها است .

وقالوا الحمد لله .. وقيل الحمد لله

حمد در برابر زیبایی ها و کمال ها است و به مقتضای جمله «الحمد لله»، هرستایشی از آن خداوند است. بنابراین هر کمال و زیبایی از او نشأت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 65 - 11

11 - خداوند ، سرچشمه و منشأ همه کمال ها و زیبایی ها است .

«حمد» در برابر زیبایی ها و کمال ها است و به مقتضای جمله «الحمد لله» ثابت می شود که هرستایشی از آن خداوند است. بنابراین کمال و زیبایی از او نشأت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 1 - 9

9 - خداوند ، سرچشمه و منشأ همه کمال ها و زیبایی ها است .

«حمد» در برابر زیبایی ها و کمال ها است و به مقتضای جمله «له الحمد» هرستایشی، به خداوند اختصاص دارد. بنابراین هر زیبایی و کمالی، از او نشأت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 12 - 7

7 - ستارگان ، چراغ های آسمان اول و زیبایی بخش آن

و زینا السماء الدنيا بمصباح

«مصباح» (مفرد «مصباح») به معنای چراغ است و مراد از آن ستاره می باشد.

73- منشأ زیبایی آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 150

4- وجود جلوه‌گری جهان آفرینش، پرتوی از نور خداوند است.

اللّٰهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

74- منشأ زیبایی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 3 - 7

7- آفرینش انسان زیبا صورت و نیکو سیرت، مظهر و مصداق روشن آفرینش بحق خدا است.

خلق السموات و الأرض بالحق و صوّركم فأحسن صوركم

75- منشأ زیبایی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 5 - 33

33- گیاهان، مایه زیبایی و خرمی زمین

من کلّ زوج بهیج

«بهیجه و بهاجه» به معنای حسن و خرمی است. بنابراین «بهیج»؛ یعنی، نیکو و خرم.

76- منشأ زیبایی گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 7 - 6

6- زیبایی موجود در انواع گیاهان جلوه هنرنمایی خداوند

من کلّ زوج کریم

قید «کریم» بیانگر برداشت یاد شده است.

77- نشانه های زیبایی آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 36 - 10

10 - مدیریت یگانه خداوند بر جهان ، جلوه ای از جمال هستی و شایسته حمد و ستایش

فلله الحمد رب السموت ورب الأرض رب العلمین

ذکر وصف «رب السماوات و ..» در پی تأکید بر ربوبیت عام، فراگیر و یگانه خداوند، می تواند بیانگر این نکته باشد که گردش

ص: 151

نظام هستی با مدیریت واحد، خود جمال و زیبایی دیگری برای هستی است و در نتیجه خالق و مدیر هستی، شایسته حمد و سپاس است.

78- نشانه های زیبایی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 12 - 2

2- گیاهان و سبزی های خوشبو و معطر ، نمودی از آراستگی زمین برای انسان

و الأرض وضعها للأنام . فيها ... و الريحان

واژه «ریحان»، به هر گیاه خوشبو گفته می شود (قاموس المحيط).

79- نقش زیبایی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 21

21- قوای ادراکی بشر ، تحت تأثیر مشاهده اوج زیبایی و جلوه های جمال ، کارآیی خود را از دست می دهد .

و قَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 8 - 6

6 - خوب و زیبا دیدن ، از عوامل برانگیزنده انسان به اقدام به هر کاری

أفمن زين له سوء عمله فرءاه حسناً

زیباطلبی

80- جاودانگی زیباطلبی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 5 - 6

6- لذت جویی ها و زیبایی طلبی های انسان ، همراه با وی در جهان آخرت

ليدخل ... جنّات تجري من تحتها الأنهر خالدين فيها

نوید بودن «جنّات تجري...»، متوقف بر وجود حسّ زیبایی پسندی ولذّت جویی در انسان اخروی است.

ص: 152

81- زیباطبی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 7 - 13

13- گرایش به زیبایی ها ، در سرشت انسان نهفته است .

جعلنا ما على الأرض زينة لها لنبلوهم

آفرینش زیبایی ها به منظور آزمایش انسان، در صورتی معنا خواهد داشت که گرایش به زیبایی در وجود انسان نهفته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 38 - 12

12 - انسان ها ، طبعاً ، به زیبایی و خوبی گرایش دارند .

وزین لهم الشیطن أعملهم

این که شیطان، کارهای ناروا را خوب جلوه می دهد، تا مردم را از راه خدا باز دارد، حکایت از این حقیقت می کند که مردم، به زیبایی و خوبی گرایش دارند و شیطان از این گرایش، استفاده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 8 - 5

5- گرایش و تمایل انسان به زیبایی و گریز وی از زشتی

أفمن زین له سوء عمله فرءاه حسناً

از این که شیطان برای گمراه کردن مردم، از راه زیبا جلوه دادن اعمال زشت آنان وارد می شود، می توان مطلب یاد شده را استنباط کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 12 - 7

7- گرایش انسان ها به زیبایی و تزئین با زیورآلات

و تستخرجون حلیه تلبسونها

آیه شریفه در صدد گزارش از یک واقعیت خارجی است و آن استفاده مدام انسان ها از زیورآلات دریایی است. این کار حکایت از تمایل و گرایش است که در درون انسان ها وجود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 6 - 6

6 - انسان ، موجودی زیباشناس و زیبایی خواه

إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند در آیه شریفه، درصدد بیان جلوه های ربوبیت بی همتای خود در طبیعت است و اگر زیبایی آسمان پرستاره برای بشر محسوس و مطلوب نباشد، این بیان بیهوده خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 25 - 6

ص: 153

6- گرایش درونی انسان به زیبایی ها

فزيّنوا لهم .. و حقّ عليهم القول

از این که اعمال ناشایست انسان ها را برایشان خوب و نیک جلوه می دادند، می توان استفاده کرد که طبیعت انسان از بدی گریزان است و به خوبی تمایل دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 22 - 2

2- تزیین و تجمل ، امری طبیعی و ارزشی در زندگی انسان

يخرج منهما اللؤلؤ والمرجان

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که یکی از کاربردهای عمده مروارید و مرجان، تزیین و تجمل با آن دو است و خداوند به خاطر اعطای آنها به انسان ها، بر ایشان منت نهاده و آن را منفعتی برای آنان شمرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 58 - 4

4- علاقه و گرایش به زنان زیبا ، امری فطری و اصیل در نهاد بشر و جن

فيهنّ قصرت الطرف .. كأنهنّ الياقوت والمرجان

از این که خداوند، به عنوان نویدی بزرگ به خلق، بشارت همسران زیبا و جذاب را می دهد، استفاده می شود که تمایل به آنان، امری طبیعی و اصیل در نهاد انسان و جن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 70 - 2

2- انسان ، فطرتاً مجذوب زیبایی صورت و سیرت

فيهنّ خیرت حسان

از این که خداوند به عنوان نویدی بزرگ به خلق، بشارت به زیبایی صورت و سیرت حوریان بهشتی می دهد، استفاده می شود که تمایل به زیبایی ظاهری و باطنی، خواسته ای اصیل و نهاده شده در فطرت بشر است؛ نه گرایشی تلقینی و زاییده فرهنگ و محیط.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 5 - 5

5 - انسان ، موجودی زیباشناس و زیبایی خواه

إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصْبِيحٍ

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که آیه شریفه، درصدد بیان جلوه های فرمان روایی و قدرت بی همتای خداوند در طبیعت است و اگر زیبایی آسمان پرستاره برای بشر محسوس و مطلوب نباشد، بیان این مطلب بیهوده خواهد بود.

ص: 154

82- زیباطلبی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 58 - 4

4 - علاقه و گرایش به زنان زیبا، امری فطری و اصیل در نهاد بشر و جن

فیهنّ قصرت الطرف .. کأتهنّ الیاقوت و المرجان

از این که خداوند، به عنوان نویدی بزرگ به خلق، بشارت همسران زیبا و جذاب را می دهد، استفاده می شود که تمایل به آنان، امری طبیعی و اصیل در نهاد انسان و جن است.

83- فطرت زیباطلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 58 - 4

4 - علاقه و گرایش به زنان زیبا، امری فطری و اصیل در نهاد بشر و جن

فیهنّ قصرت الطرف .. کأتهنّ الیاقوت و المرجان

از این که خداوند، به عنوان نویدی بزرگ به خلق، بشارت همسران زیبا و جذاب را می دهد، استفاده می شود که تمایل به آنان، امری طبیعی و اصیل در نهاد انسان و جن است.

زیبارویان

84- زیبارویان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 38 - 1

1 - در قیامت، چهره گروهی از مردم زیبا و درخشان خواهد بود.

وجوه یومئذ مسفره

«وجه مسفر» چهره ای است که به جهت شادمانی، درخشان شده باشد (مقایس اللغه) و یا زیبایی آن را فرا گرفته باشد. (مصباح)

85- سرور اخروی زیبارویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 39 - 2

2- کسانی که درخشان چهره و خنده لب در صحنه قیامت حضور یافته اند، غرق سرور بوده و چهره ای شکفته خواهند داشت.

مستبشره

«إستبشار»؛ یعنی، شادمان بودن (لسان العرب). «بشر و استبشر» به یک معنا است. در این موارد فایده باب استفعال، مبالغه

ص: 155

افزون تر است. راغب می گوید: بشارت دادن، به معنای ابلاغ خبری است که بشره و پوست صورت را شکفته سازد.

86- نشاط اخروی زیبارویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 39 - 2

2- کسانی که درخشان چهره و خنده لب در صحنه قیامت حضور یافته اند، غرق سرور بوده و چهره ای شکفته خواهند داشت.

مستبشره

«إستبشار»؛ یعنی، شادمان بودن (لسان العرب). «بشر و استبشر» به یک معنا است. در این موارد فایده باب استفعال، مبالغه افزون تر است. راغب می گوید: بشارت دادن، به معنای ابلاغ خبری است که بشره و پوست صورت را شکفته سازد.

زیبایی طلبی

87- اهمیت زیبایی طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 6 - 4

4- غذا و پوشاک، نیازی مقدم بر زیبایی خواص و جمال طلبی است. *

لکم فیها دفء و منفع و منها تأکلون . و لکم فیها جمال حین تریحون و حین تسرحون

با توجه به اینکه حیوانات هم باعث جمال و هم تأمین کننده غذا و پوشاکند، تقدّم ذکری لباس و غذا در مقام امتنان، ممکن است اشاره به مطلب فوق داشته باشد.

88- زیبایی طلبی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 108 - 14

14 - انسان فطرتاً به زیباییها گرایش دارد.

کذلک زینا لکل أمة عملهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- گرایش انسان ها به زیبایی و تزئین با زیورآلات

تستخرجوا منه حلیه تلبسونها

فعل مضارع «تلبسونها» حکایت از واقعیت خارجی می کند و آن استفاده از زیورآلات است. از طرفی، تزئین جزء نیازهای ضروری انسان نیست و در عین حال در کنار آن نیازها ذکر شده است و این حکایت از حقیقت یاد شده دارد.

ص: 156

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 63 - 5

5- گرایش و تمایل انسان به زیبایی و گریز از زشتی

فزیّن لهم الشیطن أعمالهم

از اینکه شیطان اعمال زشت مردم را تزین کرد و آنان را به وسیله همان عمل گمراه ساخت، نشان دهنده نکته فوق است.

89- زیبایی طلبی در آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 5 - 6

6- لذت جویی ها و زیبایی طلبی های انسان ، همراه با وی در جهان آخرت

لیدخل . . . جنّات تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها

نوید بودن «جنّات تجری . . .»، متوقف بر وجود حسّ زیبایی پسندی و لذت جویی در انسان اخروی است.

زیبایی ها

90- آثار زیبایی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 37 - 10

10 - خوب و زیبا دیدن ، از عوامل برانگیزنده انسان به اقدام هر کاری

و کذلک زین لفرعون سوء عمله

برداشت یاد شده از آن جا است که فرعون، پس از زیبا جلوه گر شدن عمل زشتش، به آن اقدام کرده بود.

91- نقش زیبایی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 21

21- قوای ادراکی بشر ، تحت تأثیر مشاهده اوج زیبایی و جلوه های جمال ، کارآیی خود را از دست می دهد .

وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 8 - 6

6 - خوب و زیبا دیدن ، از عوامل برانگیزنده انسان به اقدام به هر کاری

أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءَ عَمَلِهِ فَرَّاهُ حَسَنًا

ص: 157

6- زینب بنت جحش

1- ازدواج زینب بنت جحش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 37 - 31، 20، 19، 18،

18 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) با زینب، مطلقه زید، پس از جدا شدن او از زید ازدواج کرد.

فلما قضی زید منها وطراً زوّجناها

19 - ازدواج پیامبر (صلی الله علیه و آله) با زینب، مطلقه زید به امر خداوند بود.

فلما قضی زید منها وطراً زوّجناها

20 - پیامبر (صلی الله علیه و آله)، تصمیم و رغبت برای ازدواج با زینب، مطلقه زید، نداشت و آن ازدواج، تنها برای اجرای فرمان خداوند بود.

و إذ تقول للذی أنعم الله علیه .. أمسک علیک زوجک... فلما قضی زید منها وطراً ز

توصیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) به زید، مبنی بر ادامه زندگی با زینب، حاکی از این است که پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در تلاش بود تا آن دو، به زندگی خود ادامه دهند و پس از طلاق هم، نگران پیامدهای احتمالی ازدواج اش با زینب بوده است. از فعل «زوّجناها» استفاده می شود که چنین امری، به خواست و فرمان خداوند بوده است.

27 - فلسفه ازدواج پیامبر (صلی الله علیه و آله) با مطلقه پسر خوانده خویش، شکستن سنتی جاهلی و هموار کردن راه برای دیگران بود.

زوّجناها لکی لایکون علی المؤمنین حرج فی أزواج أذعیانهم

31 - رخداد مطلقه شدن زینب و ازدواج اش با پیامبر (صلی الله علیه و آله) از جمله حوادثی است که براساس خواست خداوند، تحقق پیدا کرده است.

فلما قضی زید منها وطراً زوّجناها .. و کان أمر الله مفعولاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 38 - 10، 9،

9 - صدور فرمان ازدواج پیامبر (صلی الله علیه و آله) با زینب، مطلقه پسر خوانده اش، امری حساب شده بوده است.

زَوْجِنَكهَا . . . مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرْجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ . . . وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدْرَ

10 - « عن الرضا (ع) (في قصّته زيدبن حارثه مع إمرأته) : إنّ زيدبن حارثه طلقها و اعتدت منه فزوّجها الله تعالى من نبيّه (صلى الله عليه و آله) و أنزل بذلك قرآناً فقال عزّوجلّ : « فلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا . . . » ثمّ علم عزّوجلّ أنّ المنافقين سعيّيونه بتزويجها فأُنزل « ما كان على النبيّ من حرج فيما فرض الله له . . . » ;

از امام رضا(ع) (در داستان زيدبن حارثه با همسرش) روايت شده كه زيدبن حارثه، همسرش را طلاق داد. پس از اين كه عدّه او تمام شد، خدا، او را به ازدواج پيامبر درآورد و در اين باره، آيه اى نازل كرد و فرمود: «فلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا...». خدا مى دانست

ص: 158

که منافقان، به خاطر ازدواج او با همسر مطلقه زید، به عیب گویی از او خواهند پرداخت، از این رو، این آیه را نازل کرد: ما کان علی النبی من حرج...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 40 - 4

4 - جواز ازدواج پیامبر (صلی الله علیه و آله) با زینب ، مطلقه زید ، به دلیل نبود رابطه نسبی میان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و زید است .

فلما قضی زید منها وطراً زوّجناها . . ما کان محمّد أباً أحد من رجالکم

احتمال دارد که «ما کان محمّد أباً أحد من رجالکم» اشاره به نفی خویشاوندی پیامبر (صلی الله علیه و آله) با زید و در نتیجه، اثبات جایز بودن ازدواج آن حضرت با مطلقه زید باشد.

2- زید بن حارثه و زینب بنت جحش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 37 - 8,9

8 - دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) از زید بن حارثه ، برای رعایت تقوای الهی درباره همسرش زینب

و إذ تقول للذی أنعم الله علیه . . و اتق الله

9 - سفارش پیامبر (صلی الله علیه و آله) به زید ، برای نگهداری همسرش و نیز رعایت تقوای الهی ، امری شایسته یاد و یادآوری است .

و إذ تقول للذی أنعم الله علیه . . و اتق الله

«إذ» متعلق به «أذكر» مقدر است و در نتیجه، نکته یاد شده، از آن فهمیده می شود.

3- طلاق زینب بنت جحش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 37 - 31, 17

17 - زید بن حارثه ، پس از کام گیری از همسرش ، او را طلاق داد و از وی جدا شد .

فلما قضی زید منها وطراً زوّجناها

«وطر» در لغت «نیاز مهم» را گویند (مفردات راغب). در آیه، «قضی ... وطراً» کنایه از به پایان رسیدن حاجت زید از نکاح با زینب و به اتمام رسیدن زمان مجاز زناشویی آن دو است.

31 - رخداد مطلقه شدن زینب و ازدواج اش با پیامبر (صلی الله علیه و آله) از جمله حوادثی است که براساس خواست خداوند، تحقق پیدا کرده است.

فلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطْرًا زَوَّجْنَاهَا .. وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا

4- محمد (صلی الله علیه و آله) و زینب بنت جحش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 159

12 - خداوند ، پنهان کاری پیامبر (صلی الله علیه و آله) را درباره فرمان الهی به ازدواج آن حضرت با همسر مطلقه زید ، بر ملا ساخت .

و تخفی فی نفسک ما اللّٰه مبديه

ص: 160

7- ساجدان

1- ساجدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 29 - 28

28- اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله)، اهل نماز و سجده های بسیار

و الذین معه .. سیماهم فی وجوههم من أثر السجود

2- تنزیه ساجدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 62 - 5

5- اهل سجده و عبادت به درگاه خداوند، میرا از سرمستی، غرور و لهو

و تضحکون و لاتبکون . و أنتم سمدون . فاسجدوا لله واعبدوا

از این که در آیات پایانی سوره، سرمستی و لغوگرایی، قطب مخالف سجده و عبادت معرفی شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

3- ساجدان و تکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 62 - 5

5- اهل سجده و عبادت به درگاه خداوند، میرا از سرمستی، غرور و لهو

و تضحکون و لاتبکون . و أنتم سمدون . فاسجدوا لله واعبدوا

از این که در آیات پایانی سوره، سرمستی و لغوگرایی، قطب مخالف سجده و عبادت معرفی شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

4- ساجدان و سرمستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 62 - 5

5- اهل سجده و عبادت به درگاه خداوند ، میرا از سرمستی ، غرور و لهو

و تضحکون و لاتبکون . و أنتم سمدون . فاسجدوا لله واعبدوا

از این که در آیات پایانی سوره، سرمستی و لغوگرایی، قطب مخالف سجده و عبادت معرفی شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

5- ساجدان و لهو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 62 - 5

5- اهل سجده و عبادت به درگاه خداوند ، میرا از سرمستی ، غرور و لهو

و تضحکون و لاتبکون . و أنتم سمدون . فاسجدوا لله واعبدوا

از این که در آیات پایانی سوره، سرمستی و لغوگرایی، قطب مخالف سجده و عبادت معرفی شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

6- فضایل ساجدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 62 - 5

5- اهل سجده و عبادت به درگاه خداوند ، میرا از سرمستی ، غرور و لهو

و تضحکون و لاتبکون . و أنتم سمدون . فاسجدوا لله واعبدوا

از این که در آیات پایانی سوره، سرمستی و لغوگرایی، قطب مخالف سجده و عبادت معرفی شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

7- مراد از ساجدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 112 - 21

21 - از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت شده که فرمود: « التائبون » من الذنوب « العابدون » الذين لا يعبدون إلا الله و الا يشركون به شيئاً « الحامدون » الذين يحمدون الله على كل حال فى الشده و الرخاء « السائحون » و هم الصائمون « الراكعون الساجدون » الذين يواظبون على الصلوات الخمس الحافظون لها المحافظون على ها بركوع ها و سجود ها و فى الخشوع فى ها و فى اوقات ها . . . ;

«تائبان» توبه کنندگان از گناه[اند] و «عابدان» کسانی هستند که غیر خدا را عبادت نمی کنند و چیزی را شریک او نمی

ص: 162

گیرند. «حامدان» آنانند که در هر حال - چه سختی و چه در راحتی - خدا را ستایش می کنند و «سائحان» روزه دارانند. «راکعان» و «ساجدان» کسانی هستند که مواظب نمازهای پنجگانه باشند. رکوع، سجود و خشوع را در نمازها رعایت می کنند و محافظت و قتهای نماز هستند».

ص: 163

8- ساختمان سازی

1- ساختمان سازی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 37 - 2,3

2- شیاطین جنی، به فرمان سلیمان (ع) به ساختمان سازی و غواصی می پرداختند.

و الشیاطین کلّ بّناء و غواص

3- وجود تخصص ساختمان سازی و غواصی در میان شیاطین جنی

و الشیاطین کلّ بّناء و غواص

آمدن صیغه های «بّناء» و «غواص» بر وزن صیغه مبالغه - که بر حرفه و صنعت بودن بنّایی و غواصی دلالت می کند - گویای این نکته است که این دو کار، به صورت فن و تخصص میان شیاطین رواج داشت.

2- ساختمان سازی در دوران ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 90 - 4,8

4- زمان ذوالقرنین، در دورترین نقطه شرق سرزمین او، از صنعت لباس و ساختمان، خبری نبوده است.

بلغ مطلع الشمس... لم نجعل لهم من دونها ستراً

8- «عن أبي جعفر (ع) في قول الله «لم نجعل لهم من دونها ستراً. كذلك» قال: لم يعلموا صنعه البيوت;

از امام باقر(ع) درباره این سخن خدا: «لم نجعل لهم من دونها ستراً. كذلك» روایت شده: آن قوم صنعت خانه سازی را نمی دانستند».

3- ساختمان سازی در دوران سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 37 - 6

6- صنعت ساختمان سازی و استخراج منابع و ذخایر دریایی، در خدمت حکومت سلیمان (ع) بود.

والشيطان كلّ بناء وغواص

ص: 164

9- ساره

1- اطمینان ساره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 30 - 1

1 - اطمینان بخشی فرشتگان به همسر ابراهیم (ع) ، در مورد خدایی بودن پیام و بشارتشان (فرزنددار شدن او)

قالوا کذلک قال ربّک

2- بارداری ساره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 73 - 1

1- فرشتگان ، به همسر ابراهیم گوشزد کردند که فرزنددار شدنش ، خواسته خداوند است .

ءألد و أنا عجوز .. قالوا أتعجبین من أمر الله

«أمر الله»؛ یعنی، کاری که خداوند به تحقق آن فرمان داده است و مراد از آن، فرزنددار شدن ساره و ابراهیم(ع) در سن پیری است.

3- بشارت به ساره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 71 - 11، 9، 7

7- خداوند ، همسر ابراهیم را به دارا شدن فرزند پسری بشارت داد .

فبشّرناها یاسحق

9- خداوند ، به ساره بشارت داد که اسحاق ، دارای فرزند پسری خواهد شد .

فبشّرناها یاسحق و من وراء إسحق یعقوب

کلمه «یعقوب» عطف بر «اسحاق» است و عبارت «من وراء إسحاق» توصیفی برای «یعقوب» می باشد؛ یعنی: فبشّرناها بیعقوب کائناً من وراء اسحاق.

11- نوید تولد اسحاق و یعقوب به ابراهیم (ع) و همسرش ساره، در جلسه پذیرایی ابراهیم از فرشتگان بیان شد.

ص: 165

4- پسر ساره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 71 - 7,8

7- خداوند ، همسر ابراهیم را به دارا شدن فرزند پسری بشارت داد .

فبشرنها یاسحق

8- خداوند ، فرزند ابراهیم و همسرش ساره را - پیش از تولدش - اسحاق نامید . *

فبشرنها یاسحق

ظاهر جمله «فبشرنها یاسحاق . . . یعقوب» این است که فرشتگان، نام اسحاق و یعقوب را نیز در بشارت آورده باشند.

5- پیری ساره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 72 - 1,2

1- ابراهیم (ع) و همسرش ساره ، هنگام بشارت فرشتگان به تولد اسحاق و یعقوب ، پیر و کهنسال بودند .

قالت یویلتی ءألد و أنا عجوز و هذا بعلى شیخاً

2- ساره با توصیف خود و شویش به پیری ، دارا شدن فرزند را امری بس شگفت تلقی کرد .

قالت یویلتی ءألد و أنا عجوز و هذا بعلى شیخاً إن هذا لشیء عجیب

«یاویلتی» (ایوای بر من) عبارتی است که معمولاً به هنگام تعجب ایراد می شود. همزه در «ءألد ...» نیز برای تعجب است و جمله «إن هذا ...» نیز تصریح به شگفتی است. این همه حکایت از تعجب بیش از حد همسر ابراهیم دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 29 - 4

4 - همسر ابراهیم ، فردی کهنسال و نازا به هنگام بشارت فرزنددار شدنش

6- تعجب ساره

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - هود - 11 - 71 - 15

15- « عن أبي جعفر (ع) [في قوله تعالى] : « وامرأته قائمه » قال : إنما عنى ساره قائمه . . . « فضحك » يعنى فعجبت من قولهم . . . ;

از امام باقر(ع) درباره قول خدای تعالی: «وامرأته قائمه» روایت شده است: مقصود ساره همسر ابراهیم(ع) است که ایستاده

ص: 166

بود... و درباره «فضحکت» [روایت شده است]: یعنی ساره از سخن فرشتگان شگفت زده شد...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 72 - 2

2- ساره با توصیف خود و شویش به پیری، دارا شدن فرزند را امری بس شگفت تلقی کرد.

قالت یویلتی ءألد و أنا عجوز و هذا بعلی شیخاً إن هذا لشیء عجیب

«یاویلتی» (ایوای بر من) عبارتی است که معمولاً به هنگام تعجب ایراد می شود. همزه در «ءألد...» نیز برای تعجب است و جمله «إن هذا...» نیز تصریح به شگفتی است. این همه حکایت از تعجب بیش از حد همسر ابراهیم دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 29 - 3

3- هیجان، تعجب و ناباوری شدید همسر ابراهیم، از باروری پس از پیری و عمری نازایی

فأقبلت امرأته فی صرّه فصکت وجهها و قالت عجوز عقیم

7- حیض ساره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 71 - 6، 16

6- ساره همسر ابراهیم (ع)، پس از آگاهی به ماهیت مهمانان ابراهیم (ع) و مأموریت ایشان (نابودسازی قوم لوط) حیض شد.*

وامرأته قائمه فضحکت

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که «ضحکت» از مصدر «ضحک» (حایض شدن) باشد. مفسرانی که این معنا را یادآور شده اند تقریب «فبشرناها» را بر «ضحکت» مؤید آن دانسته اند.

16- «عن أبي عبدالله (ع) فی قول الله عزوجل: «فضحکت فبشرناها باسحاق» قال: حاضت؛

از امام صادق (ع) درباره «فضحکت فبشرناها باسحاق» روایت شده است که فرمود: عادت زنانگی در ساره ظاهر شد».

8- رفع ترس ساره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- احساس امنیت ساره پس از ترس و وحشت از فرشتگان ، مایه شادی و خرسندی وی گردید .

قالوا لاتخف إنا أرسلنا إلی قوم لوط. وامرأته قائمه فضحکت

برداشت فوق، بر این اساس است که جمله «فضحکت» تفریح بر «لاتخف إنا أرسلنا إلی قوم لوط» باشد.

ص: 167

9- ساره در مجلس ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 71 - 2، 1

1- همسر ابراهیم (ساره) در مجلس فرشتگان پیام آور بشارت حضور داشت .

و لقد جاءت رسلنا إبرهیم بالبشری . . . وامرأته قائمه فضحكت

2- ابراهیم (ع) و فرشتگان حاضر در نزد او ، همگی نشسته بودند و ساره ایستاده بود .

وامرأته قائمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 29 - 1

1 - حضور همسر ابراهیم (ع) ، در جمع آن حضرت و میهمانان ایشان

و بشره بغلم عليم . فأقبلت امرأته فی صرّه ... و قالت عجوز عقيم

10- ساره و تحقق مشیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 73 - 3

3- فرشتگان ، همسر ابراهیم را از اینکه در تحقق خواست خداوند تردید کند و از آن شگفت زده باشد ، نهی کردند .

قالوا أتعجبین من أمر الله

11- ساره و ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 71 - 5، 6، 15

5- احساس امنیت ساره پس از ترس و وحشت از فرشتگان ، مایه شادی و خرسندی وی گردید .

قالوا لاتخف إنا أرسلنا إلی قوم لوط . وامرأته قائمه فضحكت

برداشت فوق، بر این اساس است که جمله «فضحکت» تفریع بر «لاتخف إنا أرسلنا إلی قوم لوط» باشد.

6- ساره همسر ابراهیم (ع)، پس از آگاهی به ماهیت مهمانان ابراهیم (ع) و مأموریت ایشان (نابودسازی قوم لوط) حایض شد. *

وامرأته قائمه فضحکت

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که «ضحکت» از مصدر «ضَحَك» (حایض شدن) باشد. مفسرانی که این معنا را یادآور شده اند تفریع «فبشرناها» را بر «ضحکت» مؤید آن دانسته اند.

15- «عن أبي جعفر (ع) [فی قوله تعالى]: «وامرأته قائمه» قال: إنما عنی ساره قائمه . . . «فضحکت» یعنی فعجبت من قولهم . . .»

از امام باقر(ع) درباره قول خدای تعالی: «وامرأته قائمه» روایت شده است: مقصود ساره همسر ابراهیم(ع) است که ایستاده بود . . . و درباره «فضحکت» [روایت شده است]: یعنی ساره از سخن فرشتگان شگفت زده شد . . .».

ص: 168

12- ساره و هلاکت قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 71 - 4

4- همسر ابراهیم ، در پی اطلاع از مأموریت فرشتگان (هلاک سازی قوم لوط) شادان و خندان شد .

إنا أرسلنا إلى قوم لوط. وامرأته قائمه فضحكت

برداشت فوق از تفریح جمله «ضحکت» به وسیله حرف «فاء» بر «إنا أرسلنا ..» در آیه قبل استفاده شده است؛ یعنی، آنچه مایه شادمانی همسر ابراهیم شد، این بود که دریافت قوم بزهدار لوط بر عذاب الهی گرفتار خواهند شد.

13- ساره هنگام بشارت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 72 - 1

1- ابراهیم (ع) و همسرش ساره ، هنگام بشارت فرشتگان به تولد اسحاق و یعقوب ، پیر و کهنسال بودند .

قالت يويلتى ءألد و أنا عجوز و هذا بعلى شيخًا

14- ساره هنگام تولد یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 71 - 13

13- ساره همسر ابراهیم (ع) ، تا به دنیا آمدن نوه اش یعقوب ، زنده بود .

فبشّرنها بإسحق و من وراء إسحق یعقوب

بشارت دادن به همسر ابراهیم که از پسر اسحاق فرزندی به نام یعقوب به دنیا خواهد آمد، این سؤال را به ذهن می آورد که چرا به او بشارت داده نشد که مثلاً از یعقوب نیز فرزندی به نام یوسف به دنیا خواهد آمد؟ در پاسخ این پرسش می توان گفت: یاد کردن از خصوص یعقوب اشاره به این معنا دارد که ساره او را درک می کند و جمال او را خواهد دید؛ یعنی، تا آن زمان زنده است.

15- سخاوت ساره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - سخاوت و میهمان نوازی ابراهیم (ع) و همسرش

فراغ إلى أهله فجاء بعجل سمين

ص: 169

16- سیلی ساره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 29 - 2

2- فریاد همسر ابراهیم (ع) و سیلی زدن وی به صورت خویش ، با شنیدن بشارت اعطای فرزند به ایشان

فأقبلت امرأته فی صرّه

«صرّه» به معنای فریاد و «صکّ» به معنای ضربه شدید است. «صکّت وجهها»؛ یعنی، سیلی سختی به صورت خویش نواخت.

17- شک ساره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 73 - 3

3- فرشتگان ، همسر ابراهیم را از اینکه در تحقق خواست خداوند تردید کند و از آن شگفت زده باشد ، نهی کردند .

قالوا أتعجبین من أمر الله

18- عقیمی ساره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 29 - 3,4

3- هیجان ، تعجب و ناباوری شدید همسر ابراهیم ، از باروری پس از پیری و عمری نازایی

فأقبلت امرأته فی صرّه فصکّت وجهها و قالت عجوز عقیم

4- همسر ابراهیم ، فردی کهنسال و نازا به هنگام بشارت فرزنددار شدنش

فأقبلت امرأته ... و قالت عجوز عقیم

19- عوامل سرور ساره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 71 - 4,5

4- همسر ابراهیم، در پی اطلاع از مأموریت فرشتگان (هلاک سازی قوم لوط) شادان و خندان شد.

إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ قَوْمِ لُوطٍ وَامْرَأَتَهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ

برداشت فوق از تفریح جمله «ضحکت» به وسیله حرف «فاء» بر «إِنَّا أَرْسَلْنَا..» در آیه قبل استفاده شده است؛ یعنی، آنچه مایه شادمانی همسر ابراهیم شد، این بود که دریافت قوم بزهکار لوط بر عذاب الهی گرفتار خواهند شد.

ص: 170

5- احساس امنیت ساره پس از ترس و وحشت از فرشتگان ، مایه شادی و خرسندی وی گردید .

قالوا لاتخف إنا أرسلنا إلى قوم لوط. وامرأته قائمه فضحكت

برداشت فوق، بر این اساس است که جمله «فضحكت» تفریع بر «لاتخف إنا أرسلنا إلى قوم لوط» باشد.

20- فریاد ساره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 29 - 2,5

2- فریاد همسر ابراهیم (ع) و سیلی زدن وی به صورت خویش ، با شنیدن بشارت اعطای فرزند به ایشان

فأقبلت امرأته فی صرّه

«صرّه» به معنای فریاد و «صکّ» به معنای ضربه شدید است. «صکّ و جهها»؛ یعنی، سیلی سختی به صورت خویش نواخت.

5- « و فی المجمع ، فی تفسیر قوله تعالی ، « فأقبلت امرأته فی صرّه » . . . و قيل فی جماعه عن الصادق (ع) ؛

در مجمع البیان، در تفسیر سخن خداوند «فأقبلت امرأته فی صرّه» آمده است. .. و گفته شده که معنای «فی صرّه» فی جماعه است [یعنی زن او در بین جماعتی جلو آمد] و این معنا از امام صادق(ع) روایت شده است.

21- فضایل ساره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 26 - 8

8 - سخاوت و میهمان نوازی ابراهیم (ع) و همسرش

فراغ إلى أهله فجاء بعجل سمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 30 - 8

8 - همسر ابراهیم (ع) ، دارای شخصیتی والا و ارجمند در پیشگاه خداوند

قالت عجوز عقیم . قالوا کذلک قال ربّک

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که همسر ابراهیم(ع)، با فرشتگان هم سخن شده و نیز درباره او تعبیر «رَبِّكَ» (پروردگار تو) به کار رفته است.

22- گفتگوی ساره با ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 72 - 5

5- گفتگوی ساره (همسر ابراهیم) با فرشتگان

ص: 171

فبشرنها یاسحق . . . قالت یوبلتی ءألد و أنا عجوز و هذا بعلى شیخاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 30 - 2

2- هم سخن شدن همسر ابراهیم (ع) با فرشتگان بشارت دهنده

قالت عجوز عقیم . قالوا کذلک قال ربک

23- مدت عمر ساره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 71 - 13

13- ساره همسر ابراهیم (ع)، تا به دنیا آمدن نوه اش یعقوب، زنده بود.

فبشرنها یاسحق و من و رآء إسحق یعقوب

بشارت دادن به همسر ابراهیم که از پسر اسحاق فرزندی به نام یعقوب به دنیا خواهد آمد، این سؤال را به ذهن می آورد که چرا به او بشارت داده نشد که مثلاً از یعقوب نیز فرزندی به نام یوسف به دنیا خواهد آمد؟ در پاسخ این پرسش می توان گفت: یاد کردن از خصوص یعقوب اشاره به این معنا دارد که ساره او را درک می کند و جمال او را خواهد دید؛ یعنی، تا آن زمان زنده است.

24- مکان سکونت ساره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 26 - 5

5- محل سکونت همسر ابراهیم (ع) مجزا از محیط پذیرایی میهمانان *

فراغ إلی أهله

حرکت مخفیانه ابراهیم (ع) به سوی اهل، در جایی فرض می شود که محیط خانواده آن حضرت در معرض دید میهمانان نبود.

25- ملائکه و ساره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 73 - 1,3

1- فرشتگان ، به همسر ابراهیم گوشزد کردند که فرزنددار شدنش ، خواسته خداوند است .

ءألد و أنا عجوز . . قالوا أتعجبين من أمر الله

«أمر الله»؛ یعنی، کاری که خداوند به تحقق آن فرمان داده است و مراد از آن، فرزنددار شدن ساره و ابراهیم(ع) در سن پیری است.

3- فرشتگان ، همسر ابراهیم را از اینکه در تحقق خواست خداوند تردید کند و از آن شگفت زده باشد ، نهی کردند .

ص: 172

قالوا أتعجبين من أمر الله

26- منشأ فرزندداری ساره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 30 - 6، 1

1 - اطمینان بخشی فرشتگان به همسر ابراهیم (ع)، در مورد خدایی بودن پیام و بشارتشان (فرزنددار شدن او)

قالوا كذلك قال ربك

6 - اعطای فرزند به همسر پیر و عقیم ابراهیم (ع)، متکی بر حکمت و علم الهی بود.

وقالت عجوز عقیم قالوا كذلك .. إنه هو الحكيم العليم

تصریح به علم و حکمت الهی، در پی نوید به اعطای فرزند، بیانگر مطلب بالا است.

27- مهمان نوازی ساره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 26 - 8

8 - سخاوت و میهمان نوازی ابراهیم (ع) و همسرش

فراغ إلى أهله فجاء بعجل سمين

28- نوه ساره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 71 - 9

9- خداوند، به ساره بشارت داد که اسحاق، دارای فرزند پسری خواهد شد.

فبشرنها بإسحق و من وراء إسحق يعقوب

کلمه «يعقوب» عطف بر «اسحاق» است و عبارت «من وراء إسحاق» توصیفی برای «يعقوب» می باشد؛ یعنی: فبشرناها ببعقوب کائناً من وراء اسحاق.

1- آثار سازش با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 26 - 1,2

1- همدلی و سازش نهانی با کافران ، دلیل ارتداد بیمار دلان منافق

إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدَوْا .. ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ ... سنطيعكم فى بعض الأمر

برداشت بالا بنابراین نکته است که «ذلک» اشاره به ارتداد باشد - که از آیه قبل (إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدَوْا) استفاده می شود - و با توجه به این که مراد از «الذین کرهوا..» کافران معانداند.

2- سازش با کافران و همکاری با آنان علیه دین ، مایه ارتداد است .

إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدَوْا .. ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا ... سنطيعكم فى بعض الأمر

2- آثار سازش محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 9 - 2

2- اعلام آمادگی کافران تکذیب گر ، به سازش کردن و نرمش نشان دادن با پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در صورت سازش و نرمش نمودن آن حضرت با آنان

وَدَّو لوتدهن فیدهنون

3- اجتناب از سازش با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 14 - 1,2

1 - هشدار خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، نسبت به اجابت خواسته های کافران تکذیب گر و سازش و مسامحه با آنان ، به صرف ثروت و نیروی انسانی بسیار آنان

و لاتطع کلّ حلاف .. أن کان ذا مال و بنین

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که جمله «أن كان ذا مال . . .» متعلق به «لا تطع» باشد. گفتنی است در آغاز

ص: 174

«آن» لام تعلیل در تقدیر است.

2- در اختیار گرفتن ثروت و نیروی انسانی کافران حق ناپذیر، نمی تواند مجوز عدول مبلغان و رهبران جامعه اسلامی از مواضع عقیدتی خویش و سازش و مسامحه با آنان باشد.

و لاتطع... آن کان ذا مال و بنین

تردیدی نیست که اجابت خواسته های کافران و یا سازش با آنان از سوی رهبران جامعه اسلامی، به جهت طمع شخصی نیست؛ بلکه برای در اختیار گرفتن ثروت و نیروی انسانی کافران و صرف آنها در جهت مصالح و منافع مسلمین است؛ ولی چون این کار به قیمت عدول از مواضع اعتقادی و یا سازش با کافران است، جایز نمی باشد.

4- درخواست سازش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 8 - 3

3- سازش و دست برداشتن از مواضع عقیدتی، درخواست کافران تکذیب گر از پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود.

فلاتطع المکذبین

آیه بعد، قرینه است که مورد اطاعت، سازش بر سر مواضع عقیدتی است.

5- زمینه ترک سازش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 35 - 2

2- توجه به نافرجامی خط کفر، مقتضی مصمم بودن مؤمنان در نبرد با کافران بدون هیچ سستی و سازش

فلن یغفر الله لهم . فلاتهنوا و تدعوا إلى السلم

«فا» در «فلاتهنوا» ترتب و تفریع را می رساند و از ترتب این آیه بر مفاد آیه قبل، مطلب بالا استفاده می شود.

6- زمینه سازش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 35 - 3

3- سستی در جهاد و نبرد با دشمن ، در پی دارنده سازشی خفت بار *

فلاتهنوا وتدعوا إلى السلم وأنتم الأعلون

تقدم «لا تهنوا» بر «تدعوا إلى السلم» بیانگر این حقیقت است که سستی، پیش زمینه سازش است؛ سازشی که امت های برتر (وأنتم الأعلون) را به ذلت می کشاند.

ص: 175

7- زمینه سازش با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 24 - 10

10 - ضعف روح صبر و شکیبایی ، از موجبات عدول از مواضع دینی و تسلیم و سازش در برابر خواسته های گناه پیشگان و بیگانگان کافر

فاصبر لحکم ربّک و لاتطع منهم ءاثمًا أو کفورًا

از توصیف شدن پیامبر (صلی الله علیه و آله) به صبر و شکیبایی در امر رسالت - پیش از دریافت هشدار نسبت به اطاعت از گروه های گناه کار و ناسپاس - مطلب یاد شده به دست می آید.

8- زمینه سازش با گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 24 - 10

10 - ضعف روح صبر و شکیبایی ، از موجبات عدول از مواضع دینی و تسلیم و سازش در برابر خواسته های گناه پیشگان و بیگانگان کافر

فاصبر لحکم ربّک و لاتطع منهم ءاثمًا أو کفورًا

از توصیف شدن پیامبر (صلی الله علیه و آله) به صبر و شکیبایی در امر رسالت - پیش از دریافت هشدار نسبت به اطاعت از گروه های گناه کار و ناسپاس - مطلب یاد شده به دست می آید.

9- زمینه سازش کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 9 - 2

2 - اعلام آمادگی کافران تکذیب گر ، به سازش کردن و نرمش نشان دادن با پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در صورت سازش و نرمش نمودن آن حضرت با آنان

وَدّوا لو تدهن فیدهنون

10- سازش با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نکوهش اهل کتاب (علمای یهود) ، به جهت قضاوت ظالمانه درباره مؤمنان و سازش با کافران

الم تر الى الذين اوتوا نصيباً من الكتب يؤمنون

جمله «الم تر ..» دارای لحن مذمت گونه و اعتراض آمیز است.

ص: 176

11- سازش با هواپرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 15 - 10

10 - سازش با هواپرستان و تمایلات نامشروع آنان ، موجب انحراف رهبران دینی

فادع و استقم كما أمرت و لا تتبع أهواءهم

استقامت (مصدر «استقم») به معنای ادامه حرکت در راه راست است و تقابل «استقم» با «لا تتبع أهوائهم» مطلب بالا را می رساند.

12- سازش در عقیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 56 - 2، 1

1 - پرستش بتها و سازش در اصول اعتقادی، خواسته نابجای مشرکان صدر اسلام از پیامبر (صلی الله علیه و آله)

قل لا أتبع أهواءكم قل إني نهيت أن أعبد الذين تدعون من دون الله

2 - مسامحه و سازش در اصل اساسی توحید، روا و مجاز نیست.

قل إني نهيت أن أعبد الذين تدعون من دون الله

در این گونه موارد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) خصوصیتی ندارد.

13- سازش رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 145 - 19

19 - پیشوایان دین اسلام در صورت سازش کردن با پیروان دیگر ادیان بر سر مسائل دینی ، از زمره ستگرانند .

و لئن اتبعت أهواءهم .. إنك إذا لمن الظالمين

14- سازش کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- سرگرمی ها و خوشی های پوچ دنیا، از مهم ترین عوامل سستی در جهاد و تمایل به سازش با کافران

فلاتهنوا... إتما الحیوه الدنیا لعب و لهو

خداوند، پس از نهی مؤمنان نسبت به سستی در جهاد و گرایش به سازش، به آنان لعب و لهو بودن دنیا را یادآوری کرده است. از مطلب استفاده می شود که سرگرمی های این دنیا، عاملی مهم در سستی و سازش با کفر است.

ص: 177

15- سازش ممنوع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 56 - 2

2 - مسامحه و سازش در اصل اساسی توحید، روا و مجاز نیست.

قل إني نهيت أن أعبد الذين تدعون من دون الله

در این گونه موارد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) خصوصیتی ندارد.

16- سازش منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 26 - 1

1- همدلی و سازش نهانی با کافران ، دلیل ارتداد بیمار دلان منافق

إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدَوْا... ذَلِكَ بَأْتِهِمْ قَالُوا لِلَّذِينَ... سنطيعكم في بعض الأمر

برداشت بالا بنابراین نکته است که «ذلک» اشاره به ارتداد باشد - که از آیه قبل (إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدَوْا) استفاده می شود - و با توجه به این که مراد از «الذین کرهوا..» کافران معانداند.

17- سازش ناپذیری رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 74 - 8

8- رهبران دینی ، باید همواره بر مواضع اصولی خویش ثابت و استوار بوده و در برابر کافران و دشمنان ، سازش ناپذیر باشند .

ولولا أن ثبتتک لقد کدت ترکن إلیهم شیئاً قليلاً

18- سازش ناپذیری رهبری دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 19 - 26

26 - لزوم پابندی و اهتمام رهبران الهی به مبانی اصولی و سازش ناپذیری در آن

قل لا أشهد قل إنما هو إله وحد و إني بريء مما تشركون

گرچه محتوای آیه خطاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله) است، ولی مسلماً اختصاصی به شخص آن حضرت ندارد و قابل تعمیم به همه رهبران در تمامی عصرهاست.

ص: 178

19- سازش ناپذیری محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 8

8 - پیامبراسلام (صلی الله علیه و آله) موضع قاطع و سازش ناپذیری خود را - حتی در صورت تنها ماندن - به دشمنان اعلام کرد و آنان را از امید بستن به سازش و تسلیم مأیوس ساخت .

قل یقوم اعملوا علی مکانتکم ائی عمل فسوف تعلمون

20- سرزنش سازش با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 29 - 4

4- هر گونه سازش با خط کفر ، بیگانه با خط و راه پیامبراسلام (صلی الله علیه و آله)

محمّد . . . و الذین معه أشدّاء علی الکفّار

با استفاده از مفهوم آیه، برداشت بالا به دست می آید.

21- سرزنش سازش با متجاوزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 39 - 6

6 - برخورداری مؤمنان از روحیه عفو و گذشت ، نباید به مداهنه و سکوت در برابر متجاوزان منتهی شود .

و إذا ما غضبوا هم یغفرون . . . إذا أصابهم البغی هم ینتصرون

از ارتباط دو آیه، استفاده می شود که عفو و مغفرت مؤمنان، در غیر مورد ظلم و تجاوز است.

22- ظلم سازش در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 145 - 19

19 - پیشوایان دین اسلام در صورت سازش کردن با پیروان دیگر ادیان بر سر مسائل دینی ، از زمره ستگرانند .

ولئن اتبعت اهواءهم .. إنك إذا لمن الظلمين

ص: 179

23- علاقه به سازش محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 9 - 1

1 - علاقه شدید کافران تکذیب گر، به سازش کردن و نرمش نشان دادن پیامبر (صلی الله علیه و آله) با آنان و تلاش آنان در این راستا و دّوا لو تدهن فیدهنون

«إدهان» (مصدر «تدهن و یدهنون») به معنای مدارا و نرمش نشان دادن است. مقصود از آن در این آیه، سازش کردن پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مواضع عقیدتی خویش و سستی کردن آن حضرت در برخورد با کافران است. گفتنی است سازش کردن و سستی نمودن پیامبر (صلی الله علیه و آله) در امر رسالت، تنها یک علاقه و تمایل برای کافران نبود؛ بلکه همراه با تلاش و اقدامات گسترده بوده است.

24- عوامل سازش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 36 - 4

4- سرگرمی ها و خوشی های پوچ دنیا، از مهم ترین عوامل سستی در جهاد و تمایل به سازش با کافران

فلاتهنوا... إنّما الحیوه الدنيا لعب و لهو

خداوند، پس از نهی مؤمنان نسبت به سستی در جهاد و گرایش به سازش، به آنان لعب و لهو بودن دنیا را یادآوری کرده است. از مطلب استفاده می شود که سرگرمی های این دنیا، عاملی مهم در سستی و سازش با کفر است.

25- ممنوعیت سازش با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 9 - 3,4

3 - فرمان خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مبنی بر سازش نکردن با کافران تکذیب گر و نپذیرفتن هرگونه پیشنهاد سازش

فلاتطع المکذّبین . و دّوا لو تدهن فیدهنون

4 - سازش و نرمش نشان دادن با کافران، بر سر مسائل عقیدتی و مواضع اصولی، ممنوع است.

فلاتطع المکذّبین . و دّوا لو تدهن فیدهنون

26- ممنوعیت سازش در عقیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 9 - 4

4- سازش و نرمش نشان دادن با کافران ، بر سر مسائل عقیدتی و مواضع اصولی ، ممنوع است .

فلا تطع المكذبین . وادوا لوتدهن فیدهنون

ص: 180

27- نهی از سازش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 35 - 1

1- نهی الهی از سستی در مبارزه با دشمن و تن دادن به سازش

فلاتهنوا و تدعوا إلى السلم

ص: 181

11- سازماندهی

1- سازماندهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 52 - 9

9- تلاش عیسی (ع) برای تشکّل بخشیدن و سازماندهی به جبهه مؤمنان ، علیه جبهه کفر

فلما احسّ .. قال من انصاری الی الله

2- اهمیت سازماندهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 52 - 10، 11

10- نقش سازماندهی و تشکّل در پیشبرد اهداف

فلما احسّ .. قال من انصاری الی الله

جمله «قال من انصاری»، بیانگر تلاش عیسی (ع) برای سازماندهی است و طبعاً در پیشبرد هدف نقش داشته است.

11- لزوم تشکّل و جبهه گیری مؤمنان ، در قبال جبهه کفر

من انصاری الی الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 104 - 5

5- ضرورت ایجاد تشکّل در میان گروه های امرکننده به معروف و نهی کننده از منکر

ولتکن منکم امه یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر

«امّه» به جماعتی گفته می شود که دارای هدفی واحد باشند و لازمه این معنی، تشکّل آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- مائده - 5 - 56 - 7

7- رهبری و تشکیلات ، دارای نقشی عمده در دستیابی به پیروزی

و من یتول الله ورسوله و الذین ءامنوا فان حزب الله هم الغلبون

ص: 182

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 75 - 6

6 - تمرکز یافتن و تشکل داشتن ، وظیفه ای ضروری بر عهده اهل ایمان

و الذین ءامنوا من بعد و هاجروا

به نظر می رسد از اهداف اساسی قرآن در الزام مسلمانان صدر اسلام به هجرت، با توجه به شرایط آن دوران، تمرکز بخشیدن به اهل ایمان و تشکل دادن به نیروهای پراکنده بود.

3- سازماندهی اطلاعات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 83 - 9

9 - ایجاد تشکیلات خبری برای جمع آوری و ارزیابی خبر های سرنوشت ساز و عرضه آن ، از شؤن رهبری است .

و لو ردّوه .. لعلمه الذین یستنبطونه منهم

4- سازماندهی در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 172 - 3

3 - بازسازی مجدد سپاه اسلام توسط پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، پس از پراکندگی و شکست در جنگ احد

الذین استجابوا لله و الرسول من بعد ما اصابهم القرع

5- سازماندهی عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 52 - 9

9 - تلاش عیسی (ع) برای تشکل بخشیدن و سازماندهی به جبهه مؤمنان ، علیه جبهه کفر

فلما احسّ .. قال من انصاری الی الله

6- ساز ماندھی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 173 - 3

3 - تجمع دوباره مشرکان علیه مسلمانان ، پس از جنگ احد

انّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ

ص: 183

وقوع این آیه پس از بیان جنگ احد و نیز برخی از شأن نزولها مؤید این نظر است که آیه مورد بحث درباره وقایع پس از احد می باشد.

ص: 184

1- آثار تغییر فصل های سال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 10 - 6

6 - نقش مهم تغییر فصل ها ، در تأمین روزی موجودات زمین

وقدر فیها أقوتها فی أربعه آیام

برداشت یاد شده بدین احتمال است که «أربعه آیام» اشاره به فصل های چهارگانه داشته باشد.

2- اول ماه صفر سال دهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 5 - 1

1 - هلال ماه صفر سال دهم هجرت ، آغاز اجرای فرمان کشتن و منع عبور و مرور مشرکان و سلب آزادی سیر و سیاحت از آنان

فإذا انسلخ الأشهر الحرم فاقتلوا المشركين

توصیف «الأشهر» به «الحرم» حاکی از این است که: منظور از «أربعه أشهر» در آیه دوّم (فسیحوا فی الأرض أربعه أشهر) ماههای حرام سال ؛ یعنی، رجب، ذیقعد، ذیحجه و محرّم است. بر این مبنا «ال» در «الأشهر» برای عهد حضوری می باشد ؛ یعنی هنگامی که این سه ماه حرام - که اکنون با اعلام پیام برائت در روز حج اکبر مصادف شده است - پایان یافت، مشرکان را بکشید. گفتنی است که پایان آن سه ماه، مساوی با آغاز ماه صفر سال دهم هجرت بود.

3- پیدایش سال شمسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 29 - 17

17 - خورشید و ماه ، در مدار سالانه معینی است که با آن ، سال شمسی و قمری به وجود می آید . *

وسخّر الشمس والقمر کلّ یجری إلى أجل مسّی

احتمال دارد مراد از «أجل مسّی» به قرینه «الم تر» آخر سال شمسی و قمری باشد که خورشید، از نقطه فلکی برج

فرضی، در آغاز سال شروع می کند و در پایان یک سال، به آن نقطه می رسد و ماه نیز از نقطه ای شروع می کند و به همان مدار در طول یک سال می رسد.

4- پیدایش سال قمری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 29 - 17

17 - خورشید و ماه، در مدار سالانه معینی است که با آن، سال شمسی و قمری به وجود می آید. *

و سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلَّ يَجْرِي إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى

احتمال دارد مراد از «أجل مسمى» به قرینه «ألم تر» آخر سال شمسی و قمری باشد که خورشید، از نقطه فلکی برج فرضی، در آغاز سال شروع می کند و در پایان یک سال، به آن نقطه می رسد و ماه نیز از نقطه ای شروع می کند و به همان مدار در طول یک سال می رسد.

5- تعداد امتحان در سال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 126 - 3

3 - وجود یک یا دو آزمایش و ابتلای عمده برای هر انسان در هر سال، جهت به خود آمدن و بازگشت از انحراف

أولاً يرون أنهم يفتنون في كل عام مره أو مرتين

برداشت فوق مبتنی بر این است که اصل امتحان عمومی باشد، نه مخصوص به افرادی معین و ذکر منافقان به جهت عبرت نگرفتن از این برنامه عمومی می باشد.

6- تعداد ماههای سال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 36 - 17، 14

1 - از آغاز خلقت آسمان ها و زمین، شمار ماه ها دوازده ماه است.

إن عده الشهور عند الله اثنا عشر شهراً... يوم خلق السموت والأرض

4 - وجود ماه های دوازده گانه در یک سال، امری ثابت از آغاز پیدایش آسمان ها و زمین و نه نظمی که تدریجاً شکل گرفته باشد.

17 - از امام صادق (ع) درباره قول خدای عز و جل که می فرماید: « ان عدہ الشهور عند اللہ اثنا عشر شهراً . . . » روایت شده است: « المحرم و الصفر و ربیع الأول و ربیع الآخر و جمادى الأولى و جمادى الآخرة و رجب و شعبان و شهر رمضان و شوال و ذوالقعدة و ذوالحجه . من ها أربعة حرم ، عشرون من ذی الحجہ و المحرم و صفر و شهر ربیع الأول و عشر من شهر ربیع الآخر ;

این ماهها عبارتند از: محرم، صفر، ربیع الاول، ربیع الآخر، جمادی الاولى، جمادی الآخر، رجب، شعبان، ماه رمضان، شوال، ذی قعدة و ذی حجه. از این دوازده ماه چهار ماه حرام است و آنها عبارتند از: بیست روز آخر ذی حجه و تمام محرم و صفر و ماه ربیع الاول و ده روز از اول ربیع الآخر».

7- تغییر فصل های سال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 40 - 4

4 - تغییر فصل های سال ، جلوه ای دیگر از ربوبیت یگانه خداوند

ربِّ المشرق و المغرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 10 - 7

7 - کوه های استوار ، برکت سرشار زمین ، تغییر فصل ها و تأمین نیاز های غذایی موجودات ، از نشانه های ربوبیت بی همتای خدا

ذلک ربّ العلمین . و جعل فیها روسی من فوقها و برک فیها و قدرّ فیها أفتوها فی أرب

8- تغییر فصلهای سال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 6 - 2

2 - اختلاف شب و روز (کوتاه و بلند شدن هر یک از آن دو در طول سال) و تغییر فصل ها ، حاوی دلیلهایی روشن بر تدبیر و ربوبیت خدا نسبت به اهل زمین است .

إن فی اختلاف الّیل و النهار . . . لآیت

9- مبدأ سال در دوران شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 27 - 5

5 - موسم حج ، مبدأ سال در خانواده شعیب

علی أن تأجرنی ثمنی حجج

ص: 187

10- مسلمانان در سال نهم هجری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 28 - 5

5 - سال نهم هجری ، سال قدرت مسلمانان و استیلای آنان بر اداره مسجدالحرام

فلا یقربوا المسجد الحرام بعد عامهم هذا

اینکه مسلمانان در سال نهم هجری مکلف به این تکلیف الهی شدند - با اینکه اصل پلیدی مشرکان در گذشته نیز بوده است - نشان می دهد که در گذشته، اجرای آن میسر نبوده است.

11- منشأ پیدایش فصل های سال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 17 - 2

2 - نقش اساسی نقطه طلوع و غروب خورشید ، در پیدایش فصول و تأمین نیاز های بشر *

رَبِّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبِّ الْمَغْرِبِينَ

با توجه به این که پیدایش فصول هم زمان با تغییر میل خورشید در طلوع و غروب صورت می گیرد احتمال می رود یاد کرد «مشرقین و مغربین»، اشاره به پیامدهای مهم آن (پیدایش فصول) داشته باشد که بشر از این رهگذر، به امکانات زندگی دست می یابد.

12- منشأ تغییر فصل های سال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 6 - 1

1 - نظام تغییر فصول و کم و زیاد شدن ساعات شب و روز در طول سال ، تحت حاکمیت اراده خداوند

يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ

«إيلاج» (مصدر «يولج») به معنای داخل کردن است. برداشت یاد شده بدان احتمال است که مقصود از «يولج الليل في النهار» (شب را در روز داخل می کند)، این باشد که او از مقدار شب می کاهد و بر مقدار روز می افزاید و مقصود از «يولج النهار في الليل» (روز را در شب داخل می کند) این باشد که او از مقدار روز می کاهد و بر مقدار شب می افزاید.

13- نقش سال و ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 5 - 6

6 - سال و ماه قمری ، معیار محاسبات امور شرعی

و القمر نوراً و قدره منازل لتعلموا عدد السنين والحساب

ص: 188

14- وقایع سال نهم هجری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 28 - 4

4 - اعلان ممنوعیت ورود مشرکان به مسجدالحرام در سال نهم هجرت

فلا یقربوا المسجد الحرام بعد عامهم هذا

آیات سوره برائت - بنابر گفته مفسران - در مراسم حج سال نهم هجرت بر مشرکان خوانده شد.

سال و ماه

15- تعداد ماههای سال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 36 - 17، 4، 1

1 - از آغاز خلقت آسمان ها و زمین ، شمار ماه ها دوازده ماه است .

إن عدہ الشهور عند اللہ اثنا عشر شهراً .. یوم خلق السموت و الأرض

4 - وجود ماه های دوازده گانه در یک سال ، امری ثابت از آغاز پیدایش آسمان ها و زمین و نه نظمی که تدریجاً شکل گرفته باشد .

إن عدہ الشهور .. یوم خلق السموت و الأرض

17 - از امام صادق (ع) درباره قول خدای عز و جل که می فرماید : « ان عدہ الشهور عند اللہ اثنا عشر شهراً . . . » روایت شده است : « المحرم و الصفر و ربیع الأول و ربیع الآخر و جمادى الأولى و جمادى الآخرة و رجب و شعبان و شهر رمضان و شوال و ذوالقعدة و ذوالحجه . من ها أربعة حرم ، عشرون من ذی الحجه و المحرم و صفر و شهر ربیع الأول و عشر من شهر ربیع الآخر ؛

این ماهها عبارتند از: محرم، صفر، ربیع الاول، ربیع الاخر، جمادى الاولى، جمادى الآخر، رجب، شعبان، ماه رمضان، شوال، ذی قعدة و ذی حجه. از این دوازده ماه چهار ماه حرام است و آنها عبارتند از: بیست روز آخر ذی حجه و تمام محرم و صفر و ماه ربیع الاول و ده روز از اول ربیع الآخر».

16- تغییر فصلهای سال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- اختلاف شب و روز (کوتاه و بلند شدن هر یک از آن دو در طول سال) و تغییر فصل ها، حاوی دلیلهایی روشن بر تدبیر و ربوبیت خدا نسبت به اهل زمین است.

إن فی اختلاف الّیل والنهار... لأیت

ص: 189

17- قدمت ماههای دوازده گانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 36 - 1، 4

1 - از آغاز خلقت آسمان ها و زمین ، شمار ماه ها دوازده ماه است .

إن عدہ الشهور عند اللہ اثنا عشر شهراً .. یوم خلق السموت و الأرض

4 - وجود ماه های دوازده گانه در یک سال ، امری ثابت از آغاز پیدایش آسمان ها و زمین و نه نظمی که تدریجاً شکل گرفته باشد .

إن عدہ الشهور .. یوم خلق السموت و الأرض

18- نقش سال و ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 5 - 6

6 - سال و ماه قمری ، معیار محاسبات امور شرعی

و القمر نوراً و قدره منازل لتعلموا عدد السنین و الحساب

سالشماری

19- ابزار سالشماری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 96 - 3

3 - خداوند خورشید و ماه را وسیله ای برای محاسبه زمان و اندازه گیری آن قرار داده است.

و الشمس و القمر حسبانا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 5 - 5

5 - حرکت منظم ماه در مدار خود و منازل آن (هلال ، تربیع ، بدر و ...) وسیله ای مطمئن برای شمارش ماه و سال و محاسبه امور

زندگی انسانهاست .

و القمر نوراً و قدره منازل لتعلموا عدد السنين و الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 12 - 9

9- از فواید گردش شب و روز ، محاسبه زمان و سال شماری و آشنایی انسان با تاریخ است .

جعلنا آیه النهار .. لتعلموا عدد السنين و الحساب

ص: 190

1- استهزای سالکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 38 - 6

6- سالکان راه خدا و پیروان انبیا، در معرض تمسخر و استهزای کافران و دشمنان دین

کَلِمًا مَّرَّعَلِيهٖ مَلَأْمُن قَوْمِهٖ سَخِرُوا مِنْهٖ

2- اطاعت از سالکان راه خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 15 - 13، 10، 17

10 - باید از کسانی پیروی کرد که به سوی خدا حرکت می کنند .

جهداک علی أن تشرک بی ... فلا تطعهما ... و اتبع سبیل من أناب إلیّ

13 - انسان های خداجو، الگویی شایسته برای تبعیت اند .

و اتبع سبیل من أناب إلیّ

17 - توجه دادن انسان به محاسبه اعمال اش در نزد خداوند، زمینه ساز پابندی وی به توحید و پیروی کردن از انسان های خداجو است .

و إن جهداک علی أن تشرک بی ... فلا تطعهما ... و اتبع سبیل من أناب إلیّ ثمّ إلیّ

3- تقرب سالکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 90 - 9

9- آمرزش گناه استغفارکنندگان و باریافتن سالکان به درگاه الهی، پرتوی از رحمت، مهربانی و محبت خداوند به بندگان است .

واستغفروا ربکم ثم توبوا إلیه إن ربی رحیم ودود

4- رستگاری سالکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 9 - 1

1 - پاک سازندگان و رشد دهندگان روح خویش ، اهل نجات اند و به هدف اصلی دست یافته و همواره در خوبی خواهند ماند .

قد أفلح من زكّيتها

«زکاه» در لغت عرب، در اصل به معنای «طهارت»، «نمو»، «برکت» و «ستودن» است (نهایه ابن اثیر) معنای اول و دوم، با آیه شریفه تناسب بیشتری دارد. «فلاح»؛ یعنی، پیروزمندی و رسیدن به مقصود (مفردات) و به معنای نجات و باقی ماندن در خوبی (قاموس) نیز آمده است.

5- سالکان صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 16 - 10

10 - انسانها بر اساس طینت اولی خویش سالکان صراط مستقیم الهی هستند.

لأقعدن لهم صراطك المستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 17 - 11

11 - شکرگزاران، رهپویان صراط مستقیم الهی هستند.

لأقعدن لهم صراطك المستقیم .. لاتجد أكثرهم شکرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 32 - 9

9 - برخی انسان ها ، پس از رهایی از مشکلات و سختی های شدید ، در صراط مستقیم الهی باقی می مانند .

وإذا غشيهم موج .. دعوا الله ... فلما نجّيهم إلى البرّ فمنهم مقتصد

«قصد» ریشه «مقتصد» به معنای «راه راست و میانه» است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 118 - 4، 2، 1

1 - موسی و هارون (علیهما السلام) بر صراط مستقیم در پرتو هدایت خداوند

و هدیٰنهما الصراط المستقیم

2 - هدایت به صراط مستقیم، از نعمت های بزرگ خداوند به موسی و هارون (علیهما السلام)

و لقد منّا علی موسی و هرون... و هدیٰنهما الصراط المستقیم

4 - در صراط مستقیم بودن، از ویژگی های رسولان الهی

ص: 192

6- كينه با سالكان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

6 - اعراف - 7 - 86 - 11

11 - از ياد بردن نعمت هاي خداوند ، زمينه ساز كينه توزي با پيامبران و سالكان راه خداست .

و لاتتعدوا .. و اذكروا اذ كنتم قليلا فكثركم

7- ويژگيهاي سالكان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

7 - يونس - 10 - 84 - 10

10 - راه يافتگان از مرحله ايمان به مقام تسليم ، بر توكل به خدا توانمندند .

ان كنتم ءامنتم بالله فعليه توكلوا ان كنتم مسلمين

ص: 193

1- آثار ارتداد سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 96 - 6

6 - ارتداد سامری ، سبب انحراف بنی اسرائیل بود .

فبذتها

2- آثار پیروی از سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 86 - 9

9 - پیروی بنی اسرائیل از سامری و بی توجهی آنان به وعده الهی ، زمینه ساز گرفتاری آنان به غضب خداوند بود .

و أضلّهم السامریّ . . . أم أردتم أن يحلّ عليكم غضب من ربكم

«أم» در این آیه منقطعه است و مفاد عبارت «أم أردتم» این است که دلیل گوساله پرستی شما، تأخیر وعده نبود؛ بلکه شما به گونه ای عمل کردید که علاقه مندان به غضب الهی عمل می کنند. بنابراین، جمله «أردتم...» استعاره است و نمای کار آنان را نشان می دهد.

3- آثار هواپرستی سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 96 - 8

8 - فریب کاری های نفس و جلوه پردازی های نفسانی ، وادار کننده سامری به ایجاد انحراف گوساله پرستی در بنی اسرائیل بود .

و كذلك سوّلت لی نفسی

«کذلک» در این موارد برای تشبیه چیزی به خود آن است. بنابراین مراد سامری از این تشبیه، این است که برای تسویلات نفسانی من، مثالی بهتر از همین تسویل - که دعوت مردم به گوساله پرستی است - وجود ندارد.

4- ابزار اضلال سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 96 - 4

4 - سوء استفاده از دین و تعالیم آسمانی ، برای گمراه ساختن بنی اسرائیل و ترویج گوساله پرستی در بین آنان ، از جمله اعترافات سامری در نزد موسی (ع)

فبذتها

«نبذ» در «نبذتها»، ممکن است در معنای حقیقی آن؛ یعنی، دورافکندن آثار رسالت به کار رفته باشد و نیز ممکن است مجاز و به معنای سوء استفاده از تعالیم رسولان الهی باشد. براساس معنای دوم، سامری اعتراف می کند که با استفاده نابه جا از آموخته های خویش، آن را ضایع ساخته و نابود کرده است.

5- ادعاهای سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 96 - 1

1 - سامری ، مدعی داشتن دیدی ممتاز و درک حقایق و دانستنی هایی که دیگران بر آن آگاهی نداشتند .

قال بصرت بما لم يبصروا به

فعل «بصر» زمانی در مورد دیدن با چشم می رود که درک قلبی نیز ضمیمه آن شده باشد و استعمال آن در مواردی که فاقد درک قلبی است، بسیار کم است (مفردات راغب). در این که مراد سامری از این سخن چه بوده، احتمالاتی ذکر شده است؛ از جمله این که من به فنون و حقایقی آگاهی یافتم که زمینه ساز استفاده بیشتر من از آثار رسالت شده بود و دیگران از آن زمینه محروم بودند.

6- اضلال سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 85 - 4

4 - سامری ، موجب گمراهی بنی اسرائیل در غیاب موسی (ع) شد .

و أضلّهم السامريّ

«سامری» نام شخصی است که از قوم بنی اسرائیل بود و موجب گمراهی آنان گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 95 - 2

2- پرسش از انگیزه و هدف سامری در ساختن گوساله زرین و گمراه ساختن مردم، از موارد بازخواست موسی (ع) از سامری

فما خطبک یس-مری

ص: 195

«خطب» - نزد برخی لغت دانان - به معنای «سبب الأمر» است (لسان العرب). زمخشری آن را به معنای «طلب» دانسته است. در نتیجه «ماخطبک»؛ یعنی، سبب کار تو یا مطلوب و خواسته تو چه بوده است؟ معانی «شأن» و «أمر» نیز از جمله معانی ذکر شده برای این کلمه است (قاموس).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 96 - 8, 7, 5

5 - سامری ، با بی اعتنایی به آموخته های ویژه و الهی خود و دورافکندن آنها ، به ساختن گوساله و گمراه سازی مردم پرداخت .

فبذتها و کذلک سوئلت لی نفسی

از جمله معانی محتمل در آیه بالا، این است که مراد از «بذتها» بی اعتنایی به آموخته ها (بصرت.. قبضت) باشد؛ یعنی، اعتراف سامری چنین بوده است که من دانش و آموخته های الهی خود را - که از رسولان فراگرفته بودم - به دور افکندم و در پی آن مفتون نفس خویش شده انجام دادم آنچه کردم.

7 - خطاکاری و تسویل نفس (تزین داده شدن عمل از سوی نفس) ، از جمله اعترافات سامری در هنگام محاکمه

قال بصرت .. و کذلک سوئلت لی نفسی

«تسویل» به معنای نیکو و زیبا جلوه دادن و محبوب ساختن چیزی در دیدگاه دیگری است، تا او وادار به گفتن سخنی مخصوص و یا انجام کاری خاص شود (لسان العرب). برخی نیز آن را از «سول» به معنای استرخا (نرمی و آسانی) مشتق دانسته و به معنای آسان ساختن گرفته اند.

8 - فریب کاری های نفس و جلوه پردازی های نفسانی ، وادار کننده سامری به ایجاد انحراف گوساله پرستی در بنی اسرائیل بود .

و کذلک سوئلت لی نفسی

«کذلک» در این موارد برای تشبیه چیزی به خود آن است. بنابراین مراد سامری از این تشبیه، این است که برای تسویلات نفسانی من، مثالی بهتر از همین تسویل - که دعوت مردم به گوساله پرستی است - وجود ندارد.

7- اعراض از سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 90 - 15

15 - هارون در غیاب موسی (ع) ، بنی اسرائیل را به ترک تبعیت سامری ، و پیروی و اطاعت از خود فرا خواند .

لقد قال لهم هرون من قبل . . . فاتَّبِعُونِي وَاطِيعُوا أَمْرِي

8- اقرار سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 96 - 4,7

4 - سوء استفاده از دین و تعالیم آسمانی ، برای گمراه ساختن بنی اسرائیل و ترویج گوساله پرستی در بین آنان ، از جمله اعترافات سامری در نزد موسی (ع)

ص: 196

«نبد» در «نبدتها»، ممکن است در معنای حقیقی آن؛ یعنی، دورافکندن آثار رسالت به کار رفته باشد و نیز ممکن است مجاز و به معنای سوء استفاده از تعالیم رسولان الهی باشد. براساس معنای دوم، سامری اعتراف می کند که با استفاده نابه جا از آموخته های خویش، آن را ضایع ساخته و نابود کرده است.

7 - خطاکاری و تسویل نفس (تزیین داده شدن عمل از سوی نفس) ، از جمله اعترافات سامری در هنگام محاکمه

قال بصرت . . . و کذلک سوّلت لی نفسی

«تسویل» به معنای نیکو و زیبا جلوه دادن و محبوب ساختن چیزی در دیدگاه دیگری است، تا او وادار به گفتن سخنی مخصوص و یا انجام کاری خاص شود (لسان العرب). برخی نیز آن را از «سول» به معنای استرخا (نرمی و آسانی) مشتق دانسته و به معنای آسان ساختن گرفته اند.

9- القای گوساله سامری در دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 97 - 11، 12

11 - سوزاندن گوساله سامری به طور کامل و محو اثر آن و افشاندن سوخته آن به دریا ، تصمیم قطعی و مؤکد موسی (ع) در باره گوساله زرّین سامری

وانظر إلى إلهك . . . لنحرقتّه ثمّ لنسفنه في اليمّ نسفاً

«تحریق» (مصدر «لنحرقتّه») به معنای زیاد سوزاندن است (مصباح). «نسف» به معنای از ریشه برکندن و منهدم ساختن و به هوا افشاندن است (قاموس). گفتنی است که معنای اخیر در آیه مناسب تر به نظر می رسد، بنابراین «ثمّ لنسفنه...» ؛ یعنی، پس از سوزاندن گوساله (ذوب کردن و تبدیل آن به قطعات ریز) سوخته آن را به دریا خواهیم پاشید.

12 - سوزاندن گوساله سامری و ریختن سوخته آن به دریا ، در برابر دیدگان سامری و دیگر مردم انجام گرفت .

وانظر . . . لنحرقتّه ثمّ لنسفنه في اليمّ

«انظر» فرمان موسی(ع) به سامری است و ظاهر آن است که مقصود، مشاهده مراسم سوزاندن و به دریا ریختن باشد. ضمیرهای جمع در «لنحرقتّه» و «لنسفنه»، گویای حضور مردم در آن صحنه است.

10- امتحان با گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- فتنه و امتحان بودن گوساله زرین سامری ، از جمله هشدارهایی که هارون به بنی اسرائیل داده بود .

و لقد قال لهم هرون . . . إنما فتنتم به

11- انگیزه مجسمه سازی سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 197

2- پرسش از انگیزه و هدف سامری در ساختن گوساله زرین و گمراه ساختن مردم، از موارد بازخواست موسی (ع) از سامری

فما خطبک یس-مری

«خطب» - نزد برخی لغت دانان - به معنای «سبب الأمر» است (لسان العرب). زمخشری آن را به معنای «طلب» دانسته است. در نتیجه «ماخطبک»؛ یعنی، سبب کار تو یا مطلوب و خواسته تو چه بوده است؟ معانی «شأن» و «أمر» نیز از جمله معانی ذکر شده برای این کلمه است (قاموس).

12- بینش پیروان سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 88 - 13

13 - موسی (ع) در دیدگاه و تبلیغات سامریان، رهبری فراموش کار حتی در اصولی ترین مسائل اعتقادی

فقالوا هذا إلهکم و إله موسی فنیسی

13- بینش سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 88 - 13

13 - موسی (ع) در دیدگاه و تبلیغات سامریان، رهبری فراموش کار حتی در اصولی ترین مسائل اعتقادی

فقالوا هذا إلهکم و إله موسی فنیسی

14- پیروان سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 88 - 7

7- گروهی از بنی اسرائیل در معرفی کردن گوساله زرین به عنوان معبود، با سامری همراهی و هم کاری داشتند.

عجلاً... فقالوا هذا إلهکم و إله موسی

فعل جمع «قالوا» می رساند که عده ای در اطراف سامری مجتمع گشته و مرام او را ترویج می کردند. یا این که از گذشته با او هم کاری و

هم فکری داشتند و در زمان نمایش دادن گوساله، به ترویج عقیده باطل خود پرداختند.

15- تبعید سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 198

1 - موسی (ع) در پی محاکمه سامری، وی را به خروج فوری از جامعه و انزوا و قطع رابطه با مردم در طول زندگی محکوم کرد.

قال فاذهب فإن لك في الحيوة أن تقول لامساس

فا در «فاذهب» علاوه بر ترتب فرمان رفتن بر محکومیت سامری، بر فوریت آن نیز دلالت دارد. «امساس» مصدر باب مفاعله است و «لامساس» به معنای نفی هرگونه تماس و برخورد است؛ یعنی، تو در زندگانی خود، سزاوار سرنوشتی هستی که سخن اول و آخر تو خبر دادن از بی کسی خود و نبود هرگونه تماس گیرنده ای با تو باشد.

16- نهمتهای پیروان سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 88 - 10، 9

9 - سامری و پیروان او، به دروغ مدعی فراموش شدن معرفی گوساله به عنوان معبود، از جانب موسی (ع) شدند.

هذا إلهكم وإله موسى فنسى

در باره مرجع ضمیر فاعلی «نسی» دو احتمال وجود دارد: 1- مرجع موسی (ع) باشد. 2- مرجع سامری باشد. برداشت یاد شده براساس احتمال اول است.

10 - سامری و طرفداران و مبلغان او، پرستش گوساله را از جمله عقاید موسی (ع) وانمود کردند.

فقالوا هذا إلهكم وإله موسى فنسى

17- نهمتهای سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 88 - 10، 9

9 - سامری و پیروان او، به دروغ مدعی فراموش شدن معرفی گوساله به عنوان معبود، از جانب موسی (ع) شدند.

هذا إلهكم وإله موسى فنسى

در باره مرجع ضمیر فاعلی «نسی» دو احتمال وجود دارد: 1- مرجع موسی (ع) باشد. 2- مرجع سامری باشد. برداشت یاد شده براساس احتمال اول است.

10 - سامری و طرفداران و مبلغان او ، پرستش گوساله را از جمله عقاید موسی (ع) وانمود کردند .

فقالوا هذا إلهكم وإله موسى فنسى

18- جنس گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 88 - 1

1 - سامری ، از زیورآلات به دور ریخته شده بنی اسرائیل ، تندیسى به شكل گوساله نر ساخت و آن ارائه کرد .

ص: 199

فأخرج لهم عجلاً جسداً

«عجل»؛ یعنی، گوساله نر. توصیف «عجلاً» به «جسداً» بیانگر این نکته است که گوساله به شکل تندیس بود؛ نه این که گوساله واقعی باشد. جمله «فأخرج لهم...» ممکن است کلام خداوند باشد و احتمال می رود ادامه سخن بنی اسرائیل باشد. در صورت دوم، مراد گویندگان - به قرینه گفتن «لهم» نه «لنا» - تبرئه خود از پرستش گوساله است.

19- جنسیت گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 88 - 1

1 - سامری ، از زیورآلات به دور ریخته شده بنی اسرائیل ، تندیس به شکل گوساله نر ساخت و آن ارائه کرد .

فأخرج لهم عجلاً جسداً

«عجل»؛ یعنی، گوساله نر. توصیف «عجلاً» به «جسداً» بیانگر این نکته است که گوساله به شکل تندیس بود؛ نه این که گوساله واقعی باشد. جمله «فأخرج لهم...» ممکن است کلام خداوند باشد و احتمال می رود ادامه سخن بنی اسرائیل باشد. در صورت دوم، مراد گویندگان - به قرینه گفتن «لهم» نه «لنا» - تبرئه خود از پرستش گوساله است.

20- حتمیت کیفر اخروی سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 97 - 6

6 - سامری علاوه بر کیفر دنیوی ، مجازاتی حتمی و تخلف ناپذیر نیز در آخرت خواهد داشت .

لک فی الحیوه . . . و إن لک موعداً لن تخلفه

«موعد» در معانی «وعده»، «زمان وعده»، و «مکان وعده» استعمال می شود و مقصود از آن برحسب ظاهر، عذاب موعود در قیامت است.

21- دروغگویی پیروان سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 88 - 9

9 - سامری و پیروان او ، به دروغ مدعی فراموش شدن معرفی گوساله به عنوان معبود ، از جانب موسی (ع) شدند .

هذا إلهكم وإله موسى فنسى

در باره مرجع ضمیر فاعلی «نسی» دو احتمال وجود دارد: 1- مرجع موسی (ع) باشد. 2- مرجع سامری باشد. برداشت یاد شده براساس احتمال اول است.

ص: 200

22- دروغگویی سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 88 - 9

9- سامری و پیروان او، به دروغ مدعی فراموش شدن معرفی گوساله به عنوان معبود، از جانب موسی (ع) شدند.

هذا إلهكم وإله موسى فَنسِي

در باره مرجع ضمیر فاعلی «نسی» دو احتمال وجود دارد: 1- مرجع موسی (ع) باشد. 2- مرجع سامری باشد. برداشت یاد شده براساس احتمال اول است.

23- دوراندازی زیورآلات سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 87 - 9، 10

9- بنی اسرائیل، شاهد دست زدن سامری به اقدامی مشابه با حرکت عمومی بنی اسرائیل در به دور افکندن غنیمت های به جا مانده از فرعونیان

فَقَذَفْنَهَا فَكَذَلِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ

«كذلك»؛ یعنی، مانند آنچه ما انجام دادیم. این توصیف گویای آن است که سامری در حضور بنی اسرائیل و همانند آنان، عمل کرده و چیزهایی را دور انداخته بود.

10 - اقدام سامری در دور افکندن اشیای خویش، پس از آن بود که بنی اسرائیل غنیمت های همراه خویش را دور ریخته بودند.

فَكَذَلِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ

24- روانشناسی سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 88 - 4

4- سامری، فردی ماهر در فن مجسمه سازی و آشنا به نقاط ضعف فکری بنی اسرائیل بود.

فَأَخْرَجَ لَهُمْ عَجَلًا جَسَدًا لَهُ خِوَار

تعبیر «گوساله ای در آورد» حاکی از شدت شباهت مجسمه گوساله، به شکل حقیقی آن است.

25- روش تبلیغ سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 96 - 4

4 - سوء استفاده از دین و تعالیم آسمانی ، برای گمراه ساختن بنی اسرائیل و ترویج گوساله پرستی در بین آنان ، از جمله اعترافات سامری در نزد موسی (ع)

ص: 201

«نبذ» در «نبذتها»، ممکن است در معنای حقیقی آن؛ یعنی، دورافکندن آثار رسالت به کار رفته باشد و نیز ممکن است مجاز و به معنای سوء استفاده از تعالیم رسولان الهی باشد. براساس معنای دوم، سامری اعتراف می کند که با استفاده نابه جا از آموخته های خویش، آن را ضایع ساخته و نابود کرده است.

26- روش نابودی گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 97 - 14

14 - تراشیدن و تبدیل گوساله سامری به براده ها و خرده فلزهایی بی مصرف و پراکنده ساختن آن در آب دریا، برنامه موسی (ع) در ریشه کن ساختن انحراف گوساله پرستی بنی اسرائیل

لنحرقتّه

از معنای ذکر شده برای «حرق» و «تحریق»، سوهان کاری کردن و ساییدن است و «تحریق» بر متوالی بودن و شدت بیشتر آن دلالت دارد (لسان العرب). برداشت یاد شده بر مبنای این معنا استفاده شده است.

27- سوء استفاده سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 96 - 4

4 - سوء استفاده از دین و تعالیم آسمانی، برای گمراه ساختن بنی اسرائیل و ترویج گوساله پرستی در بین آنان، از جمله اعترافات سامری در نزد موسی (ع)

فنبذتها

«نبذ» در «نبذتها»، ممکن است در معنای حقیقی آن؛ یعنی، دورافکندن آثار رسالت به کار رفته باشد و نیز ممکن است مجاز و به معنای سوء استفاده از تعالیم رسولان الهی باشد. براساس معنای دوم، سامری اعتراف می کند که با استفاده نابه جا از آموخته های خویش، آن را ضایع ساخته و نابود کرده است.

28- سوزاندن گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - سوزاندن گوساله سامری به طور کامل و محو اثر آن و افشاندن سوخته آن به دریا، تصمیم قطعی و مؤکد موسی (ع) در باره گوساله زّین سامری

وانظر إلى إلهك . . . لنحرقتّه ثمّ لنسفنه في اليمّ نسفاً

«تحریق» (مصدر «لنحرقتّه») به معنای زیاد سوزاندن است (مصباح). «نسف» به معنای از ریشه برکندن و منهدم ساختن و به هوا افشاندن است (قاموس). گفتنی است که معنای اخیر در آیه مناسب تر به نظر می رسد، بنابراین «ثمّ لنسفنه...»؛

ص: 202

یعنی، پس از سوزاندن گوساله (ذوب کردن و تبدیل آن به قطعات ریز) سوخته آن را به دریا خواهیم پاشید.

12 - سوزاندن گوساله سامری و ریختن سوخته آن به دریا، در برابر دیدگان سامری و دیگر مردم انجام گرفت.

وانظر... لنحرقتہ ثم لنسفنہ فی الیم

«انظر» فرمان موسی(ع) به سامری است و ظاهر آن است که مقصود، مشاهده مراسم سوزاندن و به دریا ریختن باشد. ضمیرهای جمع در «لنحرقتہ» و «لنسفنہ»، گویای حضور مردم در آن صحنه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 93 - 22

22 - از امام باقر (ع) درباره سخن خداوند که فرموده: « و اشربوا فی قلوبہم العجل بکفرہم » روایت شده که فرموده است: « فعمد موسی (ع) فبرد العجل من أنفہ الی طرف ذنبہ ثم احرقہ بالنار فذرہ فی الیم قال: فکانت احدہم لیقع فی الماء و ما بہ إلیہ من حاجہ فیتعرض بذالک للرماد فیشر بہ و هو قول اللہ: و اشربوا فی قلوبہم العجل بکفرہم »

موسی(ع) قصد [نابودی] گوساله [سامری] را نمود؛ پس او را با سوهان از بینی تا دم برید. سپس او را در آتش سوزاند و خاکسترش را به دریا ریخت. در این هنگام بعضی از گوساله پرستان وارد آب شده در حالی که نیازی به آب هم نداشتند و قصد آنان خاکستر گوساله بود. پس خاکستر [مخلوط با آب را] می نوشیدند و این سخن خداست که می فرماید: و اشربوا فی قلوبہم العجل بکفرہم».

29- شخصیت سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 88 - 4

4 - سامری، فردی ماهر در فن مجسمه سازی و آشنا به نقاط ضعف فکری بنی اسرائیل بود.

فأخرج لهم عجلاً جسداً له خوار

تعبیر «گوساله ای در آورد» حاکی از شدت شباهت مجسمه گوساله، به شکل حقیقی آن است.

30- صدای گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 88 - 3

3 - تندیس گوساله زرین سامری، نعره ای همانند بانگ گوساله داشت.

فأخرج لهم عجلاً جسداً له خوار

«خوار»؛ یعنی، صدای بلند گاو و گوساله (لسان العرب). از آن جا که تندیس ساخته شده سامری به شکل گوساله بود، پیدا است که صدای آن نیز همانند صدای گوساله بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 89 - 6

6 - صدای خارج شده از گوساله سامری ، خالی از هرگونه مفهوم لفظی بود .

ص: 203

له خوار .. أفلايرون أليرجع إليهم قولاً

31- طرد سامري

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

11 - طه - 20 - 97 - 3,4,6

3 - ابتلاي سامري به مردم گريزي و گريز مردم از وي ، پي آمد نفرين موسي (ع) در حق او بود .

إنّ لك في الحيوه أن تقول لامساس

محتمل است «إنّ لك في الحياه..» نفرين موسي (ع) در حق سامري باشد؛ يعني، آن كه سامري به بيماري روحي و يا جسمي خاصي مبتلا گردد، كه از مردم بگريزد و مردم نيز از او گريز داشته باشند.

4 - قطع رابطه با مردم و منزوي و مطرود جامعه شدن ، كيفري سزاوار براي سامري

قال فاذهب فإنّ لك .. لامساس

لام در «لك» بر استحقاق سامري دلالت دارد و با توجه به «نبذتها» (در آيه قبل) مي توان گفت: رانده شدن از جامعه، كيفري مناسب براي گناه دور انداختن آثار رسالت از سوي سامري است.

6 - سامري علاوه بر كيفر دنيايي ، مجازاتي حتمي و تخلف ناپذير نيز در آخرت خواهد داشت .

لك في الحيوه .. و إنّ لك موعداً لن تخلفه

«موعد» در معاني «وعده»، «زمان وعده» و «مكان وعده» استعمال مي شود و مقصود از آن برحسب ظاهر، عذاب موعود در قيامت است.

32- عجز گوساله سامري

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

11 - طه - 20 - 89 - 1

1 - گوساله سامري ، پيكره اي عاجز از پاسخ گويي و ناتوان از نفع و ضرر رسانی

أفلايرون أليرجع إليهم قولاً ولايملك لهم ضرراً ولا نفعاً

«رجوع» در كلام فصيح عرب به صورت متعدي نيز استعمال مي شود (مصباح) و «لايرجع..»؛ يعني گوساله، گفته اي را به آنان باز نمي

گرداند و به آنان پاسخی نمی دهد و «لایملک...»؛ یعنی، گوساله، مالک نفع و ضرر آنان نیست.

33- علم سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 96 - 1,2

1 - سامری، مدعی داشتن دیدی ممتاز و درک حقایق و دانستنی هایی که دیگران بر آن آگاهی نداشتند.

قال بصرت بما لم يبصروا به

فعل «بصر» زمانی در مورد دیدن با چشم می رود که درک قلبی نیز ضمیمه آن شده باشد و استعمال آن در مواردی که فاقد

ص: 204

درک قلبی است، بسیار کم است (مفردات راغب). در این که مراد سامری از این سخن چه بوده، احتمالاتی ذکر شده است؛ از جمله این که من به فنون و حقایق آگاهی یافته‌ام که زمینه ساز استفاده بیشتر من از آثار رسالت شده بود و دیگران از آن زمینه محروم بودند.

2- سامری، از دانش و مزیتی علمی بر بنی اسرائیل برخوردار بود.

قال بصرت بما لم يبصروا به

34- غفلت سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 88 - 14

14 - سامری، فردی ناسپاس در برابر نعمت های خداوند و بی توجه به الطاف و کمک های ویژه او

فنسی

چنانچه ضمیر فاعلی «نسی» به سامری برگردد، مراد از فراموشی سامری، بی توجهی او به عنایات الهی در نجات از فرعونیان و نزول «منّ و سلوی» و نظایر آن خواهد بود.

35- فضایل سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 96 - 2

2- سامری، از دانش و مزیتی علمی بر بنی اسرائیل برخوردار بود.

قال بصرت بما لم يبصروا به

36- فلسفه نابودی گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 98 - 1

1 - متذکر ساختن مردم به توحید در پرستش، هدف موسی (ع) از منهدم ساختن و خرد کردن گوساله سامری

لنحرّقنه .. إنّما إلهکم الله

برحسب ظاهر، این آیه ادامه سخن موسی (ع) با قوم خویش است. ارائه این بیانات، پس از محاکمه سامری و محکومیت وی و نیز تصمیم

به نأبود ساختن گوساله او، نتیجه گیری از مجموع واقعه و حاکی از این نکته است که موسی (ع) برای اخذ این نتیجه (ابطال شرک و اثبات توحید)، آن مقدمات را به کار گرفته بود.

ص: 205

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 95 - 1,2

1 - موسی (ع)، پس از توبیخ بنی اسرائیل و برخورد شدید با هارون (ع) با مشاهده دخالت مستقیم سامری در گوساله پرستی بنی اسرائیل، به بازخواست و محاکمه او پرداخت.

قال فما خطبک یس-مری

2 - پرسش از انگیزه و هدف سامری در ساختن گوساله زرّین و گمراه ساختن مردم، از موارد بازخواست موسی (ع) از سامری

فما خطبک یس-مری

«خطب» - نزد برخی لغت دانان - به معنای «سبب الأمر» است (لسان العرب). زمخشری آن را به معنای «طلب» دانسته است. در نتیجه «ماخطبک»؛ یعنی، سبب کار تو یا مطلوب و خواسته تو چه بوده است؟ معانی «شأن» و «أمر» نیز از جمله معانی ذکر شده برای این کلمه است (قاموس).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 96 - 3,4,5,6,7

3 - سامری، به کمک علم و آگاهی خود، به اندکی از آثار و تعالیم یکی از رسولان الهی دست یافت و بخشی از آن را در اختیار گرفت.

بصرت... فقتضیت قبضه من أثر الرسول

محتمل است مراد از «أثر الرسول» دانش و اسراری باشد که در دست موسی و هارون(ع) و یا پیامبران پیش از آن دو بوده است؛ که گوشه ای از آن به دست سامری افتاده بود و وی با تسویلات نفسانی، آن را در راه گمراه ساختن مردم به کار گرفته بود. «ال» در «الرسول» دلالت دارد که فرد مورد نظر سامری، برای حضرت موسی(ع) نیز شناخته شده بود؛ ولی گویا سامری به منظور پی نبردن دیگران به حقیقت ماجرا، نام رسول و اثر او را برای عموم بنی اسرائیل مشخص نداشت.

4 - سوء استفاده از دین و تعالیم آسمانی، برای گمراه ساختن بنی اسرائیل و ترویج گوساله پرستی در بین آنان، از جمله اعترافات سامری در نزد موسی (ع)

فنبذتها

«نبذ» در «نبذتها»، ممکن است در معنای حقیقی آن؛ یعنی، دورافکندن آثار رسالت به کار رفته باشد و نیز ممکن است مجاز و به معنای سوء استفاده از تعالیم رسولان الهی باشد. براساس معنای دوم، سامری اعتراف می کند که با استفاده نابه جا از آموخته های خویش، آن را

ضایع ساخته و نابود کرده است.

5- سامری، با بی اعتنایی به آموخته های ویژه و الهی خود و دورافکندن آنها، به ساختن گوساله و گمراه سازی مردم پرداخت.

فبذتها و کذلک سؤلت لی نفسی

از جمله معانی محتمل در آیه بالا، این است که مراد از «فبذتها» بی اعتنایی به آموخته ها (بصرت.. قبضت) باشد؛ یعنی، اعتراف سامری چنین بوده است که من دانش و آموخته های الهی خود را - که از رسولان فراگرفته بودم - به دور افکندم و در پی آن مفتون نفس خویش شده انجام دادم آنچه کردم.

6- ارتداد سامری، سبب انحراف بنی اسرائیل بود.

فبذتها

7- خطاکاری و تسویل نفس (تزیین داده شدن عمل از سوی نفس)، از جمله اعترافات سامری در هنگام محاکمه

ص: 206

«تسویل» به معنای نیکو و زیبا جلوه دادن و محبوب ساختن چیزی در دیدگاه دیگری است، تا او وادار به گفتن سخنی مخصوص و یا انجام کاری خاص شود (لسان العرب). برخی نیز آن را از «سول» به معنای استرخا (نرمی و آسانی) مشتق دانسته و به معنای آسان ساختن گرفته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 97 - 10، 9، 3، 1

1 - موسی (ع) در پی محاکمه سامری، وی را به خروج فوری از جامعه و انزوا و قطع رابطه با مردم در طول زندگی محکوم کرد.

قال فاذهب فإنّ لك في الحيوة أن تقول لا مساس

فا در «فاذهب» علاوه بر ترتب فرمان رفتن بر محکومیت سامری، بر فوریت آن نیز دلالت دارد. «مساس» مصدر باب مفاعله است و «لامساس» به معنای نفی هرگونه تماس و برخورد است؛ یعنی، تو در زندگانی خود، سزاوار سرنوشتی هستی که سخن اول و آخر تو خبر دادن از بی کسی خود و نبود هرگونه تماس گیرنده ای با تو باشد.

3 - ابتلائی سامری به مردم گریزی و گریز مردم از وی، پی آمد نفرین موسی (ع) در حق او بود.

إنّ لك في الحيوة أن تقول لا مساس

محتمل است «إنّ لك في الحياه..» نفرین موسی (ع) در حق سامری باشد؛ یعنی، آن که سامری به بیماری روحی و یا جسمی خاصی مبتلا گردد، که از مردم بگریزد و مردم نیز از او گریز داشته باشند.

9 - سامری، خود نیز گوساله دست ساز خود را می پرستید.

وانظر إلى إلهك الذي ظلت عليه عاكفاً

«إلهك» علاوه بر تحقیر معبود سامری، دلالت بر آن دارد که او خود نیز آن را به عنوان «إله» پذیرفته بود.

10 - سامری، خود را به مواظبت کامل از گوساله دست ساز خود، ملزم ساخته بود و همواره در کنار آن به سر می برد.

ظلت عليه عاكفاً

«ظلت»، تخفیف یافته «ظلمت» (مداومت داشتی) است. «عكوف» به معنای ملازم چیزی بودن و سرکشی دائم از آن است (مصباح) و «ظلت عليه عاكفاً»؛ یعنی، به آن توجه فراوان داشتی و مدام دیدار خود را با آن تازه می کردی.

1 - موسی (ع) در پی محاکمه سامری، وی را به خروج فوری از جامعه و انزوا و قطع رابطه با مردم در طول زندگی محکوم کرد.

قال فاذهب فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ

فا در «فاذهب» علاوه بر ترتب فرمان رفتن بر محکومیت سامری، بر فوریت آن نیز دلالت دارد. «مساس» مصدر باب مفاعله است و «لامسّاس» به معنای نفی هرگونه تماس و برخورد است؛ یعنی، تو در زندگانی خود، سزاوار سرنوشتی هستی که سخن اول و آخر تو خبر دادن از بی کسی خود و نبود هرگونه تماس گیرنده ای با تو باشد.

ص: 207

39- کفران سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 88 - 14

14 - سامری ، فردی ناسپاس در برابر نعمت های خداوند و بی توجه به الطاف و کمک های ویژه او

فنسی

چنانچه ضمیر فاعلی «نسی» به سامری برگردد، مراد از فراموشی سامری، بی توجهی او به عنایات الهی در نجات از فرعونیان و نزول «منّ و سلوی» و نظایر آن خواهد بود.

40- کیفر دنیوی سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 97 - 6

6 - سامری علاوه بر کیفر دنیوی ، مجازاتی حتمی و تخلف ناپذیر نیز در آخرت خواهد داشت .

لک فی الحیوه . . . و إنّ لک موعداً لن تخلفه

«موعد» در معانی «وعده»، «زمان وعده» و «مکان وعده» استعمال می شود و مقصود از آن برحسب ظاهر، عذاب موعود در قیامت است.

41- کیفر سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 97 - 4

4 - قطع رابطه با مردم و منزوی و مطرود جامعه شدن ، کیفری سزاوار برای سامری

قال فاذهب فإنّ لک . . . لامساس

لام در «لک» بر استحقاق سامری دلالت دارد و با توجه به «نبدتها» (در آیه قبل) می توان گفت: رانده شدن از جامعه، کیفری مناسب برای گناه دور انداختن آثار رسالت از سوی سامری است.

42- گوساله پرستی سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 97 - 9

9- سامری ، خود نیز گوساله دست ساز خود را می پرستید .

وانظر إلى إلهك الذي ظلت عليه عاكفاً

«إلهك» علاوه بر تحقیر معبود سامری، دلالت بر آن دارد که او خود نیز آن را به عنوان «إله» پذیرفته بود.

ص: 208

43- گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 88 - 6

6 - سامری ، تندیس گوساله زرین را به عنوان « اله » بنی اسرائیل و موسی (ع) معرفی کرد .

فأخرج .. فقالوا هذا إلهكم وإله موسى

44- مجسمه سازی سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 88 - 1,4

1 - سامری ، از زیورآلات به دور ریخته شده بنی اسرائیل ، تندیس به شکل گوساله نر ساخت و آن ارائه کرد .

فأخرج لهم عجلاً جسداً

«عجل»؛ یعنی، گوساله نر. توصیف «عجلاً» به «جسداً» بیانگر این نکته است که گوساله به شکل تندیس بود؛ نه این که گوساله واقعی باشد. جمله «فأخرج لهم...» ممکن است کلام خداوند باشد و احتمال می رود ادامه سخن بنی اسرائیل باشد. در صورت دوم، مراد گویندگان - به قرینه گفتن «لهم» نه «لنا» - تبرئه خود از پرستش گوساله است.

4 - سامری ، فردی ماهر در فن مجسمه سازی و آشنا به نقاط ضعف فکری بنی اسرائیل بود .

فأخرج لهم عجلاً جسداً له خوار

تعبیر «گوساله ای درآورد» حاکی از شدت شباهت مجسمه گوساله، به شکل حقیقی آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 96 - 5

5 - سامری ، با بی اعتنایی به آموخته های ویژه و الهی خود و دورافکندن آنها ، به ساختن گوساله و گمراه سازی مردم پرداخت .

فنبذتها و كذلك سؤلت لى نفسى

از جمله معانی محتمل در آیه بالا، این است که مراد از «نبذتها» بی اعتنایی به آموخته ها (بصرت.. قبضت) باشد؛ یعنی، اعتراف سامری چنین بوده است که من دانش و آموخته های الهی خود را - که از رسولان فراگرفته بودم - به دور افکندم و در پی آن مفتون نفس خویش

شده انجام دادم آنچه کردم.

45- محافظت از گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 97 - 10

10 - سامری ، خود را به مواظبت کامل از گوساله دست ساز خود ، ملزم ساخته بود و همواره در کنار آن به سر می برد .

ص: 209

«ظلت»، تخفیف یافته «ظلت» (مداومت داشتی) است. «عکوف» به معنای ملازم چیزی بودن و سرکشی دائم از آن است (مصباح) و «ظلت علیه عاکفاً»؛ یعنی، به آن توجه فراوان داشتی و مدام دیدار خود را با آن تازه می کردی.

46- محاکمه سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 97 - 1

1 - موسی (ع) در پی محاکمه سامری، وی را به خروج فوری از جامعه و انزوا و قطع رابطه با مردم در طول زندگی محکوم کرد.

قال فاذهب فإنّ لك في الحيوة أن تقول لامساس

فا در «فاذهب» علاوه بر ترتب فرمان رفتن بر محکومیت سامری، بر فوریت آن نیز دلالت دارد. «امساس» مصدر باب مفاعله است و «لامساس» به معنای نفی هرگونه تماس و برخورد است؛ یعنی، تو در زندگانی خود، سزاوار سرنوشتی هستی که سخن اول و آخر تو خبر دادن از بی کسی خود و نبود هرگونه تماس گیرنده ای با تو باشد.

47- منشأ علم سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 96 - 3

3 - سامری، به کمک علم و آگاهی خود، به اندکی از آثار و تعالیم یکی از رسولان الهی دست یافت و بخشی از آن را در اختیار گرفت.

بصرت... فقضيت قبضه من أثر الرسول

محتمل است مراد از «أثر الرسول» دانش و اسراری باشد که در دست موسی و هارون(ع) و یا پیامبران پیش از آن دو بوده است؛ که گوشه ای از آن به دست سامری افتاده بود و وی با تسویلات نفسانی، آن را در راه گمراه ساختن مردم به کار گرفته بود. «ال» در «الرسول» دلالت دارد که فرد مورد نظر سامری، برای حضرت موسی(ع) نیز شناخته شده بود؛ ولی گویا سامری به منظور پی نبردن دیگران به حقیقت ماجرا، نام رسول و اثر او را برای عموم بنی اسرائیل مشخص نساخت.

48- مواخذه سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 95 - 1,2

1 - موسی (ع)، پس از توبیخ بنی اسرائیل و برخورد شدید با هارون (ع) با مشاهده دخالت مستقیم سامری در گوساله پرستی بنی اسرائیل، به بازخواست و محاکمه او پرداخت.

قال فما خطبک یس-مری

2 - پرسش از انگیزه و هدف سامری در ساختن گوساله زرّین و گمراه ساختن مردم، از موارد بازخواست موسی (ع) از

ص: 210

فما خطبک یس-مری

«خطب» - نزد برخی لغت دانان - به معنای «سبب الأمر» است (لسان العرب). زمخشری آن را به معنای «طلب» دانسته است. در نتیجه «ماخطبک»؛ یعنی، سبب کار تو یا مطلوب و خواسته تو چه بوده است؟ معانی «شان» و «أمر» نیز از جمله معانی ذکر شده برای این کلمه است (قاموس).

49- موسی (ع) و گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 97 - 11

11 - سوزاندن گوساله سامری به طور کامل و محو اثر آن و افشاندن سوخته آن به دریا، تصمیم قطعی و مؤکد موسی (ع) در باره گوساله زرین سامری

وانظر إلى إلهك .. لنحرقته ثم لنسفته في اليم نسفاً

«تحریق» (مصدر «لنحرقته») به معنای زیاد سوزاندن است (مصباح). «نسف» به معنای از ریشه برکندن و منهدم ساختن و به هوا افشاندن است (قاموس). گفتنی است که معنای اخیر در آیه مناسب تر به نظر می رسد، بنابراین «ثم لنسفته...»؛ یعنی، پس از سوزاندن گوساله (ذوب کردن و تبدیل آن به قطعات ریز) سوخته آن را به دریا خواهیم پاشید.

50- مهارت سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 148 - 4

4 - سازنده مجسمه گوساله بنی اسرائیل، ماهر در فن مجسمه سازی، صنعتکار و هنرمند بود.

عجلاً جسداً له خوار

اطلاق گوساله بر مجسمه آن - که بیانگر این نکته است که مجسمه ساخته شده کاملاً شبیه گوساله بوده - و نیز ساختن آن به گونه ای که صدای گاو از آن برآید، بیانگر این است که سازنده آن مجسمه هنرمند بوده و در صنعت مجسمه سازی مهارت کامل داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 88 - 4

4- سامری ، فردی ماهر در فن مجسمه سازی و آشنا به نقاط ضعف فکری بنی اسرائیل بود .

فأخرج لهم عجلاً جسداً له خوار

تعبیر «گوساله ای درآورد» حاکی از شدت شباهت مجسمه گوساله، به شکل حقیقی آن است.

ص: 211

51- نابودی گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 97 - 13

13 - موسی (ع) ، برای نابود ساختن گوساله سامری ، همکاری و هم یاری بنی اسرائیل را تدارک دیده و بر شرکت دادن آنان در این اقدام مصمم بود .

لنحرقتہ ثم لنسفنہ

ضمیرهای جمع در افعال «لنحرقتہ» و «لنسفنہ» گویای نکته یاد شده است.

52- نفرین بر سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 97 - 3

3 - ابتلای سامری به مردم گریزی و گریز مردم از وی ، پی آمد نفرین موسی (ع) در حق او بود .

إنّ لك فی الحیوه أن تقول لامساس

محتمل است «فإنّ لك فی الحیاه..» نفرین موسی (ع) در حق سامری باشد؛ یعنی، آن که سامری به بیماری روحی و یا جسمی خاصی مبتلا گردد، که از مردم بگریزد و مردم نیز از او گریز داشته باشند.

53- نقش سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 87 - 8

8 - سامری ، سردمدار جریان به دورافکندن زیورآلات به وسیله بنی اسرائیل

فقدفنها فکذلک ألقى السامریّ

مشخص کردن سامری در بین مجموعه ای که زیورآلات را به دور افکندند، نشان دهنده جلودار بودن او در این قضیه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 95 - 1

1 - موسی (ع)، پس از توییح بنی اسرائیل و برخورد شدید با هارون (ع) با مشاهده دخالت مستقیم سامری در گوساله پرستی بنی اسرائیل، به بازخواست و محاکمه او پرداخت.

قال فما خطبک یس-مری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 97 - 10

10 - سامری، خود را به مواظبت کامل از گوساله دست ساز خود، ملزم ساخته بود و همواره در کنار آن به سر می برد.

ظلت علیه عاکفاً

«ظلت»، تخفیف یافته «ظللت» (مداومت داشتی) است. «عکوف» به معنای ملازم چیزی بودن و سرکشی دائم از آن است

ص: 212

(مصباح) و «ظلت علیه عاكفاً»؛ یعنی، به آن توجه فراوان داشتی و مدام دیدار خود را با آن تازه می کردی.

54- نقش صدای گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 88 - 5

5- شنیده شدن صدای گوساله از تندیس دست ساز سامری، مایه فریفتگی بنی اسرائیل و باور به معبود بودن آن شد.

له خوار

ذکر هر یک از اوصاف گوساله، نشانگر دخالت آن در گرایش بنی اسرائیل است.

55- نقش گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 90 - 2

2- گوساله سامری، وسیله فتنه و آزمون بنی اسرائیل بود.

إِثْمًا فَتَنَّا بِهِ

56- هزینه گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 87 - 11

11- بنی اسرائیل، غنیمت های به جا مانده از فرعونیان را، تأمین کننده هزینه ساخت گوساله خوانده و خود را از هرگونه کمک مالی به آن تبرئه کردند.

ما أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلَكِنَا وَلَكِنَّا حَمَلْنَا أَوْزَارًا

یکی از معانی ذکر شده برای «ملک»، «مملوک» است (قاموس). مفاد آیه با توجه به این معنا چنین می شود: ما به وسیله اموال خودمان، خود را در این انحراف سهمیم نساختمیم؛ بلکه سامری از اموالی که ما به دور ریخته بودیم، این فتنه را به بار آورد.

1- آثار انقیاد سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 48 - 12

12- انقیاد و خضوع کامل سایه ها در برابر خداوند ، ارزشی والا به آنها بخشیده است .

من شیء یتقیوا ظلله .. سجّداً لله و هم دخرون

ضمیر «هم» برای ذوی العقول به کار می رود و استعمال آن درباره «ظلال» می تواند مشعر به نکته فوق باشد.

2- آثار خضوع سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 48 - 12

12- انقیاد و خضوع کامل سایه ها در برابر خداوند ، ارزشی والا به آنها بخشیده است .

من شیء یتقیوا ظلله .. سجّداً لله و هم دخرون

ضمیر «هم» برای ذوی العقول به کار می رود و استعمال آن درباره «ظلال» می تواند مشعر به نکته فوق باشد.

3- ارزش سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 48 - 12

12- انقیاد و خضوع کامل سایه ها در برابر خداوند ، ارزشی والا به آنها بخشیده است .

من شیء یتقیوا ظلله .. سجّداً لله و هم دخرون

ضمیر «هم» برای ذوی العقول به کار می رود و استعمال آن درباره «ظلال» می تواند مشعر به نکته فوق باشد.

4- استراحت در سایه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- بازگشتن موسی (ع) به سایه جهت استراحت ، پس از آب دادن گوسفندان دختران شعیب

ثم تولى إلى الظلّ

5- استراحت در سایه درختان سدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 28 - 3

3- استراحت اصحاب الیمین ، در سایه درختان سدر در بهشت

فی سدر مخضود

6- انقیاد سایه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 15 - 6

6- سایه های موجودات عالم ، به خدا سجده می برند و مطیع و فرمانبردار اویند .

و لله يسجد من فى السموت . . . و ظللهم

«ظلال» (جمع ظل) به معنای سایه هاست.

7- انقیاد سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 48 - 8

8- گردش سایه های اجسام ، نشانگر سجده ، انقیاد و تذلل آنها در برابر خداوند است .

أولم يروا إلى ما خلق الله من شىء يتفییوا ظلله عن الیمین و الشمال سجداً لله و

8- بی تأثیری سایه های جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - پناه بردن اصحاب الشمال از گرمای دوزخ به سایه ، بی تأثیر برای آنان

فی سموم . . . و ظلّ . . . لآبارد و لا کریم

ص: 215

9- تشبیه به سایه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 21 - 1

1 - ایمان چون سایه ، آرام بخش و فرح زا است و کفر چون بادِ داغ ، آزاردهنده و ناراحت کنند .

ولا الظلّ ولا الحرور

«ظلّ» به معنای سایه و «حرور» به معنای باد داغ است. گفتنی است در این آیه، ایمان به سایه تشبیه شده است و کفر به باد داغ.

10- تعقل در سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 81 - 3

3- اندیشیدن در اهمیت سایه و عوامل سایه افکن و رهایی از تابش مداوم آفتاب ، از راه های خداشناسی است .

والله جعل لكم ممّا خلق ظللاً

11- جاودانگی سایه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 30 - 1

1 - بهشت اصحاب الیمین ، دارای سایه ای پایدار و زایل نشدنی

و ظلّ ممدود

«ممدود»؛ یعنی، کشیده شده. مفسران عبارت «ظلّ ممدود» را به سایه دائم و همیشگی تفسیر کرده اند.

12- حرارت سایه های جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 44 - 1

1 - سایه در دوزخ ، نه خنک است و نه گوارا

و ظل من یحمووم. لآبارد و لآکریم
«لآبارد..» صفت برای «ظلّ» است.

13- خضوع سایه در صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 216

7- خضوع سایه ها در برابر خدا و فرمانبری آنها به هنگام صبح و عصر ، نمود بیشتر و روشن تری دارد .

و ظللهم بالغدو و الأصال

«غدو» (جمع غده) به معنای صبحگاهها و «أصال» (جمع اصیل) به معنای عصرهاست. سجده سایه ها که به معنای پیروی آنها از قوانین الهی در تکوین است، در همه زمانهاست نه خصوص صبح و یا عصر. از این رو به نظر می رسد آوردن آن دو قید به خاطر وضوح و روشنی این دو هنگام برای فرمانبری سایه ها از قوانین الهی است.

14- خضوع سایه در عصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- خضوع سایه ها در برابر خدا و فرمانبری آنها به هنگام صبح و عصر ، نمود بیشتر و روشن تری دارد .

و ظللهم بالغدو و الأصال

«غدو» (جمع غده) به معنای صبحگاهها و «أصال» (جمع اصیل) به معنای عصرهاست. سجده سایه ها که به معنای پیروی آنها از قوانین الهی در تکوین است، در همه زمانهاست نه خصوص صبح و یا عصر. از این رو به نظر می رسد آوردن آن دو قید به خاطر وضوح و روشنی این دو هنگام برای فرمانبری سایه ها از قوانین الهی است.

15- خضوع سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- گردش سایه های اجسام ، نشانگر سجده ، انقیاد و تذلل آنها در برابر خداوند است .

أو لم یروا إلی ما خلق الله من شیء یتفتیوا ظلله عن الیمین و الشمال سجداً لله و

16- خلقت سایه دار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- آفرینش موجوداتی که خاصیت سایبانی برای انسان داشته باشد ، به قدرت خداست .

والله جعل لكم ممّا خلق ظلالاً

17- خلقت موجودات سایه دار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 217

7- پدید آمدن اجسام سایه دار و گردش آن سایه ها ، به دست خداوند است .

أولم يروا إلى ما خلق الله من شيء يتفيؤا ظله عن اليمين و الشمال

18- دعوت به مطالعه گردش سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 48 - 1,2

1- دعوت خداوند از انسان ها برای مطالعه و دقت در پدیده های مادی و گردش سایه های آنها

أولم يروا إلى ما خلق الله من شيء يتفيؤا ظله عن اليمين و الشمال

برداشت فوق مبتنی بر نکات زیر است : 1. فعل «رأى» هرگاه به «إلى» وصل شود، متضمن معنای «نظر» است و «نظر» در لغت به معنای تأمل در چیزی با نگاه است. 2- مرجع ضمیر «يروا» در آیه، احتمال دارد «ناس» باشد. 3- همزه استفهام، انکاری توییخی است و نتیجه آن دعوت به مطالعه است.

2- دعوت خداوند از مشرکان ، برای مطالعه و دقت در پدیده های مادی و گردش سایه های آنها

أولم يروا إلى ما خلق الله من شيء يتفيؤا ظله

مرجع ضمیر «يروا» در این برداشت «مشرکان» می باشد که در آیات قبل از آنان سخن به میان آمده است.

19- سایه ابر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 57 - 2

2 - خداوند ، با سایه گستر ساختن ابر ها بر قوم موسی آنان را از تابش سوزان خورشید رهایی بخشید .

و ظللنا علیکم الغمام

غمامه به معنای ابر و جمع آن غمام است (لسان العرب). برخی از اهل لغت بر آنند که غمامه به معنای ابر سفید می باشد.

20- سایه ابر بر بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - خداوند با سایه گستر ساختن ابرها بر قوم موسی آنان را از تابش سوزان خورشید رهایی بخشید .

و ظللنا علیهم الغمم

«غمامه» به معنای ابر و جمع آن غمام است. (لسان العرب). برخی از اهل لغت برآنند که غمام به معنای ابر سفید است. «تظلیل» (مصدر ظللنا) به معنای سایه قرار دادن است.

20 - پدیدار شدن ابر بر فراز قوم موسی ، زمینه فرود آمدن منّ و سلوی برای آنان *

و ظللنا علیهم الغمم و أنزلنا علیهم المنّ و السلوی

ص: 218

عطف شدن «آنزلنا . . .» بر جمله «ظَلَّلْنَا ...» می تواند حاکی از ارتباط میان آمدن ابر با نزول منّ و سلوی باشد.

26 - ظهور معجزاتی متعدد (پدید آمدن آب ، سایه ، نزول منّ و سلوی) برای قوم موسی در پی عبورشان از دریا

فانجست . . . ظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَمَ وَ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَى

21- سایه بانهای اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 189 - 2

2 - نزول عذاب الهی بر مردم ایکه ، در روزی بسیار گرم و نفس گیر بود که آنان از شدت گرما به داخل سایه بان ها خزیده بودند .

فَأَخَذَهُمُ عَذَابُ يَوْمِ الظَّلَّةِ

ضمیر «هم» در «أَخَذَهُمُ» به «اصحاب الأيكة» باز می گردد. «أَخَذَ» (مصدر «أَخَذَ») به معنای فرو گرفتن و «ظَلَّه» به معنای سایه بان است. اضافه «عذاب» به «یوم» به تقدیر «فی» می باشد؛ یعنی، «فَأَخَذَهُمُ عَذَابُ يَوْمِ الظَّلَّةِ؛ عَذَابِي سَخَتْ أَنَانِ رَا دَر رُوزِ سَايَه بَانِ فَرُوكَرَفْتِ». نامیده شدن آن روز به «روز سایه بان» بدان جهت است که مردم ایکه از شدت گرما، به زیر سایه بان ها پناه برده بودند.

22- سایه بر بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 57 - 5,6,2

2 - خداوند ، با سایه گستر ساختن ابر ها بر قوم موسی آنان را از تابش سوزان خورشید رهایی بخشید .

وَ ظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ

غمامه به معنای ابر و جمع آن غمام است (لسان العرب). برخی از اهل لغت بر آنند که غمامه به معنای ابر سفید می باشد.

5 - نزول «منّ» و «سلوی» بر بنی اسرائیل و نجاتشان از حرارت شدید خورشید با ابر های سایه گستر ، پس از حادثه صاعقه زدگی و زنده شدن آنان بود .

ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ . . . وَ ظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ

عطف جمله «ظَلَّلْنَا . . .» بر «بَعَثْنَاكُمْ ...» اقتضا می کند که گفته شود: داستان سایه گستر شدن ابرها و نزول «منّ» و «سلوی» پس از داستان صاعقه، تحقق یافته باشد.

6- قرار دادن ابر های سایه گستر و نازل کردن « منّ » و « سلوی » از معجزات ارائه شده به قوم موسی

و ظللنا علیکم الغمام و أنزلنا علیکم المنّ و السلوی

23- سایه در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 56 - 3

ص: 219

3- وجود نوعی سایه دلپذیر و نور خورشیدمانند در بهشت

هم و ازوجهم فی ظلل

وجود سایه ها (ظلال) در بهشت، دلیل وجود نوعی نور است.

24- سایه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- نساء - 4 - 57 - 5, 8

5- بهشت مؤمنان دارای اعمال صالح، جاودانه، دارای نهرهای جاری و سایه های پیوسته (هوای مطبوع و ملایم)

انّ الذّین امنوا و عملوا الصّالحات . . . و ندخلهم ظلا ظلیلا

«ظلّ» به معنای سایه و «ظلیلا» تأکید آن و ظاهراً کنایه از مطبوعیت هوای بهشت است.

8- سایه آرام و دلپذیر، جایگاهی ویژه در بهشت

و ندخلهم ظلا ظلیلا

تکرار «ندخلهم» حکایت از ویژگی ظلّ (سایه) در بهشت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 14 - 1, 2

1- ابرار در بهشت، از سایه های دل انگیز و دامن کشیده بر فراز آنان برخوردار بوده و در کمال آسایش به سر می برند.

و دانیه علیهم ظللها

2- بهشت، دارای درختان پرسایه و نزدیک بر سر بهشتیان

و دانیه علیهم ظللها

«دانیه» از ریشه «دُنُو» (قرب و نزدیکی) است و «دانیه علیهم ظلالها»؛ یعنی، سایه های درختان بهشت، مانند چتر بر سر بهشتیان سایه افکننده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - جایگاه تقوایبشگان ، در سایه ها و چشمه سار های بهشت است .

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلِّ وَعَيْون

2- بهشت ، داری سایه هایی از درختان انبوه و چشمه سارها

فِي ظِلِّ وَعَيْون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - محسنان ، بهره مند از سایه ها ، چشمه سار ها ، میوه های دل خواه و انواع خوردنی ها و نوشیدنی های گوارا در بهشت

فِي ظِلِّ وَعَيْون . . . كلوا و اشربوا هنيئًا . . . إِنَّا كَذَلِكْ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 34 - 4

4 - آرמידن متقین در سایه بوستان ها و می گساری آنان ، در برابر محرومیت جهنمیان از خنکی و نوشیدنی ، انعکاسی از تقابل آثار طغیان گری و تقوا است .

لا یدوقون فیها بردًا و لا شرابًا . . . حدائق و أعنبًا ... و كأسًا دهاقًا

25- سایه های جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 43 - 1

1 - زندگی در سایه ای از دود سیاه ، فرجام اخروی اصحاب الشمال

و ظلّ من یحموم

مفسران «یحوموم» را به دود سیاه معنا کرده اند.

26- سجده سایه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 15 - 6

6- سایه های موجودات عالم ، به خدا سجده می برند و مطیع و فرمانبردار اویند .

و لله یسجد من فی السموت . . . و ظللهم

«ظلال» (جمع ظل) به معنای سایه هاست.

27- سجده سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 48 - 8

8- گردش سایه های اجسام ، نشانگر سجده ، انقیاد و تذلل آنها در برابر خداوند است .

أولم يروا إلى ما خلق الله من شيء يتفيؤا ظله عن اليمين و الشمال سجداً لله و

28- گردش سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 48 - 5,8

5- پدیده های مادی و پیدایش و گردش سایه های آنها از راست و چپ ، از آیات خداوند است .

ص: 221

أولم يروا إلى ما خلق الله من شيء يتفيؤا ظلله عن اليمين و الشمال

مورد سرزنش قرار دادن کسانی که به اشیاء و گردش سایه های آنان نظر عمیق نمی کنند، قطعاً به خاطر خود آنان نیست؛ بلکه از این جهت است که با نظر به آنها می توان به خداوند پی برد.

8- گردش سایه های اجسام، نشانگر سجده، انقیاد و تذلل آنها در برابر خداوند است.

أولم يروا إلى ما خلق الله من شيء يتفيؤا ظلله عن اليمين و الشمال سجداً لله و

29- مراد از سایه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 45 - 7

7 - « عن أبي جعفر (ع) في قوله « ألم تر إلى ربك كيف مدّ الظلّ » فقال الظلّ ما بين طلوع الفجر إلى طلوع الشمس ;

از امام باقر(ع) درباره قول خدا «.. مدّ الظلّ» فرمود: مراد سایه بین طلوع فجر تا طلوع خورشید است».

30- منشأ امتداد سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 45 - 3,5

3 - پی نبردن انسان به ربوبیت خداوند از راه امتداد و گسترانیدن سایه ها، از جانب او، جای شگفتی دارد.

ألم تر إلى ربك كيف مدّ الظلّ

برداشت فوق، بر این احتمال استوار است که استفهام در «ألم تر..» از نوع استفهام تعجبی باشد؛ چنان که نظر بسیاری از مفسران و ادبا (مانند ابن هشام در کتاب «معنى اللبيب») مطابق همین احتمال است.

5 - حرکت سایه ها و کم و زیاد شدن آنها، برخاسته از مشیت خداوند است.

ولو شاء لجعله ساكنًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 46 - 1

1 - جریان مستمر کوتاه و بلند شدن سایه ها در طول روز، برخاسته از قدرت و مشیت خداوند

مدّ الظلّ . . . ثمّ قبضنه إلینا قبضاً یسیراً

31- منشأ توقف سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 45 - 4

4 - خداوند ، توانا بر متوقف کردن حرکت سایه ها و بازایستادن آنها از کم و زیاد شدن

الظلّ و لو شاء لجعله ساکناً

ص: 222

32- منشأ حرکت سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 45 - 4,5

4 - خداوند ، توانا بر متوقف کردن حرکت سایه ها و بازایستادن آنها از کم و زیاد شدن

الظّلّ و لو شاء لجعله ساکنًا

5 - حرکت سایه ها و کم و زیاد شدن آنها ، برخاسته از مشیت خداوند است .

و لو شاء لجعله ساکنًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 46 - 1

1 - جریان مستمر کوتاه و بلند شدن سایه ها در طول روز ، برخاسته از قدرت و مشیت خداوند

مدّ الظّلّ .. ثمّ قبضنه إلینا قبضًا یسیرًا

33- منشأ کاهش سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 45 - 5

5 - حرکت سایه ها و کم و زیاد شدن آنها ، برخاسته از مشیت خداوند است .

و لو شاء لجعله ساکنًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 46 - 1,2

1 - جریان مستمر کوتاه و بلند شدن سایه ها در طول روز ، برخاسته از قدرت و مشیت خداوند

مدّ الظّلّ .. ثمّ قبضنه إلینا قبضًا یسیرًا

2 - کاهش اندک اندک امتداد سایه ها ، با مشیت و قدرت خدا است .

مدّ الظلّ . . . ثمّ قبضنه إلینا قبضاً یسیراً

34- منشأ گردش سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 48 - 7

7- پدید آمدن اجسام سایه دار و گردش آن سایه ها ، به دست خداوند است .

أولم یروا إلی ما خلق الله من شیء یتفتیوا ظلله عن الیمین و الشمائل

ص: 223

35- موجودات بی سایه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 81 - 6

6- برخی موجودات و مخلوقات الهی ، فاقد سایه اند . *

والله جعل لكم ممّا خلق ظللاً

برداشت فوق، بدان احتمال است که «من» در «ممّا خلق» برای جدا ساختن مخلوقات بی سایه از موجودات سایه دار باشد.

36- نشانه امتداد سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 45 - 6

6 - خورشید ، دلیل و راهنمای انسان ها بر حرکت سایه ها و مقدار امتداد و گسترده شدن آنها

كيف مدّ الظلّ . . . ثمّ جعلنا الشمس عليه دليلاً

37- نشانه حرکت سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 45 - 6

6 - خورشید ، دلیل و راهنمای انسان ها بر حرکت سایه ها و مقدار امتداد و گسترده شدن آنها

كيف مدّ الظلّ . . . ثمّ جعلنا الشمس عليه دليلاً

38- نعمت امتداد سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 46 - 4

4 - حرکت سایه ها و بلند و کوتاه شدن آنها ، از نعمت های الهی برای انسان ها

ألم تر إلى ربّك كيف مدّ الظلّ . . . ثمّ قبضه إلینا قبضاً یسیراً

آیه شریفه، هر چند در صدد بیان قدرت و ربوبیت خداوند نسبت به پدیده های جهان است؛ ولی در عین حال می تواند بازگو کننده نعمتی از نعمت های خداوند برای بشر نیز باشد.

ص: 224

39- نعمت حرکت سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 46 - 4

4 - حرکت سایه ها و بلند و کوتاه شدن آنها ، از نعمت های الهی برای انسان ها

ألم تر إلى ربك كيف مدّ الظلّ . . . ثمّ قبضه إلینا قبضاً یسیراً

آیه شریفه، هر چند در صدد بیان قدرت و ربوبیت خداوند نسبت به پدیده های جهان است؛ ولی در عین حال می تواند بازگو کننده نعمتی از نعمت های خداوند برای بشر نیز باشد.

40- نعمت سایه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 81 - 2

2- بهره‌وری انسان از سایبان و سرپناه به وسیله اشیای مختلف ، از نعمت های الهی است .

والله جعل لکم ممّا خلق ظللاً

41- نعمت کاهش سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 46 - 4

4 - حرکت سایه ها و بلند و کوتاه شدن آنها ، از نعمت های الهی برای انسان ها

ألم تر إلى ربك كيف مدّ الظلّ . . . ثمّ قبضه إلینا قبضاً یسیراً

آیه شریفه، هر چند در صدد بیان قدرت و ربوبیت خداوند نسبت به پدیده های جهان است؛ ولی در عین حال می تواند بازگو کننده نعمتی از نعمت های خداوند برای بشر نیز باشد.

42- نقش امتداد سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 45 - 3، 1

1 - امتداد و گسترانیدن سایه ها ، نمودی روشن از ربوبیت خداوند

ألم تر إلى ربّك كيف مدّ الظلّ

3 - پی نبردن انسان به ربوبیت خداوند از راه امتداد و گسترانیدن سایه ها ، از جانب او ، جای شگفتی دارد .

ألم تر إلى ربّك كيف مدّ الظلّ

برداشت فوق، بر این احتمال استوار است که استفهام در «ألم تر. .» از نوع استفهام تعجیبی باشد؛ چنان که نظر بسیاری از مفسران و ادبا (مانند ابن هشام در کتاب «مغنی اللیب») مطابق همین احتمال است.

ص: 225

43- ویژگیهای سایه های جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 44 - 1

1 - سایه در دوزخ ، نه خنک است و نه گوارا

و ظل من یحوموم. لایبارد و لاکریم

«لایبارد...» صفت برای «ظلّ» است.

سایه ها

44- آثار انقیاد سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 48 - 12

12- انقیاد و خضوع کامل سایه ها در برابر خداوند ، ارزشی والا به آنها بخشیده است .

من شیء یتفیؤا ظلله . . . سجّداً لله و هم دخرون

ضمیر «هم» برای ذوی العقول به کار می رود و استعمال آن درباره «ظلال» می تواند مشعر به نکته فوق باشد.

45- آثار خضوع سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 48 - 12

12- انقیاد و خضوع کامل سایه ها در برابر خداوند ، ارزشی والا به آنها بخشیده است .

من شیء یتفیؤا ظلله . . . سجّداً لله و هم دخرون

ضمیر «هم» برای ذوی العقول به کار می رود و استعمال آن درباره «ظلال» می تواند مشعر به نکته فوق باشد.

46- ارزش سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12- انقیاد و خضوع کامل سایه ها در برابر خداوند ، ارزشی والا به آنها بخشیده است .

من شیء یتقیوا ظلله . . . سجداً لله و هم دخرون

ضمیر «هم» برای ذوی العقول به کار می رود و استعمال آن درباره «ظلال» می تواند مشعر به نکته فوق باشد.

ص: 226

47- انقیاد سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 48 - 8

8- گردش سایه های اجسام، نشانگر سجده، انقیاد و تذلل آنها در برابر خداوند است.

أولم يروا إلى ما خلق الله من شيء يتفيؤوا ظله عن اليمين و الشمال سجداً لله و

48- تعقل در سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 81 - 3

3- اندیشیدن در اهمیت سایه و عوامل سایه افکن و رهایی از تابش مداوم آفتاب، از راه های خداشناسی است.

و الله جعل لكم ممّا خلق ظللاً

49- خضوع سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 48 - 8

8- گردش سایه های اجسام، نشانگر سجده، انقیاد و تذلل آنها در برابر خداوند است.

أولم يروا إلى ما خلق الله من شيء يتفيؤوا ظله عن اليمين و الشمال سجداً لله و

50- دعوت به مطالعه گردش سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 48 - 1,2

1- دعوت خداوند از انسان ها برای مطالعه و دقت در پدیده های مادی و گردش سایه های آنها

أولم يروا إلى ما خلق الله من شيء يتفيؤوا ظله عن اليمين و الشمال

برداشت فوق مبتنی بر نکات زیر است: 1. فعل «رأى» هرگاه به «إلى» وصل شود، متضمن معنای «نظر» است و «نظر» در لغت به معنای

تأمل در چیزی با نگاه است. 2- مرجع ضمیر «یروا» در آیه، احتمال دارد «ناس» باشد. 3- همزه استفهام، انکاری توییخی است و نتیجه آن دعوت به مطالعه است.

2- دعوت خداوند از مشرکان، برای مطالعه و دقت در پدیده های مادی و گردش سایه های آنها

أولم یروا إلی ما خلق الله من شیء یتقیوا ظلله

مرجع ضمیر «یروا» در این برداشت «مشرکان» می باشد که در آیات قبل از آنان سخن به میان آمده است.

ص: 227

51- سجده سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 48 - 8

8- گردش سایه های اجسام، نشانگر سجده، انقیاد و تذلل آنها در برابر خداوند است.

أولم يروا إلى ما خلق الله من شيء يتفيؤوا ظله عن اليمين و الشمال سجداً لله و

52- گردش سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 48 - 5,8

5- پدیده های مادی و پیدایش و گردش سایه های آنها از راست و چپ، از آیات خداوند است.

أولم يروا إلى ما خلق الله من شيء يتفيؤوا ظله عن اليمين و الشمال

مورد سرزنش قرار دادن کسانی که به اشیاء و گردش سایه های آنان نظر عمیق نمی کنند، قطعاً به خاطر خود آنان نیست؛ بلکه از این جهت است که با نظر به آنها می توان به خداوند پی برد.

8- گردش سایه های اجسام، نشانگر سجده، انقیاد و تذلل آنها در برابر خداوند است.

أولم يروا إلى ما خلق الله من شيء يتفيؤوا ظله عن اليمين و الشمال سجداً لله و

53- منشأ امتداد سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 45 - 3,5

3- پی نبردن انسان به ربوبیت خداوند از راه امتداد و گسترانیدن سایه ها، از جانب او، جای شگفتی دارد.

ألم تر إلى ربك كيف مد الظلّ

برداشت فوق، بر این احتمال استوار است که استفهام در «ألم تر...» از نوع استفهام تعجبی باشد؛ چنان که نظر بسیاری از مفسران و ادبا (مانند ابن هشام در کتاب «مغنی اللیب») مطابق همین احتمال است.

5- حرکت سایه ها و کم و زیاد شدن آنها، برخاسته از مشیت خداوند است.

و لو شاء لجعله ساكنًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 46 - 1

1 - جریان مستمر کوتاه و بلند شدن سایه ها در طول روز ، برخاسته از قدرت و مشیت خداوند

مدّ الظلّ . . . ثمّ قبضنه إلینا قبضًا یسرًا

ص: 228

54- منشأ توقف سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 45 - 4

4 - خداوند ، توانا بر متوقف کردن حرکت سایه ها و بازایستادن آنها از کم و زیاد شدن

الظّلّ و لو شاء لجعله ساکنًا

55- منشأ حرکت سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 45 - 4,5

4 - خداوند ، توانا بر متوقف کردن حرکت سایه ها و بازایستادن آنها از کم و زیاد شدن

الظّلّ و لو شاء لجعله ساکنًا

5 - حرکت سایه ها و کم و زیاد شدن آنها ، برخاسته از مشیت خداوند است .

و لو شاء لجعله ساکنًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 46 - 1

1 - جریان مستمر کوتاه و بلند شدن سایه ها در طول روز ، برخاسته از قدرت و مشیت خداوند

مدّ الظّلّ .. ثمّ قبضنه إلینا قبضًا یسیرًا

56- منشأ کاهش سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 45 - 5

5 - حرکت سایه ها و کم و زیاد شدن آنها ، برخاسته از مشیت خداوند است .

و لو شاء لجعله ساکنًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 46 - 1,2

1 - جریان مستمر کوتاه و بلند شدن سایه ها در طول روز ، برخاسته از قدرت و مشیت خداوند

مدّ الظلّ . . . ثمّ قبضنه إلینا قبضاً یسیراً

2 - کاهش اندک اندک امتداد سایه ها ، با مشیت و قدرت خدا است .

مدّ الظلّ . . . ثمّ قبضنه إلینا قبضاً یسیراً

ص: 229

57- منشأ گردش سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 48 - 7

7- پدید آمدن اجسام سایه دار و گردش آن سایه ها ، به دست خداوند است .

أولم يروا إلى ما خلق الله من شيء يتفيؤا ظله عن اليمين و الشمال

58- نشانه امتداد سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 45 - 6

6 - خورشید ، دلیل و راهنمای انسان ها بر حرکت سایه ها و مقدار امتداد و گسترده شدن آنها

كيف مدّ الظلّ . . . ثمّ جعلنا الشمس عليه دليلاً

59- نشانه حرکت سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 45 - 6

6 - خورشید ، دلیل و راهنمای انسان ها بر حرکت سایه ها و مقدار امتداد و گسترده شدن آنها

كيف مدّ الظلّ . . . ثمّ جعلنا الشمس عليه دليلاً

60- نعمت امتداد سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 46 - 4

4 - حرکت سایه ها و بلند و کوتاه شدن آنها ، از نعمت های الهی برای انسان ها

ألم تر إلى ربك كيف مدّ الظلّ . . . ثمّ قبضه إلينا قبضاً يسيراً

آیه شریفه، هر چند در صدد بیان قدرت و ربوبیت خداوند نسبت به پدیده های جهان است؛ ولی در عین حال می تواند بازگو کننده نعمتی

از نعمت های خداوند برای بشر نیز باشد.

61- نعمت حرکت سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 46 - 4

4 - حرکت سایه ها و بلند و کوتاه شدن آنها ، از نعمت های الهی برای انسان ها

ص: 230

ألم تر إلى ربك كيف مدّ الظلّ .. ثمّ قبضنه إلينا قبضاً يسيراً

آیه شریفه، هر چند در صدد بیان قدرت و ربوبیت خداوند نسبت به پدیده های جهان است؛ ولی در عین حال می تواند بازگو کننده نعمتی از نعمت های خداوند برای بشر نیز باشد.

62- نعمت کاهشی سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 46 - 4

4 - حرکت سایه ها و بلند و کوتاه شدن آنها ، از نعمت های الهی برای انسان ها

ألم تر إلى ربك كيف مدّ الظلّ .. ثمّ قبضنه إلينا قبضاً يسيراً

آیه شریفه، هر چند در صدد بیان قدرت و ربوبیت خداوند نسبت به پدیده های جهان است؛ ولی در عین حال می تواند بازگو کننده نعمتی از نعمت های خداوند برای بشر نیز باشد.

63- نقش امتداد سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 45 - 3, 1

1 - امتداد و گسترانیدن سایه ها ، نمودی روشن از ربوبیت خداوند

ألم تر إلى ربك كيف مدّ الظلّ

3 - پی نبردن انسان به ربوبیت خداوند از راه امتداد و گسترانیدن سایه ها ، از جانب او ، جای شگفتی دارد .

ألم تر إلى ربك كيف مدّ الظلّ

برداشت فوق، بر این احتمال استوار است که استفهام در «ألم تر ..» از نوع استفهام تعجبی باشد؛ چنان که نظر بسیاری از مفسران و ادبا (مانند ابن هشام در کتاب «مغنی اللیب») مطابق همین احتمال است.

1- احكام سائبه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

4 - مانده - 5 - 103 - 1,2,5,12,13

1 - خداوند هيچ حكم ويژه اى براى بحيره ، سائبه ، وصيله و حامى قرار نداده است .

ما جعل الله من بحيره و لاسائبه و لاوصيله و لاحام

مراد از عدم جعل بحيره و ... به قرينه «قالوا حسبنا ما وجدنا...» در آيه بعد، نفى تشريع احكامى خاص درباره حيوانات ذكر شده است
زيرا آنچه در بين كافران عصر بعثت و پدرانشان معروف بود، احكامى ويژه درباره بحيره و ... بوده است.

2 - كافران عصر جاهلى جعل احكامى را درباره بحيره ، سائبه ، وصيله و حامى به خداوند نسبت مى دادند .

ما جعل الله ... و لكن الذين كفروا يفترون على الله الكذب

5 - لزوم آزاد سازى سائبه (شترى كه ده ماده شتر زاييده باشد) از اندیشه هاى خرافى و افترا هاى كافران عصر جاهلى بر خداوند

ما جعل الله من بحيره و لاسائبه ... و لكن الذين كفروا يفترون

معناى ذكر شده براى سائبه در قاموس المحيط آمده و حكم آن از نظر مردم جاهلى همانند احكام بحيره بوده است. امام صادق(ع) در
توضيح معناى «سائبه» در آيه فوق فرمود: ان اهل الجاهليه كانوا ... اذا ولدت (الناقه) عشرأ جعلوها سائبه و لايستحلون ظهرها و لااكلها ...

معانى الاخبار، ص 148، ح 1؛ نورالثقلين، ج 1، ص 683، ح 410.

12 - بيشتر كفريشگان عصر بعثت احكام رايج درباره بحيره ، سائبه ، وصيله و حام ، را احكامى الهى مى پنداشتند .

ما جعل الله من بحيره ... يفترون على الله الكذب و اكثرهم لايعقلون

13 - تنها اندكى از كفريشگان عصر بعثت - على رغم طرفدارى از احكام رايج درباره بحيره ، سائبه ، وصيله و حامى - آگاه به بدعت
بودن آن احكام و نبود آنها در اديان الهى

و لكن الذين كفروا يفترون على الله الكذب و اكثرهم لايعقلون

13 - احکام ویژه بحیره ، سائبه ، وصیله و حامی بدعتهایی دیرینه و میراثی به جا مانده از مردمانی نادان و گمراه .

ما جعل الله من بحیره . . . قالوا حسبنا ما وجدنا علیه اباؤنا

ص: 232

1- مراد از سائحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 112 - 21

21 - از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت شده که فرمود: «التائبون» من الذنوب «العابدون» الذين لا يعبدون إلا الله و الا يشركون به شيئاً «الحامدون» الذين يحمدون الله على كل حال في الشده و الرخاء «السائحون» و هم الصائمون «الراکعون الساجدون» الذين يواظبون على الصلوات الخمس الحافظون لها المحافظون على ها برکوع ها و سجود ها و في الخشوع في ها و في اوقات ها . . . ;

«تائبان» توبه کنندگان از گناه [اند] و «عابدان» کسانی هستند که غیر خدا را عبادت نمی کنند و چیزی را شریک او نمی گیرند. «حامدان» آنانند که در هر حال - چه سختی و چه در راحتی - خدا را ستایش می کنند و «سائحان» روزه دارانند. «راکعان» و «ساجدان» کسانی هستند که مواظب نمازهای پنجگانه باشند. رکوع، سجود و خشوع را در نمازها رعایت می کنند و محافظ و قتهای نماز هستند».

ص: 233

1- اطعام به سائلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 83 - 27

27 - سدیر صیرفی گوید : « قلت لأبی عبداللہ (ع) اطعم سائلا لا عرفه مسلماً؟ فقال : نعم اعط من لاتعرفه بولایه و لاعداوه للحق ان اللہ عز و جل يقول : و قولوا للناس حسناً و لاتطعم من نصب لشیء من الحق او دعا الی شیء من الباطل ;

به امام صادق(ع) گفتم: آیا سائلی را که نمی دانم مسلمان است یا نه طعام دهم؟ امام فرمود: بله، طعام بده به کسی که نمی شناسی اهل ولایت است یا دشمن حق. خداوند عز و جل می فرماید: «و قولوا للناس حسناً» ولی اطعام نکن کسی را که بنای دشمنی با حق گذاشته و یا دعوت به باطل می نماید».

2- تأمین سائلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 177 - 10،20

10 - ضرورت دستگیری از یتیمان ، در ماندگان ، در راه ماندگان و فقیرانی که تقاضای کمک دارند .

و ءاتی المال علی حبه . . . الیتمی و المسکین و ابن السبیل و السائلین

20 - پرداخت مال برای رفع نیازمندی خویشان ، یتیمان ، مساکین ، در راه ماندگان و فقیران مشخصه نیکوکاران است .

و لکن البر من . . . و ءاتی المال علی حبه ذوی القربی و السائلین

ص: 234

1- آثار ذکر رویش سبزیجات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 28 - 4

4 - توجه به رویش گیاهان و سبزیجات، زمینه ساز شناخت خدا و مانع کفر به او است.

ما أكفروه... فأنبتنا فيها... عنبًا وقضبًا

2- بنی اسرائیل و درخواست سبزیجات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 61 - 14

14 - سبزیجات، خیار، گندم، عدس و پیاز از خوراکیهایی که قوم موسی خواهان آن بودند.

يخرج لنا مما تنبت الأرض من بقلها و... بصلها

«فوم» به معنای گندم است. برخی از اهل لغت گفته اند که به معنای سیر نیز به کار می رود و نیز گفته شده که «فوم» به گندم و دیگر حبوباتی که با آن نان پخته شود اطلاق می گردد.

3- خالق سبزیجات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 32 - 1

1 - آب، زمین، دانه ها، انگور، سبزیجات، زیتون، نخل، بوستان، میوه و چراگاه، آفریده های خداوند و در خدمت منافع انسان و دام های آنان است.

متعًا لكم ولأنعمكم

«متاعاً» اسم مصدر و جایگزین مصدر حقیقی «تمتعاً» (بهره رساندن) است (لسان العرب). این کلمه، مفعول له و بیانگر علت پیدایش نعمت هایی است که در آیات پیشین ذکر شد.

4- منشأ رویش سبزیجات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 28 - 2

2 - تولید سبزی های دست چین و ساقه های خوراکی ، در حقیقت مستند به خداوند است .

فأنبثنا فيها .. قضبًا

«اقتضاب»؛ یعنی، چیدن و «قضب» گیاهی است که تر و تازه، چیده و خورده شود. (لسان العرب)

5- نعمت رویش سبزیجات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 28 - 5

5 - رویاندن تاک و سبزیجات ، با فرستادن باران و قابل کشت ساختن زمین ، از نعمت های خداوند و مقتضی شکرگزاری انسان از او است .

ما أكفروه .. فأنبثنا فيها ... عنبًا و قضبًا

برداشت یاد شده، با توجه به این احتمال است که «کفر» در «ما أكفروه» به معنای کفران نعمت باشد.

6- نقش سبزیجات خوشبو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 12 - 3، 2

2 - گیاهان و سبزی های خوشبو و معطر ، نمودی از آراستگی زمین برای انسان

و الأرض وضعها للأنام . فيها ... و الريحان

واژه «ریحان»، به هر گیاه خوشبو گفته می شود (قاموس المحيط).

3 - همه مظاهر طبیعت ، از ریاحین تا پوسته حبوبات ، نشانی از طراح حسابگر هستی (خداوند) است .

الرحمن .. و الحبّ ذوالعصف و الريحان

با توجه به این که در آیات پیشین سخن از حاکمیت سنجش بر نظام هستی بود، ممکن است بیان این دقایق در این آیات، به منظور نمایاند آن حساب گری باشد.

7- نیاز به تنوع سبزیجات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 12 - 5

5- وجود آدمی ، نیازمند خواص متنوع نهفته در انواع میوه ها ، حبوبات و سبزی ها *

و الأرض وضعها للأنام . فيها فكهة و النخل ... و الحبّ ... الريحان

از این که خداوند، پس از یادآوری آمادگی زمین برای زندگی انسان، میوه های مختلف، حبوبات و سبزی ها را مورد اشاره قرار

ص: 236

داده است؛ می توان استفاده کرد که انسان در زندگی خویش، به همه این نعمت ها و خواص نهفته در آنها نیازمند است و کمبود هر یک، می تواند انسان را با مشکل مواجه سازد.

ص: 237

20- سبیل الله

1- سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 13 - 3، 4، 16

3- نبرد مجاهدان بدر در راه خدا و مورد ستایش او

فئه .. تقاتل فی سبیل الله

از تأیید خداوند به اینکه جنگشان فی سبیل الله بوده، ستایش خداوند استفاده گردیده است.

4- رویارویی مجاهدان در راه خدا و کافران، در بدر

فئه تقاتل فی سبیل الله و اخری کافره

16- جهاد و مبارزه در راه خدا، زمینه جلب امداد های الهی

فئه تقاتل فی سبیل الله .. و الله یؤید بنصره من یشاء

از اینکه خداوند، مؤمنان مؤید و پیروز را توصیف کرد که جهادشان «فی سبیل الله» بود، معلوم می شود که «فی سبیل الله» بودن، زمینه جلب تأیید خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 99 - 3

3- دین اسلام، «سبیل الله» است.

لم تصدّون عن سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- نساء - 4 - 74 - 1، 2، 3، 4، 8، 10، 12

1- دنیامداران و خودمحروران، لیاقت و توانایی نبرد در راه خدا را ندارند.

وانّ منکم لمن لیبطنّ .. فلیقاتل فی سبیل الله الذین

اینکه خداوند تنها از مسلمانان آخرت طلب خواسته در راه او جهاد کنند، با وجود اینکه جهاد بر تمامی مسلمانان واجب است، اشاره به این است که دنیا طلبان نه لیاقت جهاد در راه خدا را دارند و نه توان آن را. کلمه «فاء» در «فلیقاتل»، دلالت روشن بر این معنا دارد.

2 - تنها آخرت طلبان وارسته از دنیا، توان و لیاقت نبرد در راه خدا را دارند .

فلیقاتل فی سبیل الله الذین یثرون الیوه الدنیا بالآخره

3 - آخرت اندیشی و وارستگی از دل بستن به دنیا، ویژگی مجاهدان در راه خدا

ص: 238

فليقاتل في سبيل الله الذين يشرون الحيوه الدنيا بالآخره

4 - تضاد جهاد در راه خدا با دنياپرستی

فليقاتل في سبيل الله الذين يشرون الحيوه الدنيا بالآخره

8 - دستیابی به مواهب آخرت ، پیامد جهاد و مبارزه در راه خدا

فليقاتل في سبيل الله الذين يشرون الحيوه الدنيا بالآخره

10 - مجاهدان در راه خدا ، بهره مند از پاداش بزرگ الهی ، چه کشته شوند و چه پیروز .

و من يقاتل في سبيل الله فيقتل او يغلب فسوف نؤتيه اجراً عظيماً

12 - مجاهدان راه خدا هرگز مغلوب نیستند ، هر چند کشته شوند . *

فيقتل او يغلب

به کارگیری کلمه «يُقتل» به جای «يُغلب» (مغلوب شود) می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 75 - 18، 4، 3، 1

1 - وجوب جهاد در راه خدا

و ما لكم لا تقاتلون في سبيل الله

3 - متخلفان از جهاد در راه خدا و رهایی مستضعفان ، مورد سرزنش و توبیخ خداوند

و ما لكم لا تقاتلون في سبيل الله و المستضعفين

4 - جنگ برای رهایی مستضعفان موحد ، از مصادیق جهاد در راه خداست .

و ما لكم لا تقاتلون في سبيل الله و المستضعفين

مراد از راه مستضعفین، رهایی آنان است. بنابراین «المستضعفين» عطف است بر «سبيل الله»؛ و این عطف، عطف خاص بر عام می باشد. زیرا آنچه به امر خدا انجام می گیرد، نمی تواند خارج از «سبيل الله» باشد.

18 - استجاب دعاي مستضعفان مگه ، با صدور فرمان جهاد از سوی خدا برای رهایی آنان

و ما لكم لا تقاتلون .. الذين يقولون ربنا اخرجنا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

3 - نساء - 4 - 94 - 15، 18

15 - ناسازگاری دنیا طلبی با حرکت در راه خدا

اذا ضربتم في سبيل الله فتبينوا .. تبغون عرض الحيوه الدنيا

18 - غنائم فراوان خداوند از آن مجاهدانی است که در راه او می جنگند و از دنیا طلبی می پرهیزند .

اذا ضربتم في سبيل الله .. و لا تقولوا ... فعند الله مغنم كثيره

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

3 - نساء - 4 - 95 - 1، 4، 16

1 - نابرابری مرتبه و درجه مجاهدان در راه خدا با کسانی که علی رغم توانمندی در جهاد شرکت نمی کنند .

لا يستوى القاعدون من المؤمنین غیر اولی الضرر و المجاهدون في سبيل الله

4 - تأمین هزینه های مالی پیکار در راه خدا ، جهاد مالی در راه خداست .

و المجاهدون في سبيل الله باموالهم و انفسهم

ص: 239

16 - ترغیب مؤمنان به جهاد و بذل مال و جان در راه خدا

لايستوى القاعدون... و المجاهدون... فضل الله المجاهدين على القاعدین اجراً عظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 100 - 8، 5، 2

2 - رهایی از تنگناها و دستیابی به توسعه در ابعاد مختلف زندگی، ثمره ای برای هجرت در راه خدا

و من يهاجر في سبيل الله يجد في الارض مراغماً كثيراً وسعه

5 - وابستگی به خانه و سرزمین، از موانع هجرت در راه خدا

و من يخرج من بيته مهاجراً الى الله ورسوله

تکیه بر خروج از خانه (یخرج من بیته)، اشاره به این دارد که وابستگی آدمیان به خانه و کاشانه، عامل ترک هجرت است.

8 - مهاجرت به سوی پیامبر (صلی الله علیه و آله)، هجرت در راه خداست.

و من يهاجر في سبيل الله... و من يخرج من بيته مهاجراً الى الله ورسوله

13 - ایجاد روحیه امید به آینده و زندگی برتر معنوی و مادی، از روش های قرآن در ایجاد انگیزه برای عمل

و من يهاجر... يجد مراغماً كثيراً وسعه... فقد وقع اجره على الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 160 - 7

7 - یهودیان مردمانی بسیار منحرف و رویگردان از راه خدا

و بصدّهم عن سبيل الله كثيراً

کلمه «صدّاً» می تواند به معنای بازداري و نیز به معنای اعراض باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است، چنانچه برداشت پیش بر مبنای احتمال اول بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 167 - 6

6 - ایمان به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و قرآن ، راه خداست .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ

با توجه به اینکه متعلق «کفروا» قرآن و پیامبر (صلی الله علیه و آله) است، می توان گفت مراد از «سبیل الله» ایمان به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 16 - 11

11 - تعدد راه های گمراهی و باطل ، و یکتایی راه هدایت و حق

و يخرجهم من الظلمت إلى النور

برداشت فوق با توجه به جمع بودن «ظلمات» و مفرد بودن «نور» استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 35 - 10،14

ص: 240

10 - جهاد و مبارزه در راه خدا ، از وظایف مؤمنان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا . . و جهدوا في سبيله

14 - فلاح و رستگاری در گرو تقوای پیشگی ، پی جویی شیوه ها و ابزار های سیر و سلوک تا مقام قرب خداوند و پیکار در راه او

اتقوا الله و ابتغوا إليه الوسيله و جهدوا في سبيله لعلكم تفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 54 - 21, 20

20 - لزوم مبارزه در راه خدا و بی اعتنایی به سرزنش دشمنان ، در انجام وظایف و مسؤولیت های الهی

يجهدون في سبيل الله و لا يخافون لومه لائم

21 - راه خدا ، جهت و محور تلاش پیگیر مؤمنان

يجهدون في سبيل الله

در برداشت فوق جهاد به معنای لغوی آن (تلاش و کوشش) گرفته شده است. نه خصوص نبرد. فعل مضارع (يجهدون) حکایت از تلاش مستمر و پیگیر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 19 - 8

8- دستیابی به رحمت خداوند در آخرت ، در گرو گام نهادن در راه خدا و پیروی از دین او و ایمان به آخرت است .

ألا لعنة الله على الظلمين. الذين يصدون عن سبيل الله ... و هم بالأخره هم كفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 53 - 2

2 - « صراط مستقیم » همان راه خداوند است .

صراط مستقیم . صراط الله

2- آثار اعراض از سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 26 - 19

19 - بیرون رفتن از مسیر خدا ، در پی دارنده عذاب شدید الهی

إِنَّ الَّذِينَ يَضَلُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ

3- آثار بدنمایی سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 21 - 2

2- تلاش برای منحرف نشان دادن راه خدا و انکار سرای آخرت ، موجب خسارت و تباهی سرمایه عمر است .

ص: 241

الذین . . . یبغونها عوجاً و هم بالأخره هم کفرون ... أولئک الذین خسروا أنفسهم

4- آثار سلوک سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 7 - 20

20 - توبه و پیمودن راه خدا (عمل به تعالیم الهی) ، دو عنصر لازم برای نجات انسان از دوزخ است .

فاغفر للذین تابوا و اتبعوا سبیلک و قهم عذاب الجحیم

5- آثار صدر از سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 160 - 11

11 - ظلم و جلوگیری از راه خدا ، موجب عقوبت و کیفر الهی

فبظلم من الذین هادوا حرّما علیهم طیبیت . . . و بصدّهم عن سبیل اللّٰه کثیراً

6- آثار ممانعت از سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 21 - 1

1- دروغ بستن به خدا و بازداری مردم از راه او ، موجب خسارت و تباه کردن سرمایه عمر است .

و من أظلم ممن افتری علی الله کذباً . . . أولئک الذین خسروا أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 3 - 10

10- ترجیح دادن همواره دنیا بر آخرت ، سد مدام راه خدا و کج جلوه دادن تعالیم الهی ، از نشانه های کفرپیشگی است .

ویل للکفرین . . . الذین یتحبّون الحیوه الدنیا علی الآخره و یصدّون عن سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11- ایجاد مانع بر سر راه خدا (دین الهی)، موجب مشکلات دنیوی و عذاب بزرگ اخروی است.

و تذوقوا السوء بما صدقتم عن سبيل الله و لكم عذاب عظيم

مقصود از «سبیل الله» دین خداست که در آیات بسیاری از قرآن به همین عنوان آمده است.

ص: 242

7- ارزش سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 154 - 4

4- در راه خدا بودن ، معیار ارزش اعمال است .

و لا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 74 - 5

5- در راه خدا بودن ، امتیاز جهاد اسلامی بر دیگر نبردها

فلیقاتل فی سبیل الله .. و من یقاتل فی سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 72 - 6

6- در راه خدا بودن ، ملاک ارزش هجرت و جهاد در پیشگاه خداوند

هاجروا و جهدوا بأموالهم و أنفسهم فی سبیل الله

برداشت فوق با توجه به کلمه «فی سبیل الله» استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 74 - 5

5- در راه خدا بودن ، ملاک ارزش اعمال انسان ها در پیشگاه اوست .

جهدوا فی سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 19 - 7

7- ارزش جهاد ، منوط به این است که در راه خدا باشد .

و جهاد فی سبیل اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 20 - 4

4 - ارزش والای هجرت و جهاد منوط به این است که در راه خدا باشد .

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا فی سبیل اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 24 - 9

9 - ارزش جهاد منوط به این است که در راه خدا باشد .

و جهاد فی سبیله

ص: 243

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 34 - 13

13 - در راه خدا بودن ، ملاک ارزش انفاق

و لا ینفقونها فی سبیل اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 38 - 5

5 - ارزش جهاد ، به در راه خدا بودن آن است .

ما لکم اذا قیل لکم انقروا فی سبیل اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 41 - 5,6

5 - در راه خدا بودن ، ملاک ارزش جهاد با مال و جان

جهدوا بأموالکم و أنفسکم فی سبیل اللّٰه

6 - راه خدا و دین الهی ، ارزشمندتر از جان و مال انسانهاست .

و جهدوا بأموالکم و أنفسکم فی سبیل اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 81 - 7

7 - در راه خدا و برای خدا بودن ، ملاک ارزش جهاد

أن یجهدوا بأموالهم و أنفسهم فی سبیل اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 120 - 12

12 - ارزشمندی تحمل رنج و سختی ، منوط به در راه خدا بودن آن است .

لا يصيبهم ظمأ ولا نصب ولا مخمصة في سبيل الله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

12 - نور - 24 - 22 - 11

11 - در راه خدا بودن ، شرط ارزشمندی هجرت

و المهجرين في سبيل الله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

18 - حديد - 57 - 10 - 2

2 - در راه خدا بودن ، شرط باروری و ارزشمندی انفاق است .

و ما لكم ألا تتفقوا في سبيل الله

مطلب یاد شده، از قید «فی سبیل الله» استفاده می شود.

ص: 244

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 11 - 10

10 - راه خدا و دین الهی ، ارزشمندتر از جان و مال انسان ها است .

و تجهدون فی سبیل اللّٰه بأموالکم و أنفسکم

8- استهزای سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 6 - 12

12 - از اهداف رواج دهندگان افسانه های باطل و خرافی در میان مردم ، به تمسخر گرفتن راه خدا است .

یشتری لهو الحدیث لیضلّ . . . و یتخذها هزواً

9- اعتدال سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 28 - 7

7 - راه خدا ، راه راست و معتدل و به دور از افراط و تفریط و اعوجاج است .

لمن شاء منکم أن یتقیم

«استقامه» به معنای اعتدال و استواء است. (لسان العرب)

10- اعراض از سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 45 - 1

1 - اعراض کنندگان از راه خدا (دین و معارف الهی) از زمره ستمکارانند .

أن لعنه الله علی الظالمین. الذین یصدون عن سبیل الله

«صدّ» مصدر «یصدّون» می تواند به معنای اعراض کردن باشد و می تواند به معنای مانع شدن و باز داشتن به کار رود. در صورت اول

«یصدّون» فعلی لازم است و در صورت دوم فعلی است متعدی. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

11- افساد مانعان از سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 88 - 3

ص: 245

3- جلوگیری از رواج دین الهی ، فسادانگیزی است و سد کنندگان راه خدا مفسدند .

الذین کفروا و صدّوا عن سبیل الله . . . بما كانوا یفسدون

12- اهمیت تقویت سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 60 - 2،16

2- وجوب صرف صدقات بر تألیف قلوب ، آزادی بردگان ، بدهکاران ، راه خدا و در راه ماندگان

إنما الصدقات . . . و المؤلفه قلوبهم و فی الرقاب و الغرمین و فی سبیل الله و ابن ال

16 - صرف صدقات در مورد بردگان ، بدهکاران ، راه و در راه ماندگان ، فقط برای تأمین نیاز های آنان است ، نه تملیک به ایشان .

و فی الرقاب . . . و ابن السبیل

با توجه به اینکه برای چهار مورد اخیر، به جای لام ملکیت، حرف «فی» - که بیانگر جهت صرف صدقات است - به کار گرفته شده، برداشت فوق استفاده می شود.

13- اهمیت سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 116 - 4

4- لزوم حرکت در مسیر خدا، هر چند خلاف رأی اکثریت مردم باشد.

و إن تطع أكثر . . . عن سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 111 - 12

12 - ارزش جهاد ، به در راه خدا بودن آن است .

یقتلون فی سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - ستایش خداوند و حرکت در مسیر او و رکوع و سجود و امر به معروف و نهی از منکر ، از جلوه های بارز عبادت پروردگار *

التَّابُونَ الْعِبَادُونَ .. وَ النَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ

برداشت فوق بدان احتمال است که «الحامدون السائحون .. » از باب ذکر خاص بعد از عام (العابدون) و بیانگر اهمیت و ویژگی این صفات باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 246

31- ارزش هر ایثار و مبارزه ای ، به این است که در راه خدا و برای خدا باشد .

و الذین قتلوا فی سبیل اللّٰه

قید «فی سبیل اللّٰه»، بیانگر معنای بالا است.

14- بد نمایاندن سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 45 - 7، 4، 3

3 - آنانکه در پی کج و ناهنجار جلوه دادن راه خدا هستند ، از گروه ظالمانند .

أن لعنه اللّٰه علی الظالمین. الذین ... یبغونها عوجاً

بغی به معنای خواستن و جستجو کردن است. «ها» در «یبغونها» به تقدیر لام می باشد و عوجا (کجی و انحراف)، مفعول به است بنابراین «الذین یبغونها عوجاً» یعنی: آنانکه در جستجوی کجی برای دین الهی هستند حال یا در لابلای معارف دینی در جستجوی مواردی هستند که آنها را نکاتی انحرافی بنمایانند و یا اینکه با تحریف حقایق دین، آنها را به مسائلی انحرافی تبدیل می کنند. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

4 - آنانکه در پی ناهنجار کردن و منحرف ساختن راه خدایند ، از زمره ستمکارانند و در قیامت مورد لعنت خدا قرار خواهند گرفت .

أن لعنه اللّٰه علی الظالمین. الذین ... یبغونها عوجاً

برداشت فوق بر اساس دومین مصداقی است که در توضیح برداشت قبل برای پی جویی اعوجاج در دین بیان شده است.

7 - اعراض کنندگان از راه خدا ، بازدارندگان مردم از پیوستن به آیین الهی و آنان که راه خدا را منحرف جلوه می دهند ، از رحمت الهی در قیامت بدور خواهند بود .

أن لعنه اللّٰه علی الظالمین. الذین یصدون عن سبیل اللّٰه و یبغونها عوجاً

15- بد نمایانی سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 3 - 3

3- کافران ، همواره در پی کج جلوه دادن راه و تعالیم الهی هستند .

للكفرين .. الذين ... و يصدّون عن سبيل الله و يبغونها عوجًا

16- تحسین ممانعت از سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 48 - 7

7- سرمستی ، ریاکاری و بازداشتن مردم از راه خدا ، رفتاری نیکو در نظر شیطان زده کافران عصر بعثت *

ص: 247

إذ زين لهم الشيطان أعمالهم

از مصادیق «أعمالهم» به قرینه آیه قبل، سرمستی و ریاکاری . . . است.

17- ترک سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 9 - 7

7- پیمودن هر راهی به جز راه خدا، گمراهی است .

ليضلّ عن سبيل الله

18- تشویق به سلوک سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 7 - 21

21 - تشویق خطاکاران به توبه و پیمودن راه درست از سوی خداوند

فاغفر للذين تابوا و اتبعوا سبيلك و قهم عذاب الجحيم

19- تنزیه سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 19 - 5

5- راه خدا (احکام و معارف الهی) از هرگونه کجی ، ناهنجاری و انحراف منزّه است .

و ییغونها عوجًا

20- حرکت در سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 244 - 4

4- در راه خدا بودنِ عمل ، ملاک ارزش آن

وقاتلوا في سبيل الله

ص: 248

21- حُسن فرجام سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 1 - 18

18- راه خداوند ، راهی است روشن و دارای فرجامی مشخص و بدون سردرگمی

لتخرج الناس من الظلمت إلى النور . . . إلى صراط العزيز الحمید

عبارت «إلى صراط العزيز» بدل از «إلى النور» است. تسمیه راه خدا به «نور» و راه غیر آن به «ظلمات» نشان می دهد که راه خداوند روشن و مشخص است؛ در حالی که راههای غیر آن، آمیخته با سردرگمی است.

22- حقانیت سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 26 - 18

18 - راه خدا ، راهی است برپایه حق .

فاحکم بین الناس بالحقّ و لا تتبّع الهوی فیضلّک عن سبیل اللّٰه

فرمان حق مداری به داوود(ع) در داوری و سپس توصیه به پرهیز از پیروی هوای نفس، به خاطر ضرر گمراه شدن از راه خدا، حاکی از این نکته است که راه خدا راهی است برپایه حق.

23- دعوت به سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 125 - 9، 3، 2، 1

1- پیامبر (صلی الله علیه و آله) مأمور دعوت مردم به راه پروردگار در پرتو حکمت (برهان های عقلی و علمی) و موعظه نیک

ادع إلى سبیل ربّک بالحکمه و الموعظه الحسنه

«حکمت» به معنای دستیابی به حق در پرتو علم و عقل است (مفردات راغب). بنابراین «بالحکمه»؛ یعنی، به وسیله براهین عقلی و علمی به حق رسیدن.

2- رشد و کمال پیامبر (صلی الله علیه و آله) در پرتو ربوبیت الهی ، مقتضی دعوت دیگران به راه خداست .

ادع إلى سبيل ربك

واژه «رب» - که در لغت به معنای تربیت است (مفردات راغب) - می تواند اشاره به این جهت داشته باشد که: بهره‌وری پیامبر (صلی الله علیه و آله) از ربوبیت خدا، مقتضی آن است که آن حضرت دیگران را نیز از ربوبیت خدا بهره مند سازد.

3- تبلیغ دین و دعوت دیگران به راه خدا، تکلیفی الهی بر همگان

ادع إلى سبيل ربك

برداشت فوق، با الغای خصوصیت از مخاطب اصلی آیه؛ یعنی، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است.

9- انسان برای گرایش به راه خدا، نیازمند موعظه نیک در کنار دلایل متقن عقلی

ادع إلى سبيل ربك بالحكمة و الموعظه الحسنه

برداشت فوق، با توجه به این نکته است که «الموعظه» عطف بر «بالحکمه» است و با یک سیاق ذکر شده، در حالی که «و جادلهم» با بیان دیگر و امری مجزاً آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 39 - 3

3 - انتخاب راه خدا و هدف قرار دادن قرب او ، دعوت الهی از تمام مردم

فمن شاء اتَّخَذِ إِلَىٰ رَبِّهِ مَآبًا

تعبیر «إِلَىٰ رَبِّهِ مَآبًا» - به قرینه «لِلطَّاعِينَ مَآبًا» در آیات پیشین - دعوت به اعراض از فرجام طغیانگران (جهنم) و برگزیدن قرب خداوند به عنوان مقصد نهایی است. حرف «إِلَىٰ» در «إِلَىٰ رَبِّهِ» دلالت می کند که مقصد نهایی، راهی است که سمت و جهت آن به سوی خداوند باشد. این تعبیر کنایه از قرب به خداوند است؛ نه وصول به آن ذات اقدس؛ زیرا در آن صورت به حرف «إِلَىٰ» نیازی نبود.

24- رد عذر معرضان از سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 40 - 2

2 - اخطار های الهی درباره عذاب ، از میان برنده هرگونه عذر در ترک راه خدا

إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا

جملاتی نظیر «إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ» - که پس از هشدار به عذاب گفته شود - خیر از تحقق انذار نیست؛ زیرا مخاطب به آن آگاه است؛ بلکه در مقام اظهار برائت و قطع عذر مخاطب است. ذکر این جمله پس از «من شاء اتَّخَذِ...» - در آیه قبل - گویای معذور نبودن کسی است که سیر زندگانی خود را، به سوی خدا قرار نمی دهد.

25- زمینه گرایش به سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 125 - 9

9- انسان برای گرایش به راه خدا ، نیازمند موعظه نیک در کنار دلایل متقن عقلی

ادعِ إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ

برداشت فوق، با توجه به این نکته است که «الموعظه» عطف بر «بالحکمه» است و با یک سیاق ذکر شده، در حالی که «و جادلهم» با بیان دیگر و امری مجزاً آمده است.

26- زمینه ممانعت از سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9-9-2

2- دنیاطلبی ، زمینه ساز مبارزه با دین الهی و بازداشتن مردم از راه خداست .

اشتروا بآیت الله ثمناً قليلاً فصدوا عن سبيله

ص: 250

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 3 - 2

2- دروغ گویی ، استفاده ابزاری از سوگند ها ، انحراف و بازداشتن مردم از راه خدا ، زاییده کفر و بی ایمانی منافقان

ذَلِكْ بِأَنَّهُمْ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا

«ذلک» می تواند به تمامی آنچه در دو آیه پیش در رابطه با منافقان، مطرح شده اشاره داشته باشد.

27- زیان ایثار در غیر سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 111 - 7

7 - ایثار مال و جان در راه غیر خدا و در قبال بهایی جز بهشت ، زیان و خسران است .

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى... بِأَنْ لَّهُمُ الْجَنَّةَ

خداوند، با پیشنهاد بهای بزرگی چون بهشت در قبال جان و مال مؤمنان، در حقیقت بیان داشته است که فروختن جان و مال به چیزی جز بهشت، مایه خسران است.

28- زیانکاری اخروی مانعان از سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 22 - 3

3- کفرپیشگانی که بر خدا دروغ می بندند و مردم را از راه خدا باز می دارند و قیامت را انکار می کنند ، در سرای آخرت از دیگر کافران و گنهکاران ، تباه تر و زیانکارترند .

و من أظلم .. الذين يصدون ... لاجرم أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْأَخْسَرُونَ

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که مقیاس سنجش و تعیین زیانکار و زیانکارتر مراتب کفر باشد. براین مبنا آیه شریفه دلالت دارد براینکه: همه کافران در آخرت زیانکارند؛ ولی آنان که بر خدا دروغ بستند و ... از دیگر کافران و گنهکاران، زیانکارتر می باشند.

29- سبیل الله و شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - تضاد راه خدا با راه طاغوت و شيطان

الَّذِينَ آمَنُوا يقاتلون في سبيل الله و الَّذِينَ كَفَرُوا يقاتلون في سبيل الطّاغوت فقاتل

ص: 251

30- سبیل الله و طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 76 - 8

8 - تضاد راه خدا با راه طاغوت و شیطان

الَّذِينَ آمَنُوا يقاتلون في سبيل الله و الَّذِينَ كَفَرُوا يقاتلون في سبيل الطَّاغوت فقاتل

31- سختی سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 120 - 18

18 - پیروی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) و حرکت در راه خدا، به دنبال دارنده سختی ها و مرارتها

ما كان .. أن يتخلفوا عن رسول الله ... ذلك بأنهم لا يصيبهم ظمأ ولا نصب ولا م

شمرده شدن سختیها و رنجها در آیه و ترغیب مؤمنان به تحمل آنها، بیانگر این حقیقت است که حرکت در راه دین دربردارنده رنج و زحمت می باشد و ایمان واقعی، مستلزم تحمل آن است.

32- سدّ از سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 99 - 11، 4، 1

1 - توییح اهل کتاب، به لحاظ ممانعت مؤمنان از راه خدا

قل يا اهل الكتاب لم تصدّون عن سبيل الله

4 - ضرورت اعتراض و برخورد با کسانی که مانع راه خدا گشته و مؤمنان را از آن باز می دارند .

قل يا اهل الكتاب لم تصدّون عن سبيل الله

11 - آگاهی عالمان اهل کتاب، به زشتی عمل خود (بازداشتن مؤمنان از راه خدا)

و انتم شهداء

برخی برآند که مورد شهادت همان بازداشتن از راه خداست.

33- شرک و سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 8 - 18

18 - ناسازگاری راه شرک با راه خدا

و جعل لله أنداداً لیضلّ عن سبيله

ص: 252

34- شیطنت مانعان از سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 37 - 7

7 - بازدارندگان انسان از راه حق و سدکنندگان مسیر هدایت ، شیطان اند .

تقیض له شیطنًا . . . وإثمهم لیصدونهم

35- صد از سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 217 - 25، 17، 9

9 - در نظر خداوند ، جلوگیری از راه خدا و کفر به او ، گناهی بزرگتر از جنگیدن در ماه های حرام است .

عن الشهر الحرام قتال فيه قل قتال فيه كبير و صدّ عن سبیل الله و کفر به . . . اکبر

بنابراینکه «صد عن سبیل الله»، مبتدا و «اکبر»، خبر آن باشد.

17 - مشرکان مکه ، مردمانی کفر پیشه و بازدارندگان از راه خداوند و مسجدالحرام

و صدّ عن سبیل الله و کفر به و المسجدالحرام و اخراج اهله

25 - کفر به خداوند و جلوگیری از راه او و مسجدالحرام و بیرون راندن اهل آن ، از مصادیق فتنه

و صدّ عن سبیل الله و کفر به و المسجدالحرام و اخراج اهله منه اکبر عندالله و الف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 160 - 8، 9، 6

6 - تلاش مداوم و پیگیری یهود در جهت بازداری انسان ها از راه خدا

و بصدّهم عن سبیل الله کثیراً

برداشت فوق بر این اساس است که «کثیراً» صفت برای مفعول مطلق (صدّاً) محذوف باشد ؛ بر این مبنا مفعول به کلمه ای همانند «الناس»

در تقدیر است، یعنی «و بصدّهم الناس عن سبیل الله صدّاً کثیراً».

8 - یهود عامل انحراف بسیاری از مردمان و مانع آنان از پیوستن به راه خدا

و بصدّهم عن سبیل اللّٰه کثیراً

بدان احتمال که «کثیراً»، مفعول به به «صدّهم» باشد، یعنی «بصدّهم کثیراً من الناس عن سبیل اللّٰه»، گفتنی است که در این صورت کلمه «صدّ» متعدی و به معنای بازداشتن خواهد بود.

9 - انحراف عمیق یهود از راه خدا و بازداری مردمان از پیوستن به آن ، موجب تحریم نعمت های پاکیزه و حلال بر آنان

حرّمنا علیهم طیبت أحلت لهم و بصدّهم عن سبیل اللّٰه کثیراً

ظاهراً کلمه «بصدّهم» عطف بر «بظلم» است، یعنی «بظلم من الذین هادوا و بصدّهم حرّمنا علیهم». گفتنی است که تکرار باء در «بصدّهم» اشاره به این دارد که بازداری آنان از راه خدا نیز می تواند نقش مستقلی در تحریم داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 167 - 4، 3، 2، 1

1 - کافران بازدارنده از راه خدا ، منحرفانی سخت گمراه

ص: 253

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا ضَلًّا بَعِيدًا

عطف جمله «صدوا . . .» بر جمله «كفروا» بدون تکرار «الذین» دلالت بر این دارد که مجموع دو صفت کفر و بازداری از راه خدا، ضلالت بعید است.

2 - اهل کتاب به دلیل کفرشان به قرآن و انکار رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و بازداری مردمان از پیوستن به اسلام، منحرفانی سخت گمراه

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا ضَلًّا بَعِيدًا

از مصادیق مورد نظر برای «الذین کفروا . . .» به قرینه آیات پیشین (153 به بعد) آن گروه از اهل کتاب هستند که رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را نپذیرفتند و قرآن را وحی الهی ندانستند؛ و مراد از «سبیل الله» به دلیل آیات گذشته دین اسلام است.

3 - انکار رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و کفر به قرآن و بازداشتن دیگران از راه خدا، گمراهی عمیق است .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا ضَلًّا بَعِيدًا

متعلق «كفروا» - به قرینه آیات قبل - قرآن و پیامبر (صلی الله علیه و آله) است.

4 - بازداشتن مردم از پیوستن به راه خدا نشانه کفر است . *

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ

در برداشت فوق جمله «و صدوا» به منزله تفسیر و تبیین جمله «كفروا» گرفته شده است؛ یعنی بازداری از راه خدا کفرپیشگی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 168 - 2,3

2 - انکار رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و کفر به قرآن و بازداشتن دیگران از راه خدا، موجب محرومیت از هدایت و آمرزش الهی

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُغْفِرْ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقًا

با توجه به آیات قبل مراد از «كفر»، کفر به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و قرآن است و مراد از ظلم، بازداشتن دیگران از راه خداست.

3 - کافران ستم پیشه و مانعان راه خدا، موفق به ایمان و توبه نخواهند شد .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُغْفِرْ لَهُمْ

بدیهی است که کفرپیشگان در هر مرتبه ای از کفر باشند چنانچه اهل ایمان گردند سزاوار آمرزش و هدایت الهی هستند؛ بنابراین مراد از

جمله «لم یکن . . .» این است که آنان موفق به ایمان نخواهند شد و در نتیجه آنان را نخواهد آمرزید.

36- ظلم بدنمایانی سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 19 - 4

4- آنان که در پی ناهنجار نشان دادن راه خدا هستند ، ستمکارند .

ألا لعنه الله على الظلمين. الذين ... يبغونها عوجاً

«یبغونها عوجاً»؛ یعنی ، در جست و جوی انحراف برای راه خدا هستند. جست و جوی انحراف برای راه خدا ، گاهی به ایجاد انحراف در آن است و گاهی منحرف جلوه دادن آن می باشد. برداشت یاد شده ناظر به دومین شیوه است.

ص: 254

37- ظلم صدّ از سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 161 - 18

18 - ظلم ، جلوگیری از راه خدا ، رباخواری و به ناحق خوردن مال مردم ، موجب گرایش آدمی به کفر

فبظلم من الذین هادوا حرمنّا .. و أعتدنا للكفرین منهم عذاباً ألیماً

مراد از «للكفرین منهم» همان یهودیانی هستند که مرتکب گناهان ذکر شده در این آیه و آیه قبل بودند، بنابراین صفات یاد شده کفر است و یا موجب کفر خواهد شد. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 168 - 4

4 - بازداشتن مردم از پیوستن به راه خدا ظلم است .

إِنَّ الذّین کفروا و صدوا عن سبیل اللّٰه .. إِنَّ الذّین کفروا و ظلّموا

مراد از ظلم - به قرینه آیه قبل - بازداشتن دیگران از راه خداست.

38- ظلم مانعان از سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 19 - 1

1- کسانی که مردم را از پیوستن به راه خدا (دین و معارف الهی) بازدارند ، از زمره ستمکارانند .

ألا لعنه الله علی الظلمین. الذّین یصدون عن سبیل الله

فعل «یصدون» به معنای باز می دارند و نیز به معنای اعراض می کنند، آمده است. برداشت فوق براساس معنای اول است.

39- ظلم معرضان از سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 19 - 2

2- اعراض کنندگان از راه خدا، از ستمکارانند .

ألا لعنه الله على الظلمين. الذين يصدون عن سبيل الله

40- عذاب اخروی ممانعت از سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 94 - 11

11- ایجاد مانع بر سر راه خدا (دین الهی) ، موجب مشکلات دنیوی و عذاب بزرگ اخروی است .

و تذوقوا السوء بما صدتكم عن سبيل الله و لكم عذاب عظيم

ص: 255

مقصود از «سبیل الله» دین خداست که در آیات بسیاری از قرآن به همین عنوان آمده است.

41- عذاب دنیوی مانعان از سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 20 - 5

5- مانعان راه خدا و آنان که به خدا دروغ می بندند ، در خطر گرفتار شدن به عذاب های دنیوی اند .

و من أظلم ممن افتری علی الله کذبًا .. أولئک لم یکنوا معجزین فی الأرض

جمله «أولئک لم یکنوا ...» کنایه از تهدید به عذاب است و «فی الأرض» می تواند دلیل بر دنیوی بودن آن عذاب باشد.

42- عذاب دنیوی منحرف کنندگان سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 20 - 4

4- کافران به قیامت و آنان که برای منحرف نشان دادن راه خدا تلاش می کنند ، در خطر گرفتار شدن به عذاب های دنیوی اند .

الذین .. یبغونها عوجًا و هم بالأخره هم کفرون. أولئک لم یکنوا معجزین فی الأ

43- عذاب مانعان از سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 88 - 1

1- کافران سد کننده راه خدا ، دارای عذابی بس فزون تر از دیگر کافران

الذین کفروا و صدّوا عن سبیل الله زدّتهم عذابًا فوق العذاب

44- عذاب مضاعف مانعان از سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 20 - 10

10- کفرپیشگانی که مردم را از پیوستن به راه خدا باز می دارند ، به عذابی دو چندان گرفتار خواهند شد .

الذين يصدون ... يضعف لهم العذاب

ص: 256

45- عوامل دوری از سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 153 - 10،12

10 - پیروی از قوانین غیر الهی موجب دور ماندن از راه خدا و نرسیدن به مقام قرب او می شود.

و أن هذا صراطي مستقيماً فاتبعوه ولا تتبعوا السبل فتفرق بكم عن سبيله

12 - تفرقه جوامع موجب دور شدن و فاصله گرفتن آنان از راه خداست.

و لا تتبعوا السبل فتفرق بكم عن سبيله

«عن» برای مجاوزه است و مقتضای آن در جمله های مانند «فتفرق بكم عن سبيله»، این است که مفعول «كم» به سبب فعل «تفرق» از مجرور «سبيله» فاصله گرفته و دور شده است.

46- عوامل ممانعت از سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 38 - 11

11 - زیبا جلوه دادن بدکاری ها ، از جمله عوامل بازدارنده از راه خدا است .

وزین لهم الشیطن أعملهم فصدّهم عن السبیل

47- فرصت سلوک سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 21 - 3

3 - لحظه مرگ ، لحظه پایان فرصت برای حرکت در راه خدا است .

ثمّ السبیل یسرّه . ثمّ أماته

حرف «ثمّ» برای ترتیب زمانی است و دلالت می کند که با فرا رسیدن مرگ، فرصت حرکت در راه خدا سپری شده است.

48- کیفر استهزاگران سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 6 - 14

14 - کیفر مسخره کنندگان راه خدا، عذابی ذلت بار است .

يَتَّخِذُهَا هَزْوًا أُوْلَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ

ص: 257

49- کيفر صدّ از سبيل الله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

4 - نساء - 4 - 161 - 21

21 - ظلم ، جلوگیری از راه خدا ، به ناحق خوردن مال مردم ، موجب عقوبت های دنیوی و عذاب اخروی

فبظلم من الذين هادوا حرمنا .. و أعتدنا للكافرين منهم عذاباً أليماً

50- گمراهی از سبيل الله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

15 - ص - 38 - 26 - 16

16 - هواپرستی ، موجب گمراهی و دوری از راه خدا است .

و لا تتَّبِعِ الهوى فيضلك عن سبيل الله

51- گمراهی مانعان سبيل الله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

9 - ابراهيم - 14 - 3 - 6

6- ترجیح دهندگان دنیا بر آخرت و سد کنندگان راه خدا و کج جلوه دهندگان آن در نهایت گمراهی هستند .

الذين يستحبون الحيوه الدنيا على الآخرة و يصدون عن سبيل الله و يبغونها عوجاً

52- مانعان از سبيل الله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

6 - اعراف - 7 - 45 - 7

7 - اعراض کنندگان از راه خدا ، بازدارندگان مردم از پیوستن به آیین الهی و آنان که راه خدا را منحرف جلوه می دهند ، از رحمت الهی در قیامت بدور خواهند بود .

أن لعنه الله على الظالمين. الذين يصدون عن سبيل الله و يبغونها عوجاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 3 - 2

2- کافران ، همواره درصدد جلوگیری از راه خدا و در پی ممانعت از گسترش تعالیم الهی هستند .

للكفرین . . . الذین . . . و یصدّون عن سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 94 - 8

ص: 258

8- نقض کنندگان سوگند ، بازدارندگان مردم از راه خدایند .

و لاتتخذوا أيمانكم دخلاً... بما صدقتم عن سبيل الله و لكم عذاب عظيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 38 - 10

10 - شیطان ، قوم عاد و ثمود را ، از راه خدا بازداشت .

وزین لهم الشیطن أعملهم فصدّهم عن السبیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 16 - 4

4 - تلاش منافقان ، برای بازداشتن مردم از راه خدا

فصدّوا عن سبیل الله

«صدّ» در صورتی که متعدی استعمال شود، به معنای منع و بازداشتن خواهد بود. بنابراین «فصدّوا عن سبیل الله»؛ یعنی، «منعوا الناس عن سبیل الله».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 2 - 5,7

5 - تلاش منافقان ، برای ممانعت و بازداشتن مردم از گرویدن به راه خدا و آیین او

فصدّوا عن سبیل الله

«صدّ» در صورتی که متعدی استعمال شود، به معنای «منع کردن» خواهد بود. برداشت یاد شده بر این احتمال استوار است.

7 - هدف منافقان از تمسک به سوگند های دروغ ، اغفال کردن مردم و بازداشتن آنان از راه خداوند

اتّخذوا أیمانهم جنّه فصدّوا عن سبیل الله

53- مراد از سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19- « عن أبي عبد الله (ع) قال : و الله نحن السبيل الذی أمرکم الله بالتّباعه ، قوله « و جادلهم بالتی هی أحسن » یعنی بالقرآن ؛

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: به خدا سوگند! آن راهی که خدا شما را به پیروی از آن امر فرموده ما هستیم و مقصود از سخن خدا «و جادلهم بالتی هی أحسن» قرآن است».

54- معرضان از سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 259

7 - اعراض کنندگان از راه خدا، بازدارندگان مردم از پیوستن به آیین الهی و آنان که راه خدا را منحرف جلوه می دهند، از رحمت الهی در قیامت بدور خواهند بود.

أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ. الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا

55- ممانعت از سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 45 - 2,4

2 - کسانی که مردم را از پیوستن به راه خدا باز دارند، ستمکارند.

أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ. الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ

برداشت فوق بر این اساس است که «یصدون» از «صد» به معنای بازداشتن باشد. قابل ذکر است که بر این مبنا کلمه ای همانند «الناس» مفعول آن خواهد بود که به خاطر وضوحش در کلام نیامده است.

4 - آنانکه در پی ناهنجار کردن و منحرف ساختن راه خدایند، از زمره ستمکارانند و در قیامت مورد لعنت خدا قرار خواهند گرفت.

أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ. الَّذِينَ ... يَبْغُونَهَا عِوَجًا

برداشت فوق بر اساس دومین مصداقی است که در توضیح برداشت قبل برای پی جویی اعوجاج در دین بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 86 - 2,3,4,5,14

2 - کافران قوم شعیب بر سر هر کوی و برزن مؤمنان به خدا را مورد تهدید قرار می دادند و آنان را از سلوک راه خدا باز می داشتند.

و لَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ وَتَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ مِنْ ءَامِنٍ بِهِ

«ایعاد» مصدر «توعدون» به معنای تهدید کردن و به شکنجه و امثال آن ترساندن است. «من ءامن» مربوط به فعل «توعدون» و «تصدون» است و به اصطلاح اهل ادب مفعولی است «متنازع فیه». گفتنی است که در برداشت فوق ضمیر در «به» به «اللّه» برگردانده شده است.

3 - شعیب از مردم خویش خواست تا دست از تهدید اهل ایمان بردارند و آنان را از پیمودن راه خدا بازدارند.

و لَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ وَتَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ مِنْ ءَامِنٍ بِهِ

4 - کافران قوم شعیب در تلاش مستمر برای بد جلوه دادن راه خدا

و تصدون عن سبیل اللّٰه من ءامن به و تبغونها عوجاً

5 - تهدید اهل ایمان و ساختن چهره ای ناپسند از راه خدا ، از روش های دشمنان دین برای مبارزه با پیامبران و ادیان الهی

و تصدون عن سبیل اللّٰه من ءامن به و تبغونها عوجاً

14 - سد کنندگان راه خدا و ترسیم کنندگان چهره ای ناپسند از دین ، مردمی فسادگر و در خطر گرفتاری به سرنوشتی شوم هستند .

تصدون عن سبیل اللّٰه من ءامن به و تبغونها عوجاً .. و أنظروا کیف کان عقبه المفسد

ص: 260

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 47 - 5,6,7

5 - کفرپیشگان مکه در عصر بعثت ، همواره در تلاش برای بازداشتن مردم از پیوستن به راه خدا

و یصدون عن سبیل اللّٰه

6 - خروج کافران مکه به سوی بدر ، در راستای تلاششان برای بازداری مردم از راه خدا

و لاتکونوا کالذین خرجوا من دیرهم . . . و یصدون عن سبیل اللّٰه

7 - خداوند ، کفرپیشگان را به سبب رفتار ناپسندشان (سرمستی ها ، ریاکاری ها ، بازداری مردم از راه خدا) ، مجازات خواهد کرد .

و لاتکونوا کالذین . . . و اللّٰه بما یعملون محیط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 9 - 6

6 - شرک پیشگان صدر اسلام ، به خاطر تأمین و حفظ منافع مادی خود ، مردم را از گرویدن به اسلام و سلوک راه خدا باز می داشتند .

اشتروا بآیت اللّٰه ثمناً قليلاً فصدوا عن سبيله

آیه فوق - به قرینه آیات قبل درباره مشرکان است .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 34 - 7,8

7 - بسیاری از احبار و راهبان (پیشوایان دینی یهود و نصارا) عوامل انحراف مردم و بازدارنده آنان از راه خدا بودند .

إن كثيراً من الأعبار و الرهبان . . . و یصدون عن سبیل اللّٰه

8 - تلاش احبار و راهبان ، در بازداشتن مردم از راه خدا ، در راستای دستیابی به مطامع دنیوی خویش

لیأکلون أموال الناس بالباطل و یصدون عن سبیل اللّٰه

با توجه به ارتباط و پیوستگی «یصدون» با «یأکلون» برداشت فوق استفاده می شود .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- کفرورزی کافران و اعمال ایشان (افترا بر خداوند ، بازداری از راه خدا و . . .) خارج از حاکمیت خداوند نیست .

و من أظلم ممن افترى على الله كذباً . . . أولئك لم يكونوا معجزين

ماضی بودن معنای جمله «أولئك لم يكونوا . . .» (آنان هیچ گاه از حاکمیت خدا خارج نبوده اند) می رساند که: گرایش کافران به کفر نیز تحت حاکمیت خدا صورت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 94 - 9

9- سست کردن ایمان مردم با سوء استفاده از مقدسات دین ، « صد عن سبيل الله » است .

و لاتتخذوا أيمنكم دخلاً . . . و تذوقوا السوء بما صددتم عن سبيل الله

از اینکه خداوند از حنث سوگند و فریب کاری، به سد راه خدا تعبیر کرد (بما صددتم عن سبيل الله)، استفاده می شود که

ص: 261

سست کردن ایمان مردم با حنث سوگند و فریب کاری، مصداق بارز سد راه خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 25 - 5

5 - جلوگیری از ورود حاجیان به مسجدالحرام، نمونه آشکار بازداشتن مردم از راه خدا

و یصدّون عن سبیل اللّٰه و المسجد الحرام

مراد از «سبیل اللّٰه» - همان طور که گفته شد - عبادت و پرستش خدای یگانه است. بنابراین و با توجه به این که زیارت مسجدالحرام از سوی مؤمنان و انجام مراسم ویژه آن (طواف، سعی و...) از مصداق های عبادت خدا محسوب می شود، ذکر آن بعد از «سبیل اللّٰه»، می تواند بدان معنا باشد که جلوگیری از ورود زائران به مسجدالحرام، از مصادیق بارز ممانعت از راه خدا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 1 - 47 - 1

1- تلاش های کافران، در منحرف ساختن جامعه بشری از راه خدا، محکوم به شکست حتمی و نهایی است.

الذین کفروا و صدّوا عن سبیل اللّٰه أضلّ أعمالهم

«أعمالهم» نظر به تلاش های کفرآمیز و انحراف انگیز کافران دارد که از واژه «صدّوا» استفاده می شود. شکست حتمی و نهایی از آن جهت برداشت می شود که گوینده «أضلّ» خداوند است و اگر کافران در ظاهر پیشرفت هایی هم داشته باشند، در نهایت محکوم به شکست اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 32 - 3

3- عداوت و مبارزه با پیامبراکرم (صلی الله علیه و آله)، مصداق کفر و پیشگیری از راه خداوند

کفروا و صدّوا عن سبیل اللّٰه و شاقّوا الرسول

عطف «شاقّوا الرسول» بر «الذین کفروا و صدّوا...» ممکن است عطف تفسیری باشد.

56- ممانعت قوم نمود از سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 38 - 10

10 - شیطان ، قوم عاد و ثمود را ، از راه خدا بازداشت .

وزین لهم الشیطن أعملهم فصدّهم عن السبیل

57- ممانعت قوم عاد از سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 38 - 10

ص: 262

10 - شیطان ، قوم عاد و ثمود را ، از راه خدا بازداشت .

وزین لهم الشیطن أعملهم فصدّهم عن السبیل

58- موارد سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 190 - 2

2- ارزش جهاد و نبرد با دشمنان ، به « در راه خدا بودن » آن است .

و قتلوا فی سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 195 - 3

3- ارزش انفاق و تأمین هزینه های جهاد ، به « در راه خدا بودن » آن است .

و أنفقوا فی سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 118 - 5

5- احکام خداوند، سبیل الله است.

هو أعلم من یضل عن سبيله .. فكلوا مما ذکر اسم الله علیه

جمله «فكلوا ..» جواب شرط محذوف است. یعنی إن انتهیتم عن اتباع المضلین ... فكلوا. و چون در آیه شریفه سخن از «إضلال عن سبیل الله» بود، اقتضای تفریع آن است که مضمون آن سبیل الله باشد، و چون سبیل الله اختصاصی به احکام ذبیحه ندارد، به همه احکام تعمیم یافته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 60 - 16

16 - نبرد با دشمنان دین ، از مصادیق « سبیل الله » است .

و ما تنفقوا من شىء فى سبيل الله يوف إليكم

سياق آیه حکایت از آن دارد که از مصادیق «سبیل الله» جهاد با دشمنان دین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 88 - 2

2- معارف و قوانین ادیان آسمانی ، مظهر « سبیل الله » است .

الذین کفروا و صدّوا عن سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 9 - 6

ص: 263

6- توحید و یکتاپرستی ، راه خدا و اسلام ، فراخوان مردم به پیمودن این راه و ترک آیین های شرک

و من الناس من یجدل فی الله . . . لیضلّ عن سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 24 - 5

5- پرستش خدای یگانه ، راه خداوند

و هدوا إلى صراط الحمید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 4 - 30

30- جنگ با کافران محارب ، حرکت در مسیر خداوند است .

و الذین قتلوا فی سبیل الله

آنچه در صدر آیه شریفه مطرح شده است مبارزه بی امان با کافران در جبهه های نبرد است و خداوند، چنین مبارزه ای را «سبیل الله» نامیده است.

59- موانع سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 88 - 12

12 - درخواست از خداوند برای نابودی ثروت ها و امکاناتی که سد راه خدا می باشد ، امری پسندیده است .

لیضلوا عن سبیلک ربنا اطمس علی أمولهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 19 - 9

9- دروغ بستن به خدا ، موجب بازداری مردم از پیوستن به راه او و منحرف ساختن دین الهی و نشانه کفر به آخرت است .

و من أظلم ممن افتری . . . و هم بالأخره هم کفرون

16 - دلبستگی به مال و خانواده ، بازدارنده انسان از راه خدا و تکالیف دین

سيقول لك المخلفون من الأعراب شغلتنا أموالنا و أهلونا . . . يقولون بألسنتهم

برداشت بالا بر این اساس است که اعراب در بیان «شغلتنا أموالنا و أهلونا» صادق به شمار آیند؛ ولی در گفتن «فاستغفرلنا» - که حاکی از ندامت درونی آنان است - کاذب باشند.

60- موانع سلوک سیبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 26 - 17

17 - پیروی از هوای نفس ، ناسازگار با حرکت در مسیر خدا و مانعی بزرگ و خطری جدی بر سر راه کمال آدمی

و لا تتبع الهوی فیضلک عن سبیل الله

61- موانع ممانعت از سیبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 47 - 10

10 - توجه به احاطه علمی خداوند بر کردار آدمی ، عامل اجتناب وی از سرمستی و ریاکاری و جلوگیری از راه خدا

و لا تکونوا .. و الله بما یعملون محیط

62- نعمت سلوک سیبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 20 - 6

6 - فراهم بودن زمینه آشنایی با راه خدا و آسان بودن سلوک آن ، نعمتی سزاوار شکرگزاری است .

قتل الإنسن ما أكفره .. ثم السبیل یسره

چنانچه کفر در «ما أكفره» به معنای کفران نعمت باشد؛ آیات پس از آن - از جمله این آیه - درصدد بیان نعمت هایی خواهد بود که ناسپاسی آنها، موجب نفرین خداوند است.

63- نقش سیبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 1 - 16

16 - ارزش هجرت و جهاد ، به انجام گرفتن آن در راه خدا و برای خشنودی او است .

إن كنتم خرجتم جهداً في سبيلي وابتغاء مرضاتي

تعبیر «خرجتم»، چنانچه بیانگر هجرت مسلمانان از مکه به مدینه باشد، عنوان «جهاد» نیز بر آن انطباق می یابد.

64- نورانیت سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 1 - 9

ص: 265

9- کفر ، ظلمت و راه خدا ، نور است .

لتخرج الناس من الظلمت إلى النور

به قرینه آیات بعد، که درباره کافران و سدّ کنندگان راه خداست، مراد از «ظلمات»، کفر و مراد از «نور»، راه خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 5 - 5

5- کفر ، ظلمت و راه خدا ، نور است .

أخرج قومك من الظلمت إلى النور

از آن جایی که هدف پیامبران و از جمله موسی(ع) هدایت مردم بوده است؛ احتمالاً، مراد از خارج کردن مردم از ظلمت، نجات از کفر و بردن آنان به سوی نور، هدایت آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 11 - 7

7- کفر ، ظلمت و راه خدا ، نور است .

من الظلمت إلى النور

از این قرینه که مقصود از نور قرآن و راه خدا است؛ استفاده می شود که مراد از ظلمات، راه های کفر است.

65- وحدت سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 1 - 10

10- راه خدا ، واحد و یگانه و راه کفر و ضلالت ، متعدد و گوناگون است .

لتخرج الناس من الظلمت إلى النور

برداشت فوق با توجه به استعمال «ظلمات» به صورت جمع و «نور» به صورت مفرد استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- کفر، ظلمت و راه خدا، نور است.

من الظلمت إلى النور

از این قرینه که مقصود از نور قرآن و راه خدا است؛ استفاده می شود که مراد از ظلمات، راه های کفر است.

66- وضوح سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 1 - 18

18- راه خداوند، راهی است روشن و دارای فرجامی مشخص و بدون سردرگمی

ص: 266

لتخرج الناس من الظلمت إلى النور . .. إلى صراط العزيز الحميد

عبارت «إلى صراط العزيز» بدل از «إلى النور» است. تسمیه راه خدا به «نور» و راه غیر آن به «ظلمات» نشان می دهد که راه خداوند روشن و مشخص است؛ در حالی که راههای غیر آن، آمیخته با سردرگمی است.

67- ویژگی سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 45 - 5

5 - راه خدا (دین و معارف الهی) بدور از هر گونه انحراف و ناهنجاری

أن لعنة الله على الظالمين. الذين ... يبغونها عوجاً

68- ویژگیهای سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 125 - 11

11 - راه خدا و اسلام، سازگار با عقل، علم و عواطف انسانی

ادع إلى سبيل ربك بالحكمه و الموعظه الحسنه

69- هدایت به سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 53 - 1

1 - پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، هادی و رهنمای انسان ها به راه خداوند است .

و إنك لتهدى إلى صراط مستقیم . صراط الله

«صراط الله» بدل از «صراط مستقیم» در آیه قبل است؛ یعنی، «و إنك لتهدى إلى صراط الله».

70- هماهنگی سبیل الله با عقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11- راه خدا و اسلام ، سازگار با عقل ، علم و عواطف انسانی

ادع إلى سبيل ربك بالحكمه و الموعظه الحسنه

ص: 267

71- هماهنگی سبیل الله با علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 125 - 11

11- راه خدا و اسلام ، سازگار با عقل ، علم و عواطف انسانی

ادع إلى سبیل ربّک بالحکمه و الموعظه الحسنه

ص: 268

1- آمادگی نظامی سپاه سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 17 - 3

3 - وجود تمرین ، آموزش و آماده سازی مستمر در سپاه سلیمان

فهم یوزعون

«وَزَعٌ» به معنای مرتب کردن، به صف کردن و آرایش دادن لشکر برای جنگ

2- آمادگی نظامی سپاه فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 56 - 1

1 - آماده باش کامل سپاه فرعون پیش از پیوستن مردم شهر ها به آنان برای تعقیب بنی اسرائیل

و إنا لجمع حذرون

«حِذْرٌ» در قرآن به معنای ابزار جنگ (شمشیر، زره و ..) آمده است؛ مانند «خذوا حذرکم». بنابراین «حاذرون» به کسانی گفته می شود که دارای سلاح کافی و در حال آماده باش کامل باشند.

3- اظهار محبت به سپاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 33 - 6

6 - اظهار محبت و تشویق نیروهای مسلح ، پس از رژه رفتن آنها ، از سوی فرماندهان و رهبران ، امری پسندیده و شایسته است .

رَدُّوْهَا عَلَيَّ فَنُفِقْ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ

ص: 269

4- اغواگری سپاه ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 95 - 3

3 - نقش ابلیس و سپاهیان، در گمراهی و شرک‌ورزی آدمیان

فکبکبوا فیها هم و الغاون . و جنود ابلیس أجمعون

به دوزخ افکنده شدن ابلیس و سپاهیان به همراه مشرکان و معبودهایشان، بیانگر مطلب یاد شده است.

5- اهمیت نظم در سپاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 21 - 5,6

5 - اهتمام شدید سلیمان (ع) به برقراری نظم و انضباط کامل در سپاه خویش

أم کان من الغائبین . . . أو لأذبحنه

6 - اهمیت نظم و انضباط در نیروهای نظامی

أم کان من الغائبین . لأعدننه عذاباً شدیداً أو لأذبحنه

6- بی شماری سپاه خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 31 - 20

20 - خداوند، دارای لشکریان و کارگزارانی بی شمار

و ما یعلم جنود ربک إلا هو

برداشت یاد شده، با توجه به این احتمال است که ندانستن لشکریان خداوند، به تعداد بی شمار آنان اشاره داشته باشد؛ یعنی، بر اثر کثرت تعداد آنان، قابل شناخت برای کسی نیست.

7- پیروزی سپاه خدا

1 - پیروزی جبهه حق و لشکریان الهی ، سنت و قضای حتمی و غیر قابل تخلف خداوند

و لقد سبقت کلمتنا لعبادنا المرسلین . . . و إنّ جندنا لهم الغلبون

2 - پیروزی لشکریان الهی و مجاهدان راه خدا ، در تمامی صحنه های مبارزاتی ، سنت و وعده خداوند است .

و إنّ جندنا لهم الغلبون

ص: 270

8- پیروزی سپاه طالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 251 - 24، 5، 4

4 - هزیمت و شکست سپاهیان جالوت به اذن الهی ، در برابر نیروی اندک طالوتیان

فهزموهم باذن الله

5 - اجابت دعا و نیایش طالوتیان ، با هزیمت و شکست سپاه جالوت

قالوا ربنا .. و انصرنا على القوم الكافرين. فهزموهم باذن الله

24 - چیرگی سپاه طالوت بر جالوتیان ، پرتویی از تقصّل جهانشمول الهی

فهزموهم باذن الله .. و لکنّ الله ذو فضل على العالمين

9- تشبیه به سپاه آماده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 75 - 2

2 - مشرکان چونان سپاهی آماده به خدمت ، پشتیبان معبود های خویشند .

و هم لهم جند محضرون

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که ضمیر «هم» به مشرکان و ضمیر «لهم» به معبودها باز گردد.

10- تشویق سپاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 33 - 6

6 - اظهار محبت و تشویق نیرو های مسلح ، پس از رژه رفتن آنها ، از سوی فرماندهان و رهبران ، امری پسندیده و شایسته است .

ردّوها علیّ فطفق مسحًا بالسوق و الأعناق

11- تعداد سپاه خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 31 - 19

19 - شمار لشکریان و کارگزاران پروردگار و ویژگی های آنان را، کسی جز خدا نمی داند.

و ما يعلم جنود ربك إلا هو

مقصود از «جنود» - مطابق نظر مفسران - فرشتگان اند که نقش کارگزاری و امر بری نسبت به خدا را دارند.

ص: 271

12- تعلیم سپاه سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 17 - 3

3- وجود تمرین ، آموزش و آماده سازی مستمر در سپاه سلیمان

فهم یوزعون

«وَرَع» به معنای مرتب کردن، به صف کردن و آرایش دادن لشکر برای جنگ

13- تنوع سپاه ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 64 - 8

8- ابلیس ، دارای لشکریانی سواره و پیاده و همکارانی فراوان و گوناگون

و أجلب علیهم بخیلک و رجلک

«خیل» اسم جمع اسب است و مراد از آن، لشکر سواره نظام می باشد و «رجل» اسم جمع رجال است و مراد از آن پیاده نظام می باشد.

14- حرکت سپاه سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 17 - 2

2- فراخوانی سپاه سلیمان از سوی او ، برای حرکت به سوی مقصدی خاص

و حشر لسلیمن جنوده

واژه «حشر» (مصدر «حشر») به معنای بیرون آوردن جماعت از قرارگاهشان و حرکت دادن آنان به سوی مقصدی چون آوردگاه و .. می باشد.

15- حرکت سریع سپاه در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - هجوم غافلگیرانه بر دشمن در صبحگاه ، پس از حرکت سریع سپاهیان در شب ، شیوه ای کارساز در جهاد

فالمغیرت صبحاً

ص: 272

16- خطای سپاه فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 8 - 4

4- فرعون، هامان و سپاهیانشان مردمی خطاپیشه

إن فرعون و هم-ن و جنودهما كانوا خطئين

17- دعای سپاه طالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- بقره - 2 - 250 - 1

1- صبر، استواری قدم و نصرت بر کافران، درخواست پیکارگران برگزیده طالوت از خداوند، به هنگام رویارویی با جالوت

ولما برزوا... وانصرنا على القوم الكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- بقره - 2 - 251 - 5

5- اجابت دعا و نیایش طالوتیان، با هزیمت و شکست سپاه جالوت

قالوا ربنا... وانصرنا على القوم الكافرين. فهزموهم باذن الله

18- سان دیدن از سپاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 31 - 4

4- سان دیدن از نیروهای مسلح، امری پسندیده و شایسته برای فرماندهان و رهبران

إذ عرض عليه بالعشيّ الصفت الجياد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 33 - 4

4- رژه رفتن نیروهای مسلح و سان دیدن فرماندهان و رهبران از آنها ، امری پسندیده و شایسته است .

ردّوها علیّ فطفق مسحًا بالسوق و الأعناق

19- سپاه ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 95 - 2,5

2- ابلیس ، دارای سپاهی گسترده است .

ص: 273

و جنود إبليس أجمعون

5- «عن أبي جعفر (ع) قال: [في حديث طويل] جنود إبليس ذريته من الشياطين؛

از امام باقر(ع) روایت شده که [ضمن یک حدیث طولانی] فرمود: «جنود» ابلیس فرزندان او از شیطان ها هستند».

20- سپاه اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 26 - 7

7- سپاه اسلام، همواره مستظهر و پشتگرم به نصرت و امداد های الهی

لقد نصرکم اللّٰه فی مواطن کثیره . . . و أنزل جنوداً لم تروها

21- سپاه جالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- بقره - 2 - 250 - 5

5- جالوت و سپاهیان وی از زُمره کافران

و لَمَّا بَرَزُوا الْجَالُوتَ وَ جُنُودَهُ . . . وَ انصَرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- بقره - 2 - 251 - 4

4- هزیمت و شکست سپاهیان جالوت به اذن الهی، در برابر نیروی اندک طالوتیان

فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ

22- سپاه خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 173 - 3,4

3- پیامبران و پیروان آنان، لشکریان خدا هستند.

لعبادنا المرسلين .. وإنّ جندنا لهم الغلبون

4- لشکریان الهی و مجاهدان راه خدا، برخوردار از جایگاه بلند در پیشگاه خداوند

وإنّ جندنا لهم الغلبون

برداشت یاد شده از اضافه «جند» (شکر) به «نا» (خدا) استفاده می شود.

ص: 274

23- سپاه سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 17 - 1

1 - سلیمان (ع) ، دارای سپاهی متشکل از نیروهای جن ، انسان و پرندگان

و حشر لسلیمن جنوده من الجنّ و الإنس و الطیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 20 - 4،6

4 - هدهد ، از اعضای سپاهیان سلیمان

و حشر لسلیمن جنوده.. فقال ما لی لأاری الهدهد

6 - احتیاط و خویشتن داری سلیمان در برخورد با نیروهای تحت امر خویش

فقال ما لی لأاری الهدهد أم کان من الغائبین

سلیمان، بی درنگ هدهد را متهم به تخلف نکرد؛ بلکه ابتدا ناپیدا بودن هدهد را مربوط به خطای دید خودش دانست. این در حالی است که قدرتمندان قبل از هر چیز خشم گرفته و نیروی تحت فرمان خود را متهم می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 21 - 7

7 - مسؤولیت مهم هدهد در سپاه سلیمان (ع)

أم کان من الغائبین . لأعدّبته عذاباً شديداً أو لأأذیحته

احتمال می رود در نظر گرفتن مجازات سخت برای تخلف هدهد، از آن جهت باشد که وی دارای مسؤولیتی مهم بود و نمی بایست پست خود را ترک می کرد.

24- سپاه سلیمان (ع) در سرزمین مورچگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 18 - 1،3

1 - رسیدن سلیمان (ع) و لشگریانش به سرزمین مورچگان ، در مسیر حرکت خود

حتّی إذا أتوا علی واد النمل

3 - اخطار مورچه ای به دیگر مورچگان نسبت به ورود سلیمان و لشگریانش به سرزمین آنها

قالت نملة یاّیها النمل ادخلوا مسکنکم لایحطمنکم سلیمان و جنوده

25- سپاه شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 97 - 7

7 - شیطان ، مظهر وسوسه گری و انحراف و دارای افراد و نیرو های متعدد

ص: 275

أعوذ بك من همزت الشيطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 10 - 2,5

2 - منافقان ، ابراز دست شیطان و تحت تأثیر القائنات او

ألم تر إلى الذين نهوا عن النجوى . . . إنما النجوى من الشيطان

5 - شیطان ، از راه نجوا های منافقان ، درصدد اندوهگین کردن مؤمنان بود .

إنما النجوى من الشيطان ليحزن الذين ءامنوا

26- سپاه طالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 249 -

6,9,10,11,12,14,15,17,18,21,32,33,34

6 - طالوت ، لشکریان بسیج شده را تا قبل از موفقیت آنان در آزمایش ، به خود نسبت نمی داد .

فلما فصل طالوت بالجنود

آنگاه که طالوت، لشکریان را نیازموده بود، از آنان تعبیر به «الجنود» شد، نه «جنوده» یعنی نه آنان را به خود منتسب می دانست و نه از خود نفی می کرد. و آنگاه که سخن از آزمایش به میان آمد، نسبت به آنان که در آزمایش موفق می شوند، گفت: «فأنته مني».

9 - اعلام طالوت به لشکریان ، در مورد عدم انتساب آنان به وی و جدایی آنان از او، در صورتی که از نهر بیاشامند .

فمن شرب منه فليس مني

10 - اعلام طالوت به لشکریان ، در مورد انتساب آنان به وی ، اگر از نوشیدن آب نهر چشم پوشند .

و من لم يطعمه فأنته مني

11 - کسانی که فقط یک کف از آب نهر نوشیدند ، از لشکر طرد نشدند ؛ گر چه منسوب به طالوت نیز نبودند .

فمن شرب منه فليس مني و من لم يطعمه فأنته مني ألا من اغترف غرفةً بيده

کلمه «الّا» استثنای از «فمن شرب» است؛ بنابراین لشکر طالوت به سه گروه تقسیم می شوند: نوشندگان، آنانکه نچشیدند و کسانی که تنها مُشتی از آب برگرفتند. حکم گروه اول و دوم روشن است؛ ولی گروه سوم چون آب را چشیده اند، «مَنی» صدق نمی کند و به دلیل اینکه سیراب نشده اند، «لیس منی» نیز صدق نمی کند.

12 - طالوت با آزمایش الهی، برخی سپاهیان خود را تصفیه نمود و از لشکر طرد کرد.

فمن شرب منه فلیس منی

14 - بیشتر لشکریان طالوت علی رغم منع وی، از آب نهر نوشیدند و در امتحان الهی موفق نشدند.

فشربوا منه الاّ قليلا

15 - عدم تغییر عزم طالوت در پیکار با متجاوزان، علی رغم نافرمانی بیشتر لشکریان و طرد آنان از سوی وی

فشربوا منه الاّ قليلا منهم فلما جاوزه

17 - اظهار عجز برخی همراهان طالوت از پیکار با دشمن، پس از عبور از نهر و دیدن سپاه عظیم جالوت

فلما جاوزه هو و الذین امنوا معه قالوا لا طاقه لنا اليوم بجالوت و جنوده

18 - تنها اقلیتی که در آزمایش تشنگی موفق شدند، همراه طالوت از نهر گذشتند.

ص: 276

فشربوا منه الا قليلا منهم فلما جاوزه هو و الذين امنوا معه

21 - معتقدان به لقای خداوند (روز رستاخیز) در لشکر طالوت، امیدوارکنندگان دل های نگران

قال الذين يظنون انهم ملاقوا الله كم من فئه قليله غلبت فئه كثيره

32 - ناتوانان از همراهی با طالوت پس از گذشتن از نهر، همانهایی بودند که یک کف، آب نوشیدند.

الا من اعترف غرفه بيده .. قالوا لا طاقه لنا

امام باقر (ع) درباره آیه مزبور فرمود: .. قال الذين اعترفوا: «لا طاقه لنا اليوم بجالوت» ...

کافی، ج 8، ص 316، ح 498؛ نورالثقلین، ج 1، ص 251، ح 996.

33 - همراهان طالوت تا آخرین مرحله پیکار، همانهایی بودند که حتی یک کف از آب ننوشیدند.

فشربوا منه الا قليلا .. قال الذين يظنون

امام باقر (ع) درباره آیه مزبور فرمود: .. قال الذين لم يغترفوا: «كم من فئه قليله غلبت فئه كثيره باذن الله».

کافی، ج 8، ص 316، ح 498؛ نورالثقلین، ج 1، ص 251، ح 996.

34 - عده ای از یاران طالوت که از آب نهر نوشیدند، سیصد و سیزده نفر بودند.

فشربوا منه الا قليلا

امام باقر (ع): .. فشربوا منه الا ثلاثمأه و ثلاثه عشر رجلا ...

کافی، ج 8، ص 316، ح 498؛ نورالثقلین، ج 1، ص 251، ح 996.

27- سپاه غیبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - امداد الهی به مؤمنان در جنگ حنین به وسیله دسته هایی از نیرو های غیبی

و أنزل جنوداً لم تروها

9 - جبهه کفر در کارزار حنین ، در پی فرود آمدن نیرو های غیبی و نزول آرامش روحی بر مؤمنان از سوی خداوند ، گرفتار شکستی سخت و عذاب آور گردید .

ثم أنزل الله سكينته .. و أنزل جنوداً لم تروها و عذب الذين كفروا

28- سپاه فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- یونس - 10 - 90 - 1,2,3

1 - خداوند ، بنی اسرائیل را در حالی که در معرض هجوم فرعون و سپاهیانش قرار داشتند ، از دریا عبور داد .

و جوزنا بنی إسرئیل البحر فأتبعهم فرعون و جنوده بغياً و عدواً

2 - فرعون و سپاهیانش ، با خارج شدن بنی اسرائیل از دریا ، با کبر و نخوت و با سرعت به سوی آن گذرگاه تاختند .

ص: 277

و جوزنا بنی اسرائیل البحر فأتبعهم فرعون و جنوده بغياً و عدواً

جمله «فأتبعهم ..» عطف بر جمله «جاوزنا» است و «فای عاطفه» برای ترتیب بدون تراخی است. عرب به کسی که راه رفتنش همراه با کبر و نخوت باشد می گوید: «بغی فی مشیته» و «عدو» نیز به معنای دویدن است.

3- فرعون و سپاهیان، از سرِ ستم و کینه توزی، بنی اسرائیل را تعقیب کردند.

فأتبعهم فرعون و جنوده بغياً و عدواً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 56 - 2

2- تشویق مردم از سوی مأموران فرعون، به تسریع در پیوستن به سپاه وی

وإنّا لجمع حذرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 63 - 1

1- قرار گرفتن بنی اسرائیل در میان سپاه فرعون و دریا

فلما ترءا الجمعان .. فأوحینا إلی موسی أن اضرب بعصاک البحر

از عبارت «أن اضرب بعصاک البحر» معلوم می شود که بنی اسرائیل به هنگام مشاهده سپاه فرعون، نه راه پیش داشتند و نه راه پس؛ زیرا در یک طرف آنان دریا قرار داشت و در سوی دیگر سپاه فرعون.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 24 - 6

6- لشکر فرعون، در تعقیب بنی اسرائیل پس از عبور آنان از نیل

و اترك البحر رهواً إنهم جند مغرقون

تعقیب، از واژه «جند» استفاده شده است.

29- سپاه فرعون در دریا

1 - اقدام فرعون و سپاهیان، مبنی بر تعقیب بنی اسرائیل در بستر دریا

وَأُزْلِفْنَا ثُمَّ الْآخِرِينَ

«ازلاف» (مصدر «أُزْلِفْنَا»); یعنی، به پیشروی وادار کردن و «ثُمَّ» ظرف مکان و معادل «آن جا» و «الآخرین» مفعول برای «أُزْلِفْنَا» است; یعنی، دیگران (فرعونیان) را وادار کردیم تا به آن جا پیشروی کنند. گفتنی است که «ثُمَّ» اشاره به بستر دریا دارد که بنی اسرائیل از آن عبور کردند.

2 - دخالت اراده الهی در وادار کردن فرعونیان به پیشروی در بستر دریا

وَأُزْلِفْنَا ثُمَّ الْآخِرِينَ

ص: 278

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 66 - 2

2 - تعقیب بنی اسرائیل از سوی فرعونیان در مسیر باز شده در دریا به وسیله موسی (ع)

وَأَنْجَيْنَا مُوسَىٰ وَمَنْ مَعَهُ أَجْمَعِينَ . ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخِرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 40 - 4

4 - افکنده شدن فرعون و لشکریانش در دریا ، با حقارت و ذلت و به اراده الهی

فَنبِذْنَهُمْ فِي الْيَمِّ

واژه «فنبذناهم» اشعار به فروافکندن همراه با ذلت و حقارت دارد؛ زیرا «نبذ» اختصاصاً در دور ریختن اشیایی به کار می رود که فاقد ارزش است. در این جا گفته می شود: «نبذته نبذ النعل الخلق» (آن را چون کفش کهنه دور انداختم).

30- سپاه مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 20 - 3

3 - مشرکان ، معتقد به بهره مند بودن از سپاهی قدرت مند و نیرویی شکست ناپذیر معنوی همچون معبودان ادعایی در برابر دیگر قدرت ها

أَمْنَ هَذَا الَّذِي هُوَ جَنْدٌ لَكُمْ يَنْصُرُكُمْ مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ

31- سپاه مشرکان قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 7 - 3

3 - سپاه مشرکان مکه مجهز به سلاح های جنگی و دارای برتری نظامی نسبت به مسلمانان

و تودون آن غیر ذات الشوکه تکون لکم

عدم تمایل مسلمانان به رویارویی با سپاه شرک و نیز جمله «کانما یساقون إلى الموت» در آیه قبل دلالت بر این دارد که مشرکان در جنگ

بدر از نیروی نظامی برتری برخوردار بودند.

32- سلطه سپاه فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 39 - 2

2- سرزمین مصر تحت سلطه نفس گیر سپاهیان سرکش فرعون

و استکبر هو و جنوده فی الأرض

ص: 279

33- شکست سپاه جالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 251 - 5,8,24

5 - اجابت دعا و نیایش طالوتیان ، با هزیمت و شکست سپاه جالوت

قالوا ربّنا .. و انصرنا على القوم الكافرين. فهزم موهم باذن الله

8 - هزیمت و شکست سپاه جالوت ، پس از کشته شدن وی *

فهم موهم باذن الله و قتل داود جالوت

بنابر اینکه «واو» در «و قتل ..» حالیه باشد؛ به تقدیر «قد».

24 - چیرگی سپاه طالوت بر جالوتیان ، پرتویی از تفضّل جهانشمول الهی

فهم موهم باذن الله .. و لكن الله ذو فضل على العالمين

34- عجز سپاه فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 24 - 8

8- قوای نظام فرعونی ، محکوم به نابودی و ناتوان از پایداری در برابر اراده الهی

و اترك البحر رهواً انهم جند مغرقون

35- عظمت سپاه سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 37 - 2

2 - تهدید اکید سلیمان (ع) مبنی بر فرستادن سپاهی گران ، پرتوان و بی هم‌آورد به سوی مشرکان سبا

فلنأتينهم بجنود لا قبل لهم بها

جمله «لا قبل لهم بها» صفت «جنود» است؛ یعنی، سپاهی چنان عظیم که ایشان را توان رویارویی با آن نباشد.

36- فراوانی سپاه احزاب صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 10 - 2

2 - احزاب متّحد، در جنگ علیه مسلمانان، جمعیتی فراوان داشتند.

إذ جاءتكم جنود... إذ جاءوكم من فوقكم و من أسفل منكم

ص: 280

«جنود» جمع «جند» است و دلالت بر چندین سپاه می کند. آمدن نیروها از بالا دست مدینه و پایین دست آن نیز مؤید این نکته است؛ زیرا آنان دارای جمعیتی چشمگیر بوده اند که توانسته اند نیروهایشان را در اطراف مدینه مستقر کنند.

37- فرمانده سپاه فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 78 - 3

3- در تعقیب بنی اسرائیل ، فرعون خود رهبری سپاهیان را به عهده داشت .

فأتبعهم فرعون بجنوده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 6 - 6

6- قرار داشتن سپاهیان حکومت فرعون ، تحت فرماندهی وی و هامان

فرعون و هم-ن و جنودهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 8 - 6

6- قرار داشتن سپاهیان حکومت فرعون ، تحت فرماندهی وی و هامان

إن فرعون و هم-ن و جنودهما

38- قدرت سپاه احزاب صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 22 - 9

9- مسلمانان مدینه ، در غزوه احزاب ، به رغم قدرت و شوکت دشمن و کارشکنی های منافقان ، تسلیم امر پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای جهاد بودند .

ولما رء المؤمنون الأحزاب . . . و ما زادهم إلا إيماناً و تسليماً

ممکن است «تسليماً» به قرینه مقام (بحث جهاد و هجوم دشمن و نیز الگو بودن پیامبر (صلی الله علیه و آله)) تسلیم بودن به امر

پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای جهاد باشد.

39- قدرت سپاه سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 37 - 4

4- ارتش سلیمان (ع)، بسیار توانمند و شکست ناپذیر

ص: 281

فلنأتينهم بجنود لا قبل لهم بها

40- قدرت سپاه فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 61 - 4

4 - ناتوانی مشهود بنی اسرائیل از مقابله با سپاه فرعون

قال أصحاب موسى إنا لمدركون

41- قلت سپاه دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 43 - 10، 3، 4، 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) پیش از جنگ بدر سپاه دشمن را در رؤیاهایی متعدد، اندک دید.

إذ يريكهم الله في منامك قليلا

فعل مضارع «يُرى» دلالت بر تکرار رؤیای پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مورد اندک دیدن سپاه دشمن دارد.

2 - رؤیا های پیامبر (صلی الله علیه و آله) درباره تعداد اندک نفرات دشمن، رؤیایی القا شده از سوی خداوند

إذ يريكهم الله في منامك قليلا

3 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) رؤیای خویش (کمی نفرات دشمن در جنگ بدر) را برای مسلمانان بیان کرد.

إذ يريكهم الله في منامك قليلا و لو أريكهم كثيرا لفسلتم

4 - ضعف و ناتوانی سپاه کفر در جنگ بدر، تأویل و تعبیر رؤیای پیامبر (صلی الله علیه و آله) (کم دیدن نفرات دشمن)

إذ يريكهم الله في منامك قليلا

از منابع تاریخی مربوط به جنگ بدر و نیز اینکه هر فرماندهی پیش از اقدام به جنگ همواره در تلاش برای آگاهی به کم و کیف لشکر مقابل است، به دست می آید که پیامبر (صلی الله علیه و آله) و دیگر مسلمانان از تعداد تقریبی نفرات دشمن آگاه بودند. بنابراین رؤیای پیامبر (صلی الله علیه و آله) حاکی از سستی و ضعف نیروی دشمن بوده است، نه بیانگر تعداد آنان.

10 - رؤیای پیامبر (صلی الله علیه و آله) (اندک دیدن نفرات سپاه کفر) عامل وحدت کلمه مسلمانان در ضرورت پیکار با سپاه کفر و

حضور رشیدانه آنان در جنگ بدر

إذ یریکهم اللّٰه فی منامک قلیلا و لو أریکهم کثیرا لفشلتم و لتنزعتن

42- محمد (صلی الله علیه و آله) و سپاه احزاب صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 22 - 5

5 - پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، مسلمانان مدینه را، از وقوع غزوه احزاب و تشکیل احزاب متحد خبر داده بود.

و لَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ

ص: 282

43- مسلمانان مدینه و سپاه احزاب صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 22 - 1,2,6,9,10

1 - مسلمانان مدینه ، با دیدن سپاهیان احزاب متحد ، اذعان داشتند ، آنچه دیده اند ، همان چیزی است که خدا و پیامبرش وعده داده اند .

وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ

2 - مسلمانان مدینه ، پیشاپیش ، از رویارویی شان با احزاب متحد ، با خبر بودند .

وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ

6 - آنچه مسلمانان مدینه ، در رویارویی با احزاب متحد مشاهده کردند ، بر ایمان شان به راه خود و تسلیم بودن شان افزود .

وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ . . . وَ مَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَ تَسْلِيمًا

فاعل «زاد» مصدر فعل «رأى» است. بنابراین، استفاده می شود که مشاهده دشمنان، بر ایمان مسلمانان افزوده است.

9 - مسلمانان مدینه ، در غزوه احزاب ، به رغم قدرت و شوکت دشمن و کارشکنی های منافقان ، تسلیم امر پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای جهاد بودند .

وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ . . . وَ مَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَ تَسْلِيمًا

ممکن است «تسلیماً» به قرینه مقام (بحث جهاد و هجوم دشمن و نیز الگو بودن پیامبر (صلی الله علیه و آله)) تسلیم بودن به امر پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای جهاد باشد.

10 - توجه مسلمانان مدینه به تحقق وعده های خدا و پیامبرش ، در غزوه احزاب ، باعث شد که آنان ، با دیدن سپاه دشمن بر ایمان شان افزوده شود .

وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ . . . وَ مَا زَادَهُمْ إِلَّا

44- مسؤولیت سپاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 40 - 6

6 - ارتشیان و نظامیان ، چون دیگر اقشار جامعه ، مسؤول رفتار خویش اند و نمی توانند خود را چشم بسته در اختیار رهبران سیاسی خود

- هرچند کافر و باطل - قرار دهند .

فأخذنه و جنوده فنبذنهم فی الیمّ

تصریح به نابودی نظامیان فرعون در کنار وی - با آن که آنان در تحت فرمان او بودند - می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

45- مصونیت از پایدالی سپاه سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 18 - 4

ص: 283

4- دستور مورچه پیشوا به پنهان شدن مورچگان در لانه خود، برای مصون ماندن از پایمال شدن توسط سلیمان و سپاهیان

ادخلوا مسکنکم لایحطمنکم سلیمان و جنوده

«لا» در «لایحطمنکم» ناهیه است. «حطم» (مصدر «یحطمن») در اصل به معنای شکستن و در این جا معادل پایمال کردن است. تعبیرهای «ادخلوا» و «لایحطمنکم» - که به صورت امر و نهی آمده - بیانگر نوعی ریاست است؛ به ویژه اگر تنکیر «نمله» برای تفخیم باشد.

46- نظم سپاه سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 17 - 4

4- حاکمیت نظم و انضباط کامل در سپاه سلیمان

فهم یوزعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 21 - 5

5- اهتمام شدید سلیمان (ع) به برقراری نظم و انضباط کامل در سپاه خویش

أم کان من الغائبین . . . أو لأذبحته

47- نظم سپاه مسلمانان مدینه در غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 13 - 10

10- در سپاه مسلمانان، به هنگام غزوه احزاب، نظمی استوار، حاکم بود. به گونه ای که منافقان نیز خود را ملزم به رعایت آن می دانستند.

و یستذنب فریق منهم النبئی

48- وقت برخورد سپاه فرعون با بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - نزدیک شدن سپاه فرعون به بنی اسرائیل ، به هنگام طلوع آفتاب

فأتبعوهم مشرقین

واژه «مشرقین» از مصدر «اشراق» (داخل شدن در وقت طلوع خورشید) مشتق شده است و حال از ضمیر فاعل «أتبعوهم» می باشد؛ یعنی، «فلحقوا بهم حالکونهم داخلین فی وقت طلوع الشمس». گفتنی است که «إتباع» (مصدر «أتبعوا») در این

ص: 284

جا به معنای ملحق شدن است.

49- ویژگیهای سپاه ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 64 - 9

9- ابلیس ، دارای نیروهایی سریع عمل کننده و عاملهایی کند و خزنده

و أجبلی علیهم بخیلک و رجلیک

50- ویژگیهای سپاه سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 17 - 4

4 - حاکمیت نظم و انضباط کامل در سپاه سلیمان

فهم یوزعون

51- ویژگیهای سپاه فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 40 - 3

3- ارتش و سپاه فرعون ، متشکل از چند لشکر

و جنوده

برداشت یاد شده، از جمع آمدن واژه «جنود» (لشکریان) به دست می آید.

52- هجوم به وسط سپاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 5 - 1,2

1 - سوگند خداوند ، به اسبانی که هنگام جهاد ، خود را به قلب سپاه دشمن زده ، رزمندگان را برای نبرد همه جانبه یاری می دادند .

«جمع»، به معنای جماعت و گروه است. این کلمه مصدری است که به صورت اسم به کار می رود (مصباح). ضمیر «به» به «عَدُو» (دویدن) - که از «عادیات» انتزاع شده است - بازمی گردد.

2 - آسیب زدن به قلب سپاه دشمن و از کار انداختن مرکزیت آن، رزمی در خور تمجید و سوگند خداوند

53- هلاکت سپاه فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 24 - 8

8- قوای نظام فرعونى ، محکوم به نابودى و ناتوان از پایداری در برابر اراده الهی

و اترك البحر رهواً إنهم جند مغرقون

سپاه اسلام

54- {سپاه اسلام}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 75 - 19

19 - ارتش آزادیبخش اسلام ، مددی الهی برای رهایی مستضعفان موحد

و ما لكم لا تقاتلون ... و اجعل لنا من لدنك نصيراً

55- سپاه اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 26 - 7

7 - سپاه اسلام ، همواره مستظهر و پشتگرم به نصرت و امداد های الهی

لقد نصرکم الله فی مواطن کثیره .. و أنزل جنوداً لم تروها

سپاه غیبی

56- {سپاه غیبی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 40 - 12

12 - نصرت خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، به وسیله آرامش بخشیدن به آن حضرت (در غار) و نیز تأیید او با سپاه غیبی (فرشتگان)

فقد نصره الله .. فأنزل الله سكينته عليه و أيده بجنود لم تروها

ص: 286

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 26 - 9

5 - امداد الهی به مؤمنان در جنگ حنین به وسیله دسته هایی از نیرو های غیبی

و أنزل جنوداً لم تروها

9 - جبهه کفر در کارزار حنین ، در پی فرود آمدن نیرو های غیبی و نزول آرامش روحی بر مؤمنان از سوی خداوند ، گرفتار شکستی سخت و عذاب آور گردید .

ثم أنزل الله سکینته .. و أنزل جنوداً لم تروها و عذب الذين كفروا

ص: 287

1- ابراهیم (ع) و ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 88 - 2

2 - حضرت ابراهیم (ع) ، به هنگام فراخوانده شدن برای خروج از شهر ، به منظور تصمیم گیری در این باره به ستارگان نگریست .

فَنظَرَ نَظْرَهُ فِي النُّجُومِ

برداشت یاد شده، بر این اساس مبتنی است که نگاه حضرت ابراهیم(ع) به ستارگان به معنای حقیقی آن باشد؛ نه کنایه از به تفکر فرورفتن.

2- ابزار شناخت ستاره طارق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 2 - 2

2 - ابزار شناخت حقیقت ستاره « طارق » و ویژگی های آن ، در اختیار همگان نیست .

و ما أدريك ما الطارق

خطاب در «ما أدراک» در این موارد، مخصوص شخص پیامبر(صلی الله علیه و آله) نیست؛ بلکه روی سخن با هر مخاطبی است که این سخن را دریافت کند.

3- اختفای ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 15 - 1

1 - سوگند مؤکد خداوند به ستارگانی که در مسیر حرکت خود ، بر اثر نور خورشید از نظر ها ناپدید می گردند .

فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُوسِ

حرف «لا» در «لأقسم» زاید است و سوگند را تأکید می کند. برخی گفته اند: «لأقسم» با همین ترکیب، کلمه قسم است و برای سوگند مؤکد به کار می رود. «خُنُس» جمع «خانس» است و مصدر آن «خنوس»؛ یعنی، منقبض شدن و پنهان

گشتن و فعل «خَنَسَ»؛ یعنی، متواری و غائب شد (لسان العرب). به قرینه ذکر شب و صبح در آیات بعد، مراد از آن ستارگان است و توصیف آنها به این وصف، به اعتبار نامرئی بودن آنها در روز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 16 - 2

2 - سوگند خداوند، به ستارگان متحرک که مسیر خود را طی کرده و مانند رفتن حیوانات غیر اهلی به مخفیگاه خود، از نظرها محو می گردند.

الجوارِ الكَنَس

«كَنَسَ» جمع «کنس» است و آن چیزی است که پنهان می شود. این کلمه از ریشه «كَنَسَ الظَّبِي» گرفته شده است؛ یعنی، آهو خود را در «کناس» (پناهگاه) خود پنهان ساخت و استتار کرد. (نهایه ابن اثیر)

4- استفاده از ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 12 - 6

6- بهره بردن آدمی از شب، روز، ماه و خورشید متفاوت با بهره بردن او از ستارگان است.

سخّر لکم .. الشمس ... و النجوم مسخّرت بأمّره

با توجه به اینکه خداوند در رابطه با تسخیر شب، روز، ماه و خورشید لفظ «سخّر لکم» را به کار برد، ولی برای تسخیر ستارگان لفظ «مسخّرات بأمّره» را بدون لفظ «لکم» آورد، مطلب فوق به دست می آید.

5- افول ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 76 - 6

6 - ابراهیم (ع) در برابر ستاره پرستان، با توجه به پنهان شدن ستارگان، پذیرفتن ربوبیت برای آنها را نامعقول اعلام کرد.

قال هذا ربی فلما أفل قال لا أحب الأفلین

«افول» به معنی پنهان شدن است.

6- انقیاد ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 18 - 1

1- سجده (خضوع و انقیاد) اهل آسمان و زمین و نیز خورشید ، ماه ، ستارگان ، کوه ها ، درختان و جنبنندگان برای خدا

ألم تر أنّ الله يسجد له من في السموت و من في الأرض . . . و الشجر و الدواب

«سجود» (مصدر «يسجد») به معنای اظهار خضوع و انقیاد است.

ص: 289

7- انهدام ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انفطار - 82 - 2 - 3, 1

1 - تمامی ستارگان در آستانه قیامت ، افشانده و پراکنده خواهند شد .

و إذا الكواكب انثرت

«انتثار» به معنای تفرق یا پاشیده شدن است. (تاج العروس)

3 - متلاشی شدن نظم حاکم بر ستارگان در آستانه قیامت

و إذا الكواكب انثرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انفطار - 82 - 4 - 2

2 - دفن آخرین نسل انسان در زمین با به هم ریختن آسمان و ستارگان و زمین ، فاصله چندانی نخواهد داشت . *

و إذا القبور بعثرت

تعبیر «قبر» و زیر و رو شدن خاک آن، ممکن است حاکی از این باشد که هنگام پایان یافتن دنیا و آغاز آخرت، بقایای جسم برخی از انسان ها در قبرها باقی خواهد ماند. کلمه «القبور» - به دلیل داشتن «ال» استغراق - همه قبرهای موجود در آن زمان را شامل می شود. در نتیجه باید گفت این آیه، درباره سایر انسان ها - که چیزی از جسمشان باقی نمانده باشد - سخنی نگفته است.

8- اهمیت ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 76 - 7

7 - « روی آن هارون الرشید أنفذ إلى موسى بن جعفر (ع) فأحضره . . . فقال له الكاظم . . . والله تبارك و تعالی قد مدح النجوم . . . و . . . قد أقسم بموقع النجوم وإنه لقسم لو تعلمون عظیم . . . »

روایت شده که هارون الرشید، امام کاظم(ع) را احضار نمود [و از ایشان درباره علم نجوم سؤالاتی کرد]، آن حضرت به وی فرمود: . . . خدای تبارک و تعالی «نجوم» (ستارگان) را مدح فرموده و به «مواقع النجوم» قسم یاد کرده است. . . .»

9- اهمیت ستاره شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 76 - 3

3 - درک عظمت سوگند به نظام ستارگان ، در گرو داشتن علم نجوم (کیهان شناسی)

وإِنَّهٗ لَقَسَمٌ لِّوَتَلْمُونَ عَظِيمٌ

ص: 290

برداشت یاد شده بر این اساس است که متعلق «لو تعلمون» حذف شده و تقدیر آن چنین است: «لو تعلمون احوال مواقع النجوم».

10- اهمیت نظم ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 76 - 2

2- ستارگان و نظام حاکم بر آنها، پدیده ای عظیم و شایان مطالعه و اندیشه

و اینه لقسم لو تعلمون عظیم

سوگند مؤکد خداوند به ستارگان و تصریح بر عظمت این سوگند، بیانگر مطلب یاد شده است.

11- اهمیت وضوح ستارگان در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 1 - 3

3- آشکار شدن ستارگان در آسمان به هنگام شب، امری مهم و اعجاب آور است.

و السماء و الطارق

سوگند خداوند؛ بیانگر اهمیت اموری است که بر آن سوگند یاد شده است. ارتباط دو سوگند با هم، به ارتباط ستاره و آسمان نظر دارد.

12- بازگشت ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 15 - 2

2- سوگند خداوند به ستارگانی که در طی مسیر، به نقطه هایی که از آن گذشته اند، بازمی گردند.

فلا أقسم بالخنس

برخی از اهل لغت و تفسیر «خُنس» را به معنای رجوع کنندگان می دانند (لسان العرب و کشاف). بر این اساس مراد از آن، بازگشت ستارگان در حرکت انتقالی به مدار حرکت قبلی خود است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - سوگند خداوند ، به ستارگانی که به مسیر قبلی خود بازگشته و در آن جریان می یابند .

بالخّسّس . الجوار

«جواری» (جمع «جاریه») به معنای چیزهایی است که سیلان داشته و روان باشند. توصیف سیّارات به این وصف، ممکن است از آن جهت باشد که آنها را نوری روان می بینیم. و یا مراد، اخترانی است که جرم سیال دارند.

ص: 291

13- پراکندگی ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انفطار - 82 - 2 - 1

1 - تمامی ستارگان در آستانه قیامت ، افشانده و پراکنده خواهند شد .

و إذا الكواكب انتثرت

(انتثار) به معنای تفرق یا پاشیده شدن است. (تاج العروس)

14- تأثیرپذیری ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 2 - 2

2 - درخشندگی ستارگان ، قابل زوال و در معرض بروز موانع و تأثیرپذیری از عواملی تیرگی آفرین

و إذا النجوم انكدرت

15- تاریخ ستاره شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 76 - 4

4 - مردم صدر اسلام ، بی بهره از دانش کیهان شناسی

و إنه لقسم لو تعلمون عظیم

به کارگیری «لو» شرطیه - که برای انتفای شرط و جزا است - بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 36 - 4

4 - وجود علم ستاره شناسی و وسایل آن (همچون رصدخانه) در عصر فرعون و موسی (ع)

و قال فرعون یه-من ابن لی صرحًا

16- تاریکی ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 2 - 1,4

1 - در آستانه قیامت ، تمام ستارگان تیره و بی فروغ خواهند شد .

ص: 292

و إذا النجوم انكدرت

كدورت هر چیز، به معنای از بین رفتن صافی و شفافیت آن است (مصباح) و نتیجه ایجاد «كدوره» را «انكدار» می گویند. بنابراین ستارگان تحت تأثیر عواملی كدرکننده، قرار گرفته و صفا و جلای خود را از دست داده، تاریک خواهند شد.

4 - « عن أبي مریم انّ النبی (صلی الله علیه و آله) قال : فی قوله « و إذا النجوم انكدرت » قال : انكدرت فی جهنم ؛

از ابی مریم روایت شده که پیامبر (صلی الله علیه و آله) درباره سخن خداوند «و إذا النجوم انكدرت» فرمود: ستارگان در جهنم بی فروغ و تاریک خواهند شد.».

17- تسخیر ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 12 - 7، 5، 3

3- ستارگان (ثوابت و سیارات) به فرمان خداوند رام و مسخر شده اند .

و النجوم مسخّرت بأمره

«نجم» به معنای ستاره است. لازم به ذکر است که «نجم» به کلیه اجرام درخشنده آسمان گفته می شود چه ثابت باشند چه سیار؛ و چه از خود نور داشته باشند و یا نور آنها اکتسابی باشد.

5- مسخر شدن ستارگان به فرمان و تدبیر خداوند ، نمونه ای از قدرت عظیم او بر تحقق بخشیدن به فرمان های خود است .

أتی أمر الله فلا تستعجلوه . . . و النجوم مسخّرت بأمره

در آیه «أتی أمر الله» خبر از آمدن امر الهی و تحقق وعده های او داده شده و در این جا تسخیر ستارگان به عنوان نمونه ای از آن امر یادآوری گردیده است تا نشان دهد خداوندی که ستارگان را رام خویش قرار داده است، قدرت بر تحقق وعده های خود را دارد.

7- رام و مسخر بودن شب ، روز ، خورشید ، ماه و ستارگان نشانه هایی از خدا و نمونه هایی از قدرت اوست .

و سخّر لكم الّیل والنهار والشمس والقمر . . . إن فی ذلك لآیت لقوم یعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 6 - 3

3 - سراسر هستی ، از اوج ستارگان تا درختان روئیده بر زمین ، مقهور اراده و قوانین الهی

در صورتی که مراد از «النجم» ستارگان باشد - نه گیاهان بی ساقه - مطلب بالا استفاده می شود.

18- تشبیه ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 16 - 2

2- سوگند خداوند ، به ستارگان متحرک که مسیر خود را طی کرده و مانند رفتن حیوانات غیر اهلی به مخفیگاه خود ، از نظر ها محو می گردند .

الجوار الكنس

ص: 293

«کُنَس» جمع «کَنِس» است و آن چیزی است که پنهان می شود. این کلمه از ریشه «کُنَسَ الظَّيْبِ» گرفته شده است؛ یعنی، آهو خود را در «کِنَاس» (پناهگاه) خود پنهان ساخت و استتار کرد. (نهایه ابن اثیر)

19- تشبیه طلوع ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 16 - 3

3 - بعضی از اختران در طلوع، حرکت و غروب خود، شبیه آهوان پنهانی هستند که ظاهر شده و با حرکت به سمت مخفیگاه خود، ناپدید شوند.

بالخَنَس . الجوار الكُنَس

توصیف ستارگان با وصف «کُنَس» - که از اوصاف آهوان است - تشبیه بدیع و استعاره است.

20- تشبیه غروب ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 16 - 3

3 - بعضی از اختران در طلوع، حرکت و غروب خود، شبیه آهوان پنهانی هستند که ظاهر شده و با حرکت به سمت مخفیگاه خود، ناپدید شوند.

بالخَنَس . الجوار الكُنَس

توصیف ستارگان با وصف «کُنَس» - که از اوصاف آهوان است - تشبیه بدیع و استعاره است.

21- تعبیر رؤیای سجده ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 6 - 9

9- خضوع و سجود ستارگان، ماه و خورشید برای انسان در رؤیا، نشان برگزیده شدن و دستیابی او به علم و دانش است.

إني رأيت أحد عشر كوكبًا .. كذاك يجتبيك ربك و يعلمك

22- تعقل در ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 97 - 3

3 - مطالعه در کیهان و مدارا و موقعیت ستارگان، راهی برای درک توحید و خداشناسی است.

و هو الذی جعل لکم النجوم لتبهتوا بها

ص: 294

23- تفکر در ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 88 - 1

1 - حضرت ابراهیم (ع) - پس از دعوت شدن از سوی قومش برای خروج از شهر - به تفکر عمیق در این باره پرداخت .

فنظر نظره فی النجوم

برداشت یاد شده براساس دو نکته است: 1- «فاء» در «فنظر» عاطفه و جمله «فنظر . . .» عطف بر جمله مقدر است و تقدیر آن چنین است: «قال قومه أخرج معنا فنظر . . .». 2- جمله «فنظر نظره فی النجوم»، ضرب المثلی است برای کسی که می خواهد به تفکر پردازد. از این رو به آسمان می نگرد تا اشیا و موجودات پیرامونش، او را از تفکر درست باز ندارد (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 76 - 2

2 - ستارگان و نظام حاکم بر آنها، پدیده ای عظیم و شایان مطالعه و اندیشه

و إنه لقسم لو تعلمون عظیم

سوگند مؤکد خداوند به ستارگان و تصریح بر عظمت این سوگند، بیانگر مطلب یاد شده است.

24- تکامل ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 40 - 7

7 - جهان طبیعت (ستارگان و . . .) دارای روندی رو به رشد و کمال

بربّ المشرق و المغرب

«ربّ» به معنای تربیت کردن است و «تربیت» ایجاد حالتی در شیء پس از حالت قبل است تا آن گاه که به حد تمام و کمال برسد (مفردات راغب). این معنا بیانگر روند رو به رشد و تکامل است.

25- جایگاه ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - از میان مجموعه آسمان ها ، تنها نزدیک ترین آسمان به اهل زمین ، با ستارگان آراسته شده است . *

إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَكَبِ

«الدنيا» صفت برای «السماء» است. این وصف می تواند قید احترازی و گویای این حقیقت باشد که تنها نزدیک ترین آسمان، به زیور ستارگان آراسته شده است؛ نه همه آسمان ها.

ص: 295

26- حاکم ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انفطار - 82 - 2 - 2

2 - استقرار ستارگان در جایگاه خود ، سامان یافته و محکوم نظمی حاکم بر همه آنها است .

و إذا الكواكب انتثرت

27- حرکت ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 16 - 2

2- ستارگان ، در مدار و قرارگاههایی معین در حال حرکتند .

و لقد جعلنا فی السّماء بروجًا و زینًا لها للنظرین

«برج» به منزلگاه و قرارگاه معنا شده است و منزلگاه به جایی اطلاق می شود که وارد شونده ای بر آن وجود داشته باشد و مراد از آن در این آیه، می تواند ستارگان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 33 - 3

3- هر یک از سیارات و ستارگان ، در مسیر و مدار معین در حال حرکت اند .

أنّ السموت والأرض . . . والشمس والقمر کلّ فی فلک یسبحون

لفظ «کلّ» مضاف به مضاف الیه محذوف مانند «ها» و .. است. و مرجع ضمیر، مجموعه آسمان ها و زمین می باشد که در سه آیه قبل از آن یاد شده است.

28- خاموشی ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 8 - 1

1 - بی فروغ شدن ستارگان ، در آستانه برپایی قیامت

فإذا النجوم طمست

«طمس» به معنای از بین رفتن اثر شیء است و هرگاه این واژه در مورد ستارگان، ماه و چشم به کار رود، به معنای از بین رفتن نور آنها خواهد بود (تاج العروس).

ص: 296

29- خلقت ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 54 - 10

10 - خورشید و ماه و ستارگان ، آفریده های خداوند و مقهور امر و اراده او

خلق السموت . . . و الشمس و القمر و النجوم مسخرت بأمره

کلمه «الشمس» و ما بعد آن، عطف به «السموت» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 61 - 10، 9، 4

4 - خداوند در آسمان ها ، ستارگانی را آفرید .

الذی جعل فی السماء بروجًا

9 - آفرینش ستارگان ، خورشید و ماه تابان ، جلوه ای از برکات و خیرات خداوند .

تبارک الذی جعل فی السماء بروجًا . . . وقمرًا منیرًا

10 - آفرینش ستارگان ، خورشید و ماه تابان ، از نشانه های قدرت خدا و یکتایی او

تبارک الذی جعل فی السماء بروجًا . . . وقمرًا منیرًا

برداشت فوق، از آن جا است که آیه شریفه در ردیف سلسله آیاتی قرار دارد که در مقام محکومیت شرک و اثبات توحید و یگانگی خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 63 - 7

7 - ناتوانی غیرخدا از پدید آوردن علایم راهنما (چون ستارگان) و عوامل نویدبخش و رحمت آفرین (چون باد و باران) به گستردگی پهنه زمین

أمن یتهدیکم فی ظلمت البرّ و البحر . . . أءله مع الله

از ارتباط «من یهدی» با «أله مع الله» استفاده می شود که تنها خداوند، قادر به ایجاد عواملی است که انسان را در ظلمت های شب در سراسر زمین (خشکی و دریا) هدایت کند و باران رحمت را در پی بادهای مژده دهنده به دورترین نقاط برساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 12 - 17

17 - سامان دادن آسمان های هفتگانه ، تدبیر امور آنها و آفرینش ستارگان و نگهبانی از آسمان ها ، جلوه ای از ربوبیت خدا و نشانه یکتایی او در تدبیر هستی است .

ذلك ربّ العلمين .. فقضهنّ سبع سموت

30- راهیابی با ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 16 - 2,3

ص: 297

2- ستارگان ، دارای نقشی بسیار مهم در راهیابی مسافران

و علم-ت و بالنجم هم یهتدون

ذکر خاص «نجم» پس از عام (علامات) با اینکه نجم بی شک از جمله آنهاست، می تواند گویای نکته یاد شده باشد.

3- « قال رسول الله (صلی الله علیه و آله) : « و بالنجم هم یهتدون » قال : هو الجدی لأنه نجم لاتزول و علیه بناء القبلة و به یهتدی أهل البر و البحر ;

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در باره سخن خدا «و بالنجم هم یهتدون» فرمود: آن ستاره جدی است؛ زیرا آن ستاره ای است که از بین نمی رود و قبله [شناسی] بر آن بنا شده و به وسیله آن اهل خشکی و دریا راهنمایی می شوند. «..».

31- رد ربوبیت ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 76 - 6

6 - ابراهیم (ع) در برابر ستاره پرستان، با توجه به پنهان شدن ستارگان، پذیرفتن ربوبیت برای آنها را نامعقول اعلام کرد.

قال هذا ربی فلما أفل قال لا أحب الأفلین

«افول» به معنی پنهان شدن است.

32- زمینه انهدام ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انفطار - 82 - 2 - 4

4- فروپاشی ساختار آسمان ، زمینه به هم ریختن نظم ستارگان *

إذا السماء انفطرت . و إذا الكواكب انتثرت

ترتیب ذکری دو حادثه، ممکن است ناظر به ترتیب حقیقی آنها باشد.

33- زوال درخشندگی ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 2 - 2

2- درخشندگی ستارگان ، قابل زوال و در معرض بروز موانع و تأثیرپذیری از عواملی تیرگی آفرین

و إذا النجوم انكدرت

34- زیبایی ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 298

8 - ستارگان پرفروغ و زیبا ، از نعمت های الهی برای بشر

إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصْبِيحٍ

35- زیبایی طلوع ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 5 - 9

9 - جلوه زیبای طلوع پیوسته ستارگان در شب ، نشان ربوبیت یگانه خداوند است .

رَبِّ الْمَشْرِقِ

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که مقصود از «مشارق» طلوع خورشید و نیز طلوع ستارگان در شب باشد؛ نه خصوص طلوع خورشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 40 - 6

6 - جلوه زیبای طلوع ستارگان در شب و غروب آنها ، نشانه ربوبیت یگانه خداوند

رَبِّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ

برداشت یاد شده، مبتنی بر این دیدگاه است که مقصود از «مشارق» و «مغارب»، اعم از طلوع و غروب خورشید و همه ستارگان باشد؛ نه خصوص خورشید.

36- زیبایی غروب ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 40 - 6

6 - جلوه زیبای طلوع ستارگان در شب و غروب آنها ، نشانه ربوبیت یگانه خداوند

رَبِّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ

برداشت یاد شده، مبتنی بر این دیدگاه است که مقصود از «مشارق» و «مغارب»، اعم از طلوع و غروب خورشید و همه ستارگان باشد؛ نه

37- ستارگان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 2 - 4

4 - « عن أبي مریم انّ النبی (صلی الله علیه و آله) قال : فی قوله « و إذا النجوم انکدرت » قال : انکدرت فی جهنم ;

از ابی مریم روایت شده که پیامبر (صلی الله علیه و آله) درباره سخن خداوند «و إذا النجوم انکدرت» فرمود: ستارگان در جهنم بی فروغ و

ص: 299

تاریک خواهند شد».

38- ستارگان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 8 - 1

1 - بی فروغ شدن ستارگان ، در آستانه برپایی قیامت

فإذا النجوم طمست

«طمس» به معنای از بین رفتن اثر شیء است و هرگاه این واژه در مورد ستارگان، ماه و چشم به کار رود، به معنای از بین رفتن نور آنها خواهد بود (تاج العروس).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 2 - 3، 1

1 - در آستانه قیامت ، تمام ستارگان تیره و بی فروغ خواهند شد .

و إذا النجوم انكدرت

كدورت هر چیز، به معنای از بین رفتن صافی و شفافیت آن است (مصباح) و نتیجه ایجاد «كدوره» را «انكدار» می گویند. بنابراین ستارگان تحت تأثیر عواملی كدرکننده، قرار گرفته و صفا و جلای خود را از دست داده، تاریک خواهند شد.

3 - ستارگان ، در آستانه قیامت به سرعت فرود آمده و ساقط خواهند شد .

و إذا النجوم انكدرت

از معانی «انكدار»، سرعت گرفتن و فرود آمدن است. (قاموس)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انفطار - 82 - 2 - 3، 1

1 - تمامی ستارگان در آستانه قیامت ، افشانده و پراکنده خواهند شد .

و إذا الكواكب انتثرت

«انتشار» به معنای تفرق یا پاشیده شدن است. (تاج العروس)

3 - متلاشی شدن نظم حاکم بر ستارگان در آستانه قیامت

وإذا الكواكب انتثرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انفطار - 82 - 3 - 2

2 - ساختار زمین نیز مانند آسمان و ستارگان ، در آستانه قیامت به هم خورده و رخنه های فراوانی در پیکره آن پدیدار خواهد شد .

إذا السماء .. و إذا الكواكب ... و إذا البحار فجرت

ص: 300

39- ستارگان و نیازهای انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 49 - 5

5 - بی تأثیری ستارگان، در نیازمندی و بی نیازی انسان *

وَأَنَّهُ هُوَ أَغْنَىٰ وَأَقْنَىٰ . وَأَنَّهُ هُوَ رَبُّ الشَّعْرَىٰ

ارتباط این آیه با آیه قبل، می تواند بیانگر این معنا باشد که در میان عرب جاهلی، این اعتقاد وجود داشت که ستاره «شعری»، دارای تأثیر در فقر و غنای انسان ها است و قرآن در صدد نفی این اعتقاد می باشد.

40- ستاره پروین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فلق - 113 - 3 - 5

5 - « عن أبي هريرة عن النبي (صلى الله عليه وآله) في قوله « و من شرّ غاسق إذا وقب » قال : النجم هو الغاسق و هو الثريا ;

ابوهریره از پیامبر (صلی الله علیه و آله)، درباره سخن خداوند «و من شرّ غاسق إذا وقب» روایت کرده که فرمود: ستاره «نجم» (پروین)، همان چیزی است که «غاسق» است [یعنی، هنگام تاریکی شدید شب، رؤیت می شود] و [نام دیگر] آن ثریا است».

41- ستاره جدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 16 - 3

3- « قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) : « و بالنجم هم يهتدون » قال : هو الجدى لأنه نجم لا تزول و عليه بناء القبلة و به يهتدى أهل البر و البحر ;

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در باره سخن خدا «و بالنجم هم يهتدون» فرمود: آن ستاره جدی است؛ زیرا آن ستاره ای است که از بین نمی رود و قبله [شناسی] بر آن بنا شده و به وسیله آن اهل خشکی و دریا راهنمایی می شوند...».

42- ستاره زحل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - « عن الأصْبَغ بن نُبَاتَه عن عَلِي (ع) فِي قَوْلِهِ « فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ » قَالَ : خَمْسَةٌ أَنْجَمُ زُحَلٍ وَعَطَارِدٌ وَالْمَشْتَرِيُّ وَبِهَرَامٍ وَالزَّهْرَةُ . . . » ;

از اصْبِغ بن نُبَاتَه از عَلِي (ع) دَر بَارِهِ « فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ » رَوَايَتٌ شَدِيدَةٌ كَمَا [خُنَّسٌ] پَنَجِ سِتَّارِهِ اسْت: زُحَلٌ، عَطَارِدٌ، مَشْتَرِيُّ، بَهْرَامٌ وَزَهْرَةٌ».

ص: 301

43- ستاره زهره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 15 - 6

6 - « عن الأصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ عَنْ عَلِيٍّ (ع) فِي قَوْلِهِ « فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ » قَالَ : خَمْسَةُ أَنْجُمٍ زَحَلٌ وَعَطَارِدٌ وَالْمَشْتَرِيُّ وَبِهَرَامٍ وَالزَّهْرَةُ . . . » ;

از اصبغ بن نباته از علی (ع) درباره «فلا أقسم بالخنس» روایت شده که [خُنْس] پنج ستاره است: زحل، عطارد، مشتری، بهرام و زهره».

44- ستاره شناسی در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 76 - 4

4 - مردم صدر اسلام ، بی بهره از دانش کیهان شناسی

وإنَّه لَقَسَمَ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٍ

به کارگیری «لو» شرطیه - که برای انتفای شرط و جزا است - بیانگر مطلب بالا است.

45- ستاره عطارد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 15 - 6

6 - « عن الأصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ عَنْ عَلِيٍّ (ع) فِي قَوْلِهِ « فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ » قَالَ : خَمْسَةُ أَنْجُمٍ زَحَلٌ وَعَطَارِدٌ وَالْمَشْتَرِيُّ وَبِهَرَامٍ وَالزَّهْرَةُ . . . » ;

از اصبغ بن نباته از علی (ع) درباره «فلا أقسم بالخنس» روایت شده که [خُنْس] پنج ستاره است: زحل، عطارد، مشتری، بهرام و زهره».

46- ستاره مریخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 15 - 6

6 - « عن الأصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ عَنْ عَلِيٍّ (ع) فِي قَوْلِهِ « فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ » قَالَ : خَمْسَةُ أَنْجُمٍ زَحَلٌ وَعَطَارِدٌ وَالْمَشْتَرِيُّ وَبِهَرَامٍ وَالزَّهْرَةُ . . . » ;

از اصبغ بن نباته از علی (ع) درباره «فلا أقسم بالخنس» روایت شده که [خُنْس] پنج ستاره است: زحل، عطارد، مشتری، بهرام و زهره».

47- ستاره مشتری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 15 - 6

6 - « عن الأصْبَغِ بنِ نُبَاتَةَ عنِ عَلِيٍّ (ع) فِي قَوْلِهِ « فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ » قَالَ : خَمْسَةُ أَنْجُمٍ زَحَلٌ وَعَطَارِدٌ وَالْمَشْتَرِيُّ وَبِهَرَامٌ وَالزُّهْرَةُ . . . »

از اصبغ بن نباته از علی (ع) درباره «فلا أقسم بالخنس» روایت شده که [خنس] پنج ستاره است: زحل، عطارد، مشتری، بهرام و زهره».

48- سجده ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 18 - 1

1 - سجده (خضوع و انقیاد) اهل آسمان و زمین و نیز خورشید، ماه، ستارگان، کوه‌ها، درختان و جنبندگان برای خدا

ألم تر أن الله يسجد له من في السموات ومن في الأرض . . . والشجر والدواب

«سجود» (مصدر «يسجد») به معنای اظهار خضوع و انقیاد است.

49- سجده ستارگان بر یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 4 - 2, 4, 1

1- یوسف (ع) در رؤیایی دید که یازده ستاره به همراه ماه و خورشید بر او سجده می‌کنند .

إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتَهُمْ لِي سَاجِدِينَ

2- یوسف (ع) در رؤیای خویش دریافت که سجده ماه، خورشید و ستارگان بر او، سجده ای از سر شعور و آگاهی است .

رَأَيْتَهُمْ لِي سَاجِدِينَ

ضمیر «هم» و نیز جمعهای مذکر سالم نظیر ساجدین، مخصوص دارندگان عقل و شعور است. به کارگیری آن ضمیر و آن گونه جمع در بیان سجده ستارگان، ماه و خورشید می‌رساند که یوسف (ع) چنان می‌دید که آنها از سر عقل و شعور بر او سجده می‌کنند و در مقابل او خاضعند.

4- ستارگان، ماه و خورشید در رؤیای یوسف، همگی یک جا و دسته جمعی بر او سجده کردند . *

إني رأيت أحد عشر كوكبًا . . . رأيتهم لي سجدین

برداشت فوق ، احتمالی است که می توان آن را از تکرار فعل «رأیت» به دست آورد.

50- سجده ستارگان در رؤیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 4 - 4

ص: 303

4- ستارگان ، ماه و خورشید در رؤیای یوسف ، همگی یک جا و دسته جمعی بر او سجده کردند . *

إني رأيت أحد عشر كوكبًا . . . رأيتهم لي سجدین

برداشت فوق ، احتمالی است که می توان آن را از تکرار فعل «رأیت» به دست آورد.

51- سقوط ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکریر - 81 - 2 - 3

3 - ستارگان ، در آستانه قیامت به سرعت فرود آمده و ساقط خواهند شد .

و إذا النجوم انكدرت

از معانی «انکدار»، سرعت گرفتن و فرود آمدن است. (قاموس)

52- سوگند به ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 1 - 1

1 - سوگند الهی ، به هر ستاره آن گاه که غروب می کند .

و النجم إذا هوی

«نجم» به معنای ستاره است و «الف و لام» آن جنس و مفید عموم است؛ یعنی، «اقسم بكلّ نجم إذا هوی». «هُویّ» (مصدر «هوی») به معنای فرو افتادن است و در آیه شریفه بر غروب کردن اطلاق شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 76 - 7

7 - « روی آن هارون الرشید أنفذ إلى موسى بن جعفر (ع) فأحضره . . . فقال له الكاظم . . . والله تبارک و تعالی قد مدح النجوم . . . و . . . قد أقسم بموقع النجوم وإنه لقسم لو تعلمون عظیم . . . »

روایت شده که هارون الرشید، امام کاظم (ع) را احضار نمود [و از ایشان درباره علم نجوم سؤالاتی کرد]، آن حضرت به وی فرمود: . . . خدای تبارک و تعالی «نجوم» (ستارگان) را مدح فرموده و به «مواقع النجوم» قسم یاد کرده است. . . .»

1 - سوگند مؤکد خداوند به ستارگانی که در مسیر حرکت خود، بر اثر نور خورشید از نظر ها ناپدید می گردند .

فَلَا أُقْسِمُ بِالْخَنَسِ

حرف «لا» در «لأقسم» زاید است و سوگند را تأکید می کند. برخی گفته اند: «لأقسم» با همین ترکیب، کلمه قسم است و برای سوگند مؤکد به کار می رود. «خَنَس» جمع «خانس» است و مصدر آن «خنوس»؛ یعنی، منقبض شدن و پنهان گشتن و فعل «خَنَس»؛ یعنی، متواری و غائب شد (لسان العرب). به قرینه ذکر شب و صبح در آیات بعد، مراد از آن ستارگان است و توصیف آنها به این وصف، به اعتبار نامرئی بودن آنها در روز است.

2 - سوگند خداوند به ستارگانی که در طی مسیر ، به نقطه هایی که از آن گذشته اند ، بازمی گردند .

فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُسِ

برخی از اهل لغت و تفسیر «خُنُس» را به معنای رجوع کنندگان می دانند (لسان العرب و کشاف). بر این اساس مراد از آن، بازگشت ستارگان در حرکت انتقالی به مدار حرکت قبلی خود است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 16 - 1, 2

1 - سوگند خداوند ، به ستارگانی که به مسیر قبلی خود بازگشته و در آن جریان می یابند .

بالخُنُس . الجوار

«جواری» (جمع «جاریه») به معنای چیزهایی است که سیلان داشته و روان باشند. توصیف سیارات به این وصف، ممکن است از آن جهت باشد که آنها را نوری روان می بینیم. و یا مراد، اخترانی است که جرم سیال دارند.

2 - سوگند خداوند ، به ستارگان متحرک که مسیر خود را طی کرده و مانند رفتن حیوانات غیر اهلی به مخفیگاه خود ، از نظر ها محو می گردند .

الجوار الكنس

«کُنُس» جمع «کنس» است و آن چیزی است که پنهان می شود. این کلمه از ریشه «کَنَسَ الظبی» گرفته شده است؛ یعنی، آهو خود را در «کناس» (پناهگاه) خود پنهان ساخت و استتار کرد. (نهایه ابن اثیر)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 19 - 5

5 - خداوند ، در تأکید بر مأموریت جبرئیل در ابلاغ قرآن به پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، به ستارگان و شب و سپیده دم سوگند یاد کرده است .

فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُسِ ... و اللَّيْلِ ... و الصُّبْحِ ... إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولِ كَرِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 1 - 3

3 - سوگند خداوند ، به ستارگان که مرتفع و نمایان اند .

تطبیق «برج» بر ستاره، به لحاظ ارتفاع و ظهور آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 1 - 2

2 - سوگند خداوند به ستاره پدیدار شده در شب (زهره یا زحل یا ثریا و یا . . .)

و الطارق

«طارق»؛ یعنی، کسی که شب هنگام وارد شود. برخی ریشه اصلی آن را «طَرَق» (کوبیدن در) دانسته و گفته اند: کسی که شب وارد می شود، چون به کوبیدن در نیاز پیدا می کند، «طارق» نامیده می شود (نهایه ابن اثیر). آیات بعد صراحت دارد که مراد از آن ستاره است. صاحب «قاموس» آن را بر «ستاره صبح» (زهره) تطبیق داده است؛ گرچه به نقل «لسان العرب»، برخی از اهل لغت این نام را نامعروف خوانده و برخی دیگر آن را بر زحل (کیوان) و ثریا (پروین) منطبق دانسته اند.

ص: 305

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 4 - 3

3 - خداوند ، با سوگند به آسمان و ستارگان ، بر مراقبت از انسان و افکار و کردار او ، تأکید ورزیده است .

و السماء و الطارق ... إن كل نفس لَمَّا عليها حافظ

53- سوگند به مغرب ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 75 - 1

1 - سوگند مؤکد خداوند به محل افول و غروب ستارگان

فَلأُقْسِمُ بِمَوْجِعِ النُّجُومِ

«موقع» (مفرد «مواقع») می تواند اسم مکان و به دو معنا آمده است: محل استقرار و محل سقوط، برداشت بالا بر پایه معنای دوم است.

54- سوگند به مکان ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 75 - 3,5

3 - سوگند الهی ، به نظام ستارگان آسمان

فَلأُقْسِمُ بِمَوْجِعِ النُّجُومِ

برداشت یاد شده بر این اساس است که «مواقع» به معنای مکان های استقرار ستارگان باشد.

5 - « عن بعض أصحابنا : قال : سألته عن قول الله عز وجل : « فلأقسم بمواقع النجوم » قال : أعظم إثم من يحلف بها ;

برخی از اصحاب از [امام] درباره سخن خداوند عزوجل «فلا أقسم بمواقع النجوم» سؤال کردند، حضرت فرمود: بزرگ است گناه کسانی که به آن (مواقع نجوم) قسم می خورند».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 76 - 1,3

1 - سوگند به نظام ستارگان ، سوگندی بزرگ و قابل توجه

فلا أقسم بموقع النجوم . وإنه لقسـم لو تعلمون عظیم

3 - درک عظمت سوگند به نظام ستارگان ، در گرو داشتن علم نجوم (کیهان شناسی)

وإنه لقسـم لو تعلمون عظیم

برداشت یاد شده بر این اساس است که متعلق «لو تعلمون» حذف شده و تقدیر آن چنین است: «لو تعلمون احوال مواقع النجوم».

ص: 306

55- شعور ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 4 - 2

2- یوسف (ع) در رؤیای خویش دریافت که سجده ماه، خورشید و ستارگان بر او، سجده ای از سر شعور و آگاهی است.

رأیتهم لی سجدين

ضمیر «هم» و نیز جمعهای مذکر سالم نظیر ساجدین، مخصوص دارندگان عقل و شعور است. به کارگیری آن ضمیر و آن گونه جمع در بیان سجده ستارگان، ماه و خورشید می رساند که یوسف (ع) چنان می دید که آنها از سر عقل و شعور بر او سجده می کنند و در مقابل او خاضعند.

56- شکافتن ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انفطار - 82 - 3 - 2

2- ساختار زمین نیز مانند آسمان و ستارگان، در آستانه قیامت به هم خورده و رخنه های فراوانی در پیکره آن پدیدار خواهد شد.

إذا السماء... و إذا الكواكب... و إذا البحار فجرت

57- شگفتی و وضوح ستارگان در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 1 - 3

3- آشکار شدن ستارگان در آسمان به هنگام شب، امری مهم و اعجاب آور است.

و السماء و الطارق

سوگند خداوند؛ بیانگر اهمیت اموری است که بر آن سوگند یاد شده است. ارتباط دو سوگند با هم، به ارتباط ستاره و آسمان نظر دارد.

58- طلوع ستاره زحل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 3 - 4

4 - « عن أبان بن تغلب قال : كنت عند أبي عبد الله (ع) إذ دخل عليه رجل من أهل اليمن . . . فقال له أبو عبد الله (ع) : . . . فما زحل عندكم في النجوم ؟ فقال اليماني : نجم نحس ، فقال له أبو عبد الله (ع) : مه لا تقولنّ هذا فإنه نجم أمير المؤمنين (ع) و هو نجم الأوصياء (ع) و هو النجم الثاقب الذي قال الله عزّ وجلّ في كتابه فقال له اليماني : فما يعنى بالثاقب قال : إنّ مطلعته في السماء السابعة وإنّه ثقب بضوئه حتّى أضاء في السماء الدنيا فمن ثمّ سمّاه الله عزّ وجلّ النجم الثاقب ؛

از ابان بن تغلب روایت شده است: خدمت امام صادق(ع) بودم که مردی از اهل یمن خدمت ایشان رسید . . . امام صادق(ع) به

او فرمود: مقام زحل در بین ستارگان نزد شما چگونه است؟ آن مرد یمنی گفت: ستاره نحسی است. امام صادق (ع) فرمود: بس کن و این را مگو؛ زیرا زحل ستاره امیرالمؤمنین و ستاره اوصیا است و آن همان «نجم ثاقب» است که خدای عزوجل در کتابش ذکر کرده است. آن مرد یمنی گفت: مراد از ثاقب چیست؟ حضرت فرمود: طلوع آن در آسمان هفتم است. آن با نورش [آسمان ها را] می شکافت تا به نزدیک ترین آسمان برسد و از آن جهت است که خدای عزوجل آن را «نجم ثاقب» (ستاره شکافنده) نامیده است».

59- عظمت ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 15 - 4

4 - ستارگان ، آفریده هایی با عظمت

فلا أقسم بالخنس

سوگند خداوند، حاکی از عظمت چیزی است که به آن سوگند یاد شده است.

60- عظمت ستاره زحل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 3 - 4

4 - « عن أبان بن تغلب قال : كنت عند أبي عبد الله (ع) إذ دخل عليه رجل من أهل اليمن . . . فقال له أبو عبد الله (ع) : . . . فما زحل عندكم في النجوم ؟ فقال اليماني : نجم نحس ، فقال له أبو عبد الله (ع) : مه لا تقولنّ هذا فإنه نجم أمير المؤمنين (ع) و هو نجم الأوصياء (ع) و هو النجم الثاقب الذي قال الله عزوجل في كتابه فقال له اليماني : فما يعنى بالثاقب قال : إنّ مطلعته في السماء السابعة و إنّ ثقب بضوئه حتّى أضاء في السماء الدنيا فمن ثمّ سمّاه الله عزوجل النجم الثاقب ؛

از ابان بن تغلب روایت شده است: خدمت امام صادق (ع) بودم که مردی از اهل یمن خدمت ایشان رسید . . . امام صادق (ع) به او فرمود: مقام زحل در بین ستارگان نزد شما چگونه است؟ آن مرد یمنی گفت: ستاره نحسی است. امام صادق (ع) فرمود: بس کن و این را مگو؛ زیرا زحل ستاره امیرالمؤمنین و ستاره اوصیا است و آن همان «نجم ثاقب» است که خدای عزوجل در کتابش ذکر کرده است. آن مرد یمنی گفت: مراد از ثاقب چیست؟ حضرت فرمود: طلوع آن در آسمان هفتم است. آن با نورش [آسمان ها را] می شکافت تا به نزدیک ترین آسمان برسد و از آن جهت است که خدای عزوجل آن را «نجم ثاقب» (ستاره شکافنده) نامیده است».

61- عظمت ستاره طارق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 2 - 1

1 - عظمت ستاره « طارق » ، فراتر از حد بیان است .

و ما أدريک ما الطارق

ص: 308

62- علم خدا به تابش ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 4 - 9

9- آگاهی خداوند، به هر آنچه از آسمان به زمین نازل می شود (باران، فرشتگان، تابش خورشید، ماه، ستارگان و...) و هر آنچه از زمین به آسمان بالا می رود (بخار آب، فرشتگان، اعمال مردمان و...)

يعلم... و ما ينزل من السماء و ما يعرج فيها

63- غروب ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 1 - 2

1 - سوگند الهی، به هر ستاره آن گاه که غروب می کند.

و النجم إذا هوى

«نجم» به معنای ستاره است و «الف و لام» آن جنس و مفید عموم است؛ یعنی، «اقسم بكلّ نجم إذا هوى». «هُوى» (مصدر «هوى») به معنای فرو افتادن است و در آیه شریفه بر غروب کردن اطلاق شده است.

2 - غروب ستارگان، نمودی از قدرت و تدبیر آفریدگار جهان

و النجم إذا هوى

از آن جا که سوگند، به چیزی یاد می شود که دارای اهمیت و پیامدار معنایی باشد می توان گفت که سوگند الهی به غروب ستارگان، برای توجه دادن بشر به تنظیم گر نظام آنها است.

64- فلسفه خلقت ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 97 - 1

1 - خداوند ستارگان را برای راهیابی انسان در ظلمتهای دشت و دریا قرار داده است.

و هو الذى جعل لكم النجوم لتهتدوا بها فى ظلمت البر و البحر

65- فلک ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 40 - 4

4 - تمامی ستارگان به سرعت در مداری در حرکت اند .

ص: 309

و کلّ فی فلک یسبحون

مضاف الیه «کلّ» در تقدیر است و تنوین آن عوض از آن شیء مقدر می باشد. جمع آمدن «یسبحون» قرینه است بر این که مقصود، خورشید و ماه نیست؛ بلکه «کواکب» (ستارگان) می باشد.

66- فواصل ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 75 - 2

2- ستارگان آسمان، دارای مکانی معین و فاصله های ثابت و تغییرناپذیر

فلا أقسم بموقع النجوم

در صورتی که «موقع» (مفرد «مواقع») اسم مکان (محل استقرار) باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

67- فواید ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 16 - 6

6- «فی المجمع فی قوله: «زینّاهما للناظرین» بالكواکب النیره عن أبی عبد الله (ع)؛

در مجمع البیان درباره آیه: «زینّاهما للناظرین» از امام صادق (ع) چنین روایت شده است: به وسیله ستارگان نورانی [زینت می دهیم]».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 16 - 2,3

2- ستارگان، دارای نقشی بسیار مهم در راهیابی مسافران

و علمت و بالنجم هم یهتدون

ذکر خاص «نجم» پس از عام (علامات) با اینکه نجم بی شک از جمله آنهاست، می تواند گویای نکته یاد شده باشد.

3- «قال رسول الله (صلی الله علیه و آله): «و بالنجم هم یهتدون» قال: هو الجدی لأنه نجم لاتزول و علیه بناء القبلة و به یهتدی أهل البر و البحر؛

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در باره سخن خدا «و بالنجم هم یهتدون» فرمود: آن ستاره جدی است؛ زیرا آن ستاره ای است که از

بین نمی رود و قبله [شناسی] بر آن بنا شده و به وسیله آن اهل خشکی و دریا راهنمایی می شوند. ..».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 7 - 1

1 - سوگند خداوند ، به آسمان تزیین یافته با ستارگان

و السَّمَاءِ ذَاتِ الْحُبُكِ

«حبیکه» و «حباک» (مفردهای «حُبُک») در معانی استحکام، راه و زیبایی به کار می رود. برداشت یاد شده براساس معنای اخیر است.

ص: 310

68- گردش ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 40 - 4

4 - تمامی ستارگان به سرعت در مداری در حرکت اند .

و کلّ فی فلک یسبحون

مضاف الیه «کلّ» در تقدیر است و تنوین آن عوض از آن شیء مقدر می باشد. جمع آمدن «یسبحون» قرینه است بر این که مقصود، خورشید و ماه نیست؛ بلکه «کواکب» (ستارگان) می باشد.

69- محمد(صلی الله علیه و آله) و ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 2 - 3

3 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) در شناخت ستارگان ، نیازمند تعلیم الهی است .

و ما أدریک ما الطارق

70- مدارهای ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 97 - 2,3

2 - ستارگان و موقعیت و مدارهای آنها، دارای نظم و حساب و برنامه مشخص است.

جعل لکم النجوم لتهدوا بها فی ظلمت البر و البحر

راهیابی به وسیله ستارگان زمانی میسر است که مدارات و موقعیت آنها دارای نظمی مشخص باشد؛ زیرا در غیر این صورت راهیابی به وسیله آنها ممکن نبود.

3 - مطالعه در کیهان و مدارات و موقعیت ستارگان، راهی برای درک توحید و خداشناسی است.

و هو الذی جعل لکم النجوم لتهدوا بها

71- مراد از ستاره زحل

4 - « عن أبان بن تغلب قال : كنت عند أبي عبد الله (ع) إذ دخل عليه رجل من أهل اليمن . . . فقال له أبو عبد الله (ع) : . . . فما زحل عندكم في النجوم ؟ فقال اليماني : نجم نحس ، فقال له أبو عبد الله (ع) : مه لا تقولنّ هذا فإنه نجم أمير المؤمنين (ع) »

(ع) و هو نجم الأوصياء (ع) و هو النجم الثاقب الذى قال الله عزوجل فى كتابه فقال له اليماني : فما يعنى بالثاقب قال : إنّ مطلعته فى السماء السابعة و إنّه ثقب بضوئه حتّى أضاء فى السماء الدنيا فمن ثمّ سمّاه الله عزوجلّ النجم الثاقب ;

از ابان بن تغلب روایت شده است: خدمت امام صادق(ع) بودم که مردی از اهل یمن خدمت ایشان رسید . . امام صادق(ع) به او فرمود: مقام زحل در بین ستارگان نزد شما چگونه است؟ آن مرد یمنی گفت: ستاره نحسی است. امام صادق(ع) فرمود: بس کن و این را مگو: زیرا زحل ستاره امیرالمؤمنین و ستاره اوصیا است و آن همان «نجم ثاقب» است که خدای عزوجلّ در کتابش ذکر کرده است. آن مرد یمنی گفت: مراد از ثاقب چیست؟ حضرت فرمود: طلوع آن در آسمان هفتم است. آن با نورش [آسمان ها را] می شکافد تا به نزدیک ترین آسمان برسد و از آن جهت است که خدای عزوجلّ آن را «نجم ثاقب» (ستاره شکافنده) نامیده است».

72- مراد از نجم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 1 - 8

8 - «عن أبي الحسن الرضا (ع) . . . قال : النجم رسول الله (صلى الله عليه وآله) وقد سمّاه الله فى غير موضع ، فقال : « و النجم إذا هوى »

از امام رضا(ع) روایت شده. . که فرمود: مراد از «نجم» رسول خدا(صلی الله علیه و آله) است و خداوند رسول خود را در مواردی [از قرآن] نجم نامیده و فرموده است: و النجم إذا هوى»

73- مکان ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 61 - 3

3 - خداوند ، در آسمان ها برج ها و منزلگاه هایی برای ستارگان قرار داد .

الذى جعل فى السماء بروجاً

«بروج» (جمع «برج») به معنای قصرها است؛ ولی مقصود از آن در آیه شریفه - مطابق دیدگاه بیشتر مفسران و اهل لغت - می تواند دو چیز باشد: 1- منازل و قرارگاه های معین برای ستارگان و کواکب. 2- خود کواکب و ستارگان. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 75 - 2

2 - ستارگان آسمان ، دارای مکانی معین و فاصله های ثابت و تغییرناپذیر

فلا أقسم بموقع النجوم

در صورتی که «موقع» (مفرد «مواقع») اسم مکان (محل استقرار) باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 11 - 1

ص: 312

1 - آسمان ، دارای باران های پیاپی و فائده های مداوم و جایگاه ظهور مکرر ستارگان

و السماء ذات الرجوع

«رَجْع» به معنای بازگرداندن و «رجوع» به معنای بازگشتن است (مفردات راغب). «ذات الرجوع» وصفی است که بر ثبوت و تداوم دلالت دارد و مراد از آن می تواند بازگشت دادن بخارهای متصاعد به صورت باران باشد. گفته «مقایس اللغه» - که «رَجْع» را به معنای «باران» دانسته است - این احتمال را تأیید می کند. برخی از مفسران، آن را بر تمام فائده های آسمانی، ظهور مکرر ستارگان در شب ها، تأثیر حوادث آسمانی در پیدایش مکرر فصول سال، تطبیق داده اند.

74- موجبات تسخیر ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 12 - 4

4- امر خداوند ، موجب مسخر و رام شدن ستارگان است .

و النجوم مسخرت بأمره

«باء» در «بأمره» سببیه است و نشان می دهد که علت رام و مسخر بودن ستارگان امر الهی است.

75- نظم ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 97 - 2

2 - ستارگان و موقعیت و مدارهای آنها، دارای نظم و حساب و برنامه مشخص است.

جعل لكم النجوم لتهتدوا بها فی ظلمت البر و البحر

راهیابی به وسیله ستارگان زمانی میسر است که مدارات و موقعیت آنها دارای نظمی مشخص باشد؛ زیرا در غیر این صورت راهیابی به وسیله آنها ممکن نبود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انفطار - 82 - 2 - 2

2 - استقرار ستارگان در جایگاه خود ، سامان یافته و محکوم نظمی حاکم بر همه آنها است .

وإذا الكواكب انثرت

76- نعمت ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 61 - 11

11 - ستارگان ، خورشید و ماه تابان ، از نعمت های الهی برای انسان ها است .

تبارک الذی جعل فی السماء بروجًا .. قمرًا منیرًا

ص: 313

برداشت فوق، به خاطر این است که آیه شریفه، ضمن آن که بیانگر قدرت خدا است، می تواند در صدد امتنان و برشمردن نعمت های الهی برای انسان ها نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 6 - 9

9 - ستارگان پرفروغ و زیبا، از نعمت های الهی برای بشر

إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 5 - 8

8 - ستارگان پرفروغ و زیبا، از نعمت های الهی برای بشر

إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصْبِيحٍ

77- نقش ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 97 - 1

1 - خداوند ستارگان را برای راهیابی انسان در ظلمتهای دشت و دریا قرار داده است.

و هو الذى جعل لكم النجوم لتهتدوا بها فى ظلمت البر و البحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 61 - 12

12 - « عن أبى جعفر (ع) فى قوله تبارك و تعالى : « تبارك الذى جعل فى السماء بروجاً فالبروج الكواكب ؛

امام باقر(ع) در باره سخن خدا «.. جعل فى السماء بروجاً» فرمود: برج های آسمان، ستارگان است».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 63 - 6

6 - ستارگان راهنما ، باد های بشارت بخش و باران های رحمت آفرین ، نشانه های روشن توحید و پوچی و بطلان شرک

أَمَّنْ يَهْدِيكُمْ .. أءَلَهُ مَعِ اللّٰه

مفاد جمله «أءَلَهُ مَعِ اللّٰه» با توجه به صدر آیه این است که: با وجود این نشانه ها - که بیانگر نقش اراده خدا در حیات بشر است - مجالی برای روی آوردن به غیر خدا نمی ماند؛ زیرا اصولاً کسی جز او نقشی در تدبیر نظام هستی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 6 - 5، 4

4 - ستارگان ، زینت بخش آسمان

إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ

ص: 314

5 - هنرنمایی شگفت انگیز خدا در زیباسازی آسمان به وسیله ستارگان

إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ

برداشت یاد شده از تکبیر «زینه» - که بر تفخیم و تعجیب دلالت دارد - استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 7 - 2

2 - ستارگان ، حافظان آسمان نزدیک از نفوذ شیطان ها

بزینه الكواكب . و حفظًا من كلّ شيطان

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که نصب «حفظا» به سبب عطف بر «بزینه» باشد (از نوع عطف بر معنا که در کلام عرب بسیار است). بر این اساس، تقدیر آیه چنین می شود: «إِنَّا خَلَقْنَا الْكَوَاكِبَ زِينَةً لِلسَّمَاءِ وَحُفْظًا لَهَا» (ما ستارگان را برای زینت آسمان و نیز برای محفوظ ماندن آن از نفوذ شیطان آفریدیم). بنابراین پیام آیه شریفه مانند آیه پنجم سوره ملک خواهد بود: «وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 12 - 6,7

6 - ستارگان ، زینت بخش آسمان دنیا (نزدیک ترین آسمان به زمین)

و زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ

7 - ستارگان ، چراغ های آسمان اول و زیبایی بخش آن

و زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ

«مصباح» (مفرد «مصابیح») به معنای چراغ است و مراد از آن ستاره می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 49 - 5

5 - بی تأثیری ستارگان ، در نیازمندی و بی نیازی انسان *

وَأَنَّهُ هُوَ أَغْنَىٰ وَأَقْنَىٰ . وَأَنَّهُ هُوَ رَبُّ الشَّعْرَىٰ

ارتباط این آیه با آیه قبل، می تواند بیانگر این معنا باشد که در میان عرب جاهلی، این اعتقاد وجود داشت که ستاره «شعری»، دارای تأثیر در فقر و غنای انسان ها است و قرآن در صدد نفی این اعتقاد می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 75 - 4

4 - « روی عن ابي جعفر و ابي عبدالله عليهما السلام أنّ مواقع النجوم رجومها للشياطين فكان المشركون يقسمون بها . . . » ;

از امام باقر و صادق (عليهما السلام) روایت شده که «مواقع نجوم» رجم شیاطین است که به وسیله ستارگان انجام می شود و مشرکان به آن قسم یاد می کردند».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 5 - 9، 7، 4

4 - ستارگان ، زینت بخش آسمان

ص: 315

7- از میان مجموعه آسمان ها ، تنها نزدیک ترین آسمان ها به اهل زمین ، مزین به ستارگان است . *

«الدنيا»، صفت برای «السماء» است. این وصف می تواند قید احترازی و گویای این حقیقت باشد که نزدیک ترین آسمان - نه همه آسمان ها - به زیور ستارگان آراسته شده است.

9- ستارگان پرفروغ ، مایه طرد شیطان ها و حفظ آسمان نزدیک از نفوذ آنها است .

و جعلناها رجوماً للشَّيْطَانِ

78- نورانیت ستاره پروین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 3 - 3

3- کیوان یا پروین ، اختری تابان که نور آن تاریکی فضا را می شکافد . *

و الطارق . . . النجم الثاقب

از ستارگانی که «النجم الثاقب» توصیفگر آن است، ستاره زحل (کیوان) می باشد (قاموس). برخی دیگر آن را بر «ثریا» (پروین) تطبیق داده و گفته اند: چون «النجم» هرگاه به صورت مطلق آورده شود، مراد از آن ستاره پروین است؛ پس در آیه نیز همان ستاره مورد نظر است.

79- نورانیت ستاره زحل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 3 - 4

4- « عن أبان بن تغلب قال : كنت عند أبي عبد الله (ع) إذ دخل عليه رجل من أهل اليمن . . . فقال له أبو عبد الله (ع) : . . . فما زحل عندكم في النجوم؟ فقال اليماني : نجم نحس ، فقال له أبو عبد الله (ع) : مه لا تقولنّ هذا فإنه نجم أمير المؤمنين (ع) و هو نجم الأوصياء (ع) و هو النجم الثاقب الذي قال الله عزّ وجلّ في كتابه فقال له اليماني : فما يعنى بالثاقب قال : إنّ مطلعته في السماء السابعة وإنّه ثقب بضوئه حتّى أضاء في السماء الدنيا فمن ثمّ سمّاه الله عزّ وجلّ النجم الثاقب ؛

از ابان بن تغلب روایت شده است: خدمت امام صادق(ع) بودم که مردی از اهل یمن خدمت ایشان رسید . . . امام صادق(ع) به او فرمود: مقام زحل در بین ستارگان نزد شما چگونه است؟ آن مرد یمنی گفت: ستاره نحسی است. امام صادق(ع) فرمود: بس کن و این را مگو؛

زیرا زحل ستاره امیرالمؤمنین و ستاره اوصیا است و آن همان «نجم ثاقب» است که خدای عزوجل در کتابش ذکر کرده است. آن مرد یمنی گفت: مراد از ثاقب چیست؟ حضرت فرمود: طلوع آن در آسمان هفتم است. آن با نورش [آسمان ها را] می شکافت تا به نزدیک ترین آسمان برسد و از آن جهت است که خدای عزوجل آن را «نجم ثاقب» (ستاره شکافنده) نامیده است».

ص: 316

80- نورانیت ستاره طارق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 3 - 1

1 - « طارق » ، ستاره ای است دارای پرتوی نافذ و شکافنده تاریکی ها در صحنه آسمان .

النجم الثاقب

«ثَقَبٌ»؛ یعنی، دریدگی کم عمق (مصباح) و چون نور ستاره نفوذ می کند، آن را «ثاقب» گویند. (مقایس اللغه) استفهام از شناخت «طارق» - در آیه قبل - و توصیف آن به «نجم ثاقب» - در این آیه - بیانگر آن است ستاره ای خاص مورد نظر است.

81- نورانیت ستاره کیوان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 3 - 3

3 - کیوان یا پروین ، اختری تابان که نور آن تاریکی فضا را می شکافد . *

و الطارق . . . النجم الثاقب

از ستارگانی که «النجم الثاقب» توصیفگر آن است، ستاره زحل (کیوان) می باشد (قاموس). برخی دیگر آن را بر «ثریا» (پروین) تطبیق داده و گفته اند: چون «النجم» هرگاه به صورت مطلق آورده شود، مراد از آن ستاره پروین است؛ پس در آیه نیز همان ستاره مورد نظر است.

82- ویژگیهای ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انفطار - 82 - 2 - 1,2

1 - تمامی ستارگان در آستانه قیامت ، افشانده و پراکنده خواهند شد .

و إذا الكواكب انتشرت

(انتشار) به معنای تفرق یا پاشیده شدن است. (تاج العروس)

2 - استقرار ستارگان در جایگاه خود ، سامان یافته و محکوم نظمی حاکم بر همه آنها است .

و إذا الكواكب انتشرت

83- ویژگیهای ستاره طارق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 2 - 2

2- ابزار شناخت حقیقتِ ستاره « طارق » و ویژگی های آن ، در اختیار همگان نیست .

و ما أدریک ما الطارق

ص: 317

خطاب در «ما أدراک» در این موارد، مخصوص شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیست؛ بلکه روی سخن با هر مخاطبی است که این سخن را دریافت کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 3 - 1

1 - «طارق» ، ستاره ای است دارای پرتوی نافذ و شکافنده تاریکی ها در صحنه آسمان .

النجم الثاقب

«ثَقْبٌ»؛ یعنی، دریدگی کم عمق (مصباح) و چون نور ستاره نفوذ می کند، آن را «ثاقب» گویند. (مقایس اللغه) استفهام از شناخت «طارق» - در آیه قبل - و توصیف آن به «نجم ثاقب» - در این آیه - بیانگر آن است ستاره ای خاص مورد نظر است.

ص: 318

1- آثار تعقل در مدار ستاره شعری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 49 - 3

3- تفکر در ساختار و مدار ستاره « شعری »، زمینه ساز راهیابی به قدرت و ربوبیت عالی خداوند *

وَأَنَّهُ هُوَ رَبُّ الشَّعْرَى

به میان آوردن نام «شعری» احتمالاً نه از آن جهت است که عرب جاهلی عقیده شرک آلود درباره آن داشته اند؛ بلکه از آن جهت است که خداوند بشر را به اهمیت این ستاره و همانند آن توجه داده و انسان را به مطالعه فضا فراخواند.

2- ابراهیم(ع) و ستاره پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 76 - 6

6- ابراهیم(ع) در برابر ستاره پرستان، با توجه به پنهان شدن ستارگان، پذیرفتن ربوبیت برای آنها را نامعقول اعلام کرد.

قال هذا ربي فلما أفل قال لا أحب الأفلين

«افول» به معنی پنهان شدن است.

3- ابزار شناخت ستاره طارق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 2 - 2

2- ابزار شناخت حقیقت ستاره « طارق » و ویژگی های آن، در اختیار همگان نیست.

و ما أدريك ما الطارق

خطاب در «ما أدراك» در این موارد، مخصوص شخص پیامبر(صلی الله علیه و آله) نیست؛ بلکه روی سخن با هر مخاطبی است که این سخن را دریافت کند.

4- اهمیت ستاره شعری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 49 - 2

2 - اهمیت ستاره «شعری»، در فرهنگ عرب عصر نزول قرآن

وأنه هورب الشعری

با توجه به این که خداوند، از میان همه ستارگان، به «شعری» اشاره کرده است، می توان نتیجه گرفت که عرب عصر نزول قرآن، نسبت به این ستاره آگاهی و اعتقاد خاصی داشته اند.

5- اهمیت ستاره شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 76 - 3

3 - درک عظمت سوگند به نظام ستارگان، در گرو داشتن علم نجوم (کیهان شناسی)

وإنه لقسم لو تعلمون عظیم

برداشت یاد شده بر این اساس است که متعلق «لو تعلمون» حذف شده و تقدیر آن چنین است: «لو تعلمون احوال مواقع النجوم».

6- تاریخ ستاره پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 76 - 1

1 - ستاره پرستی از آیینهای رایج در بین مردم زمان ابراهیم

راء کوكبا قال هذا ربی

7- تاریخ ستاره شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 76 - 4

4- مردم صدر اسلام ، بی بهره از دانش کیهان شناسی

وإنه لقسم لو تعلمون عظیم

به کارگیری «لو» شرطیه - که برای انتفای شرط و جزا است - بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 36 - 4

4- وجود علم ستاره شناسی و وسایل آن (همچون رصدخانه) در عصر فرعون و موسی (ع)

ص: 320

وقال فرعون يه-من ابن لي صرحاً

8- تظاهر ابراهيم(ع) به ستاره پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 76 - 2

2- ابراهيم(ع) با تظاهر به ستاره پرستی و استدلال جدلی به ابطال عقیده شرک قوم خود پرداخت.

فلما جن عليه الیل رءا کوکبا قال هذا ربی

جمله «فلما جن» تصریح بر «کذلک نری . . .» است. یعنی نتیجه ارائه ملکوت به ابراهیم(ع) آن شد که او بدین صورت به مبارزه با شرک پردازد. بنابراین سخن ابراهیم(ع) تنها از سر مجادله و به برای ابطال باطل بوده است.

9- زیباترین ستاره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 2 - 86 - 4

4- «عن ضحاک بن مزاحم قال سئل علی (ع) عن الطارق قال: هو أحسن نجم فی السماء و لیس تعرفه الناس و انما سمی الطارق لأنه یطرق نوره سماءً سماءً إلى سبع سماوات ثم یطرق راجعاً حتی یرجع إلى مکانه» ;

از ضحاک بن مزاحم روایت شده است: از امام علی(ع) از معنای «طارق» سؤال شد، حضرت فرمود: نیکوترین ستاره ای است که در آسمان است و مردم آن را نمی شناسند و همانا «طارق» نامیده شده؛ چون نور آن در آسمان ها، یکی پس از دیگری تا هفت آسمان نفوذ می کند. سپس در بازگشت نیز هم چنان نفوذ می کند تا به محل اول برسد».

10- ستاره امام علی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 3 - 86 - 4

4- «عن أبان بن تغلب قال: کنت عند أبی عبداللّٰه (ع) إذ دخل علیه رجل من أهل الیمن . . . فقال له أبو عبداللّٰه (ع): . . . فما زحل عندکم فی النجوم؟ فقال الیمانی: نجم نحس، فقال له أبو عبداللّٰه (ع): مه لاتقولنّ هذا فإنه نجم أميرالمؤمنین (ع) و هو نجم الأوصیاء (ع) و هو النجم الثاقب الذی قال اللّٰه عزّوجلّ فی کتابه فقال له الیمانی: فما یعنی بالثاقب قال: إنّ مطلعہ فی السماء السابعة و إنّه ثقب بضوئه حتی أضاء فی السماء الدنيا فمن ثمّ سمّاه اللّٰه عزّوجلّ النجم الثاقب» ;

از ابان بن تغلب روایت شده است: خدمت امام صادق(ع) بودم که مردی از اهل یمن خدمت ایشان رسید . . امام صادق(ع) به او فرمود: مقام زحل در بین ستارگان نزد شما چگونه است؟ آن مرد یمنی گفت: ستاره نحسی است. امام صادق(ع) فرمود: بس کن و این را مگو؛ زیرا زحل ستاره امیرالمؤمنین و ستاره اوصیا است و آن همان «نجم ثاقب» است که خدای عزوجل در کتابش ذکر کرده است. آن مرد یمنی گفت: مراد از ثاقب چیست؟ حضرت فرمود: طلوع آن در آسمان هفتم است. آن با نورش [آسمان ها را] می شکافد تا به نزدیک ترین آسمان برسد و از آن جهت است که خدای عزوجل آن را «نجم ثاقب» (ستاره شکافنده) نامیده است».

11- ستاره اوصیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 3 - 4

4 - « عن أبان بن تغلب قال : كنت عند أبي عبد الله (ع) إذ دخل عليه رجل من أهل اليمن . . . فقال له أبو عبد الله (ع) : . . . فما زحل عندكم في النجوم؟ فقال اليماني : نجم نحس ، فقال له أبو عبد الله (ع) : مه لا تقولنّ هذا فإنه نجم أمير المؤمنين (ع) و هو نجم الأوصياء (ع) و هو النجم الثاقب الذي قال الله عزّ وجلّ في كتابه فقال له اليماني : فما يعنى بالثاقب قال : إنّ مطلعته في السماء السابعة وإنّه ثقب بضوئه حتّى أضاء في السماء الدنيا فمن ثمّ سمّاه الله عزّ وجلّ النجم الثاقب ؛

از ابان بن تغلب روایت شده است: خدمت امام صادق(ع) بودم که مردی از اهل یمن خدمت ایشان رسید . . . امام صادق(ع) به او فرمود: مقام زحل در بین ستارگان نزد شما چگونه است؟ آن مرد یمنی گفت: ستاره نحسی است. امام صادق(ع) فرمود: بس کن و این را مگو؛ زیرا زحل ستاره امیرالمؤمنین و ستاره اوصیا است و آن همان «نجم ثاقب» است که خدای عزّوجلّ در کتابش ذکر کرده است. آن مرد یمنی گفت: مراد از ثاقب چیست؟ حضرت فرمود: طلوع آن در آسمان هفتم است. آن با نورش [آسمان ها را] می شکافد تا به نزدیک ترین آسمان برسد و از آن جهت است که خدای عزّوجلّ آن را «نجم ثاقب» (ستاره شکافنده) نامیده است».

12- ستاره پرستی در دوران ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 76 - 1

1 - ستاره پرستی از آیینهای رایج در بین مردم زمان ابراهیم

رءا کوکبا قال هذا ربی

13- ستاره پرستی قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 76 - 3

2 - ابراهیم(ع) با تظاهر به ستاره پرستی و استدلال جدلی به ابطال عقیده شرک قوم خود پرداخت.

فلما جن علیه الیل رءا کوکبا قال هذا ربی

جمله «فلما جن» تصریح بر «کذلک نری . . .» است. یعنی نتیجه ارائه ملکوت به ابراهیم(ع) آن شد که او بدین صورت به مبارزه با شرک بپردازد. بنابراین سخن ابراهیم(ع) تنها از سر مجادله و به برای ابطال باطل بوده است.

3 - قوم ابراهیم ستارگان را «رب» و مؤثر در تدبیر هستی می پنداشتند.

رءا کوکبا قال هذا ریبی

ص: 322

14- ستاره پروین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فلق - 113 - 3 - 5

5 - « عن أبي هريره عن النبي (صلى الله عليه وآله) في قوله « و من شرّ غاسق إذا وقب » قال : النجم هو الغاسق و هو الثريا ;

ابوهريره از پیامبر (صلى الله عليه وآله)، درباره سخن خداوند « و من شرّ غاسق إذا وقب » روایت کرده که فرمود: ستاره «نجم» (پروین)، همان چیزی است که «غاسق» است [یعنی، هنگام تاریکی شدید شب، رؤیت می شود] و [نام دیگر] آن ثریا است».

15- ستاره جدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 16 - 3

3- « قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) : « و بالنجم هم يهتدون » قال : هو الجدى لأنه نجم لا تزول و عليه بناء القبلة و به يهتدى أهل البر و البحر ;

از رسول خدا (صلى الله عليه وآله) در باره سخن خدا « و بالنجم هم يهتدون » فرمود: آن ستاره جدی است؛ زیرا آن ستاره ای است که از بین نمی رود و قبله [شناسی] بر آن بنا شده و به وسیله آن اهل خشکی و دریا راهنمایی می شوند. . .».

16- ستاره زحل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 15 - 6

6 - « عن الأصْبَغ بن نباته عن علي (ع) في قوله « فلا أقسم بالخنس » قال : خمسه أنجم زحل و عطارد و المشتري و بهرام و الزهره . . .

از اصبع بن نباته از علی (ع) درباره «فلا أقسم بالخنس» روایت شده که [خنس] پنج ستاره است: زحل، عطارد، مشتری، بهرام و زهره».

17- ستاره زهره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 15 - 6

6 - « عن الأصْبَغ بن نباته عن علي (ع) في قوله « فلا أقسم بالخنس » قال : خمسه أنجم زحل و عطارد و المشتري و بهرام و الزهره . . .

از اصبع بن نباته از علی (ع) درباره «فلا أقسم بالخنس» روایت شده که [خُنس] پنج ستاره است: زحل، عطارد، مشتری، بهرام و زهره».

ص: 323

18- ستاره شناسی ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 88 - 4

4 - « عن الكاظم (ع) . . . قد قال الله تعالى في حق ابراهيم (ع) : . . . « فنظر نظره في النجوم . فقال إني سقيم » فلو لم يكن عالماً بعلم النجوم ما نظر فيها و ما قال : « إني سقيم » . . . » ;

از امام کاظم (ع) روایت شده . . . که خداوند متعال در حق ابراهیم (ع) فرموده: . . . « فنظر نظره في النجوم . فقال إني سقيم » اگر ابراهیم عالم به علم نجوم نبود در ستارگان نظر نمی افکند و نمی گفت: « إني سقيم »».

19- ستاره شناسی در دوران موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 36 - 4

4 - وجود علم ستاره شناسی و وسایل آن (همچون رصدخانه) در عصر فرعون و موسی (ع)

و قال فرعون يه-من ابن لي صرحاً

20- ستاره شناسی در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 76 - 4

4 - مردم صدر اسلام ، بی بهره از دانش کیهان شناسی

و إنه لقسم لو تعلمون عظيم

به کارگیری «لو» شرطیه - که برای انتفای شرط و جزا است - بیانگر مطلب بالا است.

21- ستاره عطارد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 15 - 6

6 - « عن الأصبغ بن نباتة عن علي (ع) في قوله « فلا أقسم بالخنس » قال : خمسة أنجم زحل و عطارد و المشتري و بهرام و الزهرة . . . » ;

از اصبع بن نباته از علی (ع) درباره «فلا أقسم بالخنس» روایت شده که [خُنس] پنج ستاره است: زحل، عطارد، مشتری، بهرام و زهره».

ص: 324

22- ستاره مریخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 15 - 6

6 - « عن الأصْبَغِ بنِ نُبَاتَةَ عنِ عَلِيٍّ (ع) فِي قَوْلِهِ « فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ » قَالَ : خَمْسَةُ أَنْجُمٍ زَحَلٌ وَعَطَارِدٌ وَالْمَشْتَرِيُّ وَبِهْرَامٌ وَالزَّهْرَةُ . . . »

از اصبغ بن نباته از علی (ع) درباره «فلا أقسم بالخنس» روایت شده که [خُنَّس] پنج ستاره است: زحل، عطارد، مشتری، بهرام و زهره».

23- ستاره مشتری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 15 - 6

6 - « عن الأصْبَغِ بنِ نُبَاتَةَ عنِ عَلِيٍّ (ع) فِي قَوْلِهِ « فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ » قَالَ : خَمْسَةُ أَنْجُمٍ زَحَلٌ وَعَطَارِدٌ وَالْمَشْتَرِيُّ وَبِهْرَامٌ وَالزَّهْرَةُ . . . »

از اصبغ بن نباته از علی (ع) درباره «فلا أقسم بالخنس» روایت شده که [خُنَّس] پنج ستاره است: زحل، عطارد، مشتری، بهرام و زهره».

24- سوگند به بلندترین ستاره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 3 - 2

2 - سوگند خداوند ، به مرتفع ترین ستاره ها *

و الطارق . . . النجم الثاقب

«نجم ثاقب»؛ یعنی، ستاره ای که جایگاه آن رفیع تر از دیگر ستارگان است (قاموس).

25- سوگند به ستاره ثریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 1 - 7

7 - سوگند الهی به ستاره ثریا هنگامی که غروب کند .

و النجم إذا هوى

«نجم» بر ستاره ثریا نیز اطلاق می شود (قاموس المحيط). گفتنی است «ال» در «النجم» بنابراین اطلاق، برای عهد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 1 - 2

ص: 325

2 - سوگند خداوند به ستاره پدیدار شده در شب (زهره یا زحل یا ثریا و یا . . .)

و الطارق

«طارق»؛ یعنی، کسی که شب هنگام وارد شود. برخی ریشه اصلی آن را «طَرْق» (کوبیدن در) دانسته و گفته اند: کسی که شب وارد می شود، چون به کوبیدن در نیاز پیدا می کند، «طارق» نامیده می شود (نهایه ابن اثیر). آیات بعد صراحت دارد که مراد از آن ستاره است. صاحب «قاموس» آن را بر «ستاره صبح» (زهره) تطبیق داده است؛ گرچه به نقل «لسان العرب»، برخی از اهل لغت این نام را نامعروف خوانده و برخی دیگر آن را بر زحل (کیوان) و ثریا (پروین) منطبق دانسته اند.

26- سوگند به ستاره زحل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 15 - 3

3 - سوگند خداوند به سیاره های زحل ، مشتری ، مریخ ، زهره و عطارد

فلا أقسم بالخنس

بسیاری از اهل لغت و تفسیر، «خنس» را عنوان ستارگان یاد شده می دانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 1 - 2

2 - سوگند خداوند به ستاره پدیدار شده در شب (زهره یا زحل یا ثریا و یا . . .)

و الطارق

«طارق»؛ یعنی، کسی که شب هنگام وارد شود. برخی ریشه اصلی آن را «طَرْق» (کوبیدن در) دانسته و گفته اند: کسی که شب وارد می شود، چون به کوبیدن در نیاز پیدا می کند، «طارق» نامیده می شود (نهایه ابن اثیر). آیات بعد صراحت دارد که مراد از آن ستاره است. صاحب «قاموس» آن را بر «ستاره صبح» (زهره) تطبیق داده است؛ گرچه به نقل «لسان العرب»، برخی از اهل لغت این نام را نامعروف خوانده و برخی دیگر آن را بر زحل (کیوان) و ثریا (پروین) منطبق دانسته اند.

27- سوگند به ستاره زهره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 15 - 3

3 - سوگند خداوند به سیاره های زحل ، مشتری ، مریخ ، زهره و عطارد

فلا أقسم بالخنس

بسیاری از اهل لغت و تفسیر، «خنس» را عنوان ستارگان یاد شده می دانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 1 - 2

2 - سوگند خداوند به ستاره پدیدار شده در شب (زهره یا زحل یا ثریا و ...)

و الطارق

ص: 326

«طارق»؛ یعنی، کسی که شب هنگام وارد شود. برخی ریشه اصلی آن را «طَرَق» (کوبیدن در) دانسته و گفته اند: کسی که شب وارد می شود، چون به کوبیدن در نیاز پیدا می کند، «طارق» نامیده می شود (نهایه ابن اثیر). آیات بعد صراحت دارد که مراد از آن ستاره است. صاحب «قاموس» آن را بر «ستاره صبح» (زهره) تطبیق داده است؛ گرچه به نقل «لسان العرب»، برخی از اهل لغت این نام را نامعروف خوانده و برخی دیگر آن را بر زحل (کیوان) و ثریا (پروین) منطبق دانسته اند.

28- سوگند به ستاره طارق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 1 - 2

2 - سوگند خداوند به ستاره پدیدار شده در شب (زهره یا زحل یا ثریا و یا . . .)

و الطارق

«طارق»؛ یعنی، کسی که شب هنگام وارد شود. برخی ریشه اصلی آن را «طَرَق» (کوبیدن در) دانسته و گفته اند: کسی که شب وارد می شود، چون به کوبیدن در نیاز پیدا می کند، «طارق» نامیده می شود (نهایه ابن اثیر). آیات بعد صراحت دارد که مراد از آن ستاره است. صاحب «قاموس» آن را بر «ستاره صبح» (زهره) تطبیق داده است؛ گرچه به نقل «لسان العرب»، برخی از اهل لغت این نام را نامعروف خوانده و برخی دیگر آن را بر زحل (کیوان) و ثریا (پروین) منطبق دانسته اند.

29- سوگند به ستاره عطارد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 15 - 3

3 - سوگند خداوند به سیاره های زحل ، مشتری ، مریخ ، زهره و عطارد

فَلَا أُقْسِمُ بِالْخَنَسِ

بسیاری از اهل لغت و تفسیر، «خَنَس» را عنوان ستارگان یاد شده می دانند.

30- سوگند به ستاره مریخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 15 - 3

3 - سوگند خداوند به سیاره های زحل ، مشتری ، مریخ ، زهره و عطارد

فلا أقسم بالخنس

بسیاری از اهل لغت و تفسیر، «خنس» را عنوان ستارگان یاد شده می دانند.

ص: 327

31- سوگند به ستاره مشتری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 15 - 3

3 - سوگند خداوند به سیاره های زحل ، مشتری ، مریخ ، زهره و عطارد

فلا أقسم بالخنس

بسیاری از اهل لغت و تفسیر، «خنس» را عنوان ستارگان یاد شده می دانند.

32- طلوع ستاره زحل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 3 - 4

4 - « عن أبان بن تغلب قال : كنت عند أبي عبد الله (ع) إذ دخل عليه رجل من أهل اليمن . . . فقال له أبو عبد الله (ع) : . . . فما زحل عندكم في النجوم ؟ فقال اليماني : نجم نحس ، فقال له أبو عبد الله (ع) : مه لا تقولنّ هذا فإنه نجم أمير المؤمنين (ع) و هو نجم الأوصياء (ع) و هو النجم الثاقب الذي قال الله عزّ وجلّ في كتابه فقال له اليماني : فما يعنى بالثاقب قال : إنّ مطلعته في السماء السابعة وإنّه ثقب بضوئه حتّى أضاء في السماء الدنيا فمن ثمّ سمّاه الله عزّ وجلّ النجم الثاقب ؛

از ابان بن تغلب روایت شده است: خدمت امام صادق(ع) بودم که مردی از اهل یمن خدمت ایشان رسید . . . امام صادق(ع) به او فرمود: مقام زحل در بین ستارگان نزد شما چگونه است؟ آن مرد یمنی گفت: ستاره نحسی است. امام صادق(ع) فرمود: بس کن و این را مگو؛ زیرا زحل ستاره امیرالمؤمنین و ستاره اوصیا است و آن همان «نجم ثاقب» است که خدای عزّوجلّ در کتابش ذکر کرده است. آن مرد یمنی گفت: مراد از ثاقب چیست؟ حضرت فرمود: طلوع آن در آسمان هفتم است. آن با نورش [آسمان ها را] می شکافت تا به نزدیک ترین آسمان برسد و از آن جهت است که خدای عزّوجلّ آن را «نجم ثاقب» (ستاره شکافنده) نامیده است».

33- عظمت ستاره زحل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 3 - 4

4 - « عن أبان بن تغلب قال : كنت عند أبي عبد الله (ع) إذ دخل عليه رجل من أهل اليمن . . . فقال له أبو عبد الله (ع) : . . . فما زحل عندكم في النجوم ؟ فقال اليماني : نجم نحس ، فقال له أبو عبد الله (ع) : مه لا تقولنّ هذا فإنه نجم أمير المؤمنين (ع) و هو نجم الأوصياء (ع) و هو النجم الثاقب الذي قال الله عزّ وجلّ في كتابه فقال له اليماني : فما يعنى بالثاقب قال : إنّ مطلعته في السماء السابعة وإنّه ثقب بضوئه حتّى أضاء في السماء الدنيا فمن ثمّ سمّاه الله عزّ وجلّ النجم الثاقب ؛

از ابان بن تغلب روایت شده است: خدمت امام صادق(ع) بودم که مردی از اهل یمن خدمت ایشان رسید . . امام صادق(ع) به او فرمود: مقام زحل در بین ستارگان نزد شما چگونه است؟ آن مرد یمنی گفت: ستاره نحسی است. امام صادق(ع) فرمود: بس کن و این را مگو؛ زیرا زحل ستاره امیرالمؤمنین و ستاره اوصیا است و آن همان «نجم ثاقب» است که خدای عزوجل در کتابش ذکر کرده است. آن مرد یمنی گفت: مراد از ثاقب چیست؟ حضرت فرمود: طلوع آن در آسمان هفتم است. آن با نورش [آسمان ها را] می شکافد تا به نزدیک ترین آسمان برسد و از آن جهت است که خدای عزوجل آن را «نجم ثاقب» (ستاره شکافنده) نامیده است».

ص: 328

34- عظمت ستاره طارق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 2 - 1

1 - عظمت ستاره « طارق » ، فراتر از حد بیان است .

و ما أدريك ما الطارق

35- غروب ستاره ثريا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 1 - 7

7 - سوگند الهی به ستاره ثريا هنگامی که غروب کند .

و النجم إذا هوى

«نجم» بر ستاره ثريا نیز اطلاق می شود (قاموس المحيط). گفتنی است «ال» در «النجم» بنابراین اطلاق، برای عهد است.

36- مراد از ستاره زحل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 3 - 4

4 - « عن أبان بن تغلب قال : كنت عند أبي عبد الله (ع) إذ دخل عليه رجل من أهل اليمن . . . فقال له أبو عبد الله (ع) : . . . فما زحل عندكم في النجوم ؟ فقال اليماني : نجم نحس ، فقال له أبو عبد الله (ع) : مه لا تقولنّ هذا فإنه نجم أمير المؤمنين (ع) و هو نجم الأوصياء (ع) و هو النجم الثاقب الذي قال الله عزّ وجلّ في كتابه فقال له اليماني : فما يعنى بالثاقب قال : إنّ مطلعته في السماء السابعة و إنّّه ثقب بضوئه حتّى أضاء في السماء الدنيا فمن ثمّ سمّاه الله عزّ وجلّ النجم الثاقب ؛

از ابان بن تغلب روایت شده است: خدمت امام صادق(ع) بودم که مردی از اهل یمن خدمت ایشان رسید . . . امام صادق(ع) به او فرمود: مقام زحل در بین ستارگان نزد شما چگونه است؟ آن مرد یمنی گفت: ستاره نحسی است. امام صادق(ع) فرمود: بس کن و این را مگو؛ زیرا زحل ستاره امیرالمؤمنین و ستاره اوصیا است و آن همان «نجم ثاقب» است که خدای عزّوجلّ در کتابش ذکر کرده است. آن مرد یمنی گفت: مراد از ثاقب چیست؟ حضرت فرمود: طلوع آن در آسمان هفتم است. آن با نورش [آسمان ها را] می شکافت تا به نزدیک ترین آسمان برسد و از آن جهت است که خدای عزّوجلّ آن را «نجم ثاقب» (ستاره شکافنده) نامیده است».

37- نورانیت ستاره پروین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 329

3 - کیوان یا پروین ، اختری تابان که نور آن تاریکی فضا را می شکافد . *

و الطارق . . . النجم الثاقب

از ستارگانی که «النجم الثاقب» توصیفگر آن است، ستاره زحل (کیوان) می باشد (قاموس). برخی دیگر آن را بر «ثریا» (پروین) تطبیق داده و گفته اند: چون «النجم» هرگاه به صورت مطلق آورده شود، مراد از آن ستاره پروین است؛ پس در آیه نیز همان ستاره مورد نظر است.

38- نورانیت ستاره زحل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - « عن أبان بن تغلب قال : كنت عند أبي عبد الله (ع) إذ دخل عليه رجل من أهل اليمن . . . فقال له أبو عبد الله (ع) : . . . فما زحل عندكم في النجوم ؟ فقال اليماني : نجم نحس ، فقال له أبو عبد الله (ع) : مه لا تقولنّ هذا فإنه نجم أمير المؤمنين (ع) و هو نجم الأوصياء (ع) و هو النجم الثاقب الذي قال الله عزّ وجلّ في كتابه فقال له اليماني : فما يعنى بالثاقب قال : إنّ مطلعته في السماء السابعة و إنّ ثقب بضوئه حتّى أضاء في السماء الدنيا فمن ثمّ سمّاه الله عزّ وجلّ النجم الثاقب ؛

از ابان بن تغلب روایت شده است: خدمت امام صادق(ع) بودم که مردی از اهل یمن خدمت ایشان رسید . . . امام صادق(ع) به او فرمود: مقام زحل در بین ستارگان نزد شما چگونه است؟ آن مرد یمنی گفت: ستاره نحسی است. امام صادق(ع) فرمود: بس کن و این را مگو؛ زیرا زحل ستاره امیرالمؤمنین و ستاره اوصیا است و آن همان «نجم ثاقب» است که خدای عزّوجلّ در کتابش ذکر کرده است. آن مرد یمنی گفت: مراد از ثاقب چیست؟ حضرت فرمود: طلوع آن در آسمان هفتم است. آن با نورش [آسمان ها را] می شکافد تا به نزدیک ترین آسمان برسد و از آن جهت است که خدای عزّوجلّ آن را «نجم ثاقب» (ستاره شکافنده) نامیده است».

39- نورانیت ستاره طارق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - « طارق » ، ستاره ای است دارای پرتوی نافذ و شکافنده تاریکی ها در صحنه آسمان .

النجم الثاقب

«ثَقَبٌ»؛ یعنی، دریدگی کم عمق (مصباح) و چون نور ستاره نفوذ می کند، آن را «ثاقب» گویند. (مقایس اللغه) استفهام از شناخت «طارق» - در آیه قبل - و توصیف آن به «نجم ثاقب» - در این آیه - بیانگر آن است ستاره ای خاص مورد نظر است.

40- نورانیت ستاره کیوان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 330

3 - کیوان یا پروین ، اختری تابان که نور آن تاریکی فضا را می شکافد . *

و الطارق . . . النجم الثاقب

از ستارگانی که «النجم الثاقب» توصیفگر آن است، ستاره زحل (کیوان) می باشد (قاموس). برخی دیگر آن را بر «ثریا» (پروین) تطبیق داده و گفته اند: چون «النجم» هرگاه به صورت مطلق آورده شود، مراد از آن ستاره پروین است؛ پس در آیه نیز همان ستاره مورد نظر است.

41- ویژگیهای ستاره طارق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 2 - 2

2 - ابزار شناخت حقیقتِ ستاره « طارق » و ویژگی های آن ، در اختیار همگان نیست .

و ما أدریک ما الطارق

خطاب در «ما أدراک» در این موارد، مخصوص شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیست؛ بلکه روی سخن با هر مخاطبی است که این سخن را دریافت کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 3 - 1

1 - « طارق » ، ستاره ای است دارای پرتوی نافذ و شکافنده تاریکی ها در صحنه آسمان .

النجم الثاقب

«ثَقَبٌ»؛ یعنی، دریدگی کم عمق (مصباح) و چون نور ستاره نفوذ می کند، آن را «ثاقب» گویند. (مقایس اللغه) استفهام از شناخت «طارق» - در آیه قبل - و توصیف آن به «نجم ثاقب» - در این آیه - بیانگر آن است ستاره ای خاص مورد نظر است.

ستاره پرستی

42- تاریخ ستاره پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 76 - 1

1 - ستاره پرستی از آینه‌های رایج در بین مردم زمان ابراهیم

راء کوكبا قال هذاربي

43- تظاهر ابراهیم (ع) به ستاره پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 331

5 - انعام - 6 - 76 - 2

2 - ابراهیم(ع) با تظاهر به ستاره پرستی و استدلال جدلی به ابطال عقیده شرک قوم خود پرداخت.

فلما جن علیه الیل رءا کوکبا قال هذا ربی

جمله «فلما جن» تصریح بر «کذلک نری . . .» است. یعنی نتیجه ارائه ملکوت به ابراهیم(ع) آن شد که او بدین صورت به مبارزه با شرک پردازد. بنابراین سخن ابراهیم(ع) تنها از سر مجادله و به برای ابطال باطل بوده است.

44- ستاره پرستی در دوران ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 76 - 1

1 - ستاره پرستی از آینه‌های رایج در بین مردم زمان ابراهیم

رءا کوکبا قال هذا ربی

45- ستاره پرستی قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 76 - 2,3

2 - ابراهیم(ع) با تظاهر به ستاره پرستی و استدلال جدلی به ابطال عقیده شرک قوم خود پرداخت.

فلما جن علیه الیل رءا کوکبا قال هذا ربی

جمله «فلما جن» تصریح بر «کذلک نری . . .» است. یعنی نتیجه ارائه ملکوت به ابراهیم(ع) آن شد که او بدین صورت به مبارزه با شرک پردازد. بنابراین سخن ابراهیم(ع) تنها از سر مجادله و به برای ابطال باطل بوده است.

3 - قوم ابراهیم ستارگان را «رب» و مؤثر در تدبیر هستی می پنداشتند.

رءا کوکبا قال هذا ربی

ستاره ثریا

46- سوگند به ستاره ثریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - سوگند الهی به ستاره ثریا هنگامی که غروب کند .

و النجم إذا هوی

«نجم» بر ستاره ثریا نیز اطلاق می شود (قاموس المحيط). گفتنی است «ال» در «النجم» بنابراین اطلاق، برای عهد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 1 - 2

ص: 332

2 - سوگند خداوند به ستاره پدیدار شده در شب (زهره یا زحل یا ثریا و یا . . .)

و الطارق

«طارق»؛ یعنی، کسی که شب هنگام وارد شود. برخی ریشه اصلی آن را «طَرَق» (کوبیدن در) دانسته و گفته اند: کسی که شب وارد می شود، چون به کوبیدن در نیاز پیدا می کند، «طارق» نامیده می شود (نهایه ابن اثیر). آیات بعد صراحت دارد که مراد از آن ستاره است. صاحب «قاموس» آن را بر «ستاره صبح» (زهره) تطبیق داده است؛ گرچه به نقل «لسان العرب»، برخی از اهل لغت این نام را نامعروف خوانده و برخی دیگر آن را بر زحل (کیوان) و ثریا (پروین) منطبق دانسته اند.

47- غروب ستاره ثریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 1 - 7

7 - سوگند الهی به ستاره ثریا هنگامی که غروب کند .

و النجم إذا هوی

«نجم» بر ستاره ثریا نیز اطلاق می شود (قاموس المحيط). گفتنی است «ال» در «النجم» بنابراین اطلاق، برای عهد است.

ستاره شعری

48- آثار تعقل در مدار ستاره شعری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 49 - 3

3 - تفکر در ساختار و مدار ستاره «شعری»، زمینه ساز راهیابی به قدرت و ربوبیت عالی خداوند*

وأنه هورب الشعری

به میان آوردن نام «شعری» احتمالاً نه از آن جهت است که عرب جاهلی عقیده شرک آلود درباره آن داشته اند؛ بلکه از آن جهت است که خداوند بشر را به اهمیت این ستاره و همانند آن توجه داده و انسان را به مطالعه فضا فراخواند.

49- اهمیت ستاره شعری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- اهمیت ستاره «شعری»، در فرهنگ عرب عصر نزول قرآن

وأنه هورب الشعری

با توجه به این که خداوند، از میان همه ستارگان، به «شعری» اشاره کرده است، می توان نتیجه گرفت که عرب عصر نزول قرآن، نسبت به این ستاره آگاهی و اعتقاد خاصی داشته اند.

ص: 333

50- اهمیت ستاره شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 76 - 3

3 - درک عظمت سوگند به نظام ستارگان ، در گرو داشتن علم نجوم (کیهان شناسی)

وإنه لقسم لو تعلمون عظیم

برداشت یاد شده بر این اساس است که متعلق «لو تعلمون» حذف شده و تقدیر آن چنین است: «لو تعلمون احوال مواقع النجوم».

51- تاریخ ستاره شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 36 - 4

4 - وجود علم ستاره شناسی و وسایل آن (همچون رصدخانه) در عصر فرعون و موسی (ع)

وقال فرعون یه-من ابن لی صرحاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 76 - 4

4 - مردم صدر اسلام ، بی بهره از دانش کیهان شناسی

وإنه لقسم لو تعلمون عظیم

به کارگیری «لو» شرطیه - که برای انتفای شرط و جزا است - بیانگر مطلب بالا است.

52- ستاره شناسی ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 88 - 4

4 - « عن الكاظم (ع) . . . قد قال الله تعالى في حق ابراهيم (ع) : . . . « فنظر نظره في النجوم . فقال إني سقيم » فلو لم يكن عالماً بعلم

النجوم ما نظر فيها و ما قال : «إني سقيم» ;

از امام کاظم (ع) روایت شده . . . که خداوند متعال در حق ابراهیم (ع) فرموده: ... «فنظر نظره فی النجوم . فقال إني سقيم» اگر ابراهیم عالم به علم نجوم نبود در ستارگان نظر نمی افکند و نمی گفت: «إني سقيم»».

53- ستاره شناسی در دوران موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 334

4- وجود علم ستاره شناسی و وسایل آن (همچون رصدخانه) در عصر فرعون و موسی (ع)

وقال فرعون یه-من این لی صرْحًا

54- ستاره شناسی در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 76 - 4

4- مردم صدر اسلام، بی بهره از دانش کیهان شناسی

وإنّه لقسم لو تعلمون عظیم

به کارگیری «لو» شرطیه - که برای انتفای شرط و جزا است - بیانگر مطلب بالا است.

ص: 335

1- ستایش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 188 - 9

9 - انتظار ستایش و تشویق در برابر انجام اعمال نیک ، ناپسند نیست . *

لا تحسبنّ الذّین .. و یحبّون ان یحمدوا بما لم یفعلوا

با توجه به مفهوم جمله «یحبّون ..» (در برابر آنچه انجام نداده اند، خواهان ستایش هستند)، می توان به دست آورد که در صورت انجام کار نیک، توقع ستایش و تشویق ناپسند نباشد.

2- ستایش ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 188 - 11، 13

11 - عذاب دردناک الهی در انتظار خودپسندان و علاقه مندان به ستایش بیجا و چاپلوسی

لا تحسبنّ الذّین یفرحون .. و یحبّون ... بمفازه ... و لهم عذاب الیم

13 - عذابی دردناک در انتظار عالمان اهل کتاب به جهت کتمان حقایق و انتظار چاپلوسی و ستایش بیجا

لا تحسبنّ الذّین .. بمفازه من العذاب

3- ستایش نیکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 188 - 9

9 - انتظار ستایش و تشویق در برابر انجام اعمال نیک ، ناپسند نیست . *

لا تحسبنّ الذّین .. و یحبّون ان یحمدوا بما لم یفعلوا

با توجه به مفهوم جمله «یحبّون ..» (در برابر آنچه انجام نداده اند، خواهان ستایش هستند)، می توان به دست آورد که در صورت انجام کار نیک، توقع ستایش و تشویق ناپسند نباشد.

4- ستایش کنندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 13 - 7، 2، 1

1- غرش آسمان تسبیح گوی خداوند و ستایش کننده اوست .

و یسبح الرعد بحمده

«رعد» به صدایی که از ابرها شنیده می شود اطلاق می گردد که در فارسی به آن تندر و یا غرش آسمان می گویند.

2- فرشتگان تسبیح گوی خداوند و ستایش کننده اویند .

و یسبح .. و الملائکه

«الملائکه» عطف بر «الرعد» است ؛ یعنی: «یسبح الملائکه بحمده من خیفته».

7- فرشتگان و رعد های آسمانی به وسیله حمد و ستایش خدا او را تسبیح می کنند .

و یسبح الرعد بحمده

«باء» در «بحمده» می تواند برای مصاحبت باشد و ممکن است برای استعانت باشد. برداشت یاد شده بر اساس احتمال دوم است.

ص: 337

25- ستر عورت

1- احکام ستر عورت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 30 - 5

5 - پوشاندن عورت و شرمگاه خویش از دید دیگران ، بر مردان واجب و کشف آن حرام است .

قل للمؤمنین . . . یحفظوا فروجهن

«فرج» و «فرجه» در اصل به معنای شکاف میان دو شیء است؛ ولی در اصطلاح متعارف به معنای عورت و شرمگاه می باشد (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 31 - 5

5 - پوشاندن عورت و شرمگاه خویش از دید دیگران ، بر زنان واجب و کشف آن ، حرام است .

و قل للمؤمنات یغضضن من أبصرهنّ

2- اهمیت ستر عورت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 22 - 9

9 - آدمی ذاتاً بر خوردار از حیا و شرمسار از مکشوف بودن شرمگاه خویش

بدت لهما سوء تهما و طفقا یخصفان علیهما

3- ستر عورت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 27 - 8

8 - آدم و حوا دارای پوشش عورت، قبل از فریفته شدن به وسوسه های شیطان

ينزع عنهما لباسهما

ص: 338

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 121 - 13, 23, 8

8 - عورت و شرمگاه آدم و حوا، پیش از تناول از درخت ممنوع بر آنان پوشیده بود.

فأكلا منها فبذت لهما سوءتهما

«سوءه» به معنای عورت و شرم گاه است (لسان العرب) و «بذت لهما» ممکن است به این معنا باشد که عورت هر یک برای دیگری آشکار شد و ممکن است مراد این باشد که عورت آنان برای خودشان آشکار شد. بر مبنای دو مین احتمال، عورت آدم و حوا قبل از خوردن میوه ممنوع، بر خود آنان نیز پوشیده بود.

13 - آدم و حوا (ع)، به طور غریزی یا از روی عادت به پوشاندن عورت - حتی از همسر خویش - ملتزم بودند.

و طفقاً یخصفان علیهما من ورق الجنة

23 - «عن أبي عبد الله (ع) فی قوله: «بذت لهما سوءتهما» قال: كانت سوءتهما لا تبدوا لهما؛ یعنی، کانت داخله؛

از امام صادق (ع) در باره سخن خدا «بذت لهما سوءتهما» روایت شده: عورت آن دو (آدم و همسرش) قبلاً برای آنان آشکار نبود، چون عورت آنان در داخل [پوست بدنشان] بود».

4- ستر عورت با برگ درختان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 121 - 12

12 - آدم و حوا در پی مکشوف شدن عورت هایشان، سعی در پوشاندن آن با برگ درختان داشتند.

فبذت لهما سوءتهما و طفقاً یخصفان علیهما من ورق الجنة

«طفقاً»؛ یعنی، آغاز کردند و «خصف» هرگاه با «علی» متعدی شود، به معنای به هم دوختن چیزهایی و نهادن آن بر جایی خواهد بود؛ یعنی، آدم و حوا، برگ ها را به یکدیگر متصل کرده و آن را بر خود گرفتند.

5- ستر عورت حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 27 - 8

8 - آدم و حوا دارای پوشش عورت، قبل از فریفته شدن به وسوسه های شیطان

ینزع عنهما لباسهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 121 - 13، 23، 8

8 - عورت و شرمگاه آدم و حوا، پیش از تناول از درخت ممنوع بر آنان پوشیده بود .

فأكلا منها فبدت لهما سوءتهما

«سواء» به معنای عورت و شرم گاه است (لسان العرب) و «بدت لهما» ممکن است به این معنا باشد که عورت هر یک برای دیگری آشکار شد و ممکن است مراد این باشد که عورت آنان برای خودشان آشکار شد. بر مبنای دومین احتمال، عورت آدم

ص: 339

و حوا قبل از خوردن میوه ممنوع، بر خود آنان نیز پوشیده بود.

13 - آدم و حوا (ع)، به طور غریزی یا از روی عادت به پوشاندن عورت - حتی از همسر خویش - ملتزم بودند.

و طفقاً یخصفان علیهما من ورق الجتّه

23 - «عن أبي عبد الله (ع) في قوله: «بدت لهما سواتهما» قال: كانت سواتهما لاتبدو لهما؛ یعنی، کانت داخله؛

از امام صادق(ع) در باره سخن خدا «بدت لهما سواتهما» روایت شده: عورت آن دو (آدم و همسرش) قبلاً برای آنان آشکار نبود، چون عورت آنان در داخل [پوست بدنشان] بود».

6- وجوب ستر عورت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 31 - 5

5 - پوشاندن عورت و شرمگاه خویش از دید دیگران، بر زنان واجب و کشف آن، حرام است.

وقل للمؤمنت یغضضن من أبصرهنّ

ص: 340

1- آثار ترک سجده ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 34 - 1,2,4

1- فرمان خداوند به ابلیس برای خروج از آسمان ، در پی تمرد وی از دستور سجده بر آدم (ع)

قال فاخرج منها

برداشت فوق، مبتنی بر دو احتمال است: 1. مرجع ضمیر «منها» «سماوات» باشد، اگرچه در کلام ذکر نشده است. 2. به قرینه اینکه ابلیس از زمره ملائکه بوده و جایگاه آنان هم در آسمانهاست.

2- خداوند ، در پی تمرد ابلیس از فرمان خدا ، او را از زمره فرشتگان بیرون راند .

قال فاخرج منها

این برداشت، مبتنی بر این احتمال است که مرجع ضمیر «منها» - همان گونه که مفسران احتمال داده اند - «زمره الملائکه» باشد.

4- تکبر ابلیس و تمرد وی از فرمان سجده بر آدم (ع) ، عامل سقوط او از درگاه الهی

فقعوا له سجدين . فسجد ... إلا ابليس ابي ... قال لم اكن لأسجد لبشر ... قال فاخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 35 - 1

1- ابلیس ، به دلیل تمرد از فرمان سجده بر آدم (ع) ، مورد لعن ابدی خداوند قرار گرفت .

وإن عليك اللعنة إلى يوم الدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 39 - 4

4- ابلیس گمراه شدن خود را ، نتیجه فرمان خداوند به سجده بر آدم (ع) می دانست .

فسجد الملائكة كلهم ... إلا ابليس ابي ... قال فاخرج منها فإنك رجيم ... قال ربّ

در اینکه مقصود ابلیس از اغوا شدنش توسط خداوند چیست؟ چند نظریه وجود دارد: یکی از آنها این است که چون خداوند، ابلیس را با فرمان سجده بر آدم(ع) مورد آزمایش قرار داد، او در این امتحان مردود شد و این مردود شدن نیز موجب لعن و طرد وی شد؛ لذا همین طرد و لعن - در نظر ابلیس - نوعی گمراهی تلقی گردید.

ص: 341

2- آثار ترک سجده بر آدم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 35 - 1

1- ابلیس ، به دلیل تمرد از فرمان سجده بر آدم (ع) ، مورد لعن ابدی خداوند قرار گرفت .

وإن عليك اللعنه إلى يوم الدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 39 - 4

4- ابلیس گمراه شدن خود را ، نتیجه فرمان خداوند به سجده بر آدم (ع) می دانست .

فسجد الملائكة كلهم... إلا ابليس أبی... قال فاخرج منها فإنك رجيم... قال ربّ

در اینکه مقصود ابلیس از اغوا شدنش توسط خداوند چیست؟ چند نظریه وجود دارد: یکی از آنها این است که چون خداوند، ابلیس را با فرمان سجده بر آدم (ع) مورد آزمایش قرار داد، او در این امتحان مردود شد و این مردود شدن نیز موجب لعن و طرد وی شد؛ لذا همین طرد و لعن - در نظر ابلیس - نوعی گمراهی تلقی گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 77 - 2، 1

1 - فرمان خداوند به خروج ابلیس از صف ملائکه ، در پی تمرد او از فرمان سجده بر آدم (ع)

قال فاخرج منها

در این که مرجع ضمیر «منها» چیست و مقصود از آن چه می باشد؛ میان مفسران بحث و گفت و گو در گرفته است. برخی آن را صف فرشتگان دانسته اند؛ چون ابلیس پیش از آن با فرشتگان بود و به همراه آنان مکلف به سجده بر آدم شده بود. برخی دیگر آن را منزلت و مقامی دانسته اند که ابلیس و فرشتگان در آن قرار داشتند؛ یعنی، منزلت و مقام مقربان درگاه الهی. گفتنی است که در این باره تعبیر «هبوط» در سوره دیگری (قال فاهبط منها) به کار رفته و مؤید همین دیدگاه است.

2 - ابلیس ، در پی سرپیچی از فرمان سجده بر آدم (ع) از جایگاه مقربان و منزلت والای خویش رانده شد و سقوط کرد .

قال فاخرج منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - ابلیس به خاطر سرپیچی از فرمان سجده بر آدم، مورد لعن و نفرین ابدی خداوند قرار گرفت .

وإنّ علیک لعنتی الی یوم الدین

3- آثار سجده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 43 - 8

8- رابطه سجده با طهارت از آلودگی ها *

و طهّرك . . . و اسجدی

ص: 342

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 114 - 11

11 - صالح شدن انسان ها ، در گرو استواری در اطاعت خدا ، تلاوت آیات الهی به هنگام شب و سجده به درگاه او

امه قائمه .. و هم یسجدون ... و اولئک من الصالحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 206 - 8

8 - تقرب به خدا در گرو پرستش او و منزّه دانستن وی از هر عیب و نقص و سجده خالصانه به درگاه اوست .

و لا تکن من الغفلین. إن الذین عند ربک ... و له یسجدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 15 - 6

6 - سجده کردن و به رو در افتادن در خاک ، نمود بارز ایمان مؤمنان است .

إنما یؤمن بأیتنا الذین إذا ذکروا بها خرّوا سجّداً

«خَرَّ» در لغت به معنای «افتادن همراه با صدا» است. (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 25 - 3

3 - استغفار ، سجده ، توبه و انابه ، از زمینه های آمرزش الهی

فاستغفر ربّه و خرّ راکعاً و أناب . فغفرنا له ذلک

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که نوید خداوند به آمرزش داوود(ع) پس از استغفار، سجده، انابه و توبه او بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 37 - 14

14 - سجده ، اصلی ترین نماد و نمود عبودیت

لاتسجدوا... واسجدوا... إن كنتم إياه تعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 29 - 16,19

16- رکوع و سجود (نماز)، عالی ترین جلوه نیایش و عبودیت خلق در برابر خدا

تریهم رُكْعًا سَجْدًا

از این که رکوع و سجود به عنوان ارکان نماز، از میان همه عبادات، اختصاص به ذکر یافته است؛ ویژگی و اهمیت آن استفاده می شود.

19- نقش اساسی رکوع و سجود (نماز)، در جلب فضل و خشنودی خداوند

تریهم رُكْعًا سَجْدًا یبتغون فضلاً من الله ورضوناً

ص: 343

«بیتغون...» مترتب بر «رکعاً سجداً» است؛ یعنی، مؤمنان با رکوع و سجود خویش، جویای فضل و خشنودی خدایند.

4- آثار سجده بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 19 - 19 - 14، 11

11 - سجده به پیشگاه خداوند، نشان سرپیچی از فرمان غیر او است.

لاتطعه و اسجد

دستور سجده، بر نهی از اطاعت عطف گرفته شده است تا جلوه مطیع نبودن را بیان کرده باشد.

14 - سجده، کارآمدترین وسیله برای تقرب به پیشگاه خداوند

و اسجد و اقترب

19 - «عن الوشاء قال سمعت الرضا (ع) يقول: أقرب ما يكون العبد من الله عز وجلّ و هو ساجد و ذلك قوله عز وجلّ «واسجد و اقترب»؛

از وشاء روایت شده که گفت: از امام رضا(ع) شنیدم که می فرمود: نزدیک ترین حالت بنده به خداوند عزوجلّ، حالت سجده او است و این سخن خداوند عزوجلّ است که فرمود: «واسجد و اقترب».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 18 - 10

10 - کرامت انسانی، در گرو گرایش به توحید ربوبی و سجود و انقیاد در برابر خدا

و كثير حقّ عليه العذاب و من يهن الله فما له من مكرم

5- آثار سجده در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 19 - 10

10 - سجده های نماز، محرک اصلی مخالفان به جلوگیری از اقامه آن

ینهی . عبداً إذا صلّى ... لاتطعه و اسجد

6- آثار سجده ملائکه بر آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 62 - 3

3- سجده ملائکه بر آدم (ع) ، پیام دار کرامت و فضیلت او بر آنان بود .

اسجدوا لأدم فسجدوا .. قال أرءیتک هذا الذی کرّمت علیّ

ص: 344

7- آداب سجده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 70 - 17

17 - لزوم اعتراف به ربوبیت خداوند به هنگام سجده

فَأَلْقَى السَّحْرَةَ سَجْدًا قَالُوا أَمَّا رَبِّ هَرُونَ وَمُوسَى

8- ابلیس و سجده بر آدم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 34 - 3، 4، 9

3 - ابلیس نیز همانند فرشتگان ، مأمور به سجده بر آدم (ع) بود .

فسجدوا إلا ابلیس أبی

4 - ابلیس از فرمان خدا سرپیچی کرد و بر آدم سجده نمود .

و إذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم فسجدوا إلا ابلیس أبی

«ابا» (مصدر أبی) به معنای امتناع کردن است.

9 - تکبر و خود بزرگ بینی ابلیس ، مایه امتناع او از سجده بر آدم (ع) شد .

فسجدوا إلا ابلیس أبی و استکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 31 - 3، 1

1- ابلیس ، از فرمان خداوند برای سجده بر آدم (ع) سرپیچی کرد و حاضر نشد در ردیف دیگر سجده کنندگان بر او قرار گیرد .

إلا ابلیس أبی أن یکون مع السجدين

3- ابلیس چونان فرشتگان ، مأمور به سجده بر آدم (ع) بود .

فسجد الملائكة کلهم أجمعون . إلا ابلیس أبی أن یکون مع السجدين

9- اجتناب از سجده بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 60 - 2,7

2 - مشرکان صدر اسلام ، از سجده در برابر خدای رحمان ، امتناع می کردند .

وإذا قيل لهم اسجدوا للرحمن قالوا وما الرحمن

7 - مشرکان صدر اسلام ، به دلیل این که پیامبر (صلی الله علیه و آله) آنان را به سجده در برابر خدای رحمان فرمان داد ، از سجده امتناع کردند .

ص: 345

قالوا و ما الرحمن أنسجد لما تأمرنا

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که «ما» در «لما تأمرنا» مصدریه و «لام» تعلیلیه باشد؛ یعنی، آیا به خاطر فرمان تو ما سجده کنیم؟ هرگز چنین نخواهیم کرد! گفتنی است همزه در «أنسجد» استفهامیه و برای انکار و امتناع است.

10- احکام سجده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 100 - 12

12- جواز سجده بر غیر خدا، به قصد احترام و تواضع و نه به منظور عبادت و پرستش در ادیان پیشین

و خرّوا له سجّداً

منزّه بودن یعقوب و یوسف(ع) از شرک و پرستش غیر خدا و مبارزه آنان با چنین عقیده و مرامی - که آیات بسیاری گویای آن است - می رساند که سجده خاندان یوسف بر او به قصد عبادت و پرستش نبوده؛ بلکه مجرد احترام و تواضع بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 29 - 14

14- جواز سجده و خضوع در برابر غیر خدا با اذن الهی

فقعوا له سجدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 61 - 5

5- سجده برای غیر خدا، به منظور تکریم و بزرگداشت با اذن و اجازه او جایز است . *

قلنا .. اسجدوا لأدم فسجدوا

از فرمان خداوند به فرشتگان برای سجده بر آدم(ع)، استفاده می شود: چنین عملی وقتی با اجازه او باشد، مانعی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 107 - 15

15- « علی بن محمد . . . قال : سئل أبو عبد الله (ع) عمّن بجهته عله لا يقدر علی السجود علیها قال : يضع ذقنه علی الأرض ان الله عزّوجلّ يقول : « و یخزّون للأذقان سجداً » ;

علی بن محمد . . . گفت: از امام صادق(ع) درباره کسی که بر پیشانی او علتی است (زخم، یا دمل و یا...) که نمی تواند سجده کند سؤال شد، حضرت فرمود: چانه اش را روی زمین بگذارد؛ زیرا خداوند می فرماید: و یخزّون للأذقان سجداً».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 116 - 7

7 - آفرینش ملائکه و ابلیس ، بر آفرینش انسان ها مقدم بود .

للملئکه اسجدوا . . . إلاّ ایلیس أبی

ص: 346

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 77 - 12

12 - « عن سماعه قال : سألته عن الركوع والسجود هل نزل في القرآن فقال : نعم قول الله عز وجل « يا أيها الذين آمنوا اركعوا واسجدوا » فقلت : فكيف حدّ الركوع والسجود ؟ فقال : أمّا ما يجزيك من الركوع فثلاث تسيّحات تقول : سبحان الله سبحان الله ثلاثاً . . . »

سماعه می گوید: از امام(ع) پرسیدم: آیا در باره رکوع و سجود در قرآن چیزی نازل شده است؟ فرمود: آری! خداوند عزوجلّ می فرماید: «یا ایّها الذین آمنوا ارکعوا و اسجدوا» به آن حضرت گفتم: حدّ رکوع و سجود چیست؟ فرمود: آن مقدار ذکر که در رکوع برای تو کافی است، سه دفعه تسیّحات است. می گویی: سبحان الله سبحان الله تا سه دفعه».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 72 - 12

12 - جواز سجده و خضوع در برابر غیر خدا ، با اذن الهی

فإذا سويته . . . فقعوا له سجدتين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 37 - 7

7 - سجده برای غیر خدا ، ممنوع و مورد نهی صریح خداوند است .

لا تسجدوا للشمس ولا للقمر

11- اذکار سجده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 77 - 12

12 - « عن سماعه قال : سألته عن الركوع والسجود هل نزل في القرآن فقال : نعم قول الله عز وجلّ « يا أيها الذين آمنوا اركعوا واسجدوا » فقلت : فكيف حدّ الركوع والسجود ؟ فقال : أمّا ما يجزيك من الركوع فثلاث تسيّحات تقول : سبحان الله سبحان الله ثلاثاً . . . »

سماعه می گوید: از امام(ع) پرسیدم: آیا در باره رکوع و سجود در قرآن چیزی نازل شده است؟ فرمود: آری! خداوند عزوجلّ می فرماید: «یا ایّها الذین آمنوا ارکعوا و اسجدوا» به آن حضرت گفتم: حدّ رکوع و سجود چیست؟ فرمود: آن مقدار ذکر که در رکوع برای تو کافی است، سه دفعه تسیّحات است. می گویی: سبحان الله سبحان الله تا سه دفعه».

12- ارزش سجده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- آل عمران - 3 - 113 - 6,7

6- اطاعت خداوند ، خواندن آیات الهی به هنگام شب و در حال سجده ، ملاک ارزشمندی انسانها

لیسوا سواءً من اهل الکتب امه قائمه . . . و هم یسجدون

ص: 347

7- ارزش والای اطاعت و بندگی خدا، تلاوت آیات الهی (قرآن و...) به هنگام شب و در حال سجده به درگاه وی

یتلون آیت الله انا الیل و هم یسجدون

بنابر اینکه جمله «و هم یسجدون»، حال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 9 - 5

5- اهمیت و ارزش ویژه سجده و اظهار خضوع و تذلل در برابر خداوند، در مقایسه با دیگر اجزا و ارکان عبادت

أمن هو قنت انا الیل ساجداً و قائماً

«سجده» در اصل به معنای خضوع و تذلل است. تقدم آن در آیه شریفه، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

13- اعضای سجده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 18 - 7

7- «عن حماد بن عیسی قال: قال لی أبو عبد الله (ع) . . . سبعة منها فرض یسجد علیها و هی التي ذکرها الله فی کتابه فقال: «و أن المساجد لله فلا تدعوا مع الله أحداً» و هی الجبهه و الکفان و الرکبتان و الإبهامان؛

از حماد بن عیسی روایت شده که گفت: امام صادق (ع) به من فرمود: هفت موضع [از بدن] است که فرض شده که سجده بر آنها قرار گیرد و آن همان مواضعی است که خداوند در کتاب خود ذکر کرده و فرموده است: «و أن المساجد لله فلا تدعوا مع الله أحداً» و آن مواضع پیشانی، کف دستان، سر زانوها، و انگشت شست [پاها] است».

14- انگیزه ترک سجده ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 32 - 2

2- خداوند، در پی سرپیچی ابلیس از فرمان سجده بر آدم (ع)، از انگیزه نافرمانی او جو یا شد و وی را مورد بازخواست قرار داد.

قال یابلیس ما لک الا تکون مع السجدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- ابلیس ، در پی جویا شدن خداوند از انگیزه تمردش ، جواب داد : هرگز بر انسانی که از گلی خشکیده ، بد بو و متغیر خلق شده است ، سجده نخواهد کرد .

قال لم أكن لأسجد لبشر خلقته من صلصل من حمأ مسنون

3- ابلیس ، در تمرد خود از فرمان خداوند برای سجده بر آدم (ع) ، تنها ماده جسمانی او را ملاک قرار داد و وجود روح الهی را در او نادیده گرفت .

قال لم أكن لأسجد لبشر خلقته من صلصل من حمأ مسنون

ص: 348

4- ابلیس ، با توجه به ماده اولیه خلقت انسان ، او را شایسته مسجود شدن موجودی چون خود نمی دید .

قال لم أكن لأسجد لبشر خلقته من صلصل من حما مسنون

تعبیر «لم أكن لأسجد» به جای «لا أسجد» یا «لست أسجد»، می تواند بیانگر این نکته باشد که شیطان، مقام خود را برتر از آدم(ع) می دید.

15- اهمیت سجده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 125 - 14

14 - مهیا کردن و آماده ساختن خانه خدا برای طواف ، عبادت ، رکوع و سجود ، فرمان خدا به ابراهیم و اسماعیل (ع)

أن طهرا بيتي للطائفين و العكفين و الركع السجود

در برداشت فوق «تطهير» - چنانچه بعضی از مفسران گفته اند - کنایه از مهیا ساختن و اختصاص دادن، گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 113 - 10

10 - تلاوت آیات خدا و سجده به درگاه او ، قیام به امر خداوند است .

امه قائمه يتلون . . . و هم يسجدون

بنابر اینکه «يتلون . . .»، تفسیر «قائمه» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 114 - 8,13

8 - قیام به امر دین (اطاعت خدا) تلاوت آیات خدا ، سجده به درگاه او ، ایمان به خدا و معاد ، امر به معروف و نهی از منکر و شتاب در امور خیر ، ویژگی امت شایسته و صالح

امه قائمه . . . و اولئك من الصالحين

13 - قیام به طاعت خدا ، تلاوت آیات او ، سجده به درگاه او ، ایمان به خدا و معاد ، امر به معروف و نهی از منکر و شتاب در نیکی ها ، حبل الهی است . *

ضربت عليهم الذلّة .. الأ بحبل من اللّٰه ... ليسوا سواً من اهل الكتب ... يؤمن

به نظر می رسد صفات مذکور، بیانگر «حبل اللّٰه» است؛ چون دارندگان این صفات، قطعاً از ذلت به دور هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 115 - 4

4 - قیام به طاعت خدا، تلاوت آیات وی در شب هنگام در حال سجده، ایمان به خدا و معاد، امر به معروف، نهی از منکر و شتاب در نیکی ها، از اعمال خیر

من اهل الكتب امّه قائمه .. و ما يفعلوا من خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 349

6 - پرستش خدا، به زبان آوردن اسما و صفاتی که حاکی از تنزیه او باشد و نیز سجده کردن به آستان او، از مصادیق ذکر و یاد خداوند است.

و اذکر ربک .. إن الذین عند ربک ... و له یسجدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 112 - 12

12 - ستایش خداوند و حرکت در مسیر او و رکوع و سجود و امر به معروف و نهی از منکر، از جلوه های بارز عبادت پروردگار *

التَّابُونَ الْعَبْدُونَ .. و النّاهون عن المنکر

برداشت فوق بدان احتمال است که «الحامدون السّائحون ..» از باب ذکر خاص بعد از عام (العابدون) و بیانگر اهمیت و ویژگی این صفات باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 9 - 5

5 - اهمیت و ارزش ویژه سجده و اظهار خضوع و تذلل در برابر خداوند، در مقایسه با دیگر اجزا و ارکان عبادت

أَمَّنْ هُوَ قَنْتَ ءَانَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا

«سجده» در اصل به معنای خضوع و تذلل است. تقدم آن در آیه شریفه، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 26 - 1

1 - فرمان خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مبنی بر سجده برای او در پاسی از شب

و من الّیل فاسجد له

«من» در «من اللیل»، برای تبعیض است؛ یعنی، بخشی از شب.

16 - اهمیت سجده بر آدم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 74 - 8

8 - تکلیف سجده کردن فرشتگان بر آدم، تکلیفی بس مهم و بزرگ در پیشگاه خداوند

ففعوا له سجدين . فسجد الملائكة ... إلا إبليس استكبر و كان من الكافرين

از این که ابلیس، به خاطر سرپیچی از سجده بر آدم، از سوی خداوند کافر شمرده شد، برداشت یاد شده به دست می آید.

17- اهمیت سجده بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 350

9 - سجده در برابر خدای رحمان ، تکلیفی مهم و دارای جایگاه ویژه در میان دیگر تکالیف الهی

و إذا قیل لهم اسجدوا للرحمن قالوا و ما الرحمن أنسجد لما تأمرنا

اختصاص به ذکر یافتن صفت رحمان از میان دیگر اوصاف خداوند، به هنگام فرمان سجده در برابر او، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

12 - سجده در برابر خدای رحمان ، مظهر یگانه پرستی و روح ادیان توحیدی است .

اسجدوا للرحمن قالوا و ما الرحمن . . . و زادهم نفورًا

قرار گرفتن فرمان سجده بر خدای رحمان در ردیف سلسله آیات مربوط به محکومیت شرک و اثبات توحید و یگانگی خداوند، می تواند مطلب یاد شده را برساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 19 - 18

18 - لزوم سجده به پیشگاه خداوند و تلاش برای تقرّب به درگاه او

و اسجد و اقترب

آیه شریفه گرچه خطاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله) است؛ ولی از کاربرد تعبیر «عبدًا» (در آیه قبل) به جای نام مخصوص آن حضرت، تعمیم مفاد آن به همه مردم استفاده می شود.

18- اهمیت سجده در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 98 - 8

8- سجده و خضوع ، رکن اصلی و روح نماز و دارای جایگاه ویژه در میان سایر عبادات

فسّبح بحمد ربّك و كن من السّاجدين

مقصود از «سجده» می تواند نماز باشد و علت اینکه به جای نماز به سجده امر شده، می تواند گویای این حقیقت باشد که سجده رکن مهم و روح نماز است. گفتنی است دستور خداوند به سجده، پس از توصیه به تسبیح و حمد - که هر دو نوعی عبادت به شمار می آیند - نشان دهنده اهمیت و جایگاه ویژه آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 64 - 4

4 - سجده ، رکن اصلی و روح نماز است .

و الذین یبیتون لربهم سجداً و قیماً

تقدیم سجده بر قیام - در حالی که در نماز قیام بر سجده مقدم است - می تواند برای بیان اهمیت سجده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 219 - 4

4 - سجده و خضوع در برابر خداوند ، مهم ترین رکن نماز و روح عبادت

ص: 351

از اختصاص به ذکر یافتن موضوع سجده، در میان مجموعه ارکان نماز و مصادیق عبادت، برداشت یاد شده به دست می آید.

19- پاداش سجده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 17 - 5

5- پاداش سجده و تسبیح همراه با حمد خداوند و عبادت های شبانه و انفاق های مؤمنان ، فوق حد شمارش است .

إِنَّمَا يُؤْمِنُ... سَجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ... تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ... وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ

«فاء» در «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ» تفریع بر آیات پیش است که در آنها صفات نیکوی مؤمنان شمرده شده است. بنابراین، معنا، چنین می شود: «مؤمنانی که دارای صفات یاد شده اند، پاداشی مخفی دارند». با توجه به تفریع احتمال دارد که اختفای پاداش، کنایه از فوق شمارش بودن باشد.

20- تاریخ سجده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 120 - 5

5 - به خاک افتادن و سجده کردن ، از دیرباز جلوه بارز بندگی ، پرستش و تسلیم بوده است .

وَأَلْقَى السَّحْرَةَ سَاجِدًا

ظاهراً مراد از «سجده» پیشانی بر خاک ساییدن است. بنابراین کلمه «سجدین» بیانگر این است که اظهار خضوع با پیشانی بر خاک نهادن (سجده) سابقه طولانی داشته و آیه بعد «ءامنا رب العلمین» دلالت می کند که این عمل برای اظهار بندگی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 70 - 15

15 - پیشانی بر خاک نهادن ، از دیرباز نشانه خضوع و فروتنی در برابر خداوند و جلوه بارز بندگی او بوده است .

فَأَلْقَى السَّحْرَةَ سَاجِدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - سجده ، جلوه بارز بندگی ، پرستش و تسلیم در میان ملت ها در طول تاریخ

فألقى السحرة سجدين

ص: 352

21- ترک سجده ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 32 - 3

3- گفت و گوی مستقیم و بدون واسطه خداوند با ابلیس ، در پی تمرد وی از فرمان سجده بر آدم (ع)

قال یابلیس ما لک الاّ تکن مع السجدین

22- ترک سجده بر آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 11 - 10، 9

9 - ابلیس از سجده کردن بر آدم(ع) سرباز زد و از فرمان خدا تمرد کرد.

فسجدوا إلا ابلیس

10 - روحیه ابلیس ناسازگار با سجده کردن بر آدم(ع) و خاضع شدن در برابر او

إلا ابلیس لم یکن من السجدین

جمله «فسجدوا إلا ابلیس» به روشنی می رساند که ابلیس بر آدم(ع) سجده نکرد بنابراین جمله «لم یکن . . .» اشاره به حقیقتی دیگر دارد و آن اینکه سجده نکردن وی مقطعی و به خاطر شرایط خاصی نبود بلکه نهاد وی از این عمل گریزان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 12 - 6

6 - تکبر و خود برترینی ابلیس، عامل تمرد وی از اطاعت فرمان خداوند (سجده بر آدم(ع))

قال أنا خیر منه خلقتنی من نار و خلقته من طین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 18 - 6

6 - محاوره و گفتگوی مستقیم خداوند با ابلیس، در داستان تمرد وی از سجده بر آدم(ع)

قال ما منعك .. قال أخرج منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 32 - 1

1- خداوند ، به خاطر تمرد ابلیس از سجده بر آدم (ع) ، او را مورد سرزنش قرار داد .

قال یابلیس ما لک ألاّ تكون مع السجدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 33 - 1,3

1- ابلیس ، در پی جويا شدن خداوند از انگیزه تمردش ، جواب داد : هرگز بر انسانی که از گلی خشکیده ، بد بو و متغیر خلق

ص: 353

شده است ، سجده نخواهد کرد .

قال لم أكن لأسجد لبشر خلقتة من صلصل من حما مسنون

3- ابلیس ، در تمرد خود از فرمان خداوند برای سجده بر آدم (ع) ، تنها ماده جسمانی او را ملاک قرار داد و وجود روح الهی را در او نادیده گرفت .

قال لم أكن لأسجد لبشر خلقتة من صلصل من حما مسنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 61 - 11، 3

3- همه فرشتگان جز ابلیس ، از امر الهی به سجده بر آدم (ع) اطاعت کردند .

قلنا للملائكة اسجدوا لأدم فسجدوا إلا إبليس

11- خودبرتربینی ابلیس و پست تر و کم ارزش تر دیدن جنس آدم (ع) ، ریشه عصیان و نافرمانی وی از فرمان خداوند بر سجده بر آدم (ع)

و إذ قلنا للملائكة اسجدوا لأدم فسجدوا إلا إبليس قال ءأسجد لمن خلقت طيناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 50 - 23، 9

9- ابلیس ، از اطاعت خدا در سجده برای آدم ، سرپیچی کرد .

فسجدوا إلا إبليس . . . ففسق عن أمر ربه

«فسق» به معنای خروج از محدوده شریعت است (مفردات راغب).

23- تمرد شیطان از سجده بر آدم ، نمایانگر عداوت او با آدمیان است .

فسجدوا إلا إبليس . . . وهم لكم عدو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 116 - 4

4- ابلیس، همچون فرشتگان، مأمور به سجده در برابر آدم (ع) بود.

للملئکه اسجدوا لآدم فسجدوا إلا ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 117 - 4

4- امتناع ابلیس از سجده در برابر آدم، نشانگر دشمنی او با آدم و دیگرانسان ها است.

إلّا ابلیس أبی . فقلنا ی-آدم إنّ هذا عدوّ لک و لزوجک

معرفی ابلیس پس از امتناع از سجده، به عنوان دشمن «آدم و حوا» نشانگر آن است که ترک سجده، علامت این دشمنی بوده است و دشمن شدن او با حوا، گویای این است که ابلیس پس از ماجرای سجده بر آدم، با جنس انسان، خصومت یافته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 74 - 2

ص: 354

2- سرپیچی ابلیس ، از فرمان خداوند به سجده برای آدم (ع)

فسجد الملائکه .. إلا ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 75 - 1

1- سرزنش ابلیس از سوی خداوند ، به خاطر نافرمانی از سجده بر آدم (ع)

قال یابلیس ما منعک أن تسجد

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، در مقام توییح ابلیس و محکومیت عمل او است.

23- تشویق به سجده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 6 - 4

4- تشویق انسان ها از سوی خداوند ، به سجده و فرمانبری از قوانین الهی ، همچون دیگر موجودات طبیعت

و النجم و الشجر یسجدان

ذکر سجده و فرمانبری ستارگان و گیاهان برای خداوند، می تواند به منظور تشویق و برانگیختن بشر به پیروی از قوانین الهی و خضوع در برابر آن، ادا شده باشد.

24- تعبیر رؤیای سجده خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 6 - 9

9- خضوع و سجود ستارگان ، ماه و خورشید برای انسان در رؤیا ، نشان برگزیده شدن و دستیابی او به علم و دانش است .

ینی رأیت أحد عشر کوكبًا .. کذلک یجتئیک ربک و یعلمک

25- تعبیر رؤیای سجده ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- خضوع و سجود ستارگان ، ماه و خورشید برای انسان در رؤیا ، نشان برگزیده شدن و دستیابی او به علم و دانش است .

إني رأيت أحد عشر كوكبًا . . . كذلك يفتييك ربك و يعلمك

ص: 355

26- تعبیر رؤیای سجده ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 6 - 9

9- خضوع و سجود ستارگان ، ماه و خورشید برای انسان در رؤیا ، نشان برگزیده شدن و دستیابی او به علم و دانش است .

إني رأيت أحد عشر كوكبًا .. كذاك يجتبيك ربك و يعلمك

27- جایز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 29 - 14

14- جواز سجده و خضوع در برابر غیر خدا با اذن الهی

فقعوا له سجدین

28- جواز سجده بر غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 116 - 7

7- آفرینش ملائکه و ابلیس ، بر آفرینش انسان ها مقدم بود .

للملائکه اسجدوا .. إلا ابلیس أبی

29- حرمت سجده بر غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 18 - 5

5- سجده و عبادت برای غیر خدا ، شرک و حرام است .

وَأَنَّ الْمَسْجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا

30- حقیقت سجده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 34 - 14

14 - سجده به خودی خود و فی نفسه ، حاکی از پرستش مسجود نیست .

وإذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم

در نتیجه سجده کردن فی نفسه عبادت و پرستش محسوب نمی شود؛ بلکه سجده ای عبادت و پرستش محسوب می شود که

ص: 356

سجده کننده مسجود را رب خویش بداند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 29 - 15

15- سجده ، مظهر بزرگداشت و تعظیم

فقعوا له سجدين

از اینکه خداوند، برای بزرگداشت انسان و تبیین موقعیت برتر او در میان سایر موجودات، به فرشتگان فرمان داد تا در برابر او به سجده بیفتند - با اینکه امکان تکریم به صورت دیگری وجود داشت - حکایت از این نکته می کند که سجده، رمز و مظهر تعظیم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 46 - 4

4- سجده ، مظهر حق پرستی و خضوع در برابر خداوند

فَأَلْقَى السَّحْرَةَ سَجْدِينَ

برداشت یاد شده از آن جا است که نخستین واکنش مثبت ساحران پس از پی بردن به آیت الهی و معجزه موسی، سجده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 72 - 13

13 - سجده ، نماد و مظهر بزرگداشت و تکریم

فقعوا له سجدين

از این که خداوند برای بزرگداشت انسان و تبیین جایگاه برتر او در میان سایر موجودات، به فرشتگان فرمان داد تا در برابر او به سجده بیفتند - با آن که امکان تکریم به صورت دیگر وجود داشت - می رساند که سجده، رمز و مظهر تعظیم و بزرگداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 29 - 27

27- سجده ، مظهر بندگی و خضوع به درگاه خداوند

سیماهم فی وجوههم من أثر السجود

از میان همه عبادات و مظاهر عبادی، «سجده» اختصاص به ذکر یافته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 62 - 3

3- سجده، نمود بارز کرنش در برابر خداوند و اظهار عبودیت و بندگی در پیشگاه او

فاسجدوا لله و اعبدوا

با توجه به این که سجده، خود نوعی عبادت است، اختصاص به ذکر یافتن آن نشانگر مطلب بالا است.

ص: 357

31- درک سجده موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 18 - 6

6 - سجود و خضوع تمامی پدیده های جهان در برابر خدا، امری قابل درک برای انسان ها

ألم تر أنّ الله يسجد له من في السموت و من في الأرض

همزه در «ألم تر» برای استفهام توییخی است: «رؤیت» (مصدر «تری») به معنای دانستن و به اصطلاح از افعال قلوب است؛ یعنی، «آیا ندانستی که...». توییخ خداوند بیانگر مطلب یاد شده است؛ چه این که سجود و خضوع موجودات اگر قابل درک نبود، خداوند انسان ها را توییخ نمی کرد.

32- دعوت به سجده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 42 - 3

3 - کافران و مشرکان در عرصه قیامت به سجده فرا خوانده می شوند؛ ولی آنان از این کار ناتوان اند.

و يدعون إلى السجود فلا يستطيعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 43 - 3

3 - فراخوانده شدن کافران و مشرکان به سجده و خضوع در برابر خداوند در دنیا و امتناع آنان از این کار

وقد كانوا يدعون إلى السجود وهم سلمون

33- رکنیت سجده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 26 - 3

3 - سجده، رکن مهم نماز

و من الیل فاسجد له

اطلاق «سجده» بر «نماز»، از باب اطلاق جز بر کل است و این می رساند که این جزء، از اجزای مهم نماز است.

34- زمان سجده ملائکه بر آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 30 - 4

4- «عن الصادق (ع) . . . قال . . . فأول من بادر بالسجود جبرائيل و ميكائيل ثم عزرائيل ثم إسرافيل ثم الملائكة المقربون و كان السجود لأدم يوم الجمعة عند الزوال فبقیت الملائكة فی سجودها إلى العصر . . .»

ص: 358

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: .. اولین کسانی که در سجده پیشی گرفتند، جبرئیل و میکائیل بودند؛ سپس عزرائیل و بعد اسرافیل؛ سپس فرشتگان مقرب الهی و سجده برای آدم روز جمعه هنگام ظهر بود، پس ملائکه تا عصر در حال سجده بودند».

35- زمینه سجده بر آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 34 - 6

6- هدف از طرح خلافت آدم (ع) برای فرشتگان و اثبات فضیلت و برتری او، ایجاد رغبت در فرشتگان برای اجرای فرمان الهی (سجده بر آدم (ع)) بود.

و إذ قال ربك للملائكة إني جاعل في الأرض خليفة .. و إذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم

36- زمینه سجده بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 62 - 4

4- توجه به تدبیر و قدرت الهی در نظام هستی، مقتضی خضوع و سجود انسان در برابر آفریدگار آن

و أنّ إلى ربك المنتهى .. فاسجدوا لله و اعبدوا

37- سجده آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 15 - 1

1- همه کسانی که در آسمان ها و زمینند در برابر خداوند خاضعند و بر او سجده می کنند .

و لله يسجد من في السموت و الأرض

38- سجده آل یعقوب(ع) بر یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 100 - 7,9

7- برادران یوسف و خانواده های ایشان و نیز پدر و مادر او، همگی بر او سجده بردند .

و رفع أبويه على العرش و خرّوا له سجّداً

«خرو» (مصدر خرّوا) به معنای سقوط کردن و بر زمین افتادن است و «سجّداً» جمع ساجد می باشد. مراد از ضمیر در «خرّوا» همانند «دخلوا علی یوسف» و «ادخلوا» در آیه قبل برادران یوسف و خانواده های ایشان و نیز پدر و مادر اوست.

ص: 359

9- سجده پدر و مادر و بستگان یوسف بر او، تعبیر و تأویل رؤیای کودکی وی (سجده یازده ستاره و ماه و خورشید بر او) بود.

قال يَأْتِ هَذَا تَأْوِيلَ رَءْيَى مَنْ قَبْلَ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا

تأویل رؤیا؛ یعنی، آن واقعیت خارجی که در خواب به نحوی جلوه گر شده و خواب گویای آن است.

39- سجده ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 125 - 13

13 - سجده های بسیار ابراهیم (ع)، موجب برگزیده شدن وی، از سوی خداوند، به عنوان خلیل

و اتخذ الله إبراهيم خليلاً

امام صادق (ع) در مورد علت برگزیده شدن حضرت ابراهیم (ع) به عنوان خلیل، از سوی خداوند فرمود: لكثره سجوده على الارض.

علل الشرايع، ص 34، ح 1، ب 32؛ نورالثقلين، ج 1، ص 554، ح 584.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مريم - 19 - 58 - 16

16- زکریا، یحیی، مریم (س)، عیسی، ابراهیم، اسحق، یعقوب، موسی، هارون، اسماعیل، و ادريس (ع)، هنگام شنیدن آیات

الهی به سجده می افتادند و در حال سجود اشک می ریختند.

أولئك... إذا تتلى عليهم آيات الرحمن خرّوا سجّداً و بکياً

40- سجده ادريس (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مريم - 19 - 58 - 16

16- زکریا، یحیی، مریم (س)، عیسی، ابراهیم، اسحق، یعقوب، موسی، هارون، اسماعیل، و ادريس (ع)، هنگام شنیدن آیات

الهی به سجده می افتادند و در حال سجود اشک می ریختند.

أولئك... إذا تتلى عليهم آيات الرحمن خرّوا سجّداً و بکياً

41- سجده اسحاق (ع)

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

10 - مریم - 19 - 58 - 16

16- زکریا، یحیی، مریم (س)، عیسی، ابراہیم، اسحق، یعقوب، موسی، ہارون، اسماعیل، وادریس (ع)، ہنگام

ص: 360

شنیدن آیات الهی به سجده می افتادند و در حال سجود اشک می ریختند .

أولئك . . . إذا تتلى عليهم آيات الرحمن خرّوا سجّداً و بکياً

42- سجده اکراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 15 - 2,9

2- گروهی از موجودات از سر طاعت و به دلخواه بر خدا سجده می کنند و گروهی ناخواسته و برخلاف تمایل خویش .

و لله یسجد من فی السموت و الأرض طوعاً و کرهاً

«طوع» و «کره» مصدرند و در آیه شریفه به معنای اسم فاعل (طائعين) و (کارهین) می باشد. «طائع» به کسی یا چیزی گفته می شود که کاری را از روی تمایل انجام دهد و «کاره» به کسی و یا چیزی می گویند که عملی را بدون تمایل و از روی کراهت به ثمر رساند.

9- «عن أبي جعفر (ع) فی قوله: «و لله یسجد من فی السموات و الأرض طوعاً و کرهاً . . .» أما من یسجد من أهل السموات طوعاً فالملائکة . . . و من یسجد من أهل الأرض طوعاً فمن ولد فی الإسلام . . . و أما من یسجد کرهاً فمن أجبر علی الإسلام . . .»

از امام باقر(ع) درباره سخن خدا: «و لله یسجد من فی السموات و الأرض طوعاً و کرهاً . . .» روایت شده: اما کسانی از اهل آسمانها که از روی رغبت سجده می کنند فرشتگان هستند . . . و اما کسانی که از اهل زمین با میل و رغبت سجده می کنند، آنانند که در اسلام (محیطوخوانواده اسلامی) متولد شده اند . . . و اما آنان که از روی اجبار سجده می کنند، کسانی اند که به پذیرش اسلام مجبور شده اند . . .»

43- سجده انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 58 - 15

15- پیامبران و هدایت یافتگان برگزیده ، به هنگام شنیدن آیات الهی به سجده می افتند و می گریند .

من النبیین . . . و ممّن هدینا واجتیبینا إذا تتلى عليهم آيات الرحمن خرّوا سجّداً و

44- سجده بر آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 11 - 4,6

4 - خداوند پس از خلقت آدم(ع)، از فرشتگان خواست تا بر او سجده کنند.

ثم قلنا للملائكة اسجدوا لآدم

6 - وجود فاصله زمانی میان صورت دهی به منشأ انسانها و فرمان سجده بر آدم(ع)

ثم صورنکم ثم قلنا للملائكة اسجدوا لآدم

ص: 361

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 12 - 2, 1

1 - ابلیس، مورد سرزنش و بازپرسی خداوند به سبب تمرد از سجده بر آدم

قال ما منعك ألا تسجد

در توجیه وجود کلمه «لا» در «ألا تسجد» چند نظر وجود دارد: برخی گفته اند «لا» زائده و برای تأکید است. و برخی دیگر گفته اند «منعك» متضمن معنای «دعاك» است که در این صورت لا نافیهِ خواهد بود. یعنی چه چیز تورا واداشت که سجده نکنی.

2 - ابلیس، همچون فرشتگان، مورد خطاب خداوند در فرمان سجده بر آدم بود.

ثم قلنا للملائكة اسجدوا لآدم... ما منعك ألا تسجد إذ أمرتك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 61 - 6

6- شگفتی انکارآمیز ابلیس از فرمان الهی به سجده وی بر موجودی آفریده از گل

قال ءأسجد لمن خلقت طينًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 50 - 2, 8

2- خداوند، به همه فرشتگان فرمان داد تا آدم را سجده کنند.

و إذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم

«ال» در «الملائكة» برای استغراق است؛ یعنی: «همه ملائکه».

8- ابلیس نیز مانند فرشتگان، مأمور سجده برای آدم بود.

فسجدوا إلا إبليس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 116 - 2, 3, 8

2- فرشتگان ، به فرمان خداوند ، موظف به سجده برای آدم و خضوع در برابر او شدند .

وإذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم

3- تمامی فرشتگان ، فرمان سجده برای آدم را گردن نهادند و بی درنگ در برابر او به سجده افتادند .

فسجدوا

حرف «فا» بر نبودن فاصله بین فرمان سجده و انجام آن دلالت دارد.

8- آدم (ع) ، دارای مقام و جایگاهی برتر از ملائکه

وإذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 72 - 7

7- فرمان خداوند به فرشتگان برای سجده بر آدم (ع) پس از آفرینش او

ص: 362

فإذا سويته و نفخت فيه من روحي فقعوا له سجدين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

15 - ص - 38 - 73 - 1, 2

1 - با صدور فرمان خداوند به فرشتگان برای سجده بر آدم (ع)، بی درنگ همه آنها، در برابر او به سجده درافتادند.

فقعوا له سجدين . فسجد الملائكة كلهم

2 - هم زمان و دسته جمعی بودن سجده ملائکه در برابر آدم (ع)

فسجد الملائكة كلهم أجمعون

مقصود از «أجمعون» - به خاطر آمدن «كلهم» - دفعی و دسته جمعی بودن عمل سجده است؛ یعنی، «كلهم» ناظر به سجده همگانی و بدون استثنای فرشتگان و «أجمعون» اشاره به دسته جمعی و دفعی بودن آن سجده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

15 - ص - 38 - 74 - 1

1 - ابلیس چونان فرشتگان، مکلف و موظف به سجده برای آدم (ع)

فقعوا له سجدين . فسجد الملائكة ... إلا إبليس

45- سجده بر انسان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

15 - ص - 38 - 72 - 8

8 - دمیده شدن روح الهی در انسان، موجب شایستگی وی برای مسجود فرشتگان بودن

خلق بشرًا من طين . فإذا سويته و نفخت فيه من روحي فقعوا له سجدين

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که فرمان خداوند به سجده بر آدم (ع)، پس از دمیده شدن روح الهی در او صادر گردید و این می رساند که آنچه موجب شایستگی آدم برای سجده شد، روح الهی وی بود؛ نه جسم و کالبدش.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

3- تجلی بزرگداشت انسان، در سجده فرشتگان بر آدم (ع)

فسجد الملئکه کلهم أجمعون

46- سجده بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 154 - 7

7- ورود به بیت المقدس و سجده به درگاه الهی در آن هنگام، فرمان خداوند به یهودیان عصر موسی (ع)

وقلنا لهم ادخلوا الباب سجداً

ص: 363

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 15 - 6, 9, 12

1- همه کسانی که در آسمان ها و زمینند در برابر خداوند خاضعند و بر او سجده می کنند .

و لله يسجد من في السموت و الأرض

2- گروهی از موجودات از سر طاعت و به دلخواه بر خدا سجده می کنند و گروهی ناخواسته و برخلاف تمایل خویش .

و لله يسجد من في السموت و الأرض طوعاً و کرهً

«طوع» و «کره» مصدرند و در آیه شریفه به معنای اسم فاعل (طائعين) و (کارهين) می باشد. «طائع» به کسی یا چیزی گفته می شود که کاری را از روی تمایل انجام دهد و «کاره» به کسی و یا چیزی می گویند که عملی را بدون تمایل و از روی کراهت به ثمر رساند.

6- سایه های موجودات عالم ، به خدا سجده می برند و مطیع و فرمانبردار اویند .

و لله يسجد من في السموت . . . و ظللهم

«ظلال» (جمع ظل) به معنای سایه هاست.

9- «عن أبي جعفر (ع) في قوله: «و لله يسجد من في السموات و الأرض طوعاً و کرهً . . .» أما من يسجد من أهل السموات طوعاً فالملائكة . . . و من يسجد من أهل الأرض طوعاً فمن ولد في الإسلام . . . و أما من يسجد کرهً فمن أجبر على الإسلام . . .»

از امام باقر(ع) درباره سخن خدا: «و لله يسجد من في السموات و الأرض طوعاً و کرهً . . .» روایت شده: اما کسانی از اهل آسمانها که از روی رغبت سجده می کنند فرشتگان هستند . . . و اما کسانی که از اهل زمین با میل و رغبت سجده می کنند، آنانند که در اسلام (محیطوخوانواده اسلامی) متولد شده اند . . . و اما آنان که از روی اجبار سجده می کنند، کسانی اند که به پذیرش اسلام مجبور شده اند . . .»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 108 - 3

3- مطلوبیت تسبیح پروردگار همراه با خضوع و سجده برای او ، با مشاهده آیات بحقّ او

إذا يتلى عليهم يخرون للأذقان سجّداً . و يقولون سبحن ربّنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 18 - 1

1 - سجده (خضوع و انقیاد) اهل آسمان و زمین و نیز خورشید ، ماه ، ستارگان ، کوه ها ، درختان و جنبندگان برای خدا

ألم تر أن الله يسجد له من في السموات ومن في الأرض . . . والشجر والدواب

«سجود» (مصدر «يسجد») به معنای اظهار خضوع و انقیاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 60 - 10، 1

1 - مشرکان صدر اسلام ، به سجده در برابر خدای رحمان ، مأمور شده بودند .

وإذا قيل لهم اسجدوا للرحمن

10 - فرمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) به سجده کردن مشرکان صدر اسلام برای خدای رحمان ، موجب نفرت فزون تر آنان از سجده و

ص: 364

دوری آنها از راه حق و حقیقت گردید .

اسجدوا للرحمن قالوا و ما الرحمن أنسجد لما تأمرنا و زادهم نفورًا

در برداشت فوق، فاعل «زاد» امر به سجده دانسته شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 37 - 8

8 - سجده و کرنش ، تنها در برابر آفریدگار هستی روا است .

واسجدوا لله الذی خلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 38 - 3

3 - سرپیچی از سجده و عبادت آفریدگار جهان ، نمونه بارز استکبار است .

و اسجدوا لله .. فان استكبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 62 - 1,2

1 - فرمان الهی ، به سجده و سرنهادن خلق ، به درگاه بندگی و عبادت او

فاسجدوا لله و اعبدوا

2 - گرایش به عبادت و سجده در برابر خداوند ، نتیجه ضروری ایمان به وحی و قیامت

أزفت الأذفة .. أفمن هذا الحديث تعجبون ... فاسجدوا لله و اعبدوا

«فای تفریع» در آیه شریفه می رساند که سجده و عبادت برای خداوند، در پی باور داشتن قیامت و مفاهیم وحی، امری ضروری و اجتناب ناپذیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 18 - 4

4- عبادت و سجده، اختصاص به خدا دارد و تنها او شایسته آن است .

وَأَنَّ الْمَسْجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا

اختصاص یافتن محل های سجده و عبادت به خداوند، بیانگر آن است که خود سجده و عبادت، به او اختصاص دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 26 - 1

1 - فرمان خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مبنی بر سجده برای او در پاسی از شب

و من الیل فاسجد له

«من» در «من اللیل»، برای تبعیض است؛ یعنی، بخشی از شب.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 19 - 8

ص: 365

8 - سجده به درگاه خداوند ، وظیفه ای الهی برعهده پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و اسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 48 - 11، 8

8- گردش سایه های اجسام ، نشانگر سجده ، انقیاد و تذلل آنها در برابر خداوند است .

أولم يروا إلى ما خلق الله من شيء يتفيؤا ظله عن اليمين و الشمال سجداً لله و

11- همه پدیده های مادی با خضوع تمام ، خداوند را سجده می کنند .

أولم يروا . . . من شيء . . . سجداً لله و هم دخرون

«داخر» در لغت به معنای ذلیل است و جمله «و هم داخرون» حال برای «ظلال» می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 49 - 1، 4

1- تمامی جنبندگان عالم در برابر خداوند ، همواره منقاد و ساجدند .

و لله يسجد ما فى السموت و ما فى الأرض من دابة و الملكة

4- تمامی موجودات جنبنده و فرشتگان ، تنها در برابر خداوند سجده می کنند .

و لله يسجد ما فى السموت و ما فى الأرض من دابة و الملكة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 77 - 13

13 - « عن أبى عبد الله (ع) . . . و فرض على الوجه السجود له بالليل والنهار فى مواقيت الصلاة فقال : « يا أيها الذين آمنوا اركعوا و اسجدوا . . . » ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: . . . خداوند، سجده برای خود را در شب و روز به هنگام اوقات نماز، بر صورت واجب گردانید و فرمود: «یا ایها الذین آمنوا ارکعوا و اسجدوا...».

47- سجده بر خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 24 - 2

2 - سجده در برابر خورشید ، شیوه پرستش مردم سبا

یسجدون للشمس

48- سجده بر غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 100 - 12، 7

ص: 366

7- برادران یوسف و خانواده های ایشان و نیز پدر و مادر او، همگی بر او سجده بردند.

و رفع أبویه علی العرش و خرّوا له سجّداً

«خرور» (مصدر خرّوا) به معنای سقوط کردن و بر زمین افتادن است و «سجّداً» جمع ساجد می باشد. مراد از ضمیر در «خرّوا» همانند «دخلوا علی یوسف» و «ادخلوا» در آیه قبل برادران یوسف و خانواده های ایشان و نیز پدر و مادر اوست.

12- جواز سجده بر غیر خدا، به قصد احترام و تواضع و نه به منظور عبادت و پرستش در ادیان پیشین

و خرّوا له سجّداً

منزّه بودن یعقوب و یوسف(ع) از شرک و پرستش غیر خدا و مبارزه آنان با چنین عقیده و مرامی - که آیات بسیاری گویای آن است - می رساند که سجده خاندان یوسف بر او به قصد عبادت و پرستش نبوده؛ بلکه مجرد احترام و تواضع بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 29 - 14

14- جواز سجده و خضوع در برابر غیر خدا با اذن الهی

فقعوا له سجّدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 61 - 5

5- سجده برای غیر خدا، به منظور تکریم و بزرگداشت با اذن و اجازه او جایز است.*

قلنا .. اسجدوا لأدم فسجدوا

از فرمان خداوند به فرشتگان برای سجده بر آدم(ع)، استفاده می شود: چنین عملی وقتی با اجازه او باشد، مانعی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 72 - 12

12 - جواز سجده و خضوع در برابر غیر خدا، با اذن الهی

فإذا سوّيته .. فقعوا له سجّدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 37 - 7

7 - سجده برای غیر خدا، ممنوع و مورد نهی صریح خداوند است .

لاتسجدوا للشمس ولا للقمر

49- سجده برگزیدگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 58 - 19، 15

15- پیامبران و هدایت یافتگان برگزیده، به هنگام شنیدن آیات الهی به سجده می افتند و می گریند .

من النبیین . . . و ممّن هدینا واجتیبنا إذا تتلی علیهم آیت الرحمن خرّوا سجّداً و

ص: 367

19- گریه در حال سجده و خضوع در مقابل آیات الهی، از آثار نعمت هدایت و برگزیدگی در پیشگاه خداوند است.

و مَن هَدِينَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تَتَلَى عَلَيْهِمُ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا

50- سجده به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 113 - 11

11 - اطاعت خداوند، تلاوت آیات الهی و سجده به درگاه او، از اصول رفتاری مشترک بین ادیان الهی

من اهل الكتب امه قائمه يتلون . . . و هم يسجدون

51- سجده بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 107 - 15

15- « علی بن محمد . . . قال : سئل أبو عبد الله (ع) عن من بجبهته عله لا يقدر على السجود عليها قال : يضع ذقنه على الأرض ان الله عز وجل يقول : « ويخرون للأذقان سجداً » ;

علی بن محمد . . . گفت: از امام صادق (ع) درباره کسی که بر پیشانی او علتی است (زخم، یا دمل و یا...) که نمی تواند سجده کند سؤال شد، حضرت فرمود: چانه اش را روی زمین بگذارد؛ زیرا خداوند می فرماید: و یخرون للأذقان سجداً».

52- سجده جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 120 - 1

1 - ساحران با مشاهده معجزه موسی (ع) و بطلان سحر خویش، به خاک افتادند و به درگاه خداوند سجده کردند.

و ألقى السحرة سجدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 121 - 3

3 - ساحران به هنگام سجده به درگاه خداوند، ایمانشان را به ربوبیت وی اعلام داشتند.

وَأَلْقَى السِّحْرَ سَجْدِينَ. قَالُوا ءَامَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ

برداشت فوق بر این اساس است که جمله «قالوا ءامنا . . .» حال برای «السحرة» و یا بدل اشمال برای «اللقى السحرة ...» باشد. بر این دو مبنا آیه مورد بحث دلالت می کند که ساحران به هنگام سجده به درگاه خدا برای اینکه توهّم نشود به فرعون سجده می کنند، ایمان خویش را به خداوند اظهار کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 368

2 - ساحران با مشاهده معجزه موسی و بلعیده شدن سحرشان با اعجاز او، در برابر خداوند به سجده افتادند.

فَأَلْقَى السَّحْرَةَ سَجْدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 46 - 2

2 - به سجده در افتادن بی درنگ ساحران، با مشاهده معجزه پیروز موسی

فَأَلْقَى السَّحْرَةَ سَجْدِينَ

به کارگیری «فاء» تعقیب و فعل مجهول «ألقى» بیانگر آن است که ساحران با مشاهده آن منظره عجیب، اختیار از کف دادند و بلافاصله به سجده در افتادند.

53- سجده جایز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 100 - 12

12- جواز سجده بر غیر خدا، به قصد احترام و تواضع و نه به منظور عبادت و پرستش در ادیان پیشین

و خَرُّوا لَهُ سَجْدًا

منزه بودن یعقوب و یوسف(ع) از شرک و پرستش غیر خدا و مبارزه آنان با چنین عقیده و مرامی - که آیات بسیاری گویای آن است - می رساند که سجده خاندان یوسف بر او به قصد عبادت و پرستش نبوده؛ بلکه مجرد احترام و تواضع بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 61 - 5

5- سجده برای غیر خدا، به منظور تکریم و بزرگداشت با اذن و اجازه او جایز است.*

قلنا .. اسجدوا لأدم فسجدوا

از فرمان خداوند به فرشتگان برای سجده بر آدم(ع)، استفاده می شود: چنین عملی وقتی با اجازه او باشد، مانعی ندارد.

54- سجده جنبنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 49 - 1،4

1- تمامی جنبندگان عالم در برابر خداوند ، همواره منقاد و ساجدند .

و لله يسجد ما فى السموت و ما فى الأرض من دابة و الملائكة

4- تمامی موجودات جنبنده و فرشتگان ، تنها در برابر خداوند سجده می کنند .

و لله يسجد ما فى السموت و ما فى الأرض من دابة و الملائكة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 369

1- سجده (خضوع و انقیاد) اهل آسمان و زمین و نیز خورشید ، ماه ، ستارگان ، کوه ها ، درختان و جنبندگان برای خدا

ألم تر أن الله يسجد له من في السموت و من في الأرض . . . و الشجر و الدواب

«سجود» (مصدر «يسجد») به معنای اظهار خضوع و انقیاد است.

55- سجده خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- سجده (خضوع و انقیاد) اهل آسمان و زمین و نیز خورشید ، ماه ، ستارگان ، کوه ها ، درختان و جنبندگان برای خدا

ألم تر أن الله يسجد له من في السموت و من في الأرض . . . و الشجر و الدواب

«سجود» (مصدر «يسجد») به معنای اظهار خضوع و انقیاد است.

56- سجده خورشید بر یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- یوسف - 12 - 4 - 4 - 2, 1

1- یوسف (ع) در رؤیایی دید که یازده ستاره به همراه ماه و خورشید بر او سجده می کنند .

إني رأيت أحد عشر كوكبًا والشمس والقمر رأيتهم لي ساجدين

2- یوسف (ع) در رؤیای خویش دریافت که سجده ماه ، خورشید و ستارگان بر او ، سجده ای از سر شعور و آگاهی است .

رأيتهم لي ساجدين

ضمیر «هم» و نیز جمعهای مذکر سالم نظیر ساجدين، مخصوص دارندگان عقل و شعور است. به کارگیری آن ضمیر و آن گونه جمع در بیان سجده ستارگان، ماه و خورشید می رساند که یوسف(ع) چنان می دید که آنها از سر عقل و شعور بر او سجده می کنند و در مقابل او خاضعند.

4- ستارگان ، ماه و خورشید در رؤیای یوسف ، همگی یک جا و دسته جمعی بر او سجده کردند . *

إني رأيت أحد عشر كوكبًا . . . رأيتهم لي ساجدين

برداشت فوق ، احتمالی است که می توان آن را از تکرار فعل «رأیت» به دست آورد.

57- سجده خورشید در رؤیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 4 - 4

4- ستارگان ، ماه و خورشید در رؤیای یوسف ، همگی یک جا و دسته جمعی بر او سجده کردند . *

إني رأيت أحد عشر كوكبًا . . . رأيتهم لي سجدین

برداشت فوق ، احتمالی است که می توان آن را از تکرار فعل «رأیت» به دست آورد.

ص: 370

58- سجده داود (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 24 - 21

21 - به سجده افتادن داوود (ع) به درگاه خداوند پس از گمان خطا کردنش در داوری میان برادران متخاصم

و خَرَّ رَاكِعًا

مقصود از «خَرَّ رَاكِعًا» - مطابق نظر بیشتر مفسران - سجده است.

59- سجده در ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 43 - 10

10 - وجود سجده و رکوع (نماز) در ادیان گذشته

و اسجدی و ارکعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 100 - 12

12 - جواز سجده بر غیر خدا، به قصد احترام و تواضع و نه به منظور عبادت و پرستش در ادیان پیشین

و خَرَّوْا لَهُ سَجْدًا

منزّه بودن یعقوب و یوسف (ع) از شرک و پرستش غیر خدا و مبارزه آنان با چنین عقیده و مرامی - که آیات بسیاری گویای آن است - می رساند که سجده خاندان یوسف بر او به قصد عبادت و پرستش نبوده؛ بلکه مجرد احترام و تواضع بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 113 - 11

11 - اطاعت خداوند، تلاوت آیات الهی و سجده به درگاه او، از اصول رفتاری مشترک بین ادیان الهی

من اهل الکتب امه قائمه یتلون... و هم یسجدون

12 - سجده در برابر خدای رحمان ، مظهر یگانه پرستی و روح ادیان توحیدی است .

اسجدوا للرحمن قالوا و ما الرحمن . . . و زادهم نفورًا

قرار گرفتن فرمان سجده بر خدای رحمان در ردیف سلسله آیات مربوط به محکومیت شرک و اثبات توحید و یگانگی خداوند، می تواند مطلب یاد شده را برساند.

60- سجده در برابر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 29 - 47

47- قاطعیت با کافران و رأفت با مؤمنان و رکوع و سجود در برابر خداوند ، نمود های آشکار عمل صالح

أشداء على الكفار رحماء بينهم تريهم رگعًا سجّدًا .. وعد الله الذين ءامنوا و

61- سجده در برابر قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 107 - 13

13- خضوع و سجود آگاهان در برابر قرآن ، گواه بی نیازی آن از ایمان دیگران و بی تأثیری بی ایمانی آنان *

ءامنوا به أو لاتؤمنوا إن الذين أوتوا العلم من قبله إذا يتلى عليهم يخرون

برداشت فوق بر این اساس است که «إن» تعلیل باشد برای جمله «آمنوا به أو..»؛ یعنی، چون اهل دانش به قرآن ایمان می آورند، ایمان و عدم ایمان دیگران مساوی بوده و نیازی به ایمان آنان نیست.

62- سجده در دین ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 125 - 22

22- رکوع و سجده کردن به درگاه خدا (نماز) ، از برنامه های عبادی در آیین ابراهیم

و الركع السجود

63- سجده در عبادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 9 - 4

4- سجده و قیام ، دورکن عبادت

أَمَّنْ هُوَ قَنْتَ ءَانَاءَ الْيَلِّ سَاجِدًا وَقَائِمًا

اختصاص به ذکر یافتن سجده و قیام از میان دیگر اجزا و ارکان عبادت، برداشت بالا به دست می آید.

64- سجده در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 42 - 5,6

ص: 372

5 - « عن أبي الحسن (ع) في قوله عز وجل: «يوم يكشف عن ساق» قال: حجاب من نور يكشف، فيقع المؤمنون سجداً وتدمج أصلاب المنافقين فلا يستطيعون السجود؛

از امام رضا(ع) درباره سخن خدای عزوجل: «يوم يكشف عن ساق» روایت شده که فرمود: [در آن روز] پرده ای از نور برداشته می شود و مؤمنان به حالت سجده می افتند و استخوان های پشت منافقان سخت و بی انعطاف می گردد و قدرت سجده ندارند».

6 - « عن أبي عبدالله (ع) في قوله عز وجل: . . . «و يدعون إلى السجود فلا يستطيعون» قال: أفجم القوم و دخلتهم الهيبة و شخصت الأبصار، و بلغت القلوب الحناجر؛

از امام صادق(ع) روایت شده که درباره سخن خداوند عزوجل «و يدعون إلى السجود فلا يستطيعون» فرمود: مهر سکوت بر دهان آنان زده می شود، ترس تمام وجودشان را فرا می گیرد، چشمانشان خیره می گردد، جان ها به حنجره ها می رسد».

65- سجده در مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 26 - 14

14 - طواف، قیام، رکوع و سجود (نماز) از آداب زیارت مسجد الحرام

و طهر بيتي للطائفين و القائمين و الركع السجود

ظاهر این است که مراد از «القائمين و الركع السجود» نمازگزاران است؛ یعنی، «خانه مرا برای طواف کنندگان و نمازگزاران آماده کن».

66- سجده در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 43 - 11

11 - رکوع و سجود، از اجزای مهم نماز *

و اسجدی و ارکعی

بنابراینکه مراد از رکوع و سجود، نماز باشد؛ و تعبیر از نماز به رکوع و سجود، دلالت بر اهمیت این دو جزء دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 112 - 9

9- رکوع و سجود ، از ارکان مهم نماز

الرکعون السجدون

نوع مفسران بر آنند که مقصود از رکوع کنندگان و سجده کنندگان، نمازگزاران هستند؛ بنابراین ذکر رکوع و سجده از میان دیگر واجبات نماز می تواند به خاطر اهمیت ویژه این دو فریضه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 26 - 16

ص: 373

16 - قیام ، رکوع و سجود ، از ارکان نماز

و القائمین و الرکع السجود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 64 - 3

3 - سجده و قیام ، دو رکن اساسی نماز است .

و الذین یتیتون لربهم سجداً و قیماً

برداشت یاد شده، از اختصاص به ذکر یافتن سجده و قیام از میان دیگر ارکان و اجزای نماز، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 19 - 9

9 - سجده ، تجلی گاه عبودیت انسان و نمای برجسته نماز

عبداً إذا صلی . . . و اسجد

67- سجده درختان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 18 - 1

1 - سجده (خضوع و انقیاد) اهل آسمان و زمین و نیز خورشید ، ماه ، ستارگان ، کوه ها ، درختان و جنندگان برای خدا

ألم تر أنّ الله یسجد له من فی السموت و من فی الأرض . . . و الشجر و الدواب

«سجود» (مصدر «یسجد») به معنای اظهار خضوع و انقیاد است.

68- سجده زکریا (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 58 - 16

16- زکریا ، یحیی ، مریم (س) ، عیسی ، ابراهیم ، اسحق ، یعقوب ، موسی ، هارون ، اسماعیل ، و ادیس (ع) ، هنگام شنیدن آیات

الهی به سجده می افتادند و در حال سجود اشک می ریختند .

أولئك . . . إذا تتلى عليهم آيات الرحمن خرّوا سجّداً و بکياً

69- سجده سایه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 15 - 6

6- سایه های موجودات عالم ، به خدا سجده می برند و مطیع و فرمانبردار اویند .

ص: 374

و لله يسجد من فى السموت . . . و ظللهم
«ظلال» (جمع ظل) به معنای سایه هاست.

70- سجده سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 48 - 8

8- گردش سایه های اجسام، نشانگر سجده، انقیاد و تذلل آنها در برابر خداوند است.

أو لم یروا إلى ما خلق الله من شیء یتقیوا ظلله عن الیمین و الشمال سجداً لله و

71- سجده ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 18 - 1

1 - سجده (خضوع و انقیاد) اهل آسمان و زمین و نیز خورشید، ماه، ستارگان، کوه ها، درختان و جنبندگان برای خدا

ألم تر أن الله یسجد له من فى السموت و من فى الأرض . . . و الشجر و الدواب

«سجود» (مصدر «یسجد») به معنای اظهار خضوع و انقیاد است.

72- سجده ستارگان بر یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 4 - 4، 2، 1

1- یوسف (ع) در رؤیایی دید که یازده ستاره به همراه ماه و خورشید بر او سجده می کنند.

إنی رأیت أحد عشر کوكبًا و الشمس و القمر رأیتهم لی سجدین

2- یوسف (ع) در رؤیای خویش دریافت که سجده ماه، خورشید و ستارگان بر او، سجده ای از سر شعور و آگاهی است.

رأیتهم لی سجدین

ضمیر «هم» و نیز جمعهای مذکر سالم نظیر ساجدین، مخصوص دارندگان عقل و شعور است. به کارگیری آن ضمیر و آن گونه جمع در

بیان سجده ستارگان، ماه و خورشید می رساند که یوسف(ع) چنان می دید که آنها از سر عقل و شعور بر او سجده می کنند و در مقابل او خاضعند.

4- ستارگان ، ماه و خورشید در رؤیای یوسف ، همگی یک جا و دسته جمعی بر او سجده کردند . *

إني رأيت أحد عشر كوكبًا . . . رأيتهم لي سجدین

برداشت فوق ، احتمالی است که می توان آن را از تکرار فعل «رأیت» به دست آورد.

ص: 375

73- سجده ستارگان در رؤیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 4 - 4

4- ستارگان ، ماه و خورشید در رؤیای یوسف ، همگی یک جا و دسته جمعی بر او سجده کردند . *

ینی رأیت أحد عشر كوكبًا . . . رأيتهم لی سجدین

برداشت فوق ، احتمالی است که می توان آن را از تکرار فعل «رأیت» به دست آورد.

74- سجده صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 29 - 28، 25

25- آثار سجده و عبادت ، آشکار در چهره یاران پیامبر (صلی الله علیه و آله)

سیماهم فی وجوههم من أثر السجود

28- اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، اهل نماز و سجده های بسیار

و الذین معه . . . سیماهم فی وجوههم من أثر السجود

75- سجده علمای اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 107 - 12

12- با تمام وجود سر بر آستان خداوند ساییدن و حریصانه به سجده افتادن جمعی از علمای اهل کتاب به هنگام آشنایی با قرآن

إن الذین أوتوا العلم من قبله . . . یخرون للأذقان سجداً

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از «أوتوا العلم من قبله» اهل کتاب باشد و تعبیر از سجده به «خرّ» - که به معنای سقوط و به رو افتادن است - می تواند اشاره به حقیقت یاد شده داشته باشد.

76- سجده عیسی (ع)

16- زکریا، یحیی، مریم (س)، عیسی، ابراهیم، اسحق، یعقوب، موسی، هارون، اسماعیل، و ادريس (ع)، هنگام شنیدن آیات الهی به سجده می افتادند و در حال سجود اشک می ریختند .

أولئك . . . إذا تتلى عليهم آيات الرحمن خرّوا سجّداً و بکياً

77- سجده کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 18 - 1

1 - سجده (خضوع و انقیاد) اهل آسمان و زمین و نیز خورشید ، ماه ، ستارگان ، کوه ها ، درختان و جنبندگان برای خدا

ألم تر أنّ الله يسجد له من في السموت و من في الأرض . . . و الشجر و الدواب

«سجود» (مصدر «يسجد») به معنای اظهار خضوع و انقیاد است.

78- سجده مادر یوسف بر یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 100 - 7,9

7- برادران یوسف و خانواده های ایشان و نیز پدر و مادر او ، همگی بر او سجده بردند .

و رفع أبویه علی العرش و خرّوا له سجّداً

«خرو» (مصدر خرّوا) به معنای سقوط کردن و بر زمین افتادن است و «سجّداً» جمع ساجد می باشد. مراد از ضمیر در «خرّوا» همانند

«دخلوا علی یوسف» و «ادخلوا» در آیه قبل برادران یوسف و خانواده های ایشان و نیز پدر و مادر اوست.

9- سجده پدر و مادر و بستگان یوسف بر او ، تعبیر و تأویل رؤیای کودکی وی (سجده یازده ستاره و ماه و خورشید بر او) بود .

قال یأبت هذا تأویل رءیی من قبل قد جعلها ربی حقاً

تأویل رؤیا ؛ یعنی ، آن واقعیت خارجی که در خواب به نحوی جلوه گر شده و خواب گویای آن است.

79- سجده ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 18 - 1

1 - سجده (خضوع و انقیاد) اهل آسمان و زمین و نیز خورشید ، ماه ، ستارگان ، کوه ها ، درختان و جنبندگان برای خدا

ألم تر أنّ الله يسجد له من في السموت و من في الأرض . . . و الشجر و الدواب

«سجود» (مصدر «یسجد») به معنای اظهار خضوع و انقیاد است.

80- سجده ماه بر یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 4 - 4 - 1,2,4

1- یوسف (ع) در رؤیایی دید که یازده ستاره به همراه ماه و خورشید بر او سجده می کنند .

إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتَهُمْ لِي سَاجِدِينَ

2- یوسف (ع) در رؤیای خویش دریافت که سجده ماه ، خورشید و ستارگان بر او ، سجده ای از سر شعور و آگاهی است .

ص: 377

ضمیر «هم» و نیز جمعهای مذکر سالم نظیر ساجدین، مخصوص دارندگان عقل و شعور است. به کارگیری آن ضمیر و آن گونه جمع در بیان سجده ستارگان، ماه و خورشید می رساند که یوسف(ع) چنان می دید که آنها از سر عقل و شعور بر او سجده می کنند و در مقابل او خاضعند.

4- ستارگان ، ماه و خورشید در رؤیای یوسف ، همگی یک جا و دسته جمعی بر او سجده کردند . *

إني رأيت أحد عشر كوكبًا . . . رأيتهم لي سجدین

برداشت فوق ، احتمالی است که می توان آن را از تکرار فعل «رأيت» به دست آورد.

81- سجده ماه در رؤیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 4 - 4

4- ستارگان ، ماه و خورشید در رؤیای یوسف ، همگی یک جا و دسته جمعی بر او سجده کردند . *

إني رأيت أحد عشر كوكبًا . . . رأيتهم لي سجدین

برداشت فوق ، احتمالی است که می توان آن را از تکرار فعل «رأيت» به دست آورد.

82- سجده مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 112 - 2

2- توبه ، عبادت ، حمد ، تلاش در راه بندگی ، رکوع ، سجود ، امر به معروف و نهی از منکر و حفظ حدود الهی ، از صفات مجاهدان راه خدا

إن الله اشترى من المؤمنين . . . الثّيبون . . . والحفظون لحدود الله

83- سجده محمد(صلى الله عليه وآله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 40 - 4

4- پیامبر (صلی الله علیه و آله)، موظف به ادامه تسبیح پروردگار در پی هر سجده (نماز)

فَسَبِّحْهُ وَادْبِرْ السُّجُودَ

84- سجده مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 378

2 - آل عمران - 3 - 43 - 1

1 - مریم ، مأمور به اطاعت خاضعانه ، سجده و رکوع (نماز) ، در برابر پروردگارش

یا مریم اقتی لربک و اسجدی و ارکعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 58 - 16

16- زکریا ، یحیی ، مریم (س) ، عیسی ، ابراهیم ، اسحق ، یعقوب ، موسی ، هارون ، اسماعیل ، و ادیس (ع) ، هنگام شنیدن آیات الهی به سجده می افتادند و در حال سجود اشک می ریختند .

أولئک . . . إذا تتلی علیهم آیت الرحمن خرّوا سجّداً و بکیّاً

85- سجده مشمولان نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 58 - 19

19- گریه در حال سجده و خضوع در مقابل آیات الهی ، از آثار نعمت هدایت و برگزیدگی در پیشگاه خداوند است .

و ممّن هدینا و اجتبینا إذا تتلی علیهم آیت الرحمن خرّوا سجّداً و بکیّاً

86- سجده مقربان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 206 - 5

5 - مقربان درگاه خداوند همواره و خالصانه بر آستان او سجده می برند .

إن الذین عند ربک . . . له یسجدون

تقدیم «له» بر «یسجدون» دلالت بر حصر و حکایت از خلوص دارد.

87- سجده ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- فرشتگان همواره با تواضع در برابر خدا وی را عبادت می کنند و او را منزه می دانند و تنها بر درگاه او سجده می برند .

إن الذین عند ربک . . . و له یسجدون

بسیاری از مفسران بر آنند که مراد از «الذین عند ربک» فرشتگان هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 15 - 9

ص: 379

9- «عن أبي جعفر (ع) في قوله: «و لله يسجد من في السموات و الأرض طوعاً و كرهاً . . .» أما من يسجد من أهل السموات طوعاً فالملائكة . . . و من يسجد من أهل الأرض طوعاً فمن ولد في الإسلام . . . و أما من يسجد كرهاً فمن أجبر على الإسلام . . .»

از امام باقر(ع) درباره سخن خدا: «و لله يسجد من في السموات و الأرض طوعاً و كرهاً . . .» روایت شده: اما کسانی از اهل آسمانها که از روی رغبت سجده می کنند فرشتگان هستند . . . و اما کسانی که از اهل زمین با میل و رغبت سجده می کنند، آنانند که در اسلام (محیطو خانواده اسلامی) متولد شده اند . . . و اما آنان که از روی اجبار سجده می کنند، کسانی اند که به پذیرش اسلام مجبور شده اند . . .»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 49 - 4

4- تمامی موجودات جنبنده و فرشتگان ، تنها در برابر خداوند سجده می کنند .

و لله يسجد ما في السموات و ما في الأرض من دابة و الملائكة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 116 - 3

3- تمامی فرشتگان ، فرمان سجده برای آدم را گردن نهادند و بی درنگ در برابر او به سجده افتادند .

فسجدوا

حرف «فا» بر نبودن فاصله بین فرمان سجده و انجام آن دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 72 - 8

8- دمیده شدن روح الهی در انسان ، موجب شایستگی وی برای مسجود فرشتگان بودن

خلق بشراً من طين . فإذا سوّيته و نفخت فيه من روحي فقعوا له سجدین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که فرمان خداوند به سجده بر آدم(ع)، پس از دمیده شدن روح الهی در او صادر گردید و این می رساند که آنچه موجب شایستگی آدم برای سجده شد، روح الهی وی بود؛ نه جسم و کالبدش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 73 - 1,3

1 - با صدور فرمان خداوند به فرشتگان برای سجده بر آدم (ع)، بی درنگ همه آنها، در برابر او به سجده درافتادند.

فقعوا له سجدین . فسجد الملائکه کلّهم

3 - تجلی بزرگداشت انسان، در سجده فرشتگان بر آدم (ع)

فسجد الملائکه کلّهم أجمعون

88- سجده ملائکه بر آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 380

1 - خداوند پس از تعلیم حقایق هستی به آدم (ع) و اثبات لیاقت وی برای خلافت، از فرشتگان خواست تا بر او سجده کنند.

وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا... وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ

2 - همه فرشتگان پس از فرمان خدا، بر آدم (ع) سجده کردند.

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا

6 - هدف از طرح خلافت آدم (ع) برای فرشتگان و اثبات فضیلت و برتری او، ایجاد رغبت در فرشتگان برای اجرای فرمان الهی (سجده بر آدم (ع)) بود.

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً... وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ

16 - داستان سجده فرشتگان بر آدم (ع) و امتناع ابلیس از آن کار، داستانی آموزنده و شایسته و بایسته همیشه به خاطر داشتن

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ... وَكَانَ مِنَ الْكٰفِرِينَ

«اذ» مفعول برای «اذکر» (فراگیر و همواره به خاطر داشته باش) است.

20 - «عن علی بن الحسین (ع) فی قوله: «اسجدوا لآدم فسجدوا»... إنها كانت عصابة من الملائكة وهم الذين كانوا حول العرش... وهم الذين أمروا بالسجود...»

از امام سجاده (ع) درباره سخن خداوند «اسجدوا لآدم فسجدوا» روایت شده که فرمود: آنان (مأموران به سجده) گروهی از ملائکه بودند که در اطراف عرش الهی بودند... و همانها بودند که مأمور به سجده شدند...».

21 - أمير المؤمنين (ع) فرموده اند: «أول بقعه عبدالله على ظهر الكوفة لما أمر الله أن يسجدوا لآدم، سجدوا على ظهر الكوفة»

اولین مکان مقدسی که در آن عبادت خداوند واقع شد سرزمین کوفه بود، آن هنگام که خداوند ملائکه را مأمور سجده بر آدم کرد آنها بر آدم (ع) در سرزمین کوفه سجده کردند».

22 - پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرموده اند: «... ان الله تبارک و تعالی خلق آدم فأودعنا صلبه، وأمر الملائكة بالسجود له تعظيماً لنا و اکراماً، و كان سجودهم لله عز و جل عبودية و لآدم اکراماً و طاعة لكوننا في صلبه...»

خداوند تبارک و تعالی آدم را آفرید پس ما را در صلب او قرار داد و امر نمود به ملائکه که به خاطر بزرگداشت و کرامت ما به آدم سجده کنند و سجود ملائکه عبادت بود برای خداوند و احترام و اطاعت بود نسبت به آدم (ع); زیرا، ما در صلب او بودیم...».

2- سکونت آدم (ع) و همسرش در بهشت پس از سجده فرشتگان بر آدم (ع) بوده است .

و إذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم . . . و قلنا يآدم اسكن أنت و زوجك الجنة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 29 - 11

11- دستور خداوند به فرشتگان برای سجده بر آدم (ع) پس از آفرینش او

و إذ قال ربك للملائكة . . . فإذا سويته و نفخت فيه من روحي فقعوا له سجدین

ص: 381

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 30 - 1, 2

1- در پی فرمان خداوند به فرشتگان برای سجده بر آدم (ع) ، همه آنان بی استثنا در برابر او به سجده افتادند .

فقعوا له سجدين . فسجد الملائكة كلهم أجمعون

2- فرشتگان در برابر فرمان الهی سجده بر آدم (ع) ، بی چون و چرا آن را اجرا کردند .

فقعوا له سجدين . فسجد الملائكة كلهم أجمعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 61 - 1, 2, 3, 14

1- ماجرای سجده ملائکه در برابر آدم و نافرمانی ابلیس ، شایسته یاد و یادآوری است

و إذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم فسجدوا إلا إبليس

برداشت فوق ، مبتنی بر این نکته است که «إذ» متعلق به «اذکر» و یا «اذکروا» مقدر باشد .

2- فرمان خداوند به سجده همه فرشتگان بر آدم (ع)

قلنا للملائكة اسجدوا لآدم

3- همه فرشتگان جز ابلیس ، از امر الهی به سجده بر آدم (ع) اطاعت کردند .

قلنا للملائكة اسجدوا لآدم فسجدوا إلا إبليس

14- همه فرشتگان به جز ابلیس ، به فرمان الهی در برابر آدم (ع) خضوع کرده و او را مورد تکریم خویش قرار دادند .

و إذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم فسجدوا إلا إبليس

برداشت فوق ، با توجه به ریشه لغوی «سجده» است که به معنای «خضوع» و «تذلل» می باشد .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 50 - 1, 7

1- سرگذشت سجده ملائکه در برابر آدم و تمرد ابلیس ، عبرت آموز و شایان توجه است .

وإذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم

«إذ» ظرف برای فعل مقدر مانند «أذكر» است؛ یعنی: «یاد کن زمانی را که . . .». فرمان خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و یا آحاد مردم در مورد یاد کردن داستان سجده برای آدم، گویای سازنده بودن این یادآوری و عبرت آموزی آن است.

7- همه فرشتگان، بی چون و چرا و بی درنگ، از فرمان الهی به سجده در برابر آدم، اطاعت کردند.

وإذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم فسجدوا

حرف فاء در «فسجدوا» بر تعقیب بدون مهلت دلالت دارد؛ یعنی، فرمان سجده به دون تأخیر انجام پذیرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 11 - 12، 7، 4

4 - خداوند پس از خلقت آدم (ع)، از فرشتگان خواست تا بر او سجده کنند.

ثم قلنا للملائكة اسجدوا لآدم

7 - همه فرشتگان پس از فرمان خدا، بر آدم (ع) سجده کردند.

قلنا للملائكة اسجدوا لآدم فسجدوا

12 - سجده فرشتگان بر آدم (ع) به منزله سجده آنان بر همه انسانها نبود.

ص: 382

و لقد خلقنکم . . . ثم قلنا للملائکه اسجدوا لآدم

سیر طبیعی آیه اقتضا می کرد که پس از «ثم صورناکم» گفته شود «ثم أمرنا الملائکه بالسجود لکم» این تغییر سیاق یعنی تبدیل عام (کم) به خاص (آدم) می تواند اشاره به این داشته باشد که آفرینش مبدأ انسانها به منزله آفرینش همگان بود ولی سجده ملائکه به منشأ و مبدأ انسانها سجده به همگان نبوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 116 - 1

1 - داستان سجده فرشتگان بر آدم و امتناع ابلیس ، سرگذشتی درخور توجه و درس آموزی

و إذ قلنا للملائکه اسجدوا

«إذ» مفعول فعل محذوف است و به قرینه آیات مشابه، آن فعل «اذکر» (فراگیر و به خاطر داشته باش) می باشد.

89- سجده ملائکه بر انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 29 - 12

12- دمیده شدن روحی الهی در انسان ، موجب شایستگی او برای مسجود فرشتگان شدن

و نفخت فیہ من روحی فقعو له سجدين

دستور خداوند به سجده ملائکه در برابر آدم(ع)، پس از خلقت کامل با دمیده شدن روح در او، می تواند حاکی از نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 50 - 6

6- انسان ها دارای زمینه های دستیابی به منزلتی فراتر از فرشتگان و شایستگی برای سجده ملائکه بر ایشان هستند .

و إذ قلنا للملائکه اسجدوا لآدم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 11 - 13

لقد مكنكم فى الأرض .. . ولقد خلقنكم ... ثم قلنا للملائكة اسجدوا لآدم

آیه قبل دلالت می کند که مطالب عنوان شده در آیه مورد بحث - که از جمله آنها سجده فرشتگان بر آدم(ع) است - از نعمتهای الهی برای همه انسانهاست. در حالی که نه سجده بر آدم به منزله سجده بر همگان است و نه سجده بر او نعمت برای دیگران، بنابراین، می توان گفت جمله «قلنا للملائكة ...» پس از «خلقناکم» اشاره به این دارد که خداوند در همه انسانها این زمینه را ایجاد کرده است که بتوانند مسجود ملائکه بشوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 15 - 9، 2، 3، 1

1- همه کسانی که در آسمان ها و زمینند در برابر خداوند خاضعند و بر او سجده می کنند .

و لله يسجد من في السموت و الأرض

2- گروهی از موجودات از سر طاعت و به دلخواه بر خدا سجده می کنند و گروهی ناخواسته و برخلاف تمایل خویش .

و لله يسجد من في السموت و الأرض طوعاً و کرهاً

«طوع» و «کره» مصدرند و در آیه شریفه به معنای اسم فاعل (طائعين) و (کارهين) می باشد. «طائع» به کسی یا چیزی گفته می شود که کاری را از روی تمایل انجام دهد و «کاره» به کسی و یا چیزی می گویند که عملی را بدون تمایل و از روی کراهت به ثمر رساند.

3- موجودات آسمان ها و زمین برای غیر خدا خاضع نبوده و به غیر او سجده نمی کنند .

و لله يسجد من في السموت و الأرض

تقديم «لله» بر «يسجد» حاکی از حصر است. بنابراین «لله يسجد...»؛ یعنی ، برای خداوند سجده می کنند و به غیر او سجده نمی برند.

9- «عن أبي جعفر (ع) في قوله: «و لله يسجد من في السموات و الأرض طوعاً و کرهاً...» أما من يسجد من أهل السموات طوعاً فالملائكة... و من يسجد من أهل الأرض طوعاً فمن ولد في الإسلام... و أما من يسجد کرهاً فمن أجبر على الإسلام...»؛

از امام باقر(ع) درباره سخن خدا: «و لله يسجد من في السموات و الأرض طوعاً و کرهاً...» روایت شده: اما کسانی از اهل آسمانها که از روی رغبت سجده می کنند فرشتگان هستند... و اما کسانی که از اهل زمین با میل و رغبت سجده می کنند، آنانند که در اسلام (محیطوخوانواده اسلامی) متولد شده اند... و اما آنان که از روی اجبار سجده می کنند، کسانی اند که به پذیرش اسلام مجبور شده اند...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 48 - 11

11- همه پدیده های مادی با خضوع تمام ، خداوند را سجده می کنند .

أولم يروا... من شيء... سجّداً لله و هم دخرون

«داخر» در لغت به معنای ذلیل است و جمله «و هم داخرون» حال برای «ظلال» می باشد.

1 - سجده (خضوع و انقیاد) اهل آسمان و زمین و نیز خورشید ، ماه ، ستارگان ، کوه ها ، درختان و جنبندگان برای خدا

ألم تر أنّ الله يسجد له من فى السموت و من فى الأرض . . . و الشجر و الدواب

«سجود» (مصدر «يسجد») به معنای اظهار خضوع و انقیاد است.

91- سجده موجودات آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - 9 - 13 - 15 - 9

9- «عن أبي جعفر (ع) في قوله: «ولله يسجد من في السموات والأرض طوعاً وكرهاً...» أما من يسجد من أهل السموات طوعاً فالملائكة... و من يسجد من أهل الأرض طوعاً فمن ولد في الإسلام... و أما من يسجد كرهاً فمن أجبر على الإسلام...»

از امام باقر(ع) درباره سخن خدا: «ولله يسجد من في السموات والأرض طوعاً وكرهاً...» روایت شده: اما کسانی از اهل آسمانها که از روی رغبت سجده می کنند فرشتگان هستند... و اما کسانی که از اهل زمین با میل و رغبت سجده می کنند، آنانند که در اسلام (محیطو خانواده اسلامی) متولد شده اند... و اما آنان که از روی اجبار سجده می کنند، کسانی اند که به پذیرش اسلام مجبور شده اند...»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 18 - 1

1 - سجده (خضوع و انقیاد) اهل آسمان و زمین و نیز خورشید، ماه، ستارگان، کوه ها، درختان و جنبندگان برای خدا

ألم تر أن الله يسجد له من في السموات و من في الأرض... و الشجر و الدواب

«سجود» (مصدر «يسجد») به معنای اظهار خضوع و انقیاد است.

92- سجده موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 58 - 16

16- زکریا، یحیی، مریم (س)، عیسی، ابراهیم، اسحق، یعقوب، موسی، هارون، اسماعیل، و ادريس (ع)، هنگام شنیدن آیات الهی به سجده می افتادند و در حال سجود اشک می ریختند.

أولئك... إذا تتلى عليهم آيات الرحمن خرّوا سجّداً و بكيّاً

93- سجده مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 112 - 8

8- پایداری بر رکوع و سجده و امر به معروف و نهی از منکر، از ویژگی های مؤمنان راستین

الركعون السجودن الأمرون بالمعروف و الناهون عن المنكر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 9 - 2

2- عبادت شبانه با سجده و قیام، دغدغه خاطر داشتن از روز قیامت و امید به رحمت الهی، از اوصاف و نشانه های مؤمنان راستین

ص: 385

أَمَّنْ هُوَ قَنْتَ ءَانَءَ الْإِيلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذِرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ

آیه شریفه به قرینه مقابله با آیه قبل - که درباره انسان های کافر بود - درصدد بیان اوصاف و نشانه های مؤمنان راستین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 29 - 14

14- روحیه نیایش و حالت رکوع و سجود ، متجلی و مشهود در زندگی مؤمنان واقعی

تریهم رَكْعًا سَجْدًا

94- سجده مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 58 - 15، 19

15- پیامبران و هدایت یافتگان برگزیده ، به هنگام شنیدن آیات الهی به سجده می افتند و می گریند .

من النبیین . . . و مَمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ ءَايَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَ

19- گریه در حال سجده و خضوع در مقابل آیات الهی ، از آثار نعمت هدایت و برگزیدگی در پیشگاه خداوند است .

و مَمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ ءَايَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا

95- سجده نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 43 - 5

5- سجده و خضوع ، رکن اصلی و روح نماز است .

يَدْعُونَ إِلَى السُّجُودِ

از این که به جای نماز ، سجود و خضوع مطرح شده است ، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

96- سجده هارون (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16- زکریا، یحیی، مریم (س)، عیسی، ابراهیم، اسحق، یعقوب، موسی، هارون، اسماعیل، و ادريس (ع)، هنگام شنیدن آیات الهی به سجده می افتادند و در حال سجود اشک می ریختند .

أولئك . . . إذا تتلى عليهم آيات الرحمن خرّوا سجّداً و بکياً

ص: 386

97- سجده هنگام استماع آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 58 - 18

18- خضوع و خشوع و سجده و گریه به هنگام استماع آیات الهی ، نشانه برخورداری از نعمت ویژه خداوند است .

أولئك الذين أنعم الله عليهم .. إذا تتلى عليهم آيات الرحمن خرّوا سجّداً وب

«إذا تتلى» خبر اول و یا خبر بعد از خبر برای «أولئك» است؛ یعنی آنان این چنین هستند که هنگام استماع آیات به سجده افتاده و گریه می کنند.

98- سجده هنگام استماع قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 21 - 7

7 - سجود و به خاک افتادن هنگام شنیدن آیات قرآن ، رفتاری شایسته و مطلوب است . *

و إذا قرء عليهم القرآن لا يسجدون

کلمه «سجود» در برداشت یاد شده، به معنای اصطلاحی آن گرفته شده است. این آیه هر چند از آیاتی نیست که سجده واجب دارند؛ ولی مفاد آن مندوب بودن سجده به هنگام شنیدن هر یک از آیات قرآن و یا خصوص آیاتی است که در آن فرمان سجود آمده است.

99- سجده یحیی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 58 - 16

16- زکریا ، یحیی ، مریم (س) ، عیسی ، ابراهیم ، اسحق ، یعقوب ، موسی ، هارون ، اسماعیل ، و ادريس (ع) ، هنگام شنیدن آیات الهی به سجده می افتادند و در حال سجود اشک می ریختند .

أولئك .. إذا تتلى عليهم آيات الرحمن خرّوا سجّداً و بکياً

100- سجده یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16- زکریا، یحیی، مریم (س)، عیسی، ابراهیم، اسحق، یعقوب، موسی، هارون، اسماعیل، و ادريس (ع)، هنگام شنیدن آیات الهی به سجده می افتادند و در حال سجود اشک می ریختند .

أولئك . . . إذا تتلى عليهم آيات الرحمن خرّوا سجّداً و بکياً

ص: 387

101- سجده یعقوب (ع) بر یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 100 - 7,9

7- برادران یوسف و خانواده های ایشان و نیز پدر و مادر او، همگی بر او سجده بردند.

و رفع أبویه علی العرش و خرّوا له سجّداً

«خرور» (مصدر خرّوا) به معنای سقوط کردن و بر زمین افتادن است و «سجّداً» جمع ساجد می باشد. مراد از ضمیر در «خرّوا» همانند «دخلوا علی یوسف» و «ادخلوا» در آیه قبل برادران یوسف و خانواده های ایشان و نیز پدر و مادر اوست.

9- سجده پدر و مادر و بستگان یوسف بر او، تعبیر و تأویل رؤیای کودکی وی (سجده یازده ستاره و ماه و خورشید بر او) بود.

قال یأبت هذا تأویل رعی من قبل قد جعلها ربی حقاً

تأویل رؤیا؛ یعنی، آن واقعیت خارجی که در خواب به نحوی جلوه گر شده و خواب گویای آن است.

102- عوامل ترک سجده ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 33 - 6

6- تکبر ناشی از احساس برتری نژادی، عامل اصلی تمرد ابلیس از سجده بر آدم (ع)

قال لم أكن لأسجد لبشر خلقته من صلصل من حمأ مسنون

103- عوامل سجده بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 98 - 9

9- ربوبیت خداوند، شایسته تسبیح، حمد، سجده و فروتنی انسان به پیشگاه او

فسبّح بحمد ربّك و كن من السّجّدين

104- فضیلت سجده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 58 - 20

20- سجده و گریه در حال سجود، حالتی مطلوب و دارای فضیلت است.

إذا تتلى عليهم .. خروا سجداً و بكيًا

«بكيًا» جمع است و مانند «سجداً» حال مقدره است؛ یعنی افراد یاد شده با شنیدن آیات الهی، خود را برای سجود و گریه به زمین می افکنند.

ص: 388

105- فضیلت طول سجده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 20 - 47

47 - « عن بُرید العجلی قال : قلت لأبی جعفر (ع) أيهما أفضل فی الصلاه كثرة القراءه أو طول اللبث فی الركوع و السجود ؟ قال : فقال : كثرة اللبث فی الركوع و السجود فی الصلاه أفضل أما تسمع لقول الله تعالى : « فاقراءوا ما تيسر منه و أقيموا الصلاه » إنما عنى بإقامه الصلاه طول اللبث فی الركوع و السجود . . . » ;

بُرید عجلی گوید: به امام باقر(ع) گفتم: آیا کثرت قرائت (قرآن) در نماز برتر است یا کثرت درنگ در رکوع و سجود؟ فرمود: طولانی کردن رکوع و سجود در نماز، برتر است. آیا سخن خدای تعالی را نشینده ای که می فرماید: «فاقرءوا ما تیسر منه و أقیموا الصلاه»؟ همانا خدا از اقامه نماز، طولانی کردن رکوع و سجود آن را قصد کرده است».

106- فضیلت گریه در سجده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 58 - 20

20- سجده و گریه در حال سجود ، حالتی مطلوب و دارای فضیلت است .

إذا تتلى عليهم . . . خرّوا سجّداً و بکياً

«بکیاً» جمع است و مانند «سجّداً» حال مقدّمه است؛ یعنی افراد یاد شده با شنیدن آیات الهی، خود را برای سجود و گریه به زمین می افکنند.

107- فلسفه سجده برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 100 - 32

32- « از امام هادی (ع) درباره سخن خداوند « وخرّوا سجّداً » سؤال شد آن حضرت پاسخ دادند : « أما سجود یعقوب و ولده لیوسف فإنه لم یکن لیوسف وإنما کان ذلک من یعقوب و ولده طاعه لله و تحیه لیوسف ;

سجده یعقوب و پسرانش برای یوسف نبود ؛ بلکه این سجده ها برای اطاعت از خدا و احترام به یوسف بود».

108- فلسفه سجده یعقوب(ع)

32- « از امام هادی (ع) درباره سخن خداوند « وخرّوا سجّداً » سؤال شد آن حضرت پاسخ دادند: « أما سجود یعقوب و ولده لیوسف فإنه لم یکن لیوسف وإنما کان ذلک من یعقوب و ولده طاعه لله و تحیه لیوسف ;

ص: 389

سجده یعقوب و پسرانش برای یوسف نبود؛ بلکه این سجده ها برای اطاعت از خدا و احترام به یوسف بود.

109- کیفیت سجده ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 73 - 2

2- هم زمان و دسته جمعی بودن سجده ملائکه در برابر آدم (ع)

فسجد الملائکه کلهم أجمعون

مقصود از «أجمعون» - به خاطر آمدن «کلهم» - دفعی و دسته جمعی بودن عمل سجده است؛ یعنی، «کلهم» ناظر به سجده همگانی و بدون استثنای فرشتگان و «أجمعون» اشاره به دسته جمعی و دفعی بودن آن سجده است.

110- گریه در سجده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 58 - 19

19- گریه در حال سجده و خضوع در مقابل آیات الهی، از آثار نعمت هدایت و برگزیدگی در پیشگاه خداوند است.

و ممّن هدینا واجتیبنا إذا تتلی علیهم آیت الرحمن خرّوا سجّداً و بکیّاً

111- مدت سجده ملائکه بر آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 30 - 4

4- «عن الصادق (ع) . . . قال . . . فأول من بادر بالسجود جبرائیل و میکائیل ثمّ عزرائیل ثمّ إسرائیل ثمّ الملائکه المقربون و کان السجود لأدم یوم الجمعة عند الزوال فبقیت الملائکه فی سجودها إلى العصر . . .»

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: . . . اولین کسانی که در سجده پیشی گرفتند، جبرئیل و میکائیل بودند؛ سپس عزرائیل و بعد اسرافیل؛ سپس فرشتگان مقرب الهی و سجده برای آدم روز جمعه هنگام ظهر بود، پس ملائکه تا عصر در حال سجده بودند.

112- معرضان از سجده بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - طغیان گران ، از سجده برای خداوند ، پرهیز داشته و دیگران را از آن نهی می کنند .

لیطغی . . . ینهی . عبداً إذا صلّی . . . و اسجد

ص: 390

113- مکان سجده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 114 - 25

25 - از علی (ع) روایت شده که: «انه اراد جميع الارض لقول النبي (صلى الله عليه وآله) جعلت لى الارض مسجداً...»;

مراد از مساجد الله در آیه فوق، تمامی زمین است؛ به خاطر سخن پیامبر که فرمود: زمین برای من جایگاه سجده قرار داده شد...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 125 - 18

18 - خانه خدا جایگاه طواف، اعتکاف، عبادت، رکوع و سجود (نماز) است.

أن طهرا بيتى للطائفين و العكفين و الركع السجود

عكوف مصدر (عاکفین) به معنای ماندن و اقامت کردن در مکانی است و مراد از آن در آیه شریفه - به قرینه طواف، رکوع و سجود - یا مطلق عبادت و پرستش خداست و یا مقصود از آن، اعتکاف - که عبادتی خاص با شرایطی ویژه از قبیل روزه گرفتن و... است - می باشد.

114- موانع سجده بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 25 - 1

1 - انحراف آفرینی و اغواگری شیطان، به منظور بازداشتن انسان ها از سجده به درگاه خدای یگانه

و زین لهم الشیطن... ألایسجدوا لله

«ألایسجدوا» می تواند به تأویل مصدر و عطف بیان یا بدل برای «أعمالهم» در آیه پیش باشد. و هم چنین می تواند به تقدیر لام تعلیل و مفعول له برای «زین» باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال دوم است؛ یعنی، «زین لهم الشیطان ضلالتهم لئلایسجدوا لله؛ شیطان گمراهی و انحراف را در دیدگاه آنان زیبا جلوه داد، بدان منظور که آنان برای خدا سجده نکنند».

115- ناهیان از سجده بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - طغیان گران، از سجده برای خداوند، پرهیز داشته و دیگران را از آن نهی می کنند .

لیطغی . . . ینهی . عبداً إذا صلّی . . . و اسجد

ص: 391

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 70 - 15

15 - پیشانی بر خاک نهادن ، از دیرباز نشانه خضوع و فروتنی در برابر خداوند و جلوه بارز بندگی او بوده است .

فَأَلْقَى السَّحْرَ سَجْدًا

ص: 392

1- آثار استغفار در سحرگاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 18 - 4

4 - استغفار در سحرگاهان ، از عوامل رهایی به بهشت

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ... وِ بِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ

2- ارزش سحرگاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 34 - 5

5 - سحرگاهان ، لحظاتی مبارک ، برای صالحان *

نَجِّنْهُمْ بِسِحْرِ

تصريح به «سحر» و تعیین زمان نجات خاندان لوط، ممکن است بیانگر مطلب یاد شده باشد.

3- استغفار در سحرگاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 18 - 6، 2، 1

1 - طلب آمرزش از خداوند در سحرگاهان ، شیوه محسنان تقوایی

كانوا قليلاً من الليل ما يهجعون . وِ بِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ

2 - سحرگاهان ، بهترین و مناسب ترین زمان برای راز و نیاز با خداوند و طلب آمرزش از او

وِ بِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ

6 - « قال أبو عبد الله (ع) كانوا يستغفرون الله في الوتر سبعين مرّة في السحر ;

امام صادق (ع) درباره «وِ بِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» فرمودند: آنان در نماز وتر به هنگام سحر، هفتاد بار استغفار می کنند.

4- اهمیت سحرگاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 33 - 2

2 - پدیده سحر، از پدیده های عظیم و بااهمیت برای زندگی بشر

و الیل إذ ادبر

5- تسبیح در سحرگاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 49 - 1,3

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله)، موظف به تسبیح پروردگار، در بخشی از شب (سحرگاهان)

و من الیل فسبحه

«من» در «من الیل» تبعیضیه است؛ یعنی، بخشی از شب (سحرگاهان).

3 - تسبیح و حمد پروردگار، در تکاپوی روزانه و آرامش شب و سحرگاهان، شکیبایی آفرین برای مؤمنان *

و اصبر... و سبح بحمد ربک حین تقوم. و من الیل فسبحه و ادبر النجوم

برداشت یاد شده با توجه به نکات زیر است: 1- «حین تقوم» اشاره به تلاش های روزانه «و من الیل...» نظر به لحظه های آرام شب داشته باشد. 2- آیه شریفه را با «واصبر...» - که در آیه قبل آمده - ملاحظه کنیم.

6- حمد در سحرگاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 49 - 3

3 - تسبیح و حمد پروردگار، در تکاپوی روزانه و آرامش شب و سحرگاهان، شکیبایی آفرین برای مؤمنان *

و اصبر... و سبح بحمد ربک حین تقوم. و من الیل فسبحه و ادبر النجوم

برداشت یاد شده با توجه به نکات زیر است: 1- «حین تقوم» اشاره به تلاش های روزانه «و من الیل...» نظر به لحظه های آرام شب داشته باشد. 2- آیه شریفه را با «واصبر...» - که در آیه قبل آمده - ملاحظه کنیم.

7- سوگند به سحرگاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 33 - 1

1 - سوگند خداوند به سحرگاهان

وَاللَّيْلِ إِذَا دُبِرَ

«إدبار» (مصدر «أدبر») به معنای پشت کردن است و مقصود در این آیه، پایان یافتن شب و آغاز سحر است.

ص: 394

8- عظمت سحرگاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 33 - 2

2 - پدیده سحر ، از پدیده های عظیم و بااهمیت برای زندگی بشر

و الیل إذ ادبر

9- نجات در سحرگاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 34 - 4

4 - نجات یافتن خاندان لوط ، از سرنوشت هلاکت بار قومشان به هنگام سحر

نَجِّينَهُمْ بِسَحْرِ

ص: 395

1- آثار سخاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 15 - 10

10 - غنا و ثروت همراه با جود و بخشش ، شایسته ستایش و مدح است .

والله هو الغني الحميد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 5 - 4

4 - انفاق ، پرهیز از ثروت اندوزی ، تزکیه خواهی ، سخاوت مندی و اخلاص ، از نشانه های تقوایبشگی است .

أعطى و اتقى

فعل «اتقى» در مقابل فعل «استغنى» (در آیات بعد)، قرار گرفته و نقطه مقابل استغنا (ثروت اندوزی) را «تقوا» نامیده است. از طرف دیگر عطف «اتقى» بر «أعطى» - که با عطف تفسیری یا سبب بر مسبب و یا عکس آن سازگار است - انفاق را نشانه تقوا قرار داده است. آیات آخر سوره - که از عنوان «من أعطى و اتقى» با نامی دیگر (الأتقى . الذی یؤتی ماله یتزکی ...) یاد کرده - مصادیق دیگر تقوا را بر شمرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 6 - 3

3 - سخاوت مندی ، انفاق و تقوایبشگی ، نشانه پذیرش وعده های خداوند و باور داشتن پاداش های الهی است .

فأما من أعطى و اتقى . و صدق بالحسنى

عطف این آیه بر آیه قبل، عطف سبب بر مسبب و یا عکس آن است و در هر صورت، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 7 - 6

6 - سخاوت مندی ، انفاق ، تقوایبشگی و تصدیق وعده های الهی ، زمینه ساز امداد های ویژه خداوند و مایه نشاط انسان در انجام دادن

تكاليف ديني است .

فأما من أعطى . . . فسنيّره لليسرى

ص: 396

2- آثار سخاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 15 - 9

9 - خداوند ، دارای جود و بخشش ستایش آفرین

والله هو الغنى الحميد

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که فرد غنی آن گاه ستایش می شود که جود و بخشش داشته باشد؛ و گرنه شایسته ستایش نخواهد بود و خداوند این چنین است.

3- آثار وسعت سخاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 15 - 7

7 - جود و فیض گسترده خداوند ، مایه آمرزش گناه مؤمنان و دوست داشتن آنان است .

هو الغفور الودود .. المجید

4- تداوم سخاوت متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 18 - 3

3 - سخاوت مندی و انفاق گری مداوم ، از ویژگی های با تقواترین افراد است .

الأتقى . الذی یؤتی ماله یتزکى

تداوم، از مضارع بودن فعل «یؤتی» استفاده شده است.

5- توصیه به سخاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 5 - 2

2- سخاوت مندی ، انفاق و تقوایشگی ، توصیه خداوند به تمام مردم

فأما من أعطى واتقى

ذکر پاداش نیک برای این گروه (در آیات بعد)، ترغیب مردم به اعطای مال و تقوا است.

6- سخاوت ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 397

8 - سخاوت و میهمان نوازی ابراهیم (ع) و همسرش

فراغ إلى أهله فجاء بعجل سمين

7- سخاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 15 - 5

5 - خداوند ، دارای مقامی رفیع ، کرداری شریف ، جود و بخششی گسترده است .

المجید

«مجید»؛ یعنی، «رفیع»، و «کریم» و «دارای کارهای شرافتمندانه» (قاموس) توصیف خداوند به آن به خاطر گسترده بودن فیض و فراوان بودن بخشش او است. (مفردات)

8- سخاوت ساره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 26 - 8

8 - سخاوت و میهمان نوازی ابراهیم (ع) و همسرش

فراغ إلى أهله فجاء بعجل سمين

9- سخاوت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 77 - 7

7- «عن أبي جعفر (ع) : . . . و كان لوط ابن خاله ابراهيم و كانت امرأه ابراهيم ساره أخت لوط و كان لوط و ابراهيم نبيين مرسلين منذرين و كان لوط رجلاً سخياً كريماً يقرى الضيف إذا نزل به و يحذرهم قومه . . .»

از امام باقر(ع) روایت شده است: . . . لوط پسر خاله ابراهیم و ساره همسر ابراهیم خواهر لوط بود. لوط و ابراهیم هر دو پیغمبر مرسل و اندازکننده بودند و لوط مردی سخاوتمند و کریم بود و از میهمانی که بر او وارد می شد پذیرایی می کرد و میهمانان را از قوم خود برحذر

می داشت».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 70 - 8

8- «قال أبو جعفر (ع) : . . . و كان لوط رجلاً سخياً كريماً يقرى الضيف إذا نزل به و يحذرهم قومه ، قال : فلما رأى قوم لوط ذلك منه قالوا له : إنا ننهاك عن العالمين لا تقرى ضيفاً ينزل بك ، إن فعلت فضحنا ضيفك الذي ينزل بك و أخزيناك . . . ;

امام باقر(ع) فرمود:.. لوط(ع) مردی سخاوتمند و بزرگوار بود از مهمانانی که بر او وارد می شدند، پذیرایی می کرد و آنان را از

ص: 398

قوم خود بر حذر می داشت. [امام باقر(ع)] فرمود: هنگامی که قوم لوط این میهمان پذیری را دیدند، به آن حضرت گفتند: ما تو را از پذیرش هر مهمانی بر حذر داشتیم و گفتیم: هیچ یک از میهمانانی را که بر تو وارد می شوند، نپذیر که اگر پذیرفتی، مهمانانت را مفتضح و تو را خوار خواهیم کرد...».

10- سخاوت محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 4 - 9

9 - « عن أبي عبد الله (ع) : . . . كان فيما خاطب الله تعالى به نبيه (صلى الله عليه وآله) أن قال له : يا محمد « إنك لعلی خلق عظیم » . قال : السخاء و حسن الخلق ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: . . . از جمله مطالب موجود که در ضمن خطابات خدای تعالی با پیامبر خود، این است که به آن حضرت فرمود: ای محمد (آنک لعلی خلق عظیم) امام فرمود: [خلق عظیم] سخاوتمندی و خوش خلقی است».

11- سخاوت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 88 - 18، 11

11- یوسف (ع) دارای اختیاراتی ویژه در دخل و تصرف بیت المال و بذل و بخشش آذوقه های ذخیره شده

و جئنا ببضعه مزجیه فأوف لنا الكیل و تصدق علينا

18- عزیز مصر (یوسف) در دیده فرزندان یعقوب حاکمی خدانشناس ، خیرخواه و اهل جود و کرم بود .

فأوف لنا الكیل و تصدق علينا إن الله یجزی المتصدقین

سخاوتمندان

12- {سخاوتمندان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 5 - 1

1 - دسته ای از مردم ، انفاقگر و اهل جود و تقوایند .

فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى

مراد از «إعطاء» - به قرینه مقابله با «بخل» (در آیات بعد) - انفاق مال و جود و کرم است.

13- پاداش سخاوت‌مندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 399

4- وجود زمینه بهره مندی از پاداش های نیکوی الهی ، برای سخاوتمندان و تقواییشان

من أعطی و اتقی . و صدق بالحسنى

14- تزکیه سخاوتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - اهل سخاوت و انفاق که با گذشت از ثروت خویش ، به تزکیه نفس می پردازند ، با تقواترین مردم اند .

الأتقی . الذی یؤتی ماله یتزکی

جمله «یتزکی» حال است و فعل «زکا»؛ یعنی، نمو کرد و صالح شد و نیز به خالص هر چیز و آنچه به منظور پاک کردن ثروت پرداخته می شود، زکات گفته می شود (قاموس). بنابراین باب تفعّل آن - که بر تکلف دلالت دارد، یا به معنای با زحمت خود را رشد دادن و شایسته ساختن است و یا مراد از آن پرداختن زکات مال با جدیت تمام است. برداشت یاد شده، ناظر به معنای اول است.

15- تقوای سخاوتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - اهل سخاوت و انفاق که با گذشت از ثروت خویش ، به تزکیه نفس می پردازند ، با تقواترین مردم اند .

الأتقی . الذی یؤتی ماله یتزکی

جمله «یتزکی» حال است و فعل «زکا»؛ یعنی، نمو کرد و صالح شد و نیز به خالص هر چیز و آنچه به منظور پاک کردن ثروت پرداخته می شود، زکات گفته می شود (قاموس). بنابراین باب تفعّل آن - که بر تکلف دلالت دارد، یا به معنای با زحمت خود را رشد دادن و شایسته ساختن است و یا مراد از آن پرداختن زکات مال با جدیت تمام است. برداشت یاد شده، ناظر به معنای اول است.

16- زمینه عمل صالح سخاوتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - خداوند، اهل سخاوت و تقوا و تصدیق‌کنندگان پاداش‌های موعود را، برای انجام دادن کارهای خیر، آماده و توانا می‌سازد.

فسنیسره لیسری

فعل «یسر»؛ یعنی، آسان ساخت (قاموس) و توفیق داد (صحاح). «یسری» وصف برای موصوف محذوفی از قبیل «الطریقه»، «الشریعه» و یا نظایر آن و به معنای سهل‌تر و آسان‌تر است. تغییر عبارت از «سنیسر له الیسری» به

ص: 400

«سنیّـره لیسری» بیانگر آن است که خداوند، وعده ایجاد تحولاتی را در درون شخص می دهد تا با سهولت، پذیرای آسان ترین شریعت ها گردد.

ص: 401

1- اغواپذیری سختدلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 53 - 1

1 - حکمت آزاد گذاشته شدن شیطان از سوی خداوند ، برای القای شبهات پیرامون آیات الهی ، این بود که افراد بیمار دل و قسی القلب گمراه شوند و گرفتار دام فتنه های شیطان گردند .

و ما أرسلنا من قبلك .. ألقى الشيطان في أمْنِيَّتِه ... ليَجْعَلَ ... و القاسية قلوبهم

«فتنه» برای بیان چند معنا به کار می رود: یکی از معانی آن - که در آیه فوق به همان معنا به کار رفته است - اضلال و گمراه کردن است. بنابراین معنای جمله فوق چنین می شود: «تا خدا آنچه را که شیطان القا می کند، برای کسانی که در دل هایشان بیماری است و نیز برای کسانی که سنگدل اند، مایه گمراهی قرار دهد». گفتنی است که از آیهء پیش دو مطلب استفاده می شود: 1- خداوند اجازه می داد تا شیطان در آیات وحی - که توسط پیامبران تلاوت می شد - القای شبهه کند. 2- خداوند شبهه های شیطان را محو می کرد و از چهره آیاتش می زدود. آیه مورد، بحث تعلیل برای مطلب اول است؛ یعنی، خداوند بدان جهت اذن می داد که شیطان در تلاوت آیات شبهه آفرینی کند تا آنها را مایه ضلالت و گمراهی بیمار دلان و سنگ دلان قرار دهد.

2- زمینه گمراهی سختدلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 53 - 1

1 - حکمت آزاد گذاشته شدن شیطان از سوی خداوند ، برای القای شبهات پیرامون آیات الهی ، این بود که افراد بیمار دل و قسی القلب گمراه شوند و گرفتار دام فتنه های شیطان گردند .

و ما أرسلنا من قبلك .. ألقى الشيطان في أمْنِيَّتِه ... ليَجْعَلَ ... و القاسية قلوبهم

«فتنه» برای بیان چند معنا به کار می رود: یکی از معانی آن - که در آیه فوق به همان معنا به کار رفته است - اضلال و گمراه کردن است. بنابراین معنای جمله فوق چنین می شود: «تا خدا آنچه را که شیطان القا می کند، برای کسانی که در دل هایشان بیماری است و نیز برای کسانی که سنگدل اند، مایه گمراهی قرار دهد». گفتنی است که از آیهء پیش دو مطلب استفاده می شود: 1- خداوند اجازه می داد تا شیطان در آیات وحی - که توسط پیامبران تلاوت می شد - القای شبهه کند. 2- خداوند شبهه های شیطان را محو می کرد و از چهره آیاتش می زدود. آیه مورد، بحث تعلیل برای مطلب اول است؛ یعنی، خداوند بدان جهت اذن می داد که شیطان در تلاوت آیات شبهه آفرینی کند تا آنها را مایه ضلالت و گمراهی بیمار دلان و

سنگ دلان قرار دهد.

3- ظلم سخرندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 53 - 4

4 - بیمار دلان و افراد سنگ دل ، مردمانی ظالم و بی دادگر

للذین فی قلوبهم مرض و القاسیه قلوبهم وإنّ الظلمین لفی شقاق بعید

مراد از «ستمگران» افراد بیمار دل و قسی القلب است و «شفاق» به معنای مخالفت و ستیزه جویی می باشد. «بعید» صفت «شفاق» و به معنای دور و دراز است؛ یعنی، این گروه ستمگر، در ستیز جویی دور و درازی با حق هستند؛ مقصود این که فاصله میان آنها و حق، چنان زیاد است که نباید هیچ گونه امیدی به دست برداشتن آنها از مخالفت و ستیزه جویی با آن داشت. در واقع، این توصیه ای است به پیامبر (صلی الله علیه و آله) که از آنها قطع امید کند و به ایمان آوردن آنان دل نبندد.

4- یأس از ایمان سخرندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 53 - 7

7 - توصیه خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مبنی بر این که از حق ستیزان بیمار دل و قسی القلب قطع امید کند و به ایمان آوردن آنان دل نبندد .

وإنّ الظلمین لفی شقاق بعید

ص: 403

1- آثار اجتناب از سختگیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 75 - 4

4 - صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا در ترک محرمات الهی چون اسراف و یا تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، عامل برخوردار شدن آنان از نعمت ها و درجات عالی بهشت

و الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا . . . و لایزنون . . . و الذین لایشهدون الزور . . . أول-

2- اهمیت اجتناب از سختگیری در زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 67 - 1,4

1 - بندگان خالص خدا در هزینه کردن اموالشان ، نه اسراف می کنند و نه به خود و خانواده خویش تنگ می گیرند .

و عباد الرحمن . . . و الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا

آنچه از ظاهر آیه شریفه و لغت به دست می آید، این است که واژه «انفاق» به معنای هزینه کردن و کاستن از اموال است؛ چه آن که این اموال برای زندگی شخصی و خانواده به مصرف برسد و چه به دیگران بخشش شود. گفتنی است «اسراف» (مصدر «یسرفوا») به معنای زیاده روی در مصرف اموال و «قتر» (مصدر «یقتروا») به معنای سخت گیری در مصرف است.

4 - تشویق خداوند به رعایت اعتدال و میانه روی و پرهیز از اسراف و سخت گیری در مصرف اموال برای زندگی شخصی و یا بخشش به دیگران

و الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلک قوامًا

3- اهمیت سختگیری بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 123 - 7

7 - نرمش نشان ندادن به کافران و قطع طمع آنان از تعرض و سلطه بر مؤمنان ، امری لازم و ضروری است .

قتلوا الذين يلونكم من الكفار و ليجدوا فيكم غلظه

ص: 404

4- پاداش اجتناب از سختگیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 76 - 2

2 - فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، ترس از قیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دعا ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، موجب ورود به بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت نیکوی آن

الذین یمشون علی الأرض هوناً.. و الذین لایشهدون الزور... أولئک یجزون الغرفه

5- سختگیری با مرتد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 74 - 26

26 - لزوم برخورد شدید با مرتد و گوینده کلمات کفرآمیز

و إن يتولوا يعذبهم الله عذاباً أليماً فى الدنيا

6- سختگیری بر دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 123 - 6

6 - لزوم به کارگیری شدت و خشم ، در جنگ با دشمنان کفرپیشه

قتلوا الذین یلونکم من الکفار و لیجدوا فیکم غلظه

7- سختگیری بر ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 88 - 8

8- برخورد شدید با ظالمان متجاوز و نرمش در برابر مؤمنان صالح ، روشی نیکو در نظام حکومتی و شیوه برگزیده ذوالقرنین در حکومت خویش بود .

أما من ظلم فسوف نعذبه... و أما من ءامن و عمل صالحاً

ذوالقرنین، پس از شنیدن وحی الهی که در برخورد با ساحل نشینان غرب، دوراه پیش روی او قرار داد: یکی تعذیب، و دیگری روش نیکو، شقّ دوم را انتخاب کرد و آن را چنین ترسیم کرد که ظالمان را عقوبت و مؤمنان را پاداش نیک خواهد داد.

ص: 405

8- سختگیری بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 73 - 4، 2، 1

1 - نبرد بی امان با کافران و منافقان ، و سخت گیری و عدم ترحم به آنان ، فرمان خدا به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

يَأَيُّهَا النَّبِيُّ جَهْدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ

2 - لزوم جهاد با کافران و منافقان و عدم مماشات با آنان

جهد الكفار . . . و اغلظ عليهم

4 - لزوم برخورد شدید و بدون ترحم ، با کافران و منافقان حق ستیز

و اغلظ عليهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 74 - 26

26 - لزوم برخورد شدید با مرتد و گوینده کلمات کفرآمیز

وإن يتولوا يعذبهم الله عذاباً أليماً في الدنيا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 123 - 6، 10

6 - لزوم به کارگیری شدت و خشم ، در جنگ با دشمنان کفرپیشه

قتلوا الذين يلونكم من الكفار وليجدوا فيكم غلظه

10 - جهاد با کافران و نرمش نداشتن در برابر آنان از جلوه های تقوا

قتلوا . . . و ليجدوا فيكم غلظه و اعلموا أن الله مع المتقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 9 - 2

2 - پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در نیمه دوم بعثت و به هنگام استقرار نظام اسلامی در مدینه، مأمور سختگیری و برخورد بدون مسامحه و گذشت با کافران و منافقان

جهد الکفار و المنفقین و اغلظ علیهم

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که نزول این دسته از آیات، در دورانی بوده است که نیمی از بعثت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) سپری شده و نظام اجتماعی اسلام در مدینه تشکیل یافته بود.

9- سختگیری بر مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 5 - 5

5 - کشتن، اسیر گرفتن، محاصره نمودن و کمین زدن، شیوه های بیان شده از سوی خداوند برای ایجاد فشار بر مشرکان

ص: 406

فإذا انسلخ الأشهر الحرم فاقتلوا المشركين حيث وجدتموهم . . . واقعدوا لهم كل مرصد

10- سخنگیری بر مطلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 6 - 17

17 - « عن أبي عبدالله (ع) قال : لا يضر الرجل امرأته إذا طلقها فيضيّق عليها حتى تنتقل قبل أن تنقضي عدتها ، فإن الله عز وجل قد نهى عن ذلك فقال : « ولا تضاروهنّ لتضيّقوا عليهنّ » ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: مرد نباید به همسر مطلقه خود ضرر برساند و او را [از نظر مسکن و نفقه] در مضیقه قرار دهد تا [مجبور شود] قبل از تمام شدن عدّه، از خانه شوهر به جای دیگر انتقال یابد؛ زیرا خداوند از این کار نهی کرده و فرموده است: و لا تضاروهنّ لتضيّقوا عليهنّ».

11- سخنگیری بر منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 73 - 1,2,4

1 - نبرد بی امان با کافران و منافقان ، و سخت گیری و عدم ترحم به آنان ، فرمان خدا به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

يأيتها النبي جهد الكفار والمنفقين و اغلظ عليهم

2 - لزوم جهاد با کافران و منافقان و عدم ممانعت با آنان

جهد الكفار . . . و اغلظ عليهم

4 - لزوم برخورد شدید و بدون ترحم ، با کافران و منافقان حق ستیز

و اغلظ عليهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 9 - 2

2 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در نیمه دوم بعثت و به هنگام استقرار نظام اسلامی در مدینه ، مأمور سختگیری و برخورد بدون

مسامحه و گذشت با کافران و منافقان

جهد الكفار و المنفقين و اغلظ عليهم

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که نزول این دسته از آیات، در دورانی بوده است که نیمی از بعثت رسول خدا(صلی الله علیه و آله) سپری شده و نظام اجتماعی اسلام در مدینه تشکیل یافته بود.

12- سخنگیری برکافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 407

7 - گرفتار ساختن کافران به عذاب جهنم و عذاب های سوزان تر از آن ، جلوه سخت گرفتن خداوند و هجوم ضربتی او است .

فلهم عذاب جهنم و لهم عذاب الحریق . . . إن بطش ربك لشديد

حرف «اِنَّ» ، برای بیان علت است و دلیل دچار کردن کافران به عذاب را بیان می کند.

13- سختگیری فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 113 - 9

9 - فرعون دارای طبعی خسیس و سختگیر در اعطای مال و منال به خدمتگزاران خویش

قالوا إن لنا لأجرًا إن كنا نحن الغلبيين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 41 - 2

2 - فرعون ، دارای طبعی خسیس و سخت گیر در اعطای مال و منال به خدمتگذاران و حامیان خود

قالوا لفرعون أتت لنا لأجرًا إن كنا نحن الغلبيين

شرط ساحران مبنی بر دریافت مزد و پاداش از فرعون، در مقابل دفاع از او، می تواند به خاطر مشاهده روح خست و تنگ نظری در وجود وی باشد.

14- سختگیری نگهبانان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 6 - 13، 11

11 - فرشتگان نگهبان و گماشته بر دوزخ ، درشتخوی و سختگیراند .

عليها ملئكة غلاظ شداد

13 - برخورد خشن و سختگیرانه نگهبانان دوزخ ، به فرمان الهی بوده و هرگز از آن نمی کاهند و یا متوقف نمی شوند .

عليها ملئكة غلاظ شداد لا يعصون الله ما أمرهم و يفعلون ما يؤمرون

یادآوری عصمت و فرمانبری فرشتگان - پس از ذکر برخورد خشن و سختگیرانه آنان با دوزخیان - می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

15- فلسفه سختگیری بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 12 - 5

5- سخت گیری بر کافران ، مقتضای ربوبیت خداوند و در جهت پیشبرد اهداف رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) است .

رَبِّكَ

ص: 408

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

